

گاهنامه چندزبانه کمپین مردمی حمایت از زاگرس مهربان

سال دوم

شماره ۶

خرداد ۱۴۰۱

لبوط





بلوط

امیدوارانه به سوی بیشه نور

سال جدید برای جنبش محیط زیستی ایران از بدو شروع سال پر چالشی بود شروع عملیات اجرایی پتروشیمی میانکاله، پمپاژ آب از طریق تونل سوم کوهرنگ، مرگ یوزهای ایرانی پس از ایجاد فضای پر امید ناشی از به دنیا آمدن سه توله یوز، آشکار شدن نقش دستگاه های مسئول در استان چهارمحال بختیاری در تسهیل در اجرای پروژه های انتقال آب و اخیرا هم انتشار آگهی مناقصه انتقال آب رودخانه ونک به رفسنجان. این خبرها در کنار برخی تحولات سیاسی و اقتصادی که منجر به بروز برخی درگیری ها در جغرافیای زاگرس مهربان شد در کنار حجم بالای فعالیت های میدانی اعضای کمپین باعث شد در وعده انتشار نشریه بلوط در ۲۸ فروردین روز چهارمحال بختیاری و روز جهانی مخالفت با انتقال آب وقفه ایجاد شود. اما واقعیت این است که با وجود فضای دلسرد کننده و حوادث سهمگینی که بر جامعه تحمیل شد وجود برنامه های روشن برای مبارزات محیط زیستی باعث نشد که جنبش محیط زیستی به صورت عام و اعضای کمپین مردمی حمایت از زاگرس مهربان به صورت خاص نسبت به وقایع هیجانی یا انفعالی عمل کنند. خلق نشان اپوش با همکاری مطرح ترین تشکل های محیط زیستی کشور به منظور معرفی تخریب گران طبیعت و ناقضان اصل ۵۰ قانون اساسی، پیگیری برای جلوگیری از تخصیص بودجه به پروژه های فاقد مجوز، مشروط کردن تخصیص بودجه به پروژه هایی که به صورت مشروط مجوز محیط زیستی گرفته اند از جمله دستاوردهای جنبش محیط زیستی و کمپین مردمی حمایت از زاگرس مهربان است که در میانه راه اعتراضات زاگرس و فاجعه سقوط برج های دو قلوی متروپل آبادان امیدمان را به تغییر دو چندان کرده است. از جمله اقدامات در حال اجرا و برنامه ریزی آماده شدن ترجمه کتاب "اقتصاد سیاسی فرسایش خاک در کشورهای در حال توسعه" اثر پیرز بلیکی و ارائه آن به انتشارات طرف قرار داد برای دریافت مجوزهای قانونی نشر است. برگزاری جلسات راهبردی هفتگی و برگزاری کلاس های قانون خوانی قوانین مرتبط با حوزه محیط زیست از برنامه های ماه های آینده کمپین مردمی حمایت از زاگرس مهربان است. استمرار برنامه های ماهانه حضوری جشن چای که اولین برنامه آن با حضور آقای و هنرنمایی خانم ها و آقایان نیلوفر نظری، آرش براتی و رضا قادری برگزار شد از جمله اقدامات دیگری است که بنا داریم به استمرار آن بپردازیم. مذاکره در رابطه با ساختار فرایندهای اپوش و انتخاب داوران و فراکسیون محیط زیست مجلس در خصوص چگونگی مداخله گری این فراکسیون در رابطه با اعطای نشان اپوش از جمله برنامه های کمپین به شمار می رود. برنامه ریزی برای ارائه نظرات مشورتی در خصوص برنامه هفتم توسعه به دولت، مجلس و مجمع تشخیص مصلحت نظام که برنامه ریزی های آن در ماه گذشته اتفاق افتاد نیز از جمله برنامه های راهبردی است که با کمک تشکل های محیط زیستی در حال انجام است. نکته دیگر که باید به آن اشاره شود آن است که آب منطقه ایی اصفهان پس از کش و قوس های فراوان پاسخ کارشناس رسمی دادگستری در خصوص پروژه کوهرنگ سه را به شعبه سه بازپرسی ارائه داده است که متأسفانه شعبه از ارائه مستندات برای بررسی بیشتر خود داری کرده است و صرفاً در حد رونوشت برداری از پاسخ توانسته ایم به پرونده دست پیدا کنیم که انشاءالله این موضوع نیز از جمله مواردی است که در ماه آینده پیگیری خواهد شد. در پایان از همه تشکل های محیط زیستی تقاضا داریم با ارائه مستندات خود در رابطه با نادیده انگاری اصل ۵۰ قانون اساسی گزارش های خود را به دبیرخانه اجرایی اپوش ارائه دهند.

بلوط



گاهنامه چندزبانه کمپین مردمی
حمایت از زاگرس مهربان
(صدای پای آب)
سال دوم، شماره ۶، خرداد ۱۴۰۱

همکاران این شماره: آقایان محمدالباجی، غلامرضا مهرآموز، آرش مهربان و خانم های دافرخ، سوسن نواده

طرح روی جلد اشاره دارد به تبعات اجتماعی، فرهنگی و امنیتی خشکی چشمه کوهرنگ در سرشاخه دو رود تمدن ساز کارون و زاینده رود و نواختن ساز چپ بر بالین چشمه خشک کوهرنگ، ساز چپ در فرهنگ بختیاری در هنگام عزاداری و مرگ عزیزان نواخته می شود. خشکی چشمه کوهرنگ به عنوان تامین کننده اصلی آب زاینده رود و کارون باعث بهت و غم مردم خوزستان و اصفهان شد. در طراحی روی جلد نگاره ای نیز از جاوید نام محسن محمدپوریکی از شهدای اعتراضات آبان ۹۸ در خرمشهر اشاره شده است. با تشکر از ناوله عزیز بخاطر خلق این اثر ارزشمند

- ۲ امیدوارانه به سوی بیشه نور
- ۳ واکنش فراگیر تشکل های محیط زیستی کشور علیه اصلاح آمرانه قانون توزیع عادلانه آب
- ۴ نگاهی جامعه شناسانه به چیستی و چرایی جنبش های محیط زیستی و بنیان های آن
- ۸ واکاوی دلایل عدم موفقیت طرح های مشمول ارزیابی در تحقق اهداف محیط زیست
- ۱۰ طرح های انتقال آب «ویار ملوکانه» تا سلوک سبزگرانه زنان
- ۱۲ انتقال آب بین حوضه ای؛ خودخوری سیستماتیک
- ۱۴ به کجا چنین جهادان
- ۱۷ چرا نمی توان به «سیاست گذار خوب» دل بست؟
- ۱۸ با «شغل» سدسازی مخالفیم!
- ۲۰ روایت هورالعظیم از نگاه بومیان آن
- ۲۲ بررسی اجمالی چند مورد
- ۲۴ تبعات محیط زیستی انتقال آب های سطحی در استان البرز
- ۲۵ نقدی بر انتقال آب هلیل رود به کرمان
- ۲۶ آب های زیرزمینی: نمایان ساختن ناپیداهای
- ۳۰ زوال روستاها نتیجه فقدان سیاست اجتماعی
- ۳۳ اخبار محیط زیستی ایران

مطالب منتشره الزاما مواضع کمپین مردمی حمایت از زاگرس مهربان نیست
بلوط را در کانال مجله تلگرامی صدای پای آب به آدرس [sedayepayeab1](https://t.me/sedayepayeab) و سایت www.watermag.ir دنبال کنید

واکنش فراگیر تشکل های محیط زیستی کشور علیه اصلاح آمرانه قانون توزیع عادلانه آب



شبکه تشکلهای مردم نهاد
محیط زیست و منابع طبیعی کشور
Iran NGOs Network Of Environment & Natural Resources

به دنبال انتشار متنی از سوی مرکز پژوهش های مجلس در خصوص اصلاح قانون توزیع عادلانه آب واکنش فراگیری از سوی تشکل های محیط زیستی سراسر کشور علیه رویه هایی که ذی نفعان را از فرایند های تصمیم گیری و تصمیم سازی حذف می کند شکل گرفت؛ شورای هماهنگی شبکه تشکل های محیط زیستی و منابع طبیعی کشور نیز طی نامه سرگشاده خطاب به رئیس مجلس شورای اسلامی با نقد این روند دیدگاه های خود را در رابطه با اصلاحیه قانون توزیع آب منتشر کرد که متن کامل آن در پی می آید:

آقای دکتر قالیباف

رئیس محترم مجلس شورای اسلامی

موضوع: نقد متن اصلاح قانون توزیع عادلانه آب و اعتراض به فرایند تهیه و تدوین اصلاحیه توسط مرکز پژوهش های مجلس شورای اسلامی

با سلام و آرزوی قبولی طاعات و عبادات؛ احتراماً ضمن تبریک عید سعید فطر، به استحضار می رساند، در روزهای گذشته، متنی با عنوان «اصلاح قانون توزیع عادلانه آب» از سوی مرکز محترم پژوهش های مجلس، به کمیسیون آب و کشاورزی مجلس ارسال شده است که شوربختانه نه تنها در تدوین آن، هیچیک از ذینفعان، حاضر نبوده اند بلکه عمدتاً از تدوین چنین متنی حتی آگاهی اولیه هم نداشته اند. و این در حالی است که طبق اعلام آن مرکز، طی ۱۵ جلسه و بیش از ۳۵۰ ساعت کار کارشناسی، چنین متن و محتوایی تنظیم و تدوین شده است؛

حضرت تعالی و نمایندگان محترم مستحضر هستید که این اولین تلاش برای تغییر قانون توزیع عادلانه آب نبوده و نیست. در ده سال گذشته نهادهای مختلفی از جمله وزارت نیرو، شرکت مدیریت منابع آب ایران، وزارت جهاد کشاورزی، مرکز پژوهش های مجلس و ... به اصلاح مواد قانون توزیع عادلانه آب یا تدوین لوایحی جدید با عنوان قانون آب، برای جایگزینی با قانون توزیع عادلانه آب مصوب ۱۳۶۱ پرداخته اند که همه این تلاشها به دلایل گوناگونی، به جمع بندی نرسیده یا در میانه راه رها شده و یا در کمیسیون های دولت و مجلس متوقف مانده اند؛

شبکه تشکلهای مردم نهاد محیط زیستی و منابع طبیعی کشور، در این مقال، بدون ورود به جزئیات محتوای اصلاحیه اخیر، که در جای خود، قابل ارائه به کارشناسان محترم مرکز پژوهش ها و سایر دست اندکاران است، به دلایل ذیل، اکثریت غریب به اتفاق این تلاشها را به صورت بنیادین، غیرقابل قبول و بی نتیجه و دارای اشکال می داند:

- مشخص نشده هر یک از نهادهای تدوین کننده، چه هدفی را از تغییر قانون آب دنبال می کنند.

- آسیب شناسی فرایندهای جاری مدیریت منابع آب صورت نگرفته است و بررسی نشده آیا تدوین مواد جدیدی از قانون، جایگاهی در بین راهکارها دارد یا خیر. به عبارت دیگر، تحلیلی صورت نگرفته که کدام یک از مشکلات

به دلایل فوق، شبکه تشکلهای مردم نهاد محیط زیستی و منابع طبیعی کشور، تنها در صورتی فرایند اصلاح قانون توزیع عادلانه آب را به رسمیت می شناسد که مجموعه اقدامات ذیل، به صورت کامل اجرا شوند:

- طی مطالعات عمیق و بلندمدت با مشارکت همه ذینفعان، تک تک فرایندهای معیوب مدیریت منابع آب، تحلیل و ریشه یابی شده و تدوین هرگونه مواد اصلاحی، تنها در صورت لزوم و بعد از انجام چنین مطالعات گسترده و عمیق مشارکتی، صورت پذیرد.

- در بسیاری از موارد، مدیریت پایدار منابع آب با استفاده از ظرفیتهای قوانین و برنامه های موجود، امکان پذیر است. ابتدا لازم است آسیب شناسی صورت گیرد که چرا این قوانین، دستورالعمل ها و برنامه های موجود، در بسیاری موارد قابل اجرا نبوده اند و چگونه می توان آنها را اجرایی کرد یا اصلاحاتی در آنها اعمال کرد؟

- به جای اولویت دادن به اصلاح قانون توزیع عادلانه آب یا تدوین قانون جدید آب و تکرار دستورات کلی و غیرقابل اجرا، بر آسیب شناسی عمیق و اصلاح بلندمدت فرایندهای معیوبی تمرکز شود که وضعیت نابسامان اضافه برداشت ها از آبهای سطحی و زیرزمینی و تخصیص و توزیع ناپایدار، ناشفاف و غیرمشارکتی منابع آب را رقم زده اند.

- و مهمتر از همه، تمامی مراحل مطالعات و تصمیم گیری برای تدوین هرگونه برنامه و مواد جدید قانونی برای مدیریت منابع آب، با مشارکت عمیق و گسترده عموم و ذینفعان، از جمله تشکلهای محیط زیستی، سازمانهای مردم نهاد محلی و تشکلهای کشاورزی صورت گیرد و تمامی مراحل به صورت شفاف در معرض قضاوت و مشارکت عموم قرار گیرد.

- همچنین سپاسگزار خواهیم شد دستور فرمایید مستندات برگزاری ۱۵ جلسه هم اندیشی و ۳۵۰ ساعت کار کارشناسی جهت تدوین این اصلاحیه، در چارچوب تحقق شفافیت حداکثری و امکان استفاده و بهره برداری ذینفعان، در اختیار عموم قرار گیرد.

در همین روزها و در آستانه تابستان خشک ۱۴۰۱، در شرایطی که اکثر کالانشهرها و شهرهای کشور در دشت های ممنوعه و حتی بحرانی قرار گرفته اند و حتی استحصال فعلی از چاه های مجوزدار وضعیت آنها را بحرانی تر می کند، حفر چاه های جدید توسط وزارت نیرو عملیاتی شده است؛ راه حلی ساده و دم دستی برای تامین آب شرب که البته به وخیم تر شدن وضعیت آبخوان ها و فرونشست زمین و به خالی کردن زیربای میلیون ها نفر دامن می زند. این درحالی است که قوانین و مصوبات موجود نیز اجازه چنین بازگزاری جدید و بی ضابطه ای بر دشتهای ممنوعه، خصوصاً از سوی نهاد متولی حفاظت از منابع آب را نمی دهد. لازم است به جای تنظیم مکرر پیش نویس هایی غیراصولی برای بازبینی قانون بخش آب، چنین چالش های جدی و عملی در مدیریت منابع آب، مورد توجه اساسی قرار گیرند.

با احترام دوباره

شورای هماهنگی شبکه تشکل های مردم نهاد محیط زیست و منابع طبیعی کشور

مدیریت آب کشور به علت فقدان قوانین کافی بوده و مواد جدید قانون قرار است چه مشکلاتی را و از چه شیوه هایی حل کنند؟

- در جهت حفاظت از منابع آب، از ظرفیتهای قوانین موجود به درستی استفاده نشده است. با این حال، بررسی ای صورت نگرفته است که چرا قوانین موجود به درستی اجرا نشده اند و چگونه تصویب قوانین جدید، ممکن است مشکلی را حل کند؟ به عنوان مثال، قانون حفاظت، احیاء و مدیریت تالاب های کشور مصوب ۱۳۹۶/۲/۴، قانون انتشار و دسترسی آزاد به اطلاعات مصوب ۱۳۸۷/۱/۱۶ که قوانین بسیار پیشرویی هستند و همچنین طرح تعادل بخشی که سالهاست مصوب شده است، هیچگاه به درستی امکان اجرایی شدن نیافته اند. سوال آن است که چرا به جای وضع قوانین جدید، آسیب شناسی از فرایندهای فعلی صورت نمی گیرد تا علل اجرا نشدن قوانین و دستورالعمل ها تحلیل شود و به این علل پرداخته شود؟

- اکثر قریب به اتفاق ویرایش های اصلاحی قانون آب، توسط جمعی از کارشناسان و مشاوران نهادهای و بدون مشارکت و حتی آگاهی اولیه عموم و ذینفعان اصلی نوشته شده اند. این فرایندهای غیرمشارکتی، اغلب منجر به تدوین موادی مغایر با اهداف حفاظتی یا اجتماعی مدیریت منابع آب، موادی نامتناسب با واقعیات موجود و غیرقابل اجرا شده اند.

(تنها در تدوین «لایحه پیشنهادی قانون آب، فروردین ۱۴۰۰» توسط دفتر برنامه ریزی کلان آب و آبفا در وزارت نیرو، طی جلسات متعدد و نظرخواهی ها، تلاشی برای مشارکت ذینفعان از دی تا اسفند ۱۳۹۹ صورت گرفت که حتی برای تغییر یک ماده از قانون، چنین مشارکتی را کاملاً محدود و ناکافی می دانیم).

- وزارت نیرو، وزارت جهاد کشاورزی، کمیسیون آب و کشاورزی مجلس و غیره، هر یک، بخشی از بهره برداران و ذینفعان نهادهای منابع آب به شمار می روند. سپردن تدوین پیش نویس قانون آب به هر یک از این نهادها، بدون حضور سایرین، آنگونه که در پیش نویس های متعدد مشهود است، مغایر با اهداف حفاظتی و مشارکتی مدیریت منابع آب است. بررسی و تحلیل بسیاری از متون تدوین شده تاکنون نشان می دهد که این تغییرات نه تنها به مسائل اصلی مدیریت منابع آب کشور نپرداخته اند بلکه به محلی برای رقابت نهادها برای گنجاندن منافع نهادی بدل شده اند.



نگاهی جامعه‌شناختی به چستی و چرایی جنبش‌های محیط زیستی و بنیان‌های آن



معصومه اشتیاقی
دکترای جامعه‌شناسی و پژوهشگر
اجتماعی محیط زیست

شهرنشینی و صنعتی شدن به تدریج بخش‌های زیادی از جمعیت جامعه را از تماس کاری روزانه با محیط طبیعی جدا ساخت. تغییرات محیط پیرامون باعث نگرش‌ها و حساسیت‌های مدرن در جامعه شد. نگرش‌هایی که بیشتر به محیط زیست توجه داشته و زمینه حمایتی برای دفاع سازمان‌یافته از محیط‌های طبیعی را فراهم ساخت. گروه‌های اجتماعی مختلف نسبت به آسیب‌های محیط زیستی هوشیار شده که همین امر سطح مشارکت مردمی مدافع محیط زیست را افزایش داد. افزایش جمعیت، رواج مصرف گرای، تولیدات شیمیایی آلوده بهره‌کشی مخرب از محیط زیست و منابع طبیعی از جمله مواردی است که زمینه آسیب‌های محیط زیست شد. نگاهی بر وضعیت محیط‌زیست جهان در دهه‌های اخیر حاکی از تشدید تأثیرات مخرب انسانی بر جهان بیوفیزیکی است. تنزل محیط زیستی شامل آلودگی شدید جو، کاهش تنوع زیستی، پارگی لایه اوزون، پدیده گلخانه‌ای و گرم شدن کره زمین، افزایش سطح آب اقیانوسها، تغییرات شدید اقلیمی و مسائلی از این دست است که نتیجه خودبهبودی فرایندهای اجتماعی ناشی از صنعتی شدن جوامع است.

در طول چند دهه اخیر جنبش‌ها بسیار متنوع در جهان شکل گرفت و در حال حاضر شامل احزاب سیاسی سبز و نیز سازمان‌هایی نظیر صلح سبز و دوستان زمین است. این NGOهای محیط زیستی عمدتاً در دو بعد فعالیت می‌کنند: از طرفی گروه‌های فشار و از طرف دیگر به مثابه عامل مکمل دولت در فرایند یافتن راه حل مسائل به شمار می‌روند. نکته مهم‌تر در سطح بین‌المللی آن که مشارکت سازمان‌های غیردولتی در امور مربوط به توسعه و محیط زیست ملی و جهانی امری پذیرش شده و متداول در عرصه سازمان‌های بین‌المللی است. بسیاری از صاحب‌نظران بر این نظرند که در قرن بیست و یکم بدون مشارکت سه پایه اصلی: دولت (حاکمیت)، بخش خصوصی و جامعه مدنی اداره جوامع و کشورها ناممکن خواهد بود.

از دهه ۱۹۷۰ منازعات مرتبط با موضوع‌های محیط زیستی یکی از مهم‌ترین سرفصل‌های عمل جمعی در کشورها است. جنبش‌های محیط زیستی اغلب انعکاس دهنده علاقه مشترک به خیرهای عمومی است. در فصل ۲۷ از برنامه کار ۲۱؛ منشوری برای آینده درباره سازمان‌های غیر دولتی این گونه آمده است که، «از لحاظ تاریخی اعتبار تأسیس ارگان‌های حفاظت از محیط زیست در زمره سازمان‌های رسمی دولتی، باید به دموکراسی مشارکت جویانه‌ای داده شود که مجدانه از سوی سازمان‌های غیر دولتی نهضت جهانی محیط زیست تبلیغ می‌شود.

به موازات فرایند تقویت سازمان‌های غیردولتی، حفاظت از محیط‌زیست در کشورها نیز جدی‌تر دیده می‌شود. آگاهی عمیق‌تر از مسائل اقتصادی و سیاسی توسعه نیافتگی مسلمان بر توان بشردوستانه این سازمان‌ها که عمدتاً از نیروی جوان تشکیل می‌شود خواهد افزود. دستور کار ۲۱ تأکید دارد که دولت‌ها، گریزناپذیری این امر را بپذیرند و بطور سازنده‌ای با این اپوزیسیون جدید کار کنند، حتی اگر در لحظاتی شدت عمل مشتاقانه این اپوزیسیون توهماتی نسبت به تبعیت آن از سیاست‌های دولتی ایجاد کند. هزینه اجرا: «... قابل ملاحظه است، ولی میزان آن را بطور قابل اطمینانی نمی‌توان تخمین زد.»

ضرورت نیاز به جنبش‌های محیط زیستی از منظر نیاز اجتماعی

مارکوزه معتقد است «تفکر و عمل باید تغییر یابد، تغییر دیدگاه کمی و مصرف‌گرا به زیبایی‌شناختی مبنای این دگرگونی است. از دید مارکوزه جنبش محیط زیستی جریان‌رهای بخش و وابسته به حیات جامعه است. سازمان‌های غیردولتی نه تنها گروه‌های فشار هستند، بلکه هم‌چنین در سازماندهی اطلاعات علمی و ارائه آن‌ها به تصمیم‌گیران و مردم نقش اساسی بازی می‌کنند. سازماندهی یک فرایند اجتماعی است. برآورده کردن نیازهای جامعه بدون مشارکت اجزای جامعه و بسیج جمعی آن‌ها ناممکن و ناقص است. تغییرات اجتماعی با اقدام جمعی امکان می‌یابد. قدرت این اقدامات منوط به سازماندهی و شکل‌یافتگی است. فعالیت یک گروه کاری برای دستیابی به اهداف مشترک می‌تواند از هر تلاش انفرادی بیشتر به موفقیت دست یابد. سازماندهی اجتماعی با کمک تشکلهای محیط‌زیستی ایزاری قدرتمند است که می‌تواند توسط شهروندان آگاه و

نخبه برای ایجاد تغییرات و مطالبه‌گری صحیح به نفع جامعه و حفظ محیط زیست و منابع طبیعی استفاده شود. شکل‌گیری شبکه اطلاعاتی و فرایند مشارکتی در بدنه تشکلهای زیست محیطی امکان رصد مشکلات و به صدا درآوردن آژیر خطر را دارد. و در ادامه زمینه اقدام جمعی مشترک را با بسیج عمومی فراهم می‌سازد.

به عنوان مثال، شکل‌گیری هیات بین دولتی تغییرات آب و هوا نتیجه دو کارگاهی است که در اواخر دهه ۱۹۸۰ توسط سازمان‌های غیردولتی محیط زیستی برگزار شد. با توجه به تغییرات شدید آب و هوایی، این سازمان‌های غیر وابسته به دولت به صورت‌های مختلف درگیر تعیین سیاست‌های مواجهه با تغییرات آب و هوایی شدند و به مثابه اهرم فشار سعی در تغییر سیاست‌ها و اقدامات ضد محیط زیست عمل کردند.

در کل، سازمان‌های غیردولتی، شرکت‌ها و دولت‌ها تا حدی منافع متفاوتی دارند که نه می‌توان و نه باید آن‌ها را از بین برد. همه آن‌ها تا حدودی گروه دینفع با دستور کار خاص هستند که هیچ وقت با منافع عمومی تطبیق ندارند. با این حال، تا زمانی که آن‌ها همکاری‌های موثر و فعالی ایجاد نکنند، پیشرفت چندانی صورت نخواهد گرفت. سازمان‌های غیردولتی نه تنها اعتبار اخلاقی دارند، بلکه منبع دانش، تجربه، مهارت و آگاهی زیست محیطی هستند که در بیشتر مواقع دولت و بخش خصوصی فاقد آن هستند.(۱)

تاریخچه جنبش‌های محیط زیستی در جهان

جنبش زیست محیطی تاریخی بسیار طولانی به لحاظ فعالیت جمعی دارد که آغاز آن به اواسط قرن نوزدهم مربوط است. جنبش اولیه محیط زیست‌گرایی از منابع و دغدغه‌های مختلفی شکل گرفت. شهرهای بزرگ دارای مراکز صنعت و تجارت و در عین حال انواع و اقسام مشکلات زیست محیطی بودند، از جمله: دود کارخانه و مه دود شهر، رودخانه‌های آلوده و هوای آلوده، خیابان‌های کثیف و بهداشت نامناسب. بسیاری از این مشکلات بر ثروتمندان نیز همانند فقرا تأثیر گذاشت که همین موجب شد تا بسیاری از سازمان‌های محیط زیستی نوپا، با منابع مالی و تعهدات سیاسی نخبگان جامعه ایجاد شود که نفوذ آن‌ها به احزاب سیاسی و دواير دولتی نیز کشیده شد. کار بشر دوستانه طبقه متوسط سبب



شد اصلاح طلبان در جریان مسائل فقرای شهری و مشکلات بهداشتی شان قرار گیرند. مشکلاتی که تا حدودی نتیجه زندگی جدیدی تلقی می شد که از محیط طبیعی سلامتی بخش دور افتاده بود. (۲) در فرانسه، انجمن حفاظت از طبیعت در سال ۱۸۵۴ تاسیس شد که به طور منطقی می تواند ادعا کند اولین گروه «زیست محیطی» است. یک دهه بعد انجمن حفاظت از پارک های انگلیس شکل گرفت و در ایالات متحده، باشگاه سیئرا در سال ۱۸۹۲ تاسیس شد. باشگاه سیئرا تمامی شاخه های اصلی محیط زیست گرای اصلاح طلب را در بر می گرفت. این باشگاه به دنبال حفاظت از محیط های طبیعی در سلسله کوه های سیئرا نوادا بود که بخشی از زیبایی میراث منطقه محسوب می شد و سطح بحث را برای ایجاد سلسله پارک های ملی بالا برد. نهایتاً، این باشگاه درک علمی ای از ناحیه طبیعی را ترویج داد که مردم را مطلع می ساخت و آموزش می داد. این سه زمینه اصلی برای حفاظت از محیط طبیعی یعنی دسترسی عمومی، درک زیبایی شناختی و شناخت علمی؛ عوامل انگیزشی اصلی بودند که افراد بیشتری را وارد جنبش محیط زیستی گسترده تر کردند. جنبش های محیط زیستی همچنین با توجه به زمینه ملی ویژگی های متفاوتی یافتند. (۳)

گیدنز جامعه شناس معتقد است که جنبش مدرن طرفداران محیط زیست در آلمان دهه ۱۹۷۰ ریشه دارد. اصطلاح «سبز» به معنای سیاسی کلمه در آلمان وضع شد و در همان کشور بود که حزب سبز اولین بار در انتخابات پیروز شد. از آن پس، گروه جنبش سبز به جنبش جهانی تبدیل شد: اولین گردهمایی جهانی آن دقیقاً قبل از کنفرانس سازمان ملل در سال ۱۹۹۲ در شهر ریو برگزار شد. انجمن «شبکه جهانی سبز» از ۸۰ کشور مختلف نماینده حزبی دارد. در میان نظرات متنوعی که احزاب سبز ارائه کرده اند، رشته های مشترکی وجود دارد که آن ها را به هم پیوند می زند. این شبکه مجموعه ای اصولی را فهرست می کند که «مشخص می کنند مقصود از عضو سبز بودن در هزاره جدید چیست». این مجموعه شامل چهار اصل است که ابتدا گروه سبزهای آلمان دو دهه پیش آن ها را مطرح کردند. یعنی «خرد بوم شناختی» (تعادل یا هماهنگی بوم شناختی)، عدالت اجتماعی، دموکراسی مشارکتی و عدم خشونت و دو مورد دیگر که بعدها به آن اصول اضافه شد: پایداری و احترام به تنوع. (۴)

نوع متفاوتی از محیط زیست گرایی در اوایل دهه ۱۹۷۰، ظاهر شد و دهه ۱۹۸۰ همزمان با دوره رشد سریع عضویت و شکل گیری گروه های جدید بود. می توان گفت که در این دوره، برای اولین بار یک جنبش محیط زیستی ناب توده ای در حال ظهور بود. این دوره را مطلعان «محیط زیست گرایی جدید»، قلمداد کرده اند که جزئی

از مجموعه ای است که جامعه شناسان آن را «جنبش های اجتماعی جدید» نامیده اند. مبارزات علیه جنگ ویتنام، جنبش های دانشجویی در اروپا و ایالات متحده آمریکا و جنبش معلولان و.. در این زمره جای می گرفتند. به نظر می رسد جنبش های اجتماعی جدید از جنبه های مهم با پیشگامان تاریخی شان تفاوت داشته باشند. فرق عمده محیط زیست گرایی جدید در این بود که وعده داد هم کشورهای صنعتی نیکمره شمالی و هم کشورهای در حال توسعه نیکمره جنوبی را در بر گیرد (ساتن، ۱۳۹۳: ۱۷۳).

تاریخچه جنبش های زیست محیطی در ایران

اولین سازمان غیردولتی زیست محیطی در ایران گروه روستاییان اشکذر یزد بود که در سال ۱۳۴۹ با هدف تثبیت شن های روان و بیان -زدایی فعالیت خود را آغاز نمود. تشکل غیردولتی زیست محیطی بعدی، انجمن حمایت از حیوانات بود که اواسط دهه ۱۳۵۰ تشکل شد اگر چه، در سال های بعد از انقلاب منحل شد. در سال های آغازین پس از انقلاب تا پس از جنگ روند تقریباً ساکن بوده است. تا این که بعد از اجلاس ریو و به تبعیت از جنبش جهانی محیط زیست، سایر سازمان های غیردولتی زیست محیطی در ایران اوایل دهه ۷۰ شکل گرفته و به تدریج تا کنون در حال رشد و گسترش هستند. این سازمان ها نقش موثری در تسریع به اهداف حفاظت از محیط زیست، کاهش آلودگی و ترمیم خسارات زیست محیطی دارند. آن چه در بدنه شکل های تشکل های زیست محیطی مردم نهاد در ایران به مثابه اصل حرکت در آمدن این شکل از فعالیت ها گردیده است انگیزه رفع نیاز مشترک جامعه محلی در مواجه با پیامدهای تخریب عناصر طبیعت بوده است. (۵)

نگاهی به چیستی سازمان های غیر دولتی محیط زیستی

ساختار یک سازمان غیردولتی در بردارنده

عناصر تشکیل دهنده آن سازمان و روابط حاکم بر آن ها است. ساختار سازمان های غیردولتی، بدین گونه دسته بندی شده اند: ۱- نهادهای موثر اجتماعی ۲- تشکیلات ۳- رهبریت گروه ۴- مدیریت ۵- هدف از تاسیس ۶- رسمیت یافتگی و پویایی گروهی ۷- اعضا ۸- منابع (توان اقتصادی). از جمله ویژگی های سازمان های غیر دولتی می توان به موارد زیر اشاره کرد:

۱- تقریباً تمام سازمان های غیردولتی متشکل از افرادی است که انگیزه بالایی برای فعالیت در جهت هدف خاص دارند.

۲- اعضا در سازمان های غیردولتی به طور داوطلبانه فعالیت می کنند.

۳- بیشتر سازمان های غیردولتی به دنبال سود به معنای کسب درآمد نیستند، به عبارت بهتر اکثر سازمان های غیردولتی غیرانتفاعی می باشند. ۴- غالباً این سازمان ها با توجه به اهداف ویژه ای تعریف می شوند.

در مجموع، انتظار می رود سازمان های غیردولتی محیط زیستی به تعقیب دو وظیفه اساسی بپردازند:

۱. تقویت جامعه مدنی به نحوی که باعث افزایش انسجام و اثربخشی آن در مواجه با نیازهای جامعه بشود و رهبران سیاسی و نظام اداری را وادار سازد تا در قبال مردم مسؤل و پاسخگو باشند.
۲. اصلاح سیاست ها و خط مشی های دولتی، به گونه ای که دولت مجبور شود نیازها و خواسته های بخش های ضعیف تر جامعه مدنی را به شکل مناسب تری تامین کند. (۶)

چرایی شکل گیری سازمان های غیر دولتی محیط زیستی

سازمان های غیردولتی محیط زیستی به عنوان نهادها و موسساتی کارآمد و مکمل بخش دولتی در تامین اهداف توسعه از جایگاه ویژه ای برخوردارند و در دستور کار ۲۱ که در اجلاس سران زمین در ریو به تصویب رسید از آنان به عنوان «شرکایی برای تحقق توسعه پایدار» نام



از این ضعف به عملکرد فعالین محیط زیست مربوط است. ارتباط‌گیری با جوامع محلی و همراه کردن آن‌ها در رخدادهای مختلف بخشی از کارکرد ماهیتی این تشکلهای است. در کنار این‌ها ضعف استراتژی و برنامه درباره اقدامات و فعالیت‌ها از دیگر چالش‌های درونی سازمان‌های غیردولتی محیط زیستی در کشور است که قدرت نفوذ و تاثیرگذاری سمن‌های محیط زیستی را به حداقل می‌رساند. یکی از نقاط ضعف عمده تشکلهای محیطی زیستی این است که در بخش پژوهشی فعالیت منسجم چندانی ندارند که همین امر قدرت سمن‌ها را در چانه‌زنی با دولت برای رد یا اثبات دلایل مخالفت با برنامه‌ها کاهش می‌دهد. در این میان، مهم‌ترین راهبرد پیشرو تشکلهای زیست محیطی آگاهی بخشی عمومی، شفاف‌سازی و مطالبه‌گری است. تقویت ظرفیت مشارکت‌جویی در همراه کردن شهروندان می‌تواند زمینه‌ای برای اقدامات و بسیج عمومی در مسائل و چالش‌های محیط زیستی فراهم نماید.

بحث و نتیجه‌گیری

هدف اصلی جنبش‌های محیط زیستی در سراسر دنیا دفاع از محیط زیست بوده است. نگاهی به مهم‌ترین جنبش‌ها مانند صلح سبز حاکی از آن است که سیاست مبارزه آگاهانه و جمعی با بسیج عمومی بر علیه تخریب منابع و از بین بردن گونه‌های زیستی می‌تواند از بسیاری چالش‌ها جلوگیری نماید و در مقابل توسعه ناپایدار مقاومت اصولی داشته باشد.

درباره جنبش‌های محیط زیستی ایران باید پیش از همه به ظرفیت تشکلهای محیط زیستی دقت کرد. فعالیت سازمان‌های غیردولتی محیط زیستی در ایران بسیار کم و در بیشتر مواقع با موانع پرشمار بیرونی و داخلی مواجه بوده است. تهدیدها و ضعف‌های پیرامون تشکلهای محیط زیستی باعث شد تا تشکلهای محیط زیستی در بزنگاه‌ها نتوانند اثربخشی لازم را داشته باشند.

غلبه نگاه سیاسی به فعالیت محیط زیست مساله‌ای است که به طور جدی به کاهش انگیزه و توان فعالین محیط زیست کشور می‌انجامد. در کنار آن به دلیل عدم عضوگیری حداکثری، این تشکلهای در بیشتر مواقع با چالش مالی و اقتصادی درگیرند که بر استقلال این سازمان‌های غیردولتی مردمی آسیب زنده است

اشکال در سطح سازمان‌ها و تشکلهای غیردولتی محیط زیستی بین المللی وارد است که کمترین تعامل، تبادل دانشی و انتقال تجارب مشترک را دارند.

از سوی دیگر قوانینی که به طور خاص مربوط به تشکلهای زیست محیطی باشد بسیار کم و تا حدی وجود ندارد. یکی از مهم‌ترین مشکلات این تشکلهای مربوط به شفاف نبودن وضعیت مالی و مالیاتی این تشکلهای است. در سطح همکاری با دولت، درک و شناخت دقیقی از تشکلهای محیط زیستی وجود ندارد که همین امر عملکرد تشکلهای محیط زیست را دچار آسیب می‌کنند. غلبه نگاه سیاسی به فعالیت محیط زیست مساله‌ای است که به طور جدی به کاهش انگیزه و توان فعالین محیط زیست کشور می‌انجامد. در کنار آن به دلیل عدم عضوگیری حداکثری، این تشکلهای در بیشتر مواقع با چالش مالی و اقتصادی درگیرند که بر استقلال این سازمان‌های غیردولتی مردمی آسیب زنده است.

در سطح جامعه نیز، میزان آشنایی شهروندان از تشکلهای و سازمان‌های غیردولتی محیط زیست پایین است که همین امر میزان همکاری با تشکلهای را کاهش می‌دهد. اگرچه بخشی

برده شده است. کوفی عنان دبیر کل سازمان ملل متحد «قرن بیست و یکم را عصر سازمان‌های غیردولتی نامیده است. مویو پنج نوع فعالیت سازمان‌های غیردولتی در ارتباط با دولت و میزان تاثیرگذاری آن‌ها را ذکر می‌کند: (۱) نمایندگی و وکالت، (۲) ورود در فعالیت‌ها، (۳) تکمیل برنامه‌ها و سیاست‌های دولتی، (۴) مقاومت منفعل در برابر برخی سیاست‌های دولتی، (۵) تضاد و مقابله با برنامه‌ها و فعالیت‌های دولتی. کلارک می‌گوید که سازمان‌های غیردولتی در ارتباط با دولت سه شیوه اثرگذاری دارند: (۱) اصلاح دولت، (۲) تکمیل فعالیت‌های دولت و (۳) مقابله با دولت. آلن توماس چهار شکل اثرگذاری سازمان‌های غیردولتی بر دولت و جامعه را تحت عنوان چهار C چنین بیان می‌کند:

۱. همکاری با دولت که شامل ورود در فعالیت‌ها و اصلاح و اعمال برخی سیاست‌هاست.
۲. مقابله یا رویارویی که مواردی نظیر تضاد و مخالفت با یک برنامه یا خط مشی سیاسی- اجتماعی را در برمی‌گیرد.
۳. فعالیت‌های تکمیلی، یعنی پر کردن خلایهای موجود در امر توسعه و انجام دادن برخی فعالیت‌ها که دولت توان و ظرفیت انجام دادن آن را نداشته است یا ندارد. نقش سازمان‌ها در اینجا در تکمیل اهداف و فعالیت‌های دولت است.
۴. افزایش سطح آگاهی‌ها، که مبارزه غیرمستقیم و عمومی از راه افزایش آگاهی مردم و اقشار جامعه با برخی فعالیت‌های اجرایی را شامل می‌شود. (۷)

نگاهی به وضعیت سازمان‌های غیردولتی محیط زیستی در ایران

فلسفه شکل‌گیری سازمان‌های غیردولتی محیط زیستی در ایران همانند همه جهان برآمده از دغدغه آگاهان و مطلعین به بحران‌های پیش روی محیط زیست کشور بوده است. نوپایی سازمان‌های غیردولتی محیط زیستی در کنار محدودیت ساختاری برای فعالیت‌های داوطلبانه محیط زیستی موجب شد تا برخی موانع و چالش‌ها متوجه این تشکلهای باشد. البته نباید از ضعف‌ها و کاستی‌های درونی این تشکلهای غافل شد. به لحاظ موانع درونی می‌توان به اشکال غیرتخصصی بودن حوزه‌های زیرمجموعه مسائل محیط زیستی در کشور اشاره کرد که همین امر خلایهایی را در شنیده شده برخی چالش‌های مهم محیط زیستی در طی زمان به تدریج به وجود آورده است. یکی دیگر از نقاط ضعف تشکلهای محیط زیستی در کشور این است که این تشکلهای از ضعف سازماندهی اجتماعی در بزنگاه‌ها برای مخالفت با اقدامات علیه محیط زیستی برخوردارند.

به لحاظ سطح و گستره تعامل تشکلهای محیط زیستی با جامعه محلی نیز کاستی‌هایی وجود دارد که نیازمند بررسی است. هم‌چنین این





NGOs in the BusinessNGO Cooperative Network”, Business & Society, Vol 53, No 1, pp 133-105.

Percival, R., and Huiyu, Z.(2013). The role of civil society in environmental governance in the United States and China, Duke Environmental Law & Policy Forum, Vol. xxx:182-140, 141.

Singh, R. Harinder, and Serina Abdul Rahman(2012), An Approach for Environmental Education by Non-Governmental Organizations (NGOs) in Biodiversity Conservation, Procedia - Social and Behavioral Sciences, N. 42 Pp. 144 152 –.

Laestadius, I. Linnea, Neff, A. Roni, Barry, L. colleen, Frattaroli, Shannon (2014). “We don’t tell people what to do”: An examination of the factors influencing NGO decisions to campaign for reduced meat consumption in light of climate change, Global Environmental Change, N.29, Pp. 40–32.

Madsen, Mads Loedsgard and Egon Noe (2012). Communities of practice in participatory approaches to environmental regulation. Prerequisites for implementation of environmental knowledge in agricultural context, environmental science & policy N. 8, Pp33-25.

Nan, Chen Jia (2012) Contributions of environmental NGO to environmental education in china, International conferences on future computer supported education, Pp. 906-901.

Gupta, Namita (2012) Role of NGOs in environmental protection: A Case Study of Ludhiana city in Punjab, JOAAG. VOL.7.NO.2, Pp. 18-9.

پانوش:

- ۱- گیدنز، ۱۳۹۵: ۱۸۲
- ۲- ساتن، ۱۳۹۳
- ۳- ساتن، ۱۳۹۳
- ۴- گیدنز، ۱۳۹۵: ۸۶-۸۷
- ۵- لاهیجانیان و همکاران، ۱۳۸۹: ۱۰۲
- ۶- میدری، خیرخواهان، ۱۳۸۳
- ۷- عنبری، ۱۳۹۰: ۳۲۲

درباره جنبش‌های محیط زیستی ایران باید پیش از همه به ظرفیت شکل‌های محیط زیستی دقت کرد. فعالیت سازمان‌های غیردولتی محیط زیستی در ایران بسیار کم و در بیشتر مواقع با موانع پر شمار بیرونی و داخلی مواجه بوده است

<http://zistboom.com/fa/new>.

<http://iranngonews.persianblog.ir/post/542>

<https://fa.wikipedia.org/wiki/%D%8B%5D9>.

Fagan, Adam & Sircar, Indra-neel(2010): Compliance without governance: the role of NGOs in environmental impact assessment processes in Bosnia–Herzegovina; Environmental Politics, Vol. 19, No. 4, July 616–599, 2010

Oosterveer, Peter & Spaargaren, Gert(2011): Organising consumer involvement in the greening of global food flows: the role of environmental NGOs in the case of marine fish; Environmental Politics Vol. 20, No. 1, February 114–97, 2011

Yang, Guobin(2005): Environmental NGOs and Institutional Dynamics in China; The China Quarterly / Volume 181 / March 2005, pp 66 - 46

Crotty, Jo & Marie Hall, Sarah (2013), “Environmental Responsibility in A Transition Context: Russian Perception and Response”, Environment & Planning: Government & Policy, Vol, 31, pp 681-667.

-Gaudreau, Matthew & Cao, Huhua (2015), “Political Constraints on Adaptive Governance: Environmental NGO Networks in Nanjing, China”, Journal of Environment and Development, Vol 24, No 4, pp 444-418.

O’connor, Amy & Shumate, Michelle (2014), “Differences among

فقدان بسترهای قوی حمایت مالی از تشکلهای باعث شد تا حرکت‌های منسجم و سازمان یافته به شکل جنبش جمعی بر علیه اقدامات آسیب زنده به منابع طبیعی کمتر شکل بگیرد. هم‌چنین زبان مشترک بین تشکلهای زیرمحیطی و جامعه محلی به طور کامل شکل نگرفته که این خود فرصت همراهی جامعه به تشکلهای تقویت بستر جنبش‌های محیط زیستی را دشوار می‌کند. یادگیری امکان‌های مشارکت شهروندان برای مداخله در کنش جمعی به شکل جنبش و حرکت دسته جمعی از مواردی است که لازم است تشکلهای محیط زیستی بدان توجه و اهتمام ورزند. هم‌چنین در سطح و گستره مسائل محیط زیستی نیازمند همکاری‌های مشترک در سطح داخلی و بین‌المللی است. تقویت بنیادهای خدمات حمایت کننده جنبش‌ها با عضوگیری حامیان و سازماندهی نیروی بالقوه از جمله سازو کارهای تقویت این شکل از فعالیت‌های مدنی در جامعه است.

منابع:

ارپیه، ژر (۱۹۹۲) دستور کار ۲۱، ترجمه سازمان محیط زیست ایران.

<http://www.doe.ir/Portal/home/?8% /146455>.

عنبری، موسی (۱۳۹۰) جامعه‌شناسی توسعه از اقتصاد تا فرهنگ، انتشارات سمت.

لاهیجانیان، اکرم الملوک، ارجمندی، رضا، محرم‌نژاد، ناصر، جمشیدی دلجو، مجتبی (۱۳۸۹) بررسی ساختار و عملکرد سازمان‌های غیردولتی زیست محیطی و نقش آن‌ها در فرایند توسعه شهری استان تهران، علوم و تکنولوژی محیط زیست، دوره دوازدهم، شماره ۳، صص. ۱۱۱-۱۰۲.

ماریو دیانی، دوناتلا دلپورتا (۱۳۸۴) مقدمه‌ای بر جنبش‌های اجتماعی، ترجمه محمد تقی دلفروز، تهران، کویر.

میدری، احمد، خیرخواهان، جعفر (۱۳۸۳) حکمرانی خوب بنیان توسعه، تهران، مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی.

گیدنز، سیاست‌های مقابله با تغییرات آب و هوا، ترجمه صادق صالحی و شعبان محمدی، تهران، نشر آگه.

ساتن، جان (۱۳۹۳) جامعه‌شناسی محیط زیست، ترجمه صادق صالحی، تهران انتشارات سمت.

اکرامی، عطیه، هنریخش، نازلی (۱۳۸۸) عدالت زیست محیطی، رویکرد جامع در تحقق عدالت اجتماعی، صدیقه ببران در توسعه پایدار و محیط زیست، انتشارات مجمع تشخیص مصلحت نظام مرکز تحقیقات استراتژیک، صص. ۱۱۱-۱۳۰.

ملکی، قاسم (۱۳۹۴) نخستین جنبش زیست محیطی جهان، زیست بوم. ۲۹ اردیبهشت



واکاوی دلایل عدم موفقیت طرح‌های مشمول ارزیابی در تحقق اهداف محیط زیست



مهری رضایی
دکترای محیط زیست، کارشناس اداره کل
حفاظت محیط زیست خراسان رضوی

مقدمه:

گرچه از زمان تصویب آیین‌نامه ارزیابی؛ شاهد اعمال این قانون برای پروژه‌های بزرگ مقیاس هستیم؛ اما کماکان انتقادهای زیادی از سوی دوستداران حفظ محیط زیست در خصوص آثار منفی پروژه‌های اجرا شده وجود دارد. در این گفتار در پی واکاوی دلایل عدم تحقق هدف عالیه مطالعات EIA در پروژه‌های بزرگ مقیاس در سه سطح درون سازمانی، برون سازمان و سطح مشاورین خواهیم بود. گرچه از نگاه سیستمی مرز روشنی بین این سه بخش وجود ندارد و آنچه به عنوان ناکارآمدی مطالعات EIA می‌بینیم برآیند نقص در هر سه سطح عملکردی و نیز ارتباطات متقابل این سه با هم دیگر می‌باشد اما تشریح یکایک این بخش‌ها کمک می‌کند تا دید واضحی از علت و معلول‌ها و متعاقبا اولویت‌های اصلاحی به دست آید.

سطح برون سازمان:

-عدم اعمال ارزیابی اثرات استراتژیک در تصمیمات کلان برای یافتن چرایی وضع موجود؛ باید ابتدا سطح حاکمیت سازمان حفاظت محیط زیست را در تعریف پروژه‌ها و اجرای آن واکاوی و سهم وظایف دستگاهی و فرادستگاهی را در این ناکارآمدی تعیین نماییم. میدانیم که هدف غایی مطالعات ارزیابی محیط زیست (EIA) تعیین آثار پروژه بر پارامترهای محیطی (بیولوژیک؛ فیزیکی، اجتماعی و اقتصادی) و کاهش اثرات پروژه بر آن هست درحالی که ارزیابی اثرات استراتژیک (SEA) سعی می‌نماید آثار سیاست‌گذاری‌های کلان را با شاخص‌های زیست‌محیطی غربال و به حداقل برساند. به سخی دیگر در هرم قدرت و تصمیم‌گیری‌های کلان؛ ارزیابی استراتژیک در یک گام بالاتر از سطح پروژه و EIA قرار دارد. لذا سیاست‌های کلان که در حوزه فرادستگاهی سازمان حفاظت محیط زیست نظیر قوه مجریه تصمیم‌گیری و متعاقبا به دستگاه‌های اجرایی ذیربط دیکته می‌گردد تا حد زیادی خارج از حوزه قدرت سازمان محیط زیست در وضعیت کنونی است. در حقیقت آنچه به عنوان ورودی (Input) به سازمان حفاظت محیط زیست آمده (نه در نوع

پروژه و نه مکان اجرای پروژه) در حدود اختیارات این سازمان نیست بلکه تنها ابلاغ برخی ملاحظات کلی در نحوه انجام پروژه و نظارت بر حسن اجرای آن در شرح وظایف این سازمان است.

موقعیت EIA, SEA در هرم قدرت

-تاخیر در تصویب سند آمایش کشور یک گزاره مهم در تعدیل آثار منفی پروژه بر محیط زیست؛ مکان‌گزینی متناسب با نوع پروژه و توان اکولوژیک سرزمین است که می‌تواند پایداری بخش طرح‌های توسعه در بلندمدت باشد. با تأخیری که در تصویب و ابلاغ سند آمایش کشور انجام شد این بخش از حوزه مطالعات عملاً و درواقع، قابلیت تحقق تا به این زمان را نداشته است. تعلیق هشت‌ساله سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور به عنوان متولی اصلی تنظیم سند آمایش و دیگر مسائل زیرساختی که هم‌اکنون مانعی بر اجرای شدن سند آمایش است مسبب وضعی است که شاهدش هستیم.

سطح درون سازمانی:

گرچه عمده اشکال در حوزه مطالعات ارزیابی را برون‌سازمانی میدانم؛ اما نمی‌توان کتمان کرد عدم رابطه متقابل و نزدیک سازمان با بخش‌های سیاست‌گذار و سایر وزارتخانه‌ها؛ باعث فاصله‌گیری این سیاست‌ها از معیارهای پایداری بخش شده است. درواقع سازمان محیط زیست آن‌چنان سر در گریبان هزارتوی ساختار بروکراسی خود شده است که کمتر در خارج از حوزه خود؛ سیاست‌گذاری و ظرفیت‌سازی نموده است. سازمانی که مأموریت (mission) و سند چشم‌اندازی (vision) برای خود تعریف نکرده است وظایفش در حد روزمرگی‌های اداری تقلیل می‌یابد و متأسفانه نوع انتصابات مدیران ارشد سازمان که در دهه‌های اخیر عمدتاً از خارج از مجموعه سازمان صورت گرفته است نیز به این ناکارایی افزوده است. عدم اطلاع مدیران ارشد سازمان از مشکلات درون سازمانی و از طرفی انتصابات بی‌ضابطه در مجموعه زیردست که حتی به رده کارشناسان تخصصی دفاتر نیز رسیده است سازمان حفاظت محیط زیست را به مرور زمان فرسوده و از درون تهی کرده است. علیرغم موارد اشاره شده، سازمان حفاظت محیط زیست در سطح درون دستگاهی نیز با کاستی‌ها در اجرای وظایف خود روبرو است که به مشکلات مطالعات EIA دامن زده است؛ شاید بتوان مهم‌ترین این نواقص را به صورت ذیل برشمرد:

-ارتباط مالی مشاور- کارفرما: در حال حاضر پروژه‌های ارزیابی پس از ابلاغ به سرمایه‌گذار با پرداخت هزینه به مشاورین رتبه دار محیط زیست

انجام می‌گردد. ارتباط مالی مستقیم بین سرمایه‌گذار و گروه مشاور؛ زمینه فساد از طریق اعمال فشار از سوی کارفرما بر مشاورین را فراهم می‌آورد. این موضوع در خلأ عدم ارزیابی کیفی کار مشاورین و پیمانکاران حوزه محیط زیست در بخش ارزیابی؛ تصفیه فاضلاب و مدیریت پسماند توسط سازمان محیط زیست (به عنوان کارفرمای اصلی)؛ حلقه معیوب و پر از رانت در فعالیتهای زیست‌محیطی بخش صنعتی- معدنی را ایجاد نموده است. بدیهی است سازمان می‌بایست تعارض منافع ذینفعان را با قطع ارتباط مالی با استفاده از ظرفیت صندوق ملی محیط زیست یا سازوکارهای دیگر مدیریت نماید. بر اساس دستورالعمل ارزشیابی پیمانکاران مصوب ۱۳۸۲ هیئت وزیران؛ دستگاه‌های اجرایی موظف هستند کیفیت کار پیمانکاران و مشاوران خود را ارزیابی و نتایج را به نهاد مربوطه منعکس نمایند و ابزارهای قانونی لازم برای برخورد با متخلفین از طریق کاهش تعداد کار مجاز؛ کاهش گرید و یا منع فعالیت موجود می‌باشد؛ اما چه این آیین‌نامه بتواند مستقیماً مورد استفاده قرار گیرد یا اینکه سازمان به‌طور متشابه سازوکاری را متناسب با نوع نیاز خود تنظیم نماید، تاکنون سازمان حفاظت محیط زیست از ظرفیت‌های قانونی برای بهبود کیفیت خدمات بخش محیط زیست استفاده ننموده است. لذا علیرغم سرمایه‌گذاری و صرف هزینه در بخش‌های زیست‌محیطی صنایع، کماکان شاهد معضلات زیست‌محیطی و انتشار آلاینده‌ها می‌باشیم.

- کاربردی نبودن مطالعات EIA:

گرچه هدف مطالعات ارزیابی کاهش آثار پروژه بر محیط زیست از طریق تعیین اثرات و ارائه روش‌های کاهش و بهبود می‌باشد، اما در حال حاضر مطالعات ارزیابی صرفاً به عنوان یکی از مستندات صدور مجوز پروژه‌های بزرگ مقیاس در نظر گرفته می‌شود و سازمان نتوانسته است بسته‌های کاربردی و عملیاتی این مطالعات را به بخش اجرایی- نظارتی خود پیوند بزند. جداول بخش نظارت و پایش در اغلب مطالعات بسیار کلی‌گویی و از آخرین آیین‌نامه‌های و شیوه‌نامه‌های سازمانی مصوب عقب می‌باشند. بخش آموزش و مشارکت مردمی در مطالعات ارزیابی به بخش مهجوری تبدیل شده است که صرفاً بر حجم مطالعات می‌افزاید؛ بخش ارزیابی ریسک بدون ارائه اکشن پلن و برنامه مدیریت بحران در عمده پروژه‌ها ارائه می‌گردد. تا زمانی که سازمان هر یک از مباحث فوق را به صورت بسته اجرایی درنیاورده و به عنوان سرفصل کاری به بخش‌های نظارتی و

۲- ارزیابی ریسک و مدیریت بحران:

هدف از ارزیابی ریسک تعیین حوادث مخاطره آفرین در برخی فعالیت‌ها و ارائه روش کنترل و کاهش آن است که بسته به نوع پروژه و مکان اجرای پروژه می‌تواند به‌عنوان ذیل مطالعات و همراه با آن از مشاور درخواست گردد. هنوز دستورالعمل واحدی برای پروژه‌های مشمول ارزیابی ریسک در سازمان حفاظت محیط‌زیست وجود ندارد و حسب سلیقه و نظر کارشناسی در سطح کشور با محدوده متنوعی از نظرات مواجهیم. علاوه بر این پیامد ارزیابی ریسک، اکشن پلن یا برنامه مدیریت بحران برای واحدهایی که ذات مخاطره آفرین دارند (مانند مخازن نفتی؛ پالایشگاه‌ها، سدها و...) می‌بایست تنظیم گردد. تا برای کارفرمایان و همچنین ستاد بحران هر منطقه مشخص گردد در صورت بروز حادثه در مقیاس بحران چه اقداماتی لازم‌الاجراست. نقصان این قسمت از مطالعات در کشوری که رتبه چهارم بلایای طبیعی را دارا بوده و نرخ مرگ‌ومیر حوادث محیط کار ۸ برابر میانگین جهانی است جای نگرانی مضاعف دارد.

جمع‌بندی:

ناکارآمدی در حوزه مطالعات ارزیابی در سه بخش فرا سازمانی؛ سازمانی و بخش مشاورین به‌اختصار تشریح گردید. جعبه پاندورای محیط زیست ایران علل‌های به‌جز برنامه جامع تحول سازمانی ندارد. تقویت نقش حاکمیتی سازمان حفاظت محیط‌زیست در گروهی سازمان‌دهی منابع انسانی است. سازمان‌های قرن بیست و یکم بر منابع انسانی استوارند. مدیریت منابع انسانی به مفهوم استفاده از مهارت و دانش کارکنان در راه رسیدن به اهداف سازمانی است و در این راستا سازمان حفاظت محیط‌زیست باید صادقانه خود را ارزیابی نماید که تا چه اندازه در جذب نخبگان، ارتقاء مهارت‌های شغلی در کارکنان و حفظ نیروی خبره خود موفق بوده است. بدیهی است تا زمانی که سازمان حفاظت محیط‌زیست نتواند منابع انسانی خود را از طریق تسریع و تسهیل جذب نخبگان؛ ایجاد سازوکار شایسته‌سالاری و تقویت بخش آموزش ضمن خدمت؛ مجهز به سلاح دانش روز کند، نخواهد توانست به وظایف خود آن‌چنان که شایسته و درخور است عمل نماید. در این مسیر مدیران ارشد سازمان به یاد داشته باشند تمرکز بیش‌ازحد به چالش‌های داخل سازمان؛ نباید آن‌ها را از تعامل و ایجاد بستر گفتگو با سایر دوایر تصمیم‌گیری در خارج از حوزه سازمانی بازدارد. مدیران ارشد سازمان باید با تدبیر سازوکار SEA در سطح تصمیم‌گیری کلان و نیز استفاده از ظرفیت‌های موجود در سازمان‌های صادرکننده مجوز (دفاتر محیط‌زیست وزارت صمت و جهاد کشاورزی) به‌عنوان ابزاری برای تعدیل تصمیمات برون‌سازمانی و تحقق توسعه پایدار و تعالی بخش استفاده نمایند. زیرا بی‌شک مسیر تحقق توسعه پایدار جز در گروهی بازسازی جامعه بر اساس اندیشه‌ها و بصیرت‌های تازه و ایجاد فضای گفتمان مبتنی بر دانایی میسر نخواهد بود.

سازمانی که مأموریت و سند چشم‌اندازی برای خود تعریف نکرده و وظایفش در حد روزمرگی‌های اداری تقلیل می‌یابد و عدم اطلاع مدیران ارشد سازمان از مشکلات درون‌سازمانی و از طرفی انتصابات بی‌ضابطه در مجموعه زیر دست که حتی به رده کارشناسان تخصصی دفاتر نیز رسیده است سازمان حفاظت محیط‌زیست را به مرور زمان فرسوده و از درون تهی کرده است

کشور مانع از اشتراک‌گذاری اطلاعات لازم برای طرح‌های سرمایه‌گذاری شده و نیاز است پلت فرم اطلاعات جامع چه در حوزه اطلاعات پایه و چه در حوزه قوانین ... تهیه و تنظیم گردد. به‌جز قوانین مصوب مجلس و هیئت‌وزیران سایر شیوه‌نامه‌ها و دستورالعمل‌های سازمانی که توسط دفاتر تخصصی تعریف و تنظیم می‌گردد در دسترس سرمایه‌گذاران و مشاوران قرار ندارد. هنوز سامانه واحدی وجود ندارد که بتوان آخرین تصمیمات سازمانی را در آن ردگیری کرد. ضمن اینکه عدم هماهنگی دفاتر ستادی نیز باعث تفسیر متفاوت از قانون و گاهی حتی صدور دستورالعمل‌های سازمانی خلاف قانونهای مصوب شده است؛ تغییر متناوب دستورالعمل‌های سازمانی آفت سرمایه‌گذاری است و تا زمانی که سازمان نتواند اصل شفافیت و ثبات را در حوزه قوانین محیط‌زیست برای بهره‌برداران و ذینفعان برقرار نماید نمی‌توان انتظار داشت که بخش سرمایه‌گذار بتواند به‌موقع خود را با این قوانین هماهنگ و همگام نماید.

- عدم انجام مطالعات تکمیلی ذیل مطالعات محیط‌زیست:

۱- ارزیابی اثرات تجمعی (CEIA): هدف از ارزیابی اثرات تجمعی تعیین آثار یک پروژه بر پارامترهای محیطی با لحاظ آثار سایر پروژه‌های موجود در منطقه است. این موضوع به‌خصوص برای بارگذاری در نواحی صنعتی، زونهای معدنی کشور و فازهای توسعه شهرک‌های صنعتی بسیار ضروری است تا مطمئن شویم آلاینده‌های تخلیه‌شده به محیط پایین‌تر از حدود آستانه و نیز در حد توان خود پالایی محیط قرار دارد. متأسفانه علیرغم اینکه بیش از سه دهه از ورود علم ارزیابی به کشور گذشته است هنوز در متدولوژی مطالعات EIA تفاوت چندانی با روزهای نخست معرفی این علم به کشور مشهود نیست. عدم پیوند نسل نوین ارزیابان کشور که مجهز به دانش روز ارزیابی هستند با حوزه اجراء در کنار سایر علل برشمرده شده؛ باعث شده است که کیفیت مطالعات ارزیابی در کشور از سطح پایینی برخوردار باشد.

اجرائی سازمان ابلاغ ننماید مطالعات ارزیابی صرفاً در حد "مطالعات" باقی خواهند ماند. بیش از یک دهه است که اعتبارات بخش آموزش سازمان بسیار تقلیل یافته است؛ ظرفیت بالایی در حوزه آموزش جوامع محلی با هزینه کرد واحدهای صنعتی وجود دارد که تاکنون مورد توجه قرار نگرفته است اما بدیهی است این رکود و سکون سازمانی، خود نتیجه ضعف آموزش درون‌سازمانی و عملکرد ضعیف بخش ارزیابی عملکرد کارکنان است که نتوانسته است نشاط لازم را برای تشویق و پویایی کارکنان فراهم آورد. تا زمانی که مدیریت منابع انسانی به‌صورت منسجم متحول نگردد خمودگی و فرسودگی کارشناسی؛ کرسی دفاع از جایگاه محیط‌زیست را در کلیه عرصه‌ها تضعیف خواهد کرد.

- تعلل در اجرای ماده سه آیین‌نامه ارزیابی: طبق ماده ۳ آیین‌نامه ارزیابی محیط‌زیست کشور، تمام واحدهای صنعتی مشمول ارزیابی موظف‌اند از زمان استقرار نسبت به ایجاد هسته بهداشت؛ ایمنی و محیط‌زیست اقدام نمایند. هدف قانون‌گذار از درج این ماده قانونی؛ تسهیل موضوعات محیط‌زیست در داخل ساختار اداری واحدهای صنعتی بزرگ بوده است. فارغ از ظرفیت بالایی که اجرای این قانون در حوزه ایجاد اشتغال برای فارغ‌التحصیلان محیط‌زیست می‌تواند ایجاد نماید (که دارای بالاترین نرخ بیکاری بین فارغ‌التحصیلان دانشگاهی کشور هستند)، وجود مرکز HSE به ایجاد ادبیات مشترک بین واحدهای بزرگ و سازمان محیط‌زیست کمک و آفری نموده و می‌تواند نقش مؤثری در پیاده‌سازی ضوابط زیست‌محیطی در واحدهای صنعتی داشته باشد؛ چنین پتانسیلی برای سازمان محیط‌زیست که ساختار منابع انسانی کوچک اما پرمسئولیتی دارد کمک شایانی در تسهیل و تسریع اجرای وظایف خواهد بود. بدیهی است ایجاد سازمان نظام‌مهندسی منابع طبیعی و محیط‌زیست مستقل از سازمان نظام‌مهندسی کشاورزی و نیز تدبیر سازوکار قطع ارتباط مالی بین مراکز HSE و سرمایه‌گذاران می‌تواند این مراکز را به‌عنوان عامل نظارتی سازمان در فعالیت‌های اقتصادی کشور تبدیل نماید. کوچک کردن بدنه دولت از طریق اجرای سازوکارهایی نظیر این می‌تواند راندمان بالایی را در پی داشته باشد که تا کنون بهره‌برداری نشده است.

سطح مشاورین:

-نقص اطلاعات پایه: مهم‌ترین فصل مطالعات بخش اطلاعات و آمار پایه است که در آن مشاور با ارائه آساری از پارامترهای محیطی وضعیت منطقه برای پذیرش بارگذاری را غربال می‌نماید. نبود اطلاعات روزآمد در حوزه فون و فلور کشور و یا دشواری تهیه آمار و محرمانه انگاشتن آن از سازمان‌های متولی باعث کپی کاری و یا استفاده از اطلاعات قدیمی در مطالعات شده که این خود روند تصمیم‌گیری را با ارباب و ارور مواجه می‌کند. شکل سنتی نگهداری اطلاعات در ساختار اداری

طرح‌های انتقال آب

«ویار ملوکانه» تا سلوک سبز گرایانه زنان

طرح انتقال آب

رشد جمعیت و توسعه صنعتی بویژه پس از جنگ جهانی دوم با رشد تقاضا برای آب همراه شد. چاره‌اندیشی برای تامین آب مصرفی بخش صنعت و همچنین شهرنشینی، کشورها را به سمت ایجاد و استقرار سازه‌های آبی از جمله سد و پروژه‌های انتقال آب سوق داد. اما از دهه ۷۰ به بعد کشورهایی که با آغوش گشوده به سمت سد و انتقال رفته بودند کم کم با پیامدهای منفی این تجربه‌ها رو به رو شدند. دامنه تأثیرات منفی ناشی از تب شدید سدسازی و انتقال آب طی چند دهه موجب شد کمیسیون جهانی سد در اواخر قرن بیستم به بررسی انتقادی این طرح‌ها بپردازد. از جمله مهم‌ترین و پر بسامدترین پیامدهای منفی در ابعاد اجتماعی، محیط‌زیستی و اقتصادی که در بررسی انتقادی کمیسیون جهانی مورد توجه قرار گرفتند عبارتند از: ۱) جا به جایی و مهاجرات گسترده جوامع محلی که متأثر از اثرات منفی محیط‌زیستی طرح‌ها قرار می‌گرفتند و از طرفی رشد غیر منطقی جمعیت در محل دریافت کننده آب، ۲) در اجرای طرح‌ها تنها جنبه‌های فنی لحاظ می‌شد و بنابراین فاقد هر گونه عدالت محیط‌زیستی بودند، ۳) سدسازی و انتقال آب یک محرک تشویقی برای مصرف افسار گسیخته و فاقد الگوهای پایدار محسوب می‌شدند و به این ترتیب مانع اصلی اتخاذ راه‌های جایگزین و پایدارتر بودند ۴) عدم شفافیت و ریشه دواندن فساد در اجرای این طرح‌ها بسیار محتمل بود ۵) این طرح‌ها از بالا و فاقد اصل مشارکت مردمی بودند ۶) این طرح‌ها به دلیل تنازعاتی که بین جوامع مبدأ و مقصد یا بین این جوامع و حاکمیت ایجاد می‌کنند ناقص سرمایه اجتماعی محسوب می‌شوند و پیامدهای منفی دیگر.

راهبرد اصلی و نهایی کمیسیون جهانی سد پس از انجام این بررسی‌ها، ضرورت ارزیابی همه جانبه طرح‌های جایگزین بود. یعنی در هر منطقه ارزیابی دقیق از همه راهکارهای جایگزین مثل تغییر الگوی مصرف، تصحیح الگوی کشت و غیره صورت گیرد و تمامی ابعاد محتمل و تجربه شده در سایر طرح‌های مشابه نیز مورد بررسی و مذاقه قرار بگیرد. به این ترتیب تأکید بر ضرورت ارزیابی پیش از اقدام، بعلاوه هزینه‌های بالای کاهش اثرات و بار مالی سرم سام آور دولت‌ها برای مدیریت پیامدها، ترمز چند دهه یکه تازی در عرصه ساخت سدها و تاسیسات خطوط انتقال



سحر جعفر صالحی
دانش آموخته جامعه‌شناسی، کنشگر محیط‌زیست

روایتی وجود دارد که آمله همسر فیروزشاه (پادشاه بلخ) پیش از سکونت در آمل، به منطقه سرسبز و زیبایی در چمستان به نام پایدشت می‌رود. آمله با این عذر که آب و هوای بلخ به وی سازگار نیست، از شاه درخواست می‌کند که امکان سکونت او را در پایدشت فراهم کند و آب هرز (نام قدیم رودخانه هراز) را هم برای تامین آب مصرفی به آنجا انتقال دهند. به روایت این اسفندیار در تاریخ طبرستان آمده است: «شهنشاه (فیروز شاه) مثال داد، تا چنان که مراد اوست به آب هرز شهری بنیاد نهند، بدان مکان قیاسان و مهندسان برفتند، برای آنکه آن جایگاه مرتفع بود آب هرز نتوانستند افکند». به این ترتیب و پس از ناامید شدن از انتقال آب هراز، آمله از پایدشت به منطقه دیگری نقل مکان کرد. قصری در آنجا ساخت و اینگونه شهر آمل بنا شد. «قضا را هم در آن سال او را پسری آمد، خسرو نام نهادند».

ویار ملوکانه همسر فیروز شاه، یعنی انتقال آب رودخانه هراز به پایدشت، بنا به محدودیت‌ها و رای متخصصان آن زمان منتفی شد. اما چه کسی در آن زمان می‌توانست تصور کند که قرن‌ها بعد در همین سرزمین، چنان سو استفاده‌ها و بهره‌کشی‌هایی از منابع آبی خواهد شد که تاریخ از ثبت آنها عار دارد؟ در چند دهه گذشته صاحب منصبان و قدرتمندانی از هر استان و منطقه‌ای برای کسب منافع شخصی و گروهی خاص، هر کجا با وفور منابع آبی رو به رو شده‌اند، در مقابل میل (ویار ملوکانه) خود به انتقال، خودداری نکرده‌اند. این در حالی است که تجربه کشورهای توسعه یافته، شواهد موجود و نتایج مطالعات مختلف بر ناصوابی این راه تأکید می‌کنند.

به بهانه این روایت که انگار در گذر تاریخی منابع آبی ایران ردش تا همین امروز هم پیداست، به پاسخ دو سوال زیر می‌پردازیم:

مهم‌ترین پیامدهای منفی طرح‌های انتقال آب کدام هستند؟

پیرو بحث پیامدها، چگونه می‌توان از نقش و تأثیر زنان بر روند مدیریت منابع آبی سخن به میان آورد؟

آب در غرب را کشید.

با این وجود در کشور در حال توسعه ای چون ایران که نه به لحاظ امکانات فنی و تکنولوژی، نه از نظر شرایط اقتصادی و نه از نظر توسعه نهادی و سازمانی امکان اجرا و مدیریت کم بسامد وجود ندارد، کماکان اصرار به طی کردن راه‌های خطایی است که جهان امروز آن‌ها را منسوخ، بیهوده و پر درد سر اعلام کرده‌است.

نقش و رابطه زنان با طرح‌های انتقال آب

اقلیت‌ها، اقوام، زنان و طبقات فرودست جامعه به حاشیه رانده شده‌اند و تا حد زیادی از مشارکت و مزایای پروژه‌ها و طرح‌های مختلف توسعه کنار گذاشته می‌شوند و نقشی در تصمیم‌گیری درباره جایی که در آن زندگی می‌کنند و شرایطی که به سر می‌برند، ندارند. آنها بیش از سایرین، تحت تأثیر اثرات منفی طرح‌ها قرار می‌گیرند. همانطور که در بخش قبلی درباره اثرات منفی سازه‌های آبی گفته شد، در همه موارد ذکر شده، گروه‌های در حاشیه، اثرات را با شدت بیشتری لمس و درک خواهند کرد. با این وجود، این گروه‌ها همواره قادرند سهم قابل توجهی در تغییرات و اصلاح روندها داشته باشند. تیلور (۱۹۹۶) استدلال می‌کند که طبقه و جنسیت بر تجارب ما تأثیر عمیقی دارند و به همین دلیل می‌توانند بر توسعه سیاسی، ایدئولوژی و کنشگری نیز تأثیر قابل توجهی داشته باشند. او در بررسی تاریخ کنشگری محیط‌زیستی زنان و رنگین‌پوستان آمریکا در فاصله سال‌های ۱۸۲۰ تا ۱۹۹۶ نشان می‌دهد که روایت غالب مردانه (آن هم مردان سفید پوست) از جنبش‌های محیط‌زیستی آمریکا وجود دارد و ما را از درک عمیق‌تری از شیوه‌هایی که طبقه، نژاد و جنسیت توانسته‌اند روابط، تجارب و پاسخ‌های محیطی مردم را در طول زمان شکل دهند، محروم کرده است.

اما ما برای بررسی شیوه‌های که جنسیت در ایران توانسته یا می‌تواند بر مواجهه انتقادی زنان با طرح‌های انتقال آب (با اصولا هر گونه فعالیت محیط‌زیستی دیگری) تأثیر بگذارد نیازمند پژوهش‌های میدانی دقیق و مفصل هستیم. در حال حاضر چنین تحقیقاتی به عمل نیامده است. در عین حال بر اساس شواهد موجود می‌توانیم به نقش پر رنگ زنان و سلوک سبز گرایانه‌ای که در کمپین‌های مخالفت با سازه‌های مدیریت آبی وزارت نیرو دارند اشاره کنیم. این در حالی است که پروژه‌های انتقال و حتی سدسازی‌های بی‌رویه،



آب بوجود می‌آید را تجربه کنند و ثانیاً آبی که قرار است از منطقه مبدأ انتقال یابد باید از نوع آب پایدار باشد. بنا بر همین دو شرط اولیه در کشور ما، با توجه به محدودیت‌هایی چون نواقص مدیریتی، ضعف فنی و تکنولوژیکی، ایرادات نهادی و بنا بر تجربیات مشابه دیگر، امکان اجرای طرح بدون بر جای گذاشتن انبوهی مسائل محیط‌زیستی و اجتماعی وجود ندارد و مهم‌تر اینکه با توجه به الگوی مصرفی موجود در کشور، ما هیچ منبع پایدار آبی نداریم. صرفاً اینکه رودخانه‌ای آب دارد به معنای داشتن منبع پایدار نیست و این مهم در ارزیابی‌های محیط‌زیستی منابع آبی ایران قابل مشاهده است. جنبش محیط‌زیستی که در مخالفت با طرح‌های انتقال آب در ایران در حال شکل‌گیری است بسیار آگاهانه با این اصول، موانع و البته پیامدهای منفی طرح‌های انتقال آب آشنا هستند. تأکید فعالان همواره بر آزمودن راه‌های جایگزین مثل آب مجازی و تصحیح الگوی مصرف در مقصد و غیره است. راه‌هایی به مراتب ارزان‌تر، سبزتر و پایدار تر.

با این حال، ضعفی که متوجه جنبش هست و در آینده آن را با چالش‌های بزرگی مواجه می‌کند، یکدست نبودن و یک صدا نبودن است. ما به توسعه محیطی فراگیرتری نیاز داریم. به قسمی که از نظر فرهنگی حساس باشد و مبتنی بر گستره وسیعی‌تر و متنوع‌تری از مردم باشد. فعالیت محیط‌زیستی در ایران نیازمند یک بازنگری اساسی در نگاه به توانایی زنان و حمایت از نیروهای اجتماعی به حاشیه رانده شده است. در حال حاضر ما فاقد استراتژی‌هایی برای درک و بهبود روابط قومیتی، طبقاتی و جنسیتی هستیم. آنچه در این جستار کوتاه از خلال تأکید بر اهمیت نقش زنان گذشت، تلاش برای نشان دادن این وجه فعالیت‌های مردمی در مخالفت با مدیریت سازه‌های آبی (و اصولاً هر گونه فعالیت محیط‌زیستی دیگر) است که برای ایجاد آینده‌ای که هم از نظر اجتماعی و هم از نظر محیط‌زیستی عادلانه باشد، به توسعه محیطی فراگیرتر، از نظر فرهنگی حساس‌تر و گسترده‌تر نیاز داریم.

منابع

ابن اسفندیار، بها الدین محمد بن حسن، تاریخ طبرستان، تصحیح عباس اقبال آشتیانی، به کوشش محمد رضانی، تهران، کلاله (پدیده) خاور، چاپ دوم، ۱۳۶۶.

Taylor, D. E. (1996). "American Environmentalism: The Role of Race, Class, and Gender in Shaping Activism 1995-1820." in Environmental Sociology From Analysis to Action, ROWMAN & LITTLEFIELD PUBLISHERS, INC, by Rowman & Littlefield Publishers, Inc.

جمله در رابطه با منابع آبی) باقی مانده بودند. معدود زنانی که در این دوره از سیطره فرهنگ و صدای غالب بیرون بسته بودند توانستند جنبش‌های اجتماعی را به نفع باسوادی و توانمند کردن زنان پی بگیرند. در این میان نام زنی چون مه لقما ملاح که محیط‌زیست را هم به جنبش زنان گره زد، می‌درخشد.

۲) و اما در دوران معاصر، کمپین‌ها و فعالیت‌های مردمی محیط‌زیستی در مخالفت با سیاست‌های مخرب محیط‌زیستی (از جمله مخالفت با سیاست‌های سدسازی و انتقال آب) یا جنبش‌های اصلاحی (مثل جنبش‌های نوپای مدیریت پسماند) با نام زنان بسیاری از سراسر ایران و در مناطق مختلف روستایی و شهری گره خورده است. امروزه زنان راه سختی در پیش دارند چرا که علاوه بر فعالیت‌های میدانی اجتماعی باید بر علیه مفاهیم جنسیت زده‌ای چون مادر وطنی و مادر طبیعت هم به مبارزه برخیزند. چون این مفاهیم پیش از اینکه محرک و مشوق فعالیت‌های کنشگرانه باشد، حامل بار معنایی غیرت، ناموس‌پرستی و بطور کلی جنسیت زده‌اند. علاوه بر این زنان فعال باید برای فراهم شدن زمینه‌های حضور زنان بیشتر و دیگر گروه‌های در حاشیه تلاش کنند.

در بحث مخالف با سیاست‌های مدیریت سازه‌های آبی وزارت نیرو در بیش از یک دهه اخیر زنانی چون فاطمه ظفرنژاد، خدیجه گلین مقدم، صدیقه بوداگی و دیگران در صدر کمپین‌های مختلف فعال بوده‌اند. اولین سخنرانی‌ها و نوشته‌ها از سوی زنان بوده و نام خبرنگاران زنی که پیگیر موضوعات و خبرهای مربوط به پروژه‌های انتقال می‌شوند کم نیست. همچنین زنانی از قشرهای مختلف که امضایشان پای نامه‌ها و کارزارهای مخالفت با این طرح‌ها حک شده است بشمار است.

بحث بیشتر

طبق معیارهای یونسکو در بحث شرایط اولیه و امکان انتقال آب، اولاً نقاط مبدأ و مقصد نباید اثرات مخرب محیط‌زیستی که به واسطه انتقال

تاریخ طولانی ندارند و از طرف دیگر، جنبش زنان و جنبش‌های مردمی محیط‌زیستی در ایران نیز بسیار نوپا هستند. بنابراین انتظار تاریخ مبارزاتی که مثلاً در شیلی، استرالیا و آمریکا بر علیه خطوط انتقال آب رخ داده را نمی‌توانیم از زنان ایران داشته باشیم.

اساساً تأکید این جستار بر همین وجه از ضعف جنبش‌های اجتماعی است و آن نادیده گرفتن نیروهای به حاشیه رانده شده است. نیروهایی که با وجود مغفول بودن، همواره تأثیر گذار بوده‌اند. در موضوع مواجهه زنان و مساله آب، می‌توانیم از دو دوره پیشامدرن (دوره زنان و کولبری آب) و دوره معاصر (زنان بر علیه سیاست‌های سازه‌ای آب) نام ببریم. به این ترتیب که؛ ۱) اگر از استثنائاتی چون درخواست آمله همسر شاه بگذریم! (هر چند او و فیروزشاه هم نهایتاً تسلیم نظر کارشناسان شدند و از مساله انتقال آب هرگز اجتناب کردند) در تاریخ اجتماعی ایران رابطه زنان و مدیریت منابع آبی بسیار تعیین‌کننده، در عین حال پنهان است. زنان در همه عرصه‌های زندگی روزمره از خانه تا مزرعه با تأمین و مدیریت منابع آب مصرفی نقش داشته‌اند. درست است که چاه و قنات را مردان حفر کرده‌اند ولی حمل آب از منبع (چشمه، چاه و...)، مدیریت آب در موارد مصرف آشامیدنی، شستشو، آبیاری و کولبری آب تماماً با زنان، دختران جوان و خردسال بوده و کماکان در مناطق وسیعی از روستاهای ایران و در استان‌های محروم این نقش پایدار باقی مانده است. با این همه، از زنان در تاریخ به «مردگان زنده» یاد شده است و از آنها همواره موجوداتی محبوس در اندرونی و گوشه پستوها نام برده‌اند و به این ترتیب انسان‌های منفعلی از زنان تصویر شده است.

با ورود مدرنیته و تغییرات سیاسی و اجتماعی این دوره شاهدیم که این نادیده انگاشتن تاریخی زنان، در کنار فرهنگ متعصب مردانه که با مفاهیمی چون غیرت و ناموس شناخته می‌شود چگونه راه را برای کنشگری معنادار زنان سد می‌کند. هر چند که زنان همچنان در نقش‌های سنتی خود با وظایف و محدودیت‌هایشان (از

انتقال آب بین حوضه‌ای خودخوری سیستماتیک



مهتا بذرافکن
دکترای جامعه‌شناسی و عضو هیئت مدیره
آب دانشگاه خلیج فارس بوشهر

تغییرات اقلیمی و گرمایش جهانی روندهای مخاطره آمیز را غیرقابل پیش بینی نموده و جهان به طور فزاینده ای مجبور به رویارویی با چالش هایی کرده است که راه حل های فوری و آسان ندارند. این رویدادها بطور مستقیم ناشی از فعالیتهای انسانی در دو قرن اخیر است؛ رشد انفجاری جمعیت، نیاز به غذا و آب سالم و فناوری هایی که برداشت منابع را تسهیل می کرد از یک سو و شیوع پدیده های اجتماعی همچون مسابقه انباشت ثروت، پول پرستی، تجمل گرایی و خودنمایی (از اواخر قرن ۱۹ و با اوج گرفتن فلسفه اومانسمی که انسان را مرکز جهان می دید و معتقد بود همه منابع باید در خدمت انسان باشد) از سوی دیگر؛ زمین را به تدریج مستهلک نمود و دامنه آن تا به امروز که انسان در بیم و امید فروپاشی ناشی از تولید کربن و متان با ناپایداری هراسناکی مواجه است کشیده شده است. از دهه هفتاد که دانشمندان متوجه فاجعه ای که در حال شکلگیری بود شده و نسبت به این روند هشدار دادند، اما با توجه به جذابیت انباشت ثروت و قدرت؛ سیستمهای حکمرانی و اقتصادی ترجیح میدادند خود را به نشنیدن زده و همچنان فشار بر اکوسیستمها با شدت و قدرت ادامه دادند. اما از دو دهه گذشته که این فشار بر زمین به شکل تغییرات اقلیمی خود را به اشکال مختلف نشان داده وضعیت نگران کننده ای را رقم زده و برخی از دولتها را به فکر واداشته است و البته تعداد زیادی که به تئوری توطئه باور دارند هنوز در پذیرش آن دچار تردیدند. هرچند همه دولتها به صورت ظاهری مساله را پذیرفته اند، اما حقایق نگران کننده نشان میدهد که اقتصاد سیاسی میل به تغییر روش نداشته و تقریباً هیچ کار عملی تاثیرگذاری برای بهبود حال زمین صورت نگرفته است. نکته مهم این است که در این وضعیت ضعیف ترین هایی که قدرت انتخاب ندارند، بیشتر متحمل آسیب را خواهند شد. از میان همه پیامدهای نگران کننده آب و هوایی؛ دسترسی به منابع آب کافی برای مصرف یک جمعیت متراکم اقتصاد در حال رشد و سوداگران حریص

حیاتی ترین مساله است به نحوی که برخی از صاحب نظران پیش بینی می کنند که جنگهای آینده بر سر منابع آب رقم خواهد خورد. برداشت بیش از حد منابع آبهای زیرزمینی در کنار کشاورزی ناپایدار، رشد صنایع، معادن و فعالیتهای آب بر و در نهایت تغییرات آب و هوایی و کاهش بارش در مناطقی از زمین موجب شده که با فقر آب مواجه شوند و برخی از دولتها مانند ایران «انتقال آب بین حوضه ای» را به عنوان یک راه حل رفع مشکل کم آبی برگزیده اند تا آب مازاد یک سرزمین را به مناطق دارای کمبود منتقل کنند. البته سابقه انتقال آب بدست انسان به دوران باستان می رسد و قنات یکی از نمونه های اولیه فناوری انتقال آب به شمار می آید که بطور شگفت انگیزی مساله عدالت هم در برداشت و هم در توزیع عادلانه در آن رعایت می شد. اما انتقال آب بین حوضه ای بسیار فراتر از انتقال آب به شکل سنتی و پایداری همچون قنات است. به تدریج با رشد جمعیت، رشد صنایع و اقتصاد نیاز به منابع آب شیرین شدت می گرفت و در نتیجه اشکال دیگری از انتقال آب مانند تونل زدن استفاده شد که در طی آن مقادیر زیادی از یک حوضه رودخانه به حوضه ای دیگر و برای مدت طولانی جابجا میشد؛ بکارگرفته شد. در سطوح جهانی از سال ۱۹۰۰ تا سال ۱۹۹۹ که این روشها شدت گرفت بیش از ۳۶۴ انتقال بین حوضه در مقیاس بزرگ ایجاد شد که سالانه ۴۰۰ کیلومتر مکعب آب را انتقال می داد. در سال ۲۰۰۰ دانشمندان برآورد می کردند که تعداد ۱۲۴۰ طرح انتقال آب تا سال ۲۰۲۰ برای انتقال تا ۸۰۰ کیلومتر مکعب آب اجرا شود. البته این اعداد فقط عدد نیستند بلکه ابعادی تاریک نیز دارند که از هنگام تصویب تا اجرا و بهره برداری، عاقدانه از دید افکار عمومی پنهان می مانند. در نگاه اول انتقال آب از مناطق پر آب به مناطق کم آب تئوری ساده ای است که با «توزیع عادلانه آب» در قلمرو مطابقت داشته و به عنوان یک راهکار از نظر افکار عمومی نیز پذیرفته شده است. طرفداران ایده انتقال آب بین حوضه ای با طرح مسائلی همچون لزوم رویارویی با مسائل نوظهور مانند تغییرات اقلیمی، نیاز به تامین آب شرب و غذا، ثبات نرخ رشد اقتصادی، رونق فضای کسب و کار و اشتغال، تجارت آب، مساله فقر، مهاجرت و پیامدهای آن و... در مناطق کم آب اجرای پروژه ها را ضروری معرفی می کردند. منتقدان اما این مزیت ها را با توجه به هزینه های هنگفتشان، کوتاه مدت ارزیابی کرده و چالشهای

نوظهور مانند تغییرات اقلیمی را از قضا یک هشدار جدی برای بازنگری در این نوع طرح ها که با تغییر مورفولوژی و رژیم رودخانه برپایداری اکوسیستم تاثیر منفی می گذارد ارزیابی می کنند. آنها انتقال آب بین حوضه ای را راه حل پایدار برای تامین آب در مناطق درگیر در کم آبی ندانسته و با نگاهی میان مدت و طولانی مدت به مساله؛ این نوع پروژه ها را از نظر زیست محیطی، اقتصادی و اجتماعی؛ مخرب اکوسیستم، مخاطره آمیز، و دارای پیامدهای اجتماعی تنش زا و بدوز از عدالت میدانند. فقدان رویکرد توسعه پایدار در درنگش به آب اصلی ترین نقد به این رویکردهای محل امنیت زیستی است. در حقیقت دینفعان و مدافعان این طرحها بدون این که به سایر ابعاد زیست محیطی و اجتماعی وزن دهند، صرفاً با دانش محتوایی مهندسی از آن دفاع می کنند. از دیدگاه زیست محیطی، انتقال آب بین حوضه ای (IBTs) موجب قطع اتصال سیستم رودخانه ای و در نتیجه ایجاد اختلال در رژیم جریان طبیعی آب شده و مورفولوژی رودخانه را تغییر می دهد؛ این دستکاری آثار و پیامدهای جدی برای محیط زیست و موجودات زنده در پی دارد مثلاً تخم ریزی و مهاجرت برخی از آبزیان و پرندگان را غیرممکن کرده و زنجیره غذایی طبیعی را مختل می نماید. گونه های مهاجم را جابجا نموده و پوشش گیاهی را تضعیف و بطور کلی موجب ناپایداری اکوسیستم شود. اما مساله از دیدگاه اجتماعی نیز بسیار مهم است. از دیدگاه انسانی، پروژه های انتقال آب بین حوضه ای بستر ساز ناپایداری اجتماعی و فرهنگی و ضد عدالت اجتماعی در طول حوضه آبریز است؛ برای آنهایی که منابع قدرت جدید بدست می آورند فرصت ساز است و برای عده ای دیگر که منابع را از دست داده اند تهدید محسوب می شود. انتقال آب بین حوضه ای چالش هایی همچون احساس نابرابری به عنوان بستری برای بروز مناقشات محلی در جوامع ایجاد می نماید. ناپایداری اجتماعی یکی از مهمترین پیامدهای انتقال آب بین حوضه ای است؛ از آنجاکه انتقال آب بین حوضه ای بطور کلی از عرضه آب بیشتر حمایت می کند؛ در نتیجه محرکی برای توسعه سطحی کشاورزی، صنعت، معدن و دامن زدن به مصرف حریصانه در مناطق کم آب می شود و این توسعه جاذب جمعیتی است که می تواند تعادل کشور را از نظر تراکم جمعیت مناطق کم آب دستکاری کند. بدیهی است که رشد جمعیت با نیاز به آب همسو است و



بر منابع آب و مصرف و تقاضای روزافزون تأثیر جدی می‌گذارد. عدالت اجتماعی و زیستی یکی از مغفول مانده‌ترین امر در جریان پروژه سازی آب است؛ بطور معمول از آنجاکه تصمیمات پروژه های بزرگ حاکمیتی است انتظار رعایت حقوق و عدالت اجتماعی و زیستی با نگاه ملی در آن برجسته تر می‌شود اما متأسفانه در کشور ما این نوع پروژه ها وجهه سیاسی پیدا کرده و عمیقاً با اقتصاد سیاسی و توزیع قدرت درهم تنیده شده است. در نتیجه تصمیم گیرهای سیستماتیک برای اجرای این پروژه ها نیز تصمیمات سیاسی است. در اولویت نبودن حفاظت از محیط زیست در کشورهای در حال توسعه از جمله کشور ما در کنار این تصمیم گیرهای مخاطره آمیز برای پایداری اکوسیستم به شدت مخرب است. در این مناطق جهان که اقتصاد غیرشفاف، آلوده به رانت و فساد و سیاست زندگی است، ارزیابی محیط زیستی و اجتماعی این پروژه ها در حاشیه قرار گرفته و در نتیجه عواقب آن نیز به راحتی نادیده گرفته می‌شود. بطور کلی سیاستمداران درگیر در این پروژه ها رشد اقتصادی سریع و توسعه کوتاه مدت را ترجیح داده و به تعادل آب و اکوسیستم اهمیت نمی‌دهند. در نتیجه این نوع تصمیمات سیاسی توزان جمعیتی بین حوضه ای را به هم زده و هم مبدا و هم مقصد را دچار مشکلات فراوان می‌نمایند. در این مناطق جهان توسعه «فرایند» نیست بلکه «پروژه ای» با کارفرمایان متعدد سیاسی و با سلیقه های متنوع است که تمایلی برای ارزیابی آسیبها و پیامدهایی که منافعشان را به چالش کشد ندارد. درحالیکه ارزیابی پیامدهای اجتماعی و زیست محیطی می‌تواند اطلاعات ارزشمندی را در اختیار بازیگران قرار دهد و ذینفعان متعدد را برای مذاکره، چانه زنی و متقاعدسازی و در نهایت تصمیم گیری مبتنی بر ظرفیت اقلیمی وارد بحث و گفتگو و مشارکت نماید. اساساً مدیریت منابع آب به دلیل

داشتن ذینفعان متعدد و متنوع نیاز به یک فضای مشارکتی برای تصمیم سازی و تصمیم گیری دارد. یکی از کلیدی ترین مسائل حذف شده در مدیریت منابع آب ایران تکیه محض بر «دانش محتوی» در حوزه آب و توجه صرف به نظرات مهندسی است. اما در این حوزه علاوه بر نیاز به دانش محتوایی، به «دانش بین رشته ای فرایندی» نیز نیاز است. پیامدهای اجتماعی و محیط زیستی اجرای پروژه های انتقال آب بین حوضه ای معمولاً بعد از چند سال خود را عیان می‌کنند و می‌تواند منجر به فاجعه شود و ابر چالش های بزرگ را رقم زند. اما به دلیل سلطه سودانگاران اقتصاد سیاسی بر راه حل های دیگر، اغلب در این خصوص مطالعات جدی نبوده و در نهایت به انباشت ابرچالش هایی منجر خواهد شد که هیچ راه حل فوری ندارند و البته مجریان آن نیز خود را ملزم به پاسخ نمیدانند. بعنوان مثال ریزگردهای ناشی از خشکاندن تالابها یکی از این پیامدها است که امروزه شاهد آنیم. اقتصاد سیاسی عامل اصلی برهم زدن نظم اکوسیستم و جامعه در جهان است و مانع اصلی جمع آوری و تحلیل داده ها برای مداخله در برآورد پیامدهای اجتماعی پروژه هاست چرا که بررسی این امر نیاز به بررسی الگوی چرخه منابع دارد. این الگو اطلاعات مهمی از حدو مرزهای در حال تغییر ناشی از فعالیتهای اقتصادی مبتنی بر منابع بکار گرفته شده را در اختیار قرار می‌دهد که نتایج آن می‌تواند بستر درک روشنتری از اجرای پروژه ها و توسعه ایجاد کرده و برخی از بازیگران درگیر در اجرای این پروژه ها را مردد نماید، به همین دلیل است که مجریان، ناظران و تصمیم گیرندگان در کشورهای در حال توسعه این نوع مطالعات در حاشیه قرار می‌نهند تا امکان درک روشن تر پیامدهای اجتماعی نگران کننده را کاهش داده و یا از بین ببرند. در جریان اجرای پروژه های انتقال آب نیز مطالعات اجتماعی در حاشیه قرار گرفته است؛ از دیدگاه اجتماعی از

آنجا که انتقال آب توزان جمعیتی، عدالت زیستی، سبک زندگی و فرهنگی را برهم می‌زند شیوه ای ناپایدار ارزیابی می‌شود. در حقیقت عرضه منابع آب بیشتر به مردمی که پیش از آن با سبک زندگی مبتنی بر کم آبی خود را وفق داده اند توزان شغلی و معیشتی را متزلزل نموده و ظرفیتهای اقلیمی را تخریب کند. این عرضه با دستکاری سیستم نگرشی افراد به آب در ابتدا سبک زندگی را تغییر میدهد و در نهایت مصرف حریصانه و میل به انباشت ثروت از طریق سرمایه گذاری برای محصولات آب بر را تقویت کرده و این تغییرات فرهنگی مدام به درخواست عرضه آب دامن می‌زنند. از آنجا که عرضه آب یک تصمیم حاکمیتی و سیاسی است، مناطقی که در کانون قدرت، ظرفیت سیاسی بیشتری برای تغییر دارند می‌توانند این عرضه را مطابق با منافع خود جهت داده و مدیریت نمایند. این نوع نگاه در مرحله بعد در جوامعی که به قدرت سیاسی کمتر دسترسی دارند به احساس نابرابری و در نهایت فقر و بیکاری و مهاجرت دامن می‌زند. احساس نابرابری در طی زمان خود به تنهایی یک کانون خطر در جهت متزلزل ساختن پیوستگی اجتماعی ملی به شمار می‌آید. آنچه مسلم است حکمرانی نامطلوب آب می‌تواند منجر به فاجعه ای شود که ممکن از به فروپاشی سرزمین بیانجامد. در کشور ما و در حال حاضر مدیریت منابع آب به یک دانش محتوایی درگیر در قدرت سیاسی تقلیل یافته و از اهداف توسعه پایدار به شدت دور مانده است. بر اساس دانش بین رشته ای فرایندی؛ به جز آب آشامیدنی، انتقال آب بین حوضه ای باید آخرین راهکار دسترسی به آب باشد و قبل از آن باید همه راهکارهای جایگزینی که ظرفیت آب محلی را بهینه کند مطالعه و اجرا شود. مدیریت تقاضا و کاهش تقاضای آب با کمک فناوری بویژه در بخش صنعت، معدن و کشاورزی، بازیافت فاضلاب، بازیافت آبهای نامتعارف، ارزیابی و ارتقاء مدیریت کاربری اراضی، تنوع بخشی به معیشت کم آب بر، مدیریت تامین؛ توجه به تولید و تجارت آب مجازی، تعقیب ردپای اکولوژیک صنایع آلاینده منابع آب موجود، کاهش ضایعات کشاورزی، بهبود فرهنگ مصرف خوراک و آب، بهبود زیرساختهای آبرسانی و جلوگیری از هدررفت آب به هر نحو، سرمایه گذاری برای حفاظت و تامین آب صورت محلی و یا حتی نمک زدایی در مناطق ساحلی کم آب راه حل هایی هستند که قبل از انتقال آب بین حوضه ای باید بررسی و اجرا شوند. انتقال آب بین حوضه ای با آسیبهای زیاد و بهره وری کم آخرین راه حل است که در صورت نیاز بسیار شدید باید مد نظر قرار گیرد که متأسفانه علی‌رغم هشدارهای جدی و مداخلات سیاسی در کشور ما انتقال آب بین حوضه ای تبدیل به اولین راهکار شده و پیامدهای این امر در سالهای آتی خود را نشان خواهد داد که ممکن است غیرقابل جبران باشد.

به کجا چنین جهادان



رضوان السادات شریفنیا
کارشناس آب و کنشگر محیط زیست

در حالی که غالب بررسی‌های دانشگاهی و نظر کارشناسان درباره مساله آب در ایران نشان می‌دهد که تعدیل مساله لازم است مصرف آب کنترل شده و کاهش یابد، رویکرد وزارت نیرو همچنان عرضه‌محور و در جهت رفع نیازهای موجود و آبی (بر مبنای روند مصرف فعلی) است. این تصور که الان در وضعیت بحران هستیم و باید با سرعت نیاز آبی (خصوصاً شرب) را تامین کنیم و یا به اعتراض کشاورزان پاسخ بدهیم، چرخه‌های معیوب را تقویت کرده و مساله را بغرنج‌تر می‌کند. در این نوشتار تلاش شده تا مساله آب تشریح شود. همچنین توضیح داده شود که چگونه وزارت نیرو با نادیده گرفتن ماهیت مساله آب و هشدارهای کارشناسان و کنشگران از مسیر تعدیل مشکلات فاصله گرفته است. بی‌شک ادامه این روند و تسریع حرکت چرخه‌های معیوب در سایه بی‌توجهی نهادهای نظارتی نظیر مجلس شورای اسلامی، پایداری سرزمین را در معرض تهدید جدی قرار خواهد داد.

شناخت مساله ی آب

اولین گام برای حل مساله، شناخت کافی از ماهیت آن است. در ابتدا با نگاهی به نظرات متخصصان سایر کشورها، به شرح مساله آب می‌پردازیم. نظر Paula Hanasz (۲۰۱۴) در خصوص کمبود آب بر این اساس است که اصطلاح "کمبود" در این مورد گمراه‌کننده است، چرا که بحران‌های آب فقط مربوط به آب نیستند. آنها همیشه با سایر عوامل اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و محیطی از جمله میزان تعارض موجود، قدرت حاکمیت و سیاستگذاری یا شرایط اقتصادی در ارتباط هستند. به نظر وی مساله اصلی نه کمبود آب است و نه حتی عدم دسترسی به آب. Hanasz بر این عقیده است که در دل مساله کمبود آب، یک مساله بدخیم (Wicked Problem) نهفته است. بنابر این لازم است بدون توجه به هیاهوی کمبود در تولید آب، بر مسائل واقعی و پیچیده مدیریت آب تمرکز شویم. Moors (۲۰۱۷) از موسسه آموزش آب نیز مساله کمبود آب در طبقه‌بندی مسائل بدخیم (رام نشدنی) دانسته است، چرا که هیچ راه حل آسان و معینی برای آن وجود ندارد. ابعاد علمی

ناشناخته و سوالات بی‌جواب بسیاری دارد. ایشان در این نوشتار برای روشن شدن ابعاد این نوع مسائل از نمونه‌های موردی مناقشات آب در حوضه رودخانه نیل و مسائل حوضه زاینده رود در ایران یاد می‌کند.

مساله بدخیم چیست و چه ویژگی‌های دارد؟ مسائل بدخیم، رام نشدنی یا درهم‌تنیده که معادلهای فارسی برای Wicked Problem هستند که نخستین بار توسط Rittel and Webber (۱۹۷۳) مطرح شد. فاضلی (۱۳۹۵) نه ویژگی این نوع مسائل را چنین معرفی می‌کند: تعریف مساله مبهم است و در مورد آن عدم قطعیت علمی وجود دارد، مساله متوقف نمی‌شود و راه حل نامشخص است، راه‌حل صحیح یا غلط برای آن وجود ندارد بلکه راهکارها خوب یا بد هستند. راهکارها لزوماً نتایج مورد انتظار را ندارند. برای تعدیل این مسائل نیاز به تغییر رفتار در ذینفعان متعدد است که بعضاً ارزشهای متضاد دارند. پیامدهای ناشناخته دارد، به همین دلیل فرصت برای آزمون و خطا وجود ندارد) ممکن است پیامدهای سنگینی پیش بیاید). بایستی راهکارها در تعامل با هم بررسی گردند (اجزا مساله بر هم اثر دارند)، هر مساله منحصر به فرد است و تجربه‌ها و دانش پیشین لزوماً کارساز نیست. راهکارهای بین رشته‌ای مورد نیاز است. همچنین سطح و تعریف مساله به تحلیلیگر بستگی دارد. از دیگر مسائلی که نمونه شاخص از مسائل بدخیم هستند می‌توان به تغییرات اقلیمی اشاره داشت.

در اینجا لازم است به نمونه دیگری از مساله بدخیم هم اشاره کوتاهی داشته باشیم. یکی از گزینه‌های مطرح برای مقابله با مساله کمبود آب، انتقال آب بین‌حوضه‌ای است. این راهکار با توجه به خصوصاتی که ذکر شد اکثر ویژگی‌های

بدخیمی و در هم‌تنیدگی را با خود به همراه دارد که به جای کمک به تعدیل مساله کمبود آب، وخامت آن می‌افزاید. Sinha (۲۰۱۷) با بررسی دو طرح انتقال آب بین‌حوضه‌ای در هند در خصوص ارزیابی روند تصمیم‌گیری برای منابع آبی به ماهیت هیبریدی (ارتباط مبدا و مقصد) و رام نشدنی (Wicked) طرح‌های انتقال آب بین‌حوضه‌ای اشاره می‌کند بر اساس نتایج این مطالعه مقدار آب مازاد قابل انتقال از هر دو حوضه مبدا مورد مطالعه، اغراق‌آمیز ارزیابی شده بوده و ناپایداری منابع آب حوضه مبدا و مصارف آن اغماض شده است. هیچ کدام از پروژه‌های انتقال مورد بررسی نتوانسته بودند اهداف پیش‌بینی شده را محقق کنند. در حالیکه که حوضه‌های مقصد (گیرنده آب) بدون اجرای پروژه قادر به تامین نیازهای حال و آینده خود بودند. به علاوه در این مطالعه نشان داده شد که پروژه‌ها نتوانستند هزینه‌های کلان خود را جبران کنند. و نهایتاً ریسک منابع آبی را هم در مبدا و هم مقصد افزایش داده اند.

بررسی‌های متعددی در حوضه زاینده‌رود (با سبقه طولانی در استفاده از انتقال آب از حوضه های مجاور) نشان می‌دهد انتقال آب نتوانسته مساله آب را تقلیل دهد. به علاوه اکثر مطالعات تغییرات اقلیمی در ایران کم و بیش افزایش دما و تبخیر و کاهش بارندگی در بیشتر حوضه‌های آبی در آینده پیش‌بینی می‌کنند. بنابر این تغییرات اقلیمی در ایران، منجر به وخامت بیشتر مساله آب خواهد شد.

در مواجهه با مساله چه باید کرد؟

تا اینجا تلاش شد تا ابعاد مساله آب روشن شود و همچنین گفتیم که دانش موجود لزوماً به حل مسائل اینچنین کمک نمی‌کند. پس



تعارضات کاهش پیدا کند.

ایران در چه وضعیتی قرار دارد؟

در بخشهای قبلی توضیح داده شد که مساله آب در جهان شناخته شده است و برای تعدیل آن رویکردهای متناسبی تعریف شده است. در این بخش به نظرات متخصصین و کارشناسان را درباره ایران می‌پردازیم. اشرف، ناظمی و آقاچوک در مقاله‌ای که در سال ۲۰۲۱ در سایت نیچر منتشر شد و در جامعه کارشناسی ایران غوغایی به پا کرد به تشریح وضعیت ایران پرداختند: «گرچه خشکسالی هواشناسی/هیدرولوژیکی به‌عنوان محرک عمل می‌کنند و میزان تخلیه ذخیره آب زیرزمینی در سطح کشور را تشدید می‌کنند، اما کاهش آب‌های زیرزمینی در مقیاس حوضه عمدتاً به دلیل برداشت گسترده آب توسط انسان ایجاد می‌شود». محققین این مقاله هشدار می‌دهند که ادامه مدیریت ناپایدار آب‌های زیرزمینی در ایران می‌تواند منجر به بروز اثرات بالقوه برگشت‌ناپذیری بر زمین و محیط‌زیست شود و تهدید امنیت آبی، غذایی و اقتصادی - اجتماعی کشور باشد. در همین مقاله عنوان شده است که تقریباً ۸۵ درصد از آب در خاورمیانه به‌طور انحصاری برای آبیاری استفاده می‌شود. در ایران آمار مختلفی ارائه می‌شود، به طوریکه برخی منابع، بیش از ۹۰٪ سهم مصرف را برای بخش کشاورزی در نظر می‌گیرند.

آیا رویکرد وزارت نیرو در جهت حل مساله بوده است؟

وزارت نیرو در دهه گذشته راهکارهایی را برای حل مساله آب ارائه داده است. طرح احیا و تعادل بخشی را می‌توان نمونه‌ای از راهکارهای تعدیل مساله عنوان کرد که دست کم در چارچوب متناسب به نظر می‌رسید. اقدامات تعادل بخشی در سه دسته تعریف شده بود: تدقیق اطلاعات، کنترل و نظارت بر مصرف، ذخیره‌سازی آب در آبخوانها (که سطوحی از مشارکت هم در آن دیده شده است). این طرح در سال ۹۳ تصویب شد. فاضلی فارسانی از مدیران شرکت مدیریت منابع آب ایران که به کرات درباره وضع آب زیرزمینی در رسانه‌ها هشدار داده است، در یادداشتی با عنوان منابع آب زیرزمینی ایران از نگاه کارشناسی تا نگاه سیاسی، طرح تعادل بخشی را شکست خورده دانسته و وضعیت ایران را در محله ورشکستگی آبی و نه بحران آب عنوان کرده است. وی افزوده، در حالی که بخش شرب و صنعت تنها ۱۰٪ مصارف آب را به خود اختصاص داده است، بیشترین بودجه به این بخش اختصاص می‌یابد که به وضع سهم چندانی در حل مساله آب کشور ندارد. ایشان تنها گزینه موثر را کاهش مصرف در بخش کشاورزی می‌داند. فاضلی فارسانی در ادامه توجه دولتها به طرح احیا و تعادل بخشی را در حد شعار دانسته

بررسی‌های متعددی در حوضه زاینده‌رود نشان می‌دهد انتقال آب نتوانسته مساله آب را تقلیل دهد. به علاوه اکثر مطالعات تغییرات اقلیمی در ایران کم‌وبیش افزایش دما و تبخیر و کاهش بارندگی در بیشتر حوضه‌های آبی در آینده پیش بینی می‌کنند. بنابر این تغییرات اقلیمی در ایران، منجر به وخامت بیشتر مساله آب خواهد شد

چه باید کرد؟ Balint و همکاران (۲۰۱۱) در کتاب مسائل محیط زیستی بدخیم (مدیریت عدم قطعیت‌ها و مناقشات) سه استراتژی برای مواجهه با مسائل بدخیم را ارائه می‌دهند. (۱) اصل پیشگیرانه، (۲) مدیریت تطبیق‌پذیر، (۳) مشارکت عمومی

الف) رعایت اصل پیشگیرانه: از آنجا که پیشگیری بهتر از درمان است (خصوصاً در مواردی که درمان واضح و قطعی‌ای وجود ندارد) عقل حکم می‌کند که از ایجاد و تشدید مساله دوری کنیم. به عبارتی از هر اقدامی که ممکن است در جاتی از خطر را با خود داشته باشد بپرهیزیم، هر چند دلایلی متقنی برای تاثیرگذاری و ارتباطش با مساله در هم تنیده وجود نداشته باشد.

ب) مدیریت تطبیق‌پذیر: وقتی در اطلاعات جامعی درباره رفتار یک سیستم نداشته باشیم و یا آگاهی ما مناسب با حل مساله نباشد، به این معنی هست که چندان نمی‌توانیم نسبت به حصول نتیجه مطمئن باشیم. پس، لازم است به طور مداوم تاثیر تصمیمات اتخاذ شده را بررسی کنیم و تا در صورت اثرگذاری منفی یا ناکارآمدی به سرعت بتوانیم مسیر را تغییر بدهیم.

ج) استفاده از مشارکت عمومی: مسائل رام نشدنی یا بدخیم را نمی‌توان به شکل دستوری و با بخشنامه و آیین‌نامه حل کرد. همانطور که قبلاً به آن اشاره شد ماهیت فرارشته‌ای دارد و ابعاد آن ناشناخته هست. پس نیازمند خرد جمعی و کنش جمعی برای تعدیل مساله هستیم. همینطور مشارکت عمومی به این معنی نیست که تصمیماتی گرفته شود و سپس از طریق آموزش و اطلاع رسانی تلاش شود تا آن تصمیمات در جامعه اجرا گردد. مشارکت عمومی طیف وسیعی از شنیدن نظرات تا استفاده از ایده‌ها و کار گروهی و حتی حل تعارضات و در بالاترین سطح، اجرای امور و نظارت به دست ذینفعان را شامل می‌شود. به گونه‌ای که در نهایت فضای اعتماد و احترام بین ذینفعان برقرار گردد و

اما عملکرد آنها را در واقع در راستای عرضه بیشتر آب ارزیابی کرده است به طوری که ۹۷٪ منابع مالی و اعتباری بخش آب به سمت عرضه سوق داده می‌شود.

با آغاز به کار دولت جدید در سال ۱۴۰۰ و انتشار عمومی برنامه‌های وزارت پیشنهادی، شبکه سازمانهای محیط زیستی و منابع طبیعی کشور به نقد برنامه علی اکبر محرابیان پرداخت و نامه‌ای به شماره ۶۵۸ در تاریخ ۱۴۰۰/۵/۳۱ به مجلس شورای اسلامی ارسال داشت. در این نامه در بخش نقد چالشها، راهبردها و برنامه‌ها نسبت به مواردی زیر هشدار داده شده بود:

- معضل بارگذاری بیش از حد بر منابع آبی
- برنامه ریزی برای احداث و تکمیل طرح‌های توسعه منابع آبی بدون توجه به شرایط فعلی منابع آب

- عدم اجرای اغلب بندهای طرح‌های تعادل بخشی تاکنون

- حذف جامعه مدنی از تصمیمگیری و نظارت
- فقدان شفافیت و دسترسی آزاد به اطلاعات
- روند ناشفاف و غیرقانونی تصویب پروژه‌ها - ۸۰ پروژه فاقد مجوز محیط زیستی وزارت نیرو در ردیف بودجه ۱۴۰۰

- نبود توجه کافی به نیازهای آبی محیط زیستی

- نبود توجه کافی به موضوع کیفیت منابع آب
- عدم توجه به موضوعات و مشکلات عدیده محیط زیستی طرح‌های موجود در بخش آب و انرژی

علیرغم نگرانی‌های سازمانهای مردم نهاد مبنی بر نامتناسب بودن رویکردهای وزیر جدید با مساله آب در کشور و ریشه‌های آن، محرابیان پس از دریافت رای اعتماد بر طبق برنامه اعلام شده که محور اصلی آن اتمام پروژه‌های نیمه‌کاره بود، مرکز امور اجتماعی منابع آب و انرژی وزارت نیرو را را منحل کرد. این مرکز که پیشتر توسط دکتر محمد فاضلی اداره می‌شد، اگرچه نقدهایی به آن وارد بود، دست کم در عنوان متناسب با تعدیل مساله در هم تنیده آب در کشور بود که نیازمند مشارکت و حل تعارضات است. در حالی که معضل اصلی منابع آب کشور توسط متخصصان مصرف کنترل نشده ارزیابی شده است، از مهرماه سال ۱۴۰۰ عبارت «جهاد آبرسانی» وارد ادبیات مدیریت اجرایی منابع آب کشور شد. سپس شورایی به همین نام تشکیل شد. وزیر نیرو در احکام اعضاء شورای جهاد آبرسانی تأکید کرد:

« با عنایت به لزوم مدیریت صحیح و استفاده بهینه از منابع آبی کشور و همچنین توجه به توسعه زیرساخت‌های حیاتی بالاخص در روستاها و مناطق محروم در دولت عدالت محور و مردمی سیزدهم، ایجاد یک سازوکار جدید اهمیت مضاعف می‌یابد. موفقیت در امر آبرسانی در این برهه زمانی نیازمند روحیه انقلابی، کار جهادی و بهره‌مندی از ظرفیت متنوع نخبگان،

نظیر "آبرسانی به مناطق محروم"، "جهاد"، ظرفیت نخبگان"، "مشارکت خیرین و سازمانهای مردم نهاد"، مسیر هولناک دولتها و تصمیم گیران پیشین را با سرعت بیشتری می پیماید و نه تنها در مسیر تعدیل مساله آب کشور قرار ندارد و چرخه های معیوب را تقویت می کند، بلکه از نظرات گروه های مختلف جامعه، از محرومان تا کارشناسان، نیز فاصله می گیرد. در این میان مجلس شورای اسلامی نیز بر وظایف نظارتی خود اهمیتی نداشته و به هشدارهای سازمانهای مردم نهاد توجه لازم را ندارد.

Hanasz P. 2014. The problem with problems of water scarcity in South Asia. <https://globalwaterforum.org/25/02/2014/the-problem-with-problems-of-water-scarcity-in-south-asia/>

Water Scarcity

Moors Eddy J. 2017. Water – wrestling with wicked problems. Inaugural lecture Rector of IHE Delft Institute for Water Education.

IHE Delft Institute for Water Education

Rittel, H., and M. M. Webber. 1973. Dilemmas in a general theory of planning. Policy Sciences 69–4:155.

فاضلی، محمد (۱۳۹۵). مفهوم مسائل بدخیم. فصلنامه مطالعات راهبردی سیاستگذاری

عمومی، دوره ششم، شماره ۲۱، زمستان ۹۵

Balint P.J., Ronald E. S., and Anand D. 2011. Wicked environmental problems: managing uncertainty and conflict. Island Press, 2011.

<https://doi.org/10.1038/s-41598-88522-021y>

منابع آب زیرزمینی ایران از نگاه کارشناسی تا نگاه سیاسی، عبد الله فاضلی فارسانی (معاون حفاظت، بهره برداری و امور اجتماعی حوضه آبریز فلات مرکزی و شرقی)، منتشر شده در کانال تلگرامی GroundWater

<https://wnn.wrm.ir/cs/NewsCrawler/55121/559>

واکاوی جزئیات انتقال آب از دریای عمان به شمال شرق/ حامیان پروژه انتقال آب از دریا چه کسانی هستند؟ - خبرگزاری فارس تاریخ خبر ۱۴۰۰/۸/۱۸:

دهها تشکل محیط زیستی و میراث فرهنگی: وزارت نیرو اطلاعات پروژه های آب مملکت را با مردم در میان نمی گذارد. خبرگزاری روزروز تاریخ خبر ۱۴۰۰/۱۰/۹



حالت تنها ۱۷٪ کسری منابع آبی را جبران خواهد کرد. برخی کارشناسان بر این عقیده هستند که هزینه این طرح با در نظر گرفتن نگهداری و بهره برداری بسیار بیشتر از هزینه عنوان شده خواهد بود.

تعامل با سازمانهای مردم نهاد نیز از اهداف مرکز جهاد آبرسانی عنوان شده است. در حالی که نزدیک به ۲۰۰ سازمان مردم نهاد در بهمن ماه ۱۴۰۰ در نامه ای به کمیسیون اصل نود مجلس، از رویه ناصواب قرارگیری بیش از ۴۰۰ طرح فاقد مجوزهای لازم (از جمله مجوز محیط زیستی) در بودجه سال ۱۴۰۱ و همچنین عدم رعایت قانون دسترسی آزاد به اطلاعات توسط وزارت نیرو شکایت داشتند. در این طرح ها که بعضا حتی فاقد مطالعات ارزیابی هستند، از آبرسانی به سیستان تا مناطق غیر محرومی مانند تهران، البرز و سمنان دیده می شود که مورد انتقاد شدید مناطق مبدأ انتقال هستند. پیشتر، شبکه سازمانهای مردم نهاد محیط زیستی نیز در نامه ای به شماره ۶۸۲ در تاریخ ۱۴۰۰/۸/۶ خطاب به هیات رئیسه مجلس شورای اسلامی هشدار داده بود که آینده موفق را برای جهاد آبرسانی با رویکرد شتابزده در تقاضا-محوری متصور نیست. در این نامه اشاره شده که "کار جهادی نباید منجر به اهمال در ارزیابی اثرات پروژه ها، عدم رعایت قوانین و ساده سازی مساله درهم تنیده آب باشد. به علاوه روحیه انقلابی، مشارکت عموم را نیز در بر دارد که به نظر می رسد در ساز و کار جدید جایگاه مشخصی برای آن وجود ندارد". این شبکه تصریح داشته که در مکاتبات پیشین، وزارت نیرو را به استفاده و تقویت سرمایه های اجتماعی، مشارکت در تمامی سطوح و توجه به توان اکولوژیکی سرزمین دعوت کرده و هشدار داده که در صورتی که ارزشهای اکوسیستمی و اجتماعی در فضای رقابتی با اثرات کوتاه مدت اقتصادی قرار گیرد، پایداری سرزمین به مخاطره خواهد افتاد.

به نظر می رسد که وزارت نیرو در دولت فعلی، صرفا با بهره گیری از بار معنایی مثبت عبارتهایی

کارشناسان گروه های جهادی، نهادهای و خیرین می باشد که تشکیل شورای جهاد آبرسانی آغازی بر این مأموریت عظیم در دولت ایران قوی است. بر این اساس، شورای جهاد آبرسانی با هدف برنامه ریزی هر چه دقیق تر و اتخاذ تصمیمات هماهنگ و متمرکز کردن اعتبارات و بهره گیری از تمام ظرفیتهای ستادی و استانی در وزارت نیرو تشکیل می شود.

نهایتا مرکز امور اجتماعی منابع آب و انرژی جای خود را به مرکز جهاد آبرسانی وزارت نیرو (جهاداب) داد. مهندس میثم جعفرزاده رئیس مرکز جهاد آبرسانی نیز در شبکه خبری آب ایران، خدمات رسانی به مناطق محروم و توسعه و تعامل با سازمانهای مردم نهاد و خیرین را هدف اصلی تشکیل مرکز جهاد آبرسانی دانسته است.

با مشاهده عملکرد وزارت نیرو، نگرانی ها بیشتر می شود

هنوز مشخص نیست در حالی که دانشگاهیان، محققان و حتی کارشناسان و مدیران با تجربه مدیریت منابع آب کشور بر لزوم اتخاذ تصمیماتی برای کاهش مصرف و تخصیص مالی به طرح های نظیر تعادل بخشی تاکید دارند، ساختار جدید با نام جهاد آبرسانی چگونه خواهد توانست که "بهرمندی از ظرفیت متنوع نخبگان" را اجرا نماید.

در حالی که ظاهرا رویکرد رسیدگی به نیازهای مردم محروم مورد توجه قرار گرفته است، انتقال آب از دریای عمان به صنایع فلات مرکزی و خراسان رضوی در دی ماه ۱۴۰۰ در مجلس تصویب می شود. این طرح که نه با کمک خیرین و بخش خصوصی بلکه با قرار گرفتن در بودجه سال ۱۴۰۱ و استفاده از منابع صندوق توسعه ملی در دستور کار قرار گرفته است که از نظر اقتصاددانان فاقد توجیه اقتصادی و زیان ده محسوب می شود. این پروژه به گزارش خبرگزاری فارس ۲۵۰ میلیون مترمکعب را انتقال خواهد داد که به صرف بودجه ۱۱۱،۲ میلیارد تومانی (معادل یکسال بودجه عمرانی کشور) در بهترین

چرا نمی‌توان به «سیاست‌گذار خوب» دل بست؟



سروش طالبی اسکندری
پژوهشگر اندیشکده تدبیر آب ایران

یک سیاستگذار ممکن است در راستای منافع شخصی خود حقوق بخش مهمی از جامعه را زیر پا بگذارد. دلیل حمایت نماینده مجلس از تصویب یک قانون ممکن است منافع مستقیم برای خودش باشد یا یک دولتمرد برای صنعتی که در آن ذی‌نفع است مجوزی صادر کند. اما حتی اگر فرض کنیم این‌گونه فسادها محو شوند و ما با "سیاستگذاری خوب" طرف باشیم، باز هم سپردن ریش و قیچی به این "سیاستگذاران خوب" و کم‌رنگ شدن نقش مردم در صحنه حکمرانی آب فاجعه‌بار خواهد بود. سپردن امور به دولت به عنوان نماینده‌ای با تمام اختیارات از جانب مردم، اتفاق ناخوشایندی بوده که در چند دهه گذشته رخ داد و تبعاتش امروز دامن گیرمان شده است. دلیل این مدعا این است که حکمرانی آب ذاتاً امری سیاسی و اجتماعی است.

حکمرانی آب در معرض تصمیمات متعارض است. آب کالایی محدود و پرازش است و پاسخ به این سوال که چه کسی آن را مصرف کند و منافعش را تصاحب کند، تعارض برانگیز است. این تصمیمات متعارض عموماً میان خوب و بد نیست. بلکه میان گزینه‌هایی است که هر کدام هم‌زمان هم خوب و هم بدند. با هیچ استدلال منطقی نمی‌توان اثبات کرد که یک بخش مصرف‌کننده آب حق تمام و کمالی بر آب دارد و بخشی دیگر هیچ حقی ندارد. شرب مورد نیاز انسان‌ها، آب مورد نیاز برای صنایعی با هزاران میلیارد سرمایه‌گذاری و فراهم‌آورنده اشتغال و رشد اقتصادی، حقابه تاریخی‌ای که صدها سال معیشت روستاییان به آن وابسته بوده، آب مورد نیاز محیط‌زیست که حیات زیست‌مندان بسیاری در گرو آن است و سایر تعهداتی که برای توسعه یا زندگی مرفه‌تر بر دوش آب گذاشته شده است، هر کدام به نوعی نسبت به آب محدود حق دارند. از این منظر حق مردمان خوزستان و چهارمحال و بختیاری برای حفاظت از منابع آب خود به این معنی نیست که کشاورزان اصفهانی در قبال حقابه‌های از دست رفته یا تعهداتی که از دولت دریافت کرده‌اند حقی ندارند و بالعکس حق اصفهانی‌ها نیز لزوماً مجوز صدور انتقال آب را نمی‌دهد. اما حکمرانی آب در معرض پاسخ به این سوال است که بالاخره چه کسی آب را مصرف کند؟ حکمرانی آب چه پاسخ صریحی برای این سوال داشته باشد و چه نداشته باشد، در واقع تعیین می‌کند آب به کجاها تعلق گیرد. به همین

جهت حکمرانی آب امری سیاسی به عبارت دیگر در معرض انتخاب میان اهدافی متعارضی است که برندگان و بازندگان خواهد داشت.

اگر چه همواره تمایل به ارائه فرمول‌ها و قواعد "همیشه و همه‌جا درست" وجود دارد، اما در واقع پیچیدگی‌های آب این فرمول‌ها را نمی‌پذیرد. فرمول‌هایی همچون "آب را کسی باید استفاده کند که بهای بیشتری برای آن می‌پردازد"، "حق شرب مقدم بر سایر مصارف است"، "مصارف آب باید از منابع همان حوضه باشد" گزاره‌هایی از این دست است. تجارب متعددی نشان داده است که اندازه‌گیری آب و قیمت‌گذاری بر هر واحد آن در بسیاری از موارد نشدنی است و از آن مهم‌تر لزوماً انگیزه‌ها را متناسب با پایداری منابع آب شکل نمی‌دهد. توجیه مقدم بودن آب شرب موجب شده تا برای رسیدن به این هدف، هر وسیله‌ای توجیه شود و چشم‌ها بر بسیاری از بی‌عدالتی‌ها بسته شود. در نهایت تعیین مرزهای حوضه آبریز امری قراردادی و انسان‌ساخت و معمولاً مورد علاقه متخصصان آب است؛ در حالی که شکل‌گیری مصارف آب هیچ‌گاه تماماً مطابق با میل متخصصان بخش آب نخواهد بود و به همین جهت در بسیاری از موارد گزینه تامین آب خارج از حوضه در دستور کار قرار می‌گیرد. همان‌طور که برای تامین آب شرب اغلب شهرهای بزرگ ایران این‌گونه است. از سوی دیگر نحوه ساخته شدن حکمرانی آب در کنترل دولت نیست بلکه کنش‌های بسیار متعددی آن را شکل می‌دهد. تصمیمات خرد و کلان مربوط به آب در گستره بسیار پراکنده‌ای رخ می‌دهد و افراد و عوامل مختلفی در آن دخیل هستند. اگر چه نقش افراد و عوامل مختلف کاملاً متفاوت است اما به هر حال هر یک از این کنش‌ها تأثیر خود را بر حکمرانی آب خواهد داشت. در نتیجه حل و فصل مسائل آب یا به عبارتی ساخت حکمرانی آب موضوعی نیست که بر دوش قواعد و دستورالعمل‌هایی از پیش معین یا تعداد محدودی از افراد (مثلاً مسئولین دولتی) گذاشته شود. به همین جهت حکمرانی آب امری اجتماعی است که از خلال کنش‌ها و مذاکرات کنشگران متعدد ساخته می‌شود.

اکنون با نشان دادن ذات سیاسی و تعارض برانگیز حکمرانی آب میان اهدافی که لزوماً سیاه یا سفید نیستند و ذات اجتماعی حکمرانی آب یا نحوه ساخته شدن آن از خلال کنش کنشگران متعدد، برگردیم به مدعای اصلی این یادداشت مبنی بر ضرورت حضور و مطالبه‌گری جامعه برای ساختن حکمرانی آب. تجربه نشان داده است که حتی "سیاستگذار خوب" هم در معرض این است که در انتخاب میان اهداف تعارض برانگیز، کنشگران بی‌صدا را نبیند. اگر کشاورزان اصفهانی بی‌صدا

بودند و حضور نداشتند، زمینه فراهم بود تا نمایشی از رودخانه پر آب در شهر اصفهان با ایجاد بندهای سنگی، تامین آب بیشتر و بیشتر برای صنایع و انتقال آب برای نیازهای شرب و صنعت مناطق دیگر همچنان پیگیری شود و سهم کشاورزان کمتر و کمتر شود. در سوی دیگر اگر مردم و تالاب‌ها و ریزگردهای خوزستان و چهارمحال و بختیاری بی‌صدا بودند چه راهکاری ساده‌تر و عملی‌تر از سوراخ کردن کوه و رفع مشکل زاینده‌رود با آب کارون و دز بود؟! بنابراین آنچه انتخاب نهایی را از میان گزینه‌های مختلف تعیین می‌کند، معمولاً درست یا غلط بودن آن نیست. بلکه صدا داشتن مدافعان هر گزینه و نحوه کنش آنها در نشان دادن حقشان است که منتج به یک تصمیم می‌شود. این نقطه همان جایی است که ما را مجاب می‌کند تا برای دستیابی به حقمان تلاش و کنش داشته باشیم و دلخوش به تصمیمات مطابق با خواسته‌مان از سوی دولت نباشیم.

بروز اجتماعی بودن حکمرانی آب و کنش‌های اجتماعی که آن را می‌سازد می‌تواند شکل و شمایل مختلفی داشته باشد. یک کشاورز با نحوه تصمیم‌گیری درباره محصولی که کشت می‌کند یا شیوه آبیاری و منبع تامین آبش بر حکمرانی آب تأثیر می‌گذارد. همچنین یک شهروند با صرفه‌جویی در مصرف آب بر تامین منابع جدید یا تولید فاضلاب موثر است. اما اکنون زمانی است که باید محدوده و قدرت اثرگذاری مردم عادی در حکمرانی آب ارتقا پیدا کند. وضعیت آب و مسائلش دیگر نمی‌تواند تنها با اصطلاحات و فرمول و عدد و رقم‌های مهندسی بیان شود، در جلساتی با حضور مسئولین و متخصصان تعیین تکلیف شود، قواعدش به قانون و مقررات دولتی خلاصه شود و از مردم انتظار برود که تابع تصمیماتی باشند که برایشان گرفته شده است و نهایتاً در محدوده زندگی شخصی خودشان برای نحوه مصرف آب اختیار داشته باشند. در عوض مردم باید عرصه‌های بیشتری را برای شیوه ساخته شدن حکمرانی آب برای خود فراهم کنند. گفتگوی عمومی درباره آب از طریق برگزاری و حضور در کمپین‌ها، جلسات و سخنرانی‌ها، ارتقای سواد آبی و آگاهی‌بخشی حقوق مردم با تولید محتوا و نگارش و مطالعه مقالات و یادداشت‌ها و حضور در تصمیم‌سازی از طریق سازماندهی اجتماعی، شکل‌دهی به اعتراضات، مطالبه از سیاستمداران و مقاومت در برابر تصمیمات آنها همگی شیوه‌هایی برای اجتماعی‌تر کردن حکمرانی آب هستند. در این راستا به جای اینکه امیدمان را به سیاستگذار ببندیم، باید از سیاستگذار به عنوان ابزاری استفاده کرد که می‌تواند ما را به اهدافمان نزدیک کند.

در حوزه مدیریت منابع آب کشور، از «کدام» بی‌تدیری، «چقدر» و «تا کی» باید گفت؟ با «شغل» سدسازی مخالفیم!



حنیف رضا گلزار
کارشناس ارشد خاک و آب

سمت خشکی و کم بارشی بیشتر و در پی آن تداوم روند کاهش حجم رواناب های سطحی سوق می دهد. با این وصف سد سازی به عنوان یکی از راهکارهای مدیریت منابع آبی کشور، همچنان به عنوان اولویتی اصلی در دستور کار قرار دارد و اینجاست که سدسازی را از یک فن و تخصصی برای تامین نیازهای آبی جوامع به شغلی پر درآمد برای عده ای خاص تبدیل می نماید.

تعداد سدهای مشمول بودجه کشور در سال گذشته ۷۷ مورد بوده (لایحه بودجه کل کشور در سال ۱۴۰۰)، که این عدد در سال ۱۴۰۱ به ۹۴ سد (لایحه بودجه کل کشور در سال ۱۴۰۱) افزایش یافته است. نگاهی به "فصل آب" در لایحه بودجه سال ۱۴۰۱ کل کشور نشان می دهد که این بخش بیش از ۹۲۰۰ میلیارد تومان اعتبار دارد که از این مقدار، ۴ هزار میلیارد (۴۳ درصد کل بودجه فصل آب)، به "برنامه عرضه" یا همان انتقال آب و ۳۸۰۰ میلیارد (۴۱ درصد کل بودجه فصل آب)، هم به "برنامه تامین" یا همان سدسازی اختصاص پیدا کرده است. (لایحه بودجه کل کشور در سال ۱۴۰۱) به بیان مشخص ۸۴ درصد کل بودجه فصل آب، همچنان "سازه" و "عرضه محور" است و نشانی از "مدیریت تقاضا" در آن به چشم نمی خورد.

نگاهی به جزئیات این لایحه بودجه هم بیانگر این است که سهم منابع مالی طرح های انتقال آب نسبت به سال گذشته ۱۶ برابر افزایش یافته است. نکته بسیار نگران کننده در این رویکرد مدیریتی منابع آب، ذوب شدن طراحان و مجریان این شیوه مدیریت منابع آب در "توسعه بتن محور" و عدم توجه به نتایج و دست یافته های این ساختار مدیریتی در جهان و ایران می باشد چرا که بررسی های انجام شده در سطح جهان بیانگر این است که «با توجه به تجربه شکست خورده پروژه های متعدد انتقال آب بین حوضه ای در کشورهای مختلف از جمله کانادا، مصر، روسیه، ترکیه، اسپانیا و آمریکا، علاقه مردم برای چنین پروژه هایی افول کرده است.» (Khodabakhshi, ۲۰۰۵) و (Pitcock et al, ۲۰۰۹) تجربیات داخل کشور نیز بیانگر چنین رویکردی است.

«در ایران نیز اکثر پروژه های انتقال آب بین حوضه ای با هدف تامین آب کشاورزی همراه با حفر تونل های طولانی اجرا شده اند. از آنجایی که طرح های انتقال آب بین حوضه

بند بهمن در استان فارس و سد داریوش روی رودخانه کر با قدمت نزدیک به ۲۵۰۰ سال و همچنین ساخت ۱۸ سد و بند در زمان ساسانیان، ۸ سد و بند در دوران آل بویه، ۲ سد و بند در دوره ایلخانیان و ۱۲ سد و بند در دوره صفویان (کوروس و همکاران، ۱۳۵۰)، از جمله کارنامه مدیریت سازه محور آب در ایران باستان به شمار می آید که شاید کمتر مورد توجه و واکاوی قرار گرفته است. بنابراین سدسازی در ایران پدیده ای نوین و نوظهور نیست و پشتوانه و تجربه تاریخی خاص خود را دارد. روند سد سازی و مدیریت سازه محور آب اما با آغاز صنعتی شدن ایران پس از روی کار آمدن پهلوی اول ادامه یافت تا جایی که در حال حاضر می توان گفت گنجایش کل مخازن سدهای کشور از عدد ۵۰ میلیارد متر مکعب گذشته و حجم انتقال آب بین حوضه ای شامل سه مرحله طرح های مطالعاتی، در دست اجرا و به بهره برداری رسیده نزدیک به ۵ میلیارد متر مکعب (مرکز پژوهش های مجلس شورای اسلامی، ۱۳۹۸)، و به روایتی دیگر تا ۶،۳۵ میلیارد متر مکعب (صادقی و همکاران، ۱۳۹۵)، افزایش یافته است.

افزایش حجم مخازن سدهای کشور به ۵۰ میلیارد متر مکعب در حالی رخ داده که حجم میانگین رواناب های سطحی کشور طی ۱۰ سال منتهی به سال ۱۳۹۶ از ۸۷،۲ به ۴۹،۲ میلیارد متر مکعب کاهش یافته است (مرکز پژوهش های مجلس شورای اسلامی، ۱۳۹۶)، و پیش بینی های انجام شده چه در داخل و چه در خارج از کشور بیانگر آن است که تحولات اقلیمی در منطقه، سرزمین ما را به

واکوی تاریخ پرفراز و فرود کشورمان بیانگر این است که فرآیند انتقال آب بین حوضه ای نه الگویی وارداتی از غرب و شرق عالم بلکه یکی از روش های مورد نظر حاکمیت با هدف توسعه بویژه در منطقه فلات مرکزی ایران بوده است. شاید بسیاری تصور کنند که بهره برداری از تونل کوهرنگ در سال ۱۳۳۲ با هدف انتقال آب از سرچشمه های کارون به حوضه گاوخونی، پدیده ای نوین، وارداتی یا برگرفته از شیوه های رایج در جهان غرب بوده ولی نگاهی به تاریخ نشان می دهد که موضوع حفر کانال با هدف انتقال آب از سرشاخه های کارون به سمت زاینده رود برای نخستین بار در در زمان شاه عباس اول مطرح و حتا بخش هایی از آن عملیاتی هم شده بود (کاتوزیان، ۱۳۹۵). به هر روی تقلیل دادن ساختار مدیریت آب در ایران به ۳۷ هزار رشته کاریز ساخته شده به طول ۳۱۰ هزار کیلومتر (غیور، ۱۳۷۰)، و بالیدن بر آن شاید جفایی در حق تاریخ باشد چرا که نیاکان ما در کنار حفر و ایجاد این شبکه گسترده از کاریز ها، همیشه نیم نگاهی هم به ساخت سد و بند روی رودخانه ها و حتا ایجاد کانال های طولانی با هدف انتقال آب بین حوضه ای نیز داشته اند. ساخت سد کوروش روی سرشاخه های دجله در سوریه امروزی،





آنچه که ضروریست تا درباره آن به روشنی اظهار نظر نماییم این است که کارشناسان مستقل و سازمان های مردم نهاد در بخش محیط زیست و منابع طبیعی کشور با سدسازی مخالف نیستند و هرگز نگاه صفر و یک به سد به عنوان سازه ای برای جمع آوری، ذخیره سازی و تامین نیاز آبی ساختار نوین زندگی در سه بخش خانگی، صنعت و کشاورزی ندارند

برگرفته‌ها

اسدی، م.، مظاهری، م.، و عبدالمنافی، ن. ۱۴۰۰. بررسی تحلیلی شرایط موجود و تبیین وضعیت آینده بحران آب در کشور. مرکز پژوهش های مجلس شورای اسلامی، معاونت پژوهش های زیربنایی و امور تولیدی، شماره مسلسل ۱۸۰۶۷

صادقی، ح.ر.، کاظمی کیا، س.، خیرفام، ح.، و حزباوی، ز. ۱۳۹۵. تجارب و پیامدهای انتقال آب بین حوضه ای در جهان. مجله تحقیقات منابع آب ایران. سال ۱۲، شماره ۲. صفحه ۱۲۰ - ۱۴۰

غیور، ح. ۱۳۷۰. نگرشی تازه بر قنات در ایران و چگونگی توزیع آن در مناطق مختلف جغرافیایی، فصلنامه تحقیقات جغرافیایی استان، قدس رضوی.

کاتوزیان، ه. ۱۳۹۵. ایرانیان دوران باستان تا دوره معاصر. نشر مرکز.

کوروس، غ.، رضا، ع.، انتظامی، ع.، امام شوشتری، م. ۱۳۵۰. آب و فن آبیاری در ایران باستان، وزارت آب و برق، تهران.

مرکز پژوهش های مجلس شورای اسلامی، ۱۳۹۸. انتقال آب بین حوضه ای و انتقال آب از دریا. ۲. ایران.

مظاهری، م. و عبدالمنافی، ن. ۱۳۹۶. بررسی بحران آب و پیامدهای آن در کشور. مرکز پژوهش های مجلس شورای اسلامی، معاونت پژوهش های زیربنایی و امور تولیدی، شماره مسلسل ۱۵۶۰۸

نوری ثانی، ع.، محسنی، ر.ع.، کوششی، م. ۱۳۹۹. آثار و پیامدهای اجتماعی و فرهنگی دو شیوه مدیریت آزادسازی مخازن سدها. فصلنامه علمی مطالعات راهبردی سیاست گذاری عمومی. دوره ۱۰، شماره ۳۶

Ghobadian, A. 1990. Iranian natural resource in relation to agricultural utilization, reconstruction and reclamation. Kerman University Press, 480p

را دارد تا به طور کامل تبدیل به مخزن سد بشود!! (سخنرانی مدیران وزارت نیرو در روز بهره برداری از سد گتوند) بررسی های بیشتر بیانگر این است که تا کنون نزدیک به ۵۰ درصد ظرفیت کل سدهای کشور در استان خوزستان متمرکز شده اما همچنان مشکل بی آبی بویژه در بخش خانگی و کشاورزی این استان حل و فصل نشده و این خود سندی گویا از ناکارآمدی مدیریت سازه محور آب و بویژه سدسازی در ایران است.

متأسفانه ساختار مدیریت منابع آب کشور نه تنها از تجربه شکست خورده مدیریت سازه محور آب شامل سدسازی و انتقال آب بین حوضه ای در استان خوزستان پند و تجربه نیاموخته، بلکه در سال های گذشته شاهد آن هستیم که این تجربه و الگوی شکست خورده در حال گسترش به دیگر مناطق کشور است. استان مازندران از جمله مناطقی است که به روشنی در حال پیمودن مسیر نادرست و شکست خورده مدیریت آبی خوزستان است. ساخت سدهای متعدد و متوالی روی سرشاخه های رود تجن به عنوان بزرگترین رود جاری در این استان و برنامه ریزی برای انتقال بخشی از این منابع آبی به خارج از حوضه آبریز تجن بزرگ که در قالب احداث سد جنجالی و پرحاشیه فینسک در دست پیگیری است، تنها یکی از بی شمار تکرار الگوی شکست خورده خوزستان در مازندران است.

متأسفانه مدیریت منابع آبی و سد سازی و انتقال آب بین حوضه ای در ایران از نگاه و شیوه ای تخصصی خارج و به «شغل و حرفه ای پر درآمد» تبدیل شده است. رها کردن گلوگاه های مدیریت آبی و تمرکز کامل روی ساختارها و روش های سازه و بتن بنیان مدیریت منابع آبی خود گویای این واقعیت است که مدیریت منابع آب به کانونی برای توزیع رانت های سیاسی و اقتصادی تبدیل شده و آنچه که در این میان قربانی می شود، امنیت ملی و زیستی و آینده این سرزمین است.

ای مستقیم مدیریت حوضه مبدا و مقصد را تحت تاثیر قرار می دهد، اغلب در بلند مدت منجر به تضعیف شرایط اجتماعی - اقتصادی و محیط زیستی در یکی از دو حوضه شده است. (صادقی و همکاران، ۱۳۹۵) در همین راستا Gobadian, (۱۹۹۰)، «به محدودیت های انتقال آب بین حوضه ای در ایران پرداخته و جابجایی آب را به عنوان اختلال بیان کرده است.» نوری و همکاران (۱۳۹۹)، نیز در بررسی پیامدهای اجتماعی مدیریت سازه محور آب در ایران بیان داشتند که «بیش از دو میلیون نفر از مردم ایران تحت تاثیر پیامدهای سد سازی قرار گرفته اند».

آنچه که ضروریست تا درباره آن به روشنی اظهار نظر نماییم این است که کارشناسان مستقل و سازمان های مردم نهاد در بخش محیط زیست و منابع طبیعی کشور با سدسازی مخالف نیستند و هرگز نگاه صفر و یک به سد به عنوان سازه ای برای جمع آوری، ذخیره سازی و تامین نیاز آبی ساختار نوین زندگی در سه بخش خانگی، صنعت و کشاورزی ندارند، اما پرسشی که پاسخ به آن ضروریست این است که روند سد سازی و مدیریت سازه محور آب در ایران قرار است تا کجا ادامه یابد؟ همانطور که پیشتر نیز بدان اشاره کردیم، حجم کل رواناب های سطحی کشور طی نیم قرن گذشته از روند کاهشی برخوردار بوده ولی حجم مخازن سدهای ساخته شده همچنان روندی افزایشی دارد. برای مثال میانگین آورد کارون طی ۶۰ سال گذشته نزدیک به ۱۹ میلیارد مترمکعب گزارش شده که این عدد در ۲۰ سال گذشته به ۱۲ میلیارد متر مکعب کاهش یافت.

این در حالیست که حجم کل سدهای ساخته شده روی کارون بیش از ۱۴ میلیارد مترمکعب گزارش می شود. از ۹۵۰ کیلومتر طول کارون بیش از ۴۵۰ کیلومتر آن (بیش از ۴۷ درصد آن)، به مخزن سد تبدیل شده و ساختار مدیریتی منابع آبی کشور همچنان معتقد است که «کارون این ویژگی



روایت هورالعظیم از نگاه بومیان آن

بهنام اندیک
نامزد دریافت دکترای مهندسی
محیط زیست - منابع آب در دانشکده
فنی دانشگاه تهران



واسطه جنگ شهر تخلیه شده است و ده دوازده سالی است که دوباره مردم به شهر برگشتند و از این رو است که هنوز صورت شهری به خود نگرفته است. چه در برخی کوچه‌ها که وارد می‌شدیم عده‌ای را می‌دیدیم که مشغول ساخت‌وساز بودند. از گذشته شهر و حضور شهید سردار «الحاج العلی الهواشمی» و نقش بی‌بدیش در ساماندهی نیروهای مردمی در جنگ و حضورش در شهر رفیع گفت؛ شهید سردار علی هاشمی سردار عربی که در سال ۱۳۶۷ در جزیره مجنون به شهادت رسید و پیکرش تا سال ۱۳۸۹ تفحص نشده بود. بدون از این که از او سؤالی بپرسم حرف می‌زد گاه با بغض و گاه با شفع. وقتی متوجه شد که به‌دقت با حرف‌هایش گوش می‌دهم از من پرسید که چه کمکی از دست او بر می‌آید و من از او سه چیز خواستم: ۱- بیشترین تراز آبی که به چشم خود دیده کجا بوده است ۲- آخرین نقطه‌ای که الان تالاب آب دارد کجاست و ۳- از منظر یک بومی نظرت در مورد خشک‌شدن تالاب چیست و عامل خشکی آن را چه می‌داند؟

در پاسخ به سؤال اول گفت که تا قبل ساخت سد همیشه تا حد جاده شهید باکری آب بود. در پاسخ به سؤال دوم گفت هور خیلی پایین رفته است و می‌رویم می‌بینیم. در پاسخ به سومین سال اما او سد

داشت همین جریان کمی هم که الان در حال گذر است بخش قابل توجهی از فاضلاب شهرهایی است که کرخه از میان آنها گذشته است؛ گزاره‌ای که در هنگام نمونه‌برداری از آب هور به نظر درست می‌آمد چرا که حداقل ظاهر آب نشان می‌داد که آب زلالی به سمت تالاب جاری نمی‌شود.

ابوایمن از کشاورزی و از کاشت برنج گفت. وقتی از برنج گفت با حالتی متعجب پرسیدم چند سال است که برنج می‌کارید و برایم توضیح داد که از زمان جدش به یاد دارد که کشت برنج رواج داشته است و الان چندسالی است که به واسطه کم‌آبی دیگر نمی‌شود برنج کاشت مگر برخی از زمین‌داران و آن هم به صورت پنهانی چرا که سازمان آب و برق خوزستان با کشت برنج مخالفت می‌کند.

در رفیع که هنوز سروشکل شهری نگرفته بود منتظر ماندیم تا یک آشنای راه که ابوایمن با واسطه پیدا کرده بود به ما بپیوندد و در صورت امکان به همراه او از بخشی از تالاب بازدید کنیم و قدری نیز از گذشته تالاب حرف بزنیم. ابو محمد با داس به استقبالمان آمد و بدون آن که ما را بشناسد آن‌چنان گرم با ما برخورد کرد که گویی پدری فرزندش را بعد از چند ماه دیده است. ساعت حدود ۱۲ ظهر بود و از او اصرار که نهار را

در چند سال اخیر تعطیلات عید برای من نه زمانی برای گشت‌وگذار که فرصتی بوده برای جبران عقب‌ماندگی‌های کاری و درسی به‌جای‌مانده از سال گذشته. در یکی از اندک گروه‌هایی که در فضای مجازی عضو هستم و مطالب آن را به جد پیگیری می‌کنم تصویری از گذشته تالاب هورالعظیم به همراه لینک عضویت در گروهی از بومیان شهر رفیع (Rofayyeh)، نزدیک‌ترین نقطه شهری به تالاب هورالعظیم، ارسال شد. این تصویر ترغیب کرد که شروع بازدیدهای مطالعه میدانی رساله‌ام را از همین تعطیلات عید شروع کنم. در گروه با یک پیام تک پاراگرافی خود را معرفی کردم و از قصدم برای بازدید از تالاب و گفتگو با بومیان آشنا با سابقه تالاب گفتم که چند نفری به صورت خصوصی اعلام آمادگی کردند.

برای پنجشنبه یازدهم فروردین با سید مجید که بعدها فهمیدم ابوایمن است هماهنگی کردم و قرار شد در سوسنگرد به او بپیونددیم و از آنجا راهی رفیع و سپس هور شویم؛ بومی‌ها به تالاب هور می‌گفتند. برای آن که مسیر رفت‌و برگشت را تنها نباشم امید نیز از دهن داشت با من همراه شد. سوسنگرد از آنچه در ذهن داشتم سرزنده‌تر و زیباتر بود چرا که هرچه از این شهر شنیدم به مقاومتش در جنگ هشت ساله برمی‌گشت و به طبع ذهنیت من از آن، شهری کماکان مخروبه بود. به محض رسیدنمان به شهر با کمک تکنولوژی‌های مسیریابی و بدون آن که نیاز به راهنمایی باشد، مستقیماً به در خانه سید مجید رفتیم و سوارش کردیم. به محض سوار شدن به پسرش، ایمن که به دوچرخه از کنارمان می‌گذشت اشاره کرد و پس از دادن عابر بانکش به او چیزی گفت. به واسطه سکونت سه چهار ساله‌ام در خوزستان قدری آن هم جزئی عربی را متوجه می‌شوم و از این رو دست‌وپاشکسته فهمیدم که به او گفته است برای نهار میهمان داریم. در مناطق جنوب برای صدا زدن پدران/ مادران از پیشوند ابو/ام به علاوه نام پسر ارشد استفاده می‌کنند و از این رو است که سید مجید را ابوایمن صدا می‌زنند چرا که او پدر ایمن است و مادرش را نیز ام ایمن.

در مسیر حرکت به سمت رفیع در میانه شهر سوسنگرد از روی پلی عبور کردیم که آب کمی از آن گذر می‌کرد. ابوایمن در مسیر برایمان از گذشته هور و برکتش برای منطقه گفت و از کرخای گفت که از میان شهر سوسنگرد عبور می‌کند و بیشتر یک جوی آب شده است تا آن کرخه همیشگی و پر عظمت. اعتقاد

در منزل او باشیم و از ما انکار که باید زودتر برگردیم. گویا در برابر اصرارهای صادقانه او این ابوایمن بود که توانست متقاعدش کند چرا که به او گفته بود که نهار میهمان خانه ما هستند و از این رو این بار با لهجه‌ای شیرین و به حالت بزرگوارانه گفت: سید بزرگ ما است و اگر نبود این که میهمان او هستید امکان نداشت اجازه دهم نهار نخورده ما را ترک کنید. به حالت شرم گفت یک نان و ماهی بود که با هم بخوریم و من شرمندۀ محبت لایزال آن مرد شدم چرا که جز صداقت در کلام و برخوردش هیچ چیز دیگری یافت نمی‌شد.

ابو محمد از رفیع گفت و این که به





بدل شده که نه تنها کمکی به رفاه آنها نکرده که موجب آسیب به معاش آنها نیز شده است.

پ. ن ۱. در سوسنگرد دیگر هیچ تاب و توانی برای مقاومت در برابر دعوت همراه با نیمچه تحکم ابوایمن (سید مجید) برای صرف نهار نداشتیم چرا که می دانستیم رد کردن دعوت یک عرب به میهمانی امری سنگین برای آنها است. سفره اش پر برکت باد.

پ. ن ۲. شاید برای خواننده این متن سال پیش آید که اطلاعات ارائه شده در این گزارش چه دردی از تالاب دوا خواهد کرد و راقم این سطور به عنوان یک پژوهشگر حوزه آب چرا باید به این مسائل بپردازد. باید عرض کنم یکی از عمده مشکلات تحلیل های ارائه شده از سوی جامعه دانشگاهی همین ناآشنایی با منطقه و مهم تر از آن نا شنیدن روایت بومیان منطقه از مسئله است. شاید باورتان نشود بخش قابل توجهی از پژوهشگران و دانشجویان منابع آب حتی برای یک بار حوضه مورد مطالعه خود را از نزدیک ندیده اند. راه دور چرا بروم نویسنده همین یادداشت در زمان کار بر روی پایان نامه کارشناسی ارشدش که با درجه عالی از آن دفاع کرد حتی یک بار هم منطقه مورد مطالعه اش را از نزدیک ندیده بود و بعدها که به واسطه اتفاقی مجبور شد به آن حوضه سفر کند متوجه اشتباهات فاحش تحلیل های خود که ناشی از عدم شناخت حوضه بود رسید. از سوی دیگر بخشی از مناقشات آبی به واسطه نا شنیده ماندن نظر بخشی از ذی نفعان در حوضه است که همین نا شنیده ماندن منجر به ایجاد حس بی عدالتی در بین آنها شده است از این رو است تلاش کردام تنها راوی برخی از نظرات بخش قابل توجهی از ذی نفعان تالاب هور العظیم باشم. این روایت، آن گونه که از نامش بر می آید یک روایت است و راقم در جایگاه رد یا تأیید گفته های آن دو بزرگوار نیست. پر واضح است برای شناخت هر چه بیشتر تالاب باید چندین بار دیگر و با چند ده نفر دیگر از بومیان و مطلعان به گفتگو بنشینیم چرا که نتیجه گیری مبتنی بر یک بازدید چهار پنج ساعته خود بلیه دیگری است که کم از نا آشنا بودن با مطالعه موردی ندارد.

جاده های فرعی خروجی از جاده باکری به سمت داخل هور و به سمت مرز عراق بود که گویا انتهایش به یکی از چاه های نفت می رسید. اینجا دیگر احساس کردم همراهان بنا به مسائلی تمایلی به جلو رفتن ندارند و من نیز پیش تر نرفتم. برای خوردن یک چایی و قدری گفتگو و تنفس هوای تازه از ماشین پیاده شدیم. از جاده که میان هور کشیده شده بود و ارتباط دو سمت هور در آن قسمت را از بین برده بود پایین رفتیم. ابوایمن گفت «حالا دیگه آب هور شده تا حد به تشست». با به تکه نی خشک خواستم عمق تالاب را بفهمم که ابومحمد گفت: «عینی اون وقت ها تو همین نقطه ی تالاب آب تا همین جا که دست رو بالاوردی بالا میومد حالا شده قد به لگن». آب کدر و مانده آن بخش بیشتر نشان از مرداب بودن آن قسمت داشت تا تالاب بودن. آبی که به نظر می رسد کیفیت آن به خاطر ورود حجم قابل توجه فاضلاب شهری و از سوی دیگر کم شدن حجم خود آب روز به روز آلوده تر و آلوده تر می شود. آبی که هر دو همراه از روزهایی می گفتند که آن قدر زلال بود که می شد کف هور را دید و از آن مستقیماً برای آشامیدن استفاده کرد اما الان در جاهایی از آن بوی تعفن گرفته است.

در راه برگشت بحث از تالاب دور شد و ابتدا قدری حول حاشیه ها چرخید و کم کم سکوت بین ما حکم فرما شد. در راه همان طور که از جاده باکری به سمت رفیع در حرکت بودیم خبره به تالاب و گاومیش ها گفتگوهای این دو سه ساعت را مرور می کردم. از پتانسیل بالای هور برای جذب گردشگر. از هوری که زلالی آبش می توانست چون سواحل مالدیوی مأمی باشد برای جذب سالانه میلیون ها گردشگر و میلیون ها دلار ارزآوری اما آن گونه که محمدعلی موحد در اثر سترگش «خواب آشفته نفت» گفت «هر که نفت در خواب بیند به مصیبتی گرفتار آید. نفت زن بی حفاظ بلایه کار است که سر کردن با او دشوار است. اگر از دست بگذاری و غفلت کنی چه ها که نکند! نفت مال حرام بی سرانجام است. بدنایمی دارد و عاقبت ندارد. خواب نفت خبر می دهد که گرفتاری سیاسی (نائبه من سلطان) در راه است!» و چه گرفتاری بالاتر از این که بخشی از ریزگردهای این روزهای کشور از بخش های خشک شده همین تالاب به آسمان برمی خیزند. از منظر بومیان نفت به نفعی

کرخه و ساخت آن را مقصر می دانست چرا که از زمان آبیگری سد آب ورودی به منطقه به شدت کم شده بود. از سوی دیگر دایک سازی های شرکت نفت را نیز مقصر می دانست چرا که باعث جلوگیری از ورود آب به بخش هایی از تالاب می شد.

برای این که بدانیم جاده شهید باکری کجاست باید اندکی از جغرافیای تالاب بدانیم. در واقع در حال حاضر هور محصور در دو دایک است که یکی در غرب تالاب، مرز را تشکیل داده است و عمده ارتباط قسمت عراق تالاب با قسمت ایرانی آن را قطع کرده است و تنها به وسیله یک سری دریچه ارتباطی اندک ارتباط برای تبادل آب فراهم شده است. این دایک حدود شانزده سال پیش ساخته شده است و آن گونه که ابومحمد گفته بخشی از خاک مورد نیاز را از نزدیکی رفیع برداشتند و محل هایی که برداشت صورت گرفته توسط مردم محلی بدل به حوضچه های پرورش ماهی شده است. مرز شرقی تالاب اما جاده (دایک) شهید باکری است که در زمان جنگ ساخته شده است و مسیر ارتباطی رفیع با بخش های مختلف تالاب است. شرکت نفت بخش ایرانی هور بین دو دایک شرقی و غربی را به ۵ بخش یا آن گونه که رایج شده حوضچه تقسیم کرده است: از بستان در شمالی ترین نقطه تالاب تا جاده ی امام رضا (حوضچه ۱)، از جاده امام رضا تا شط علی (حوضچه ۲)، از شط علی تا جاده همت (حوضچه ۳) و از جاده همت تا جاده سیدالشهدا (حوضچه ۴) و در نهایت از جاده سیدالشهدا تا طالییه (حوضچه ۵) پنج حوضچه ای است که شرکت نفت ایجاد کرده و بخشی از عملیات اکتشاف نفت در دو میدان آزادگان جنوبی و شمالی در آنها جریان دارد. آن گونه که ابومحمد از سیل ۱۳۹۸ تعریف می کند این جاده با بهتر است بگویم دایک شهید باکری است که چون سدی در برابر سیلاب عمل کرده و اجازه نمی دهد آب وارد تالاب شود و از این رو است که آب پس زده شده به سمت شهر رفیع می آید. در واقع تالابی که بخشی از حیات خود را مدیون سیلاب های هر چند سال یک بار است به واسطه ایجاد یک دایک رو به خشک شدن می نهد.

در خلال گفتگو به یک نکته کلیدی پی بردم. با پایین رفتن آب تالاب بومیان نیز دست به تسطیح اراضی باقی مانده و کشاورزی در این اراضی تالابی کرده اند و از این رو است که در تصاویر هوایی موجود گهگاه بخش هایی از تالاب که در واقع دیگر تالاب نیست سبز رنگ دیده می شود. در تمام این بازدید اثرگذارترین فریم برای من زمانی بود که ابومحمد از گاومیش ها گفت. گفت «این گاومیش ها بدبخت اند، گنگ اند، موقع هایی که تشنه اش میشه نمی تونه می که آغا من تشنه هستم، زورزش میاد، چشمش قرمز میشه و می میره» و من بغض موجود در صدای او را هنگام گفتن از مردن گاومیش ها با تمام وجود لمس کردم؛ گاومیش هایی که بخش قابل توجهی از زیست بومیان این منطقه وابسته به حیات آنها است. اگر هور به واسطه ماهیان و نیزارها و پرندگان آن بخشی از کسب این سامان را تأمین می کرد اما از نظر آنها حیات هور از این منظر مهم است که حیات گاومیش ها به حیات آن وابسته است. آخرین نقطه ای که توانستیم ورود کنیم یکی از



انتقال آب از شمال به جنوب رشته کوه البرز بررسی اجمالی چند مورد



عباس محمدی
کارشناس آب و کنشگر محیط زیست

به حوضه‌ی دیگر، حتی آب برای حوضه‌ی مبدأ نیز بیشتر می‌شود که نمونه‌ی این ادعا را در گفته‌های مطرح‌کنندگان طرح انتقال آب از سرشاخه‌های

دو هزار و سه هزار به استان البرز و تهران دیده‌ایم. گذشته از محافل سودجوی داخلی، شرکت‌های خارجی هم گویا زمینه را در ایران برای ساخت و ساز (و نه سرمایه‌گذاری در زیرساخت‌های تولیدی) مناسب یافته‌اند که در این میان چینی‌ها، به دلیل پای‌بند نبودن قطعی به تحریم‌های ایران و به علت بی‌اعتنایی به استانداردهای محیط زیستی و الزام‌های اجتماعی، گوی سبقت را از دیگران ربوده‌اند. در فروردین امسال هیأتی از سوی شرکت مهندسی ساخت و ساز دولتی چین به بازدید آمد و از آمادگی برای «سرمایه‌گذاری» یک میلیارد دلاری در طرح‌های سدسازی و ساخت بزرگراه و راه آهن گفت. این گونه طرح‌های اجرایی، مطلقاً جذب سرمایه‌ی خارجی به شمار نمی‌روند، بلکه قراردادهایی هستند غالباً در چارچوب فاینانس یعنی گرفتن پول بهره‌ای از کشورهای خارجی و آینده‌فروشی یا بدهکار کردن نسل‌های آینده. همین شیوه از سوی چینی‌ها در طرح بسیار مخرب و پرمناقشه‌ی ساخت سد بختیاری نیز پیش گرفته شده است.

طرح‌های انتقال آب از استان‌های شمالی به مرکز، به چند موردی که در یکی دو سال اخیر پر سروصدا شده‌اند، مانند انتقال آب دریای کاسپین به سمنان یا انتقال آب اسپهرود به سمنان (با طرح ساخت سد فینسک) نمی‌شود؛ چندین طرح بزرگ و کوچک از این دست تاکنون اجرا شده یا در حال تکمیل

از آغاز «دوران سازندگی»، فن‌سالارانی که ایران را کارگاه ساختمانی خود فرض کرده و شمار قابل توجهی از ایشان در خارج از ایران زندگی می‌کنند یا کشورهایمانند آمریکا و کانادا میهن دوم‌شان است و جرأت مطرح ساختن چنین ایده‌ها را در آن کشورها ندارند، آن ایده‌ها را گاه‌به‌گاه تکرار کردند؛ اگر شکافتن رشته‌کوه البرز در آن مقیاس‌های فضایی ممکن نشد، در مقیاس تونل و لوله‌ی انتقال و پمپاژ شدنی بود! چنین بود که هر چند گاه، آب رودخانه و رودک و چشمه‌ای از آن سوی کوه‌های اسطوره‌ای البرز به این سو کشانده شد. و آن محفل‌های ساخت و سازگرا و سیری‌ناپذیر، بی‌اعتنا به اثرات تجمعی تغییراتی که در نظام رودخانه‌ها و تالاب‌ها و ساحل دریای شمال ایجاد می‌کنند، کار خود را همچنان پیش بردند.

همه می‌دانند که در هیچ کجای ایران، حتی استان‌های به نسبت پرآب مانند خوزستان، چهارمحال و بختیاری، کهگیلویه و استان‌های شمالی، آب اضافه نداریم و همه جا با شدت‌های متفاوت، با کمبود آب دست به گریبانیم. این نکته‌ی بدیهی را قطعاً مهندسان انتقال آب، بهتر از هر کس دیگر می‌دانند. اما چون میدان یافته‌اند که با نادیده گرفتن قانون، از جمله با بی‌اعتنایی گستاخانه به مقررات ارزیابی زیست‌محیطی، پول پارو کنند و پاسخگوی افکار عمومی و مقام‌های قضایی نباشند، بر خوان یغمای بودجه‌های نفتی نشسته و می‌خورند و می‌برند. قلب واقعیت در طرح‌های توجیه سدسازی به جایی رسیده که مدافعان گاه مدعی می‌شوند که با ساختن سد و انتقال آب از یک حوضه

برنامه‌های سدسازی و انتقال آب در ایران در مجموع پروژه‌ای است با هدف‌هایی که بیش از هر چیز سیاسی و بازاری است و به سود نهادهای قدرت و محفل‌های مالی بزرگ. در خوش‌بینانه‌ترین حالت، حامیان طرح‌های سدسازی و انتقال آب می‌خواهند با بنا نهادن سازه‌های بزرگ، کشور را پیشرفته و خود را کارآمد نشان دهند. این پروژه نمی‌تواند طرحی برای «تأمین آب» (آن گونه که دست اندرکاران پروژه ادعا می‌کنند) باشد، چرا که آب چیزی نیست که در مقیاس‌های مناسب برای کشاورزی و صنعت و آشامیدن قابل تولید باشد. در هیچ کجای ایران (و حتی جهان)، اگر دیدگاه محیط زیستی داشته باشیم، آب اضافه‌ای نیست که به جای دیگر برده شود.

طرح‌های انتقال آب از شمال رشته کوه البرز به جنوب آن که بخشی از آن پروژه‌ی سراسری است، تحقق تراژیکومیک ایده‌های هزینه‌بر و تخیلی وصل کردن دریای کاسپین (خزر) به خلیج فارس یا باز کردن یک کانال در رشته‌کوه البرز برای انتقال هوای مرطوب شمال به تهران است که پیشنهادهای نخستین آن برمی‌گردد به سال‌های پیش از انقلاب. در دوران پس از انقلاب، البته به‌طور مشخص پس

آنچه که استان‌های دوسوی رشته‌کوه البرز برای توسعه و اشتغال‌زایی نیاز دارند، سدسازی نیست بلکه سرمایه‌گذاری برای بازچرخانی آب و اصلاح شیوه‌های آبیاری و کم کردن نشتی لوله‌های آب شهری؛ سرمایه‌گذاری در بخش‌هایی مانند تفکیک و بازیافت زباله و... است

است که از میان آن‌ها می‌توان به انتقال آب چشمه روزیه به شهیرزاد سمنان، رودخانه‌ی خطیر کوه به سمنان، زرین‌گل به شاهرود، کالیپوش به سمنان، و رودخانه‌ی تالار (با سد کسپیلیان) به سمنان اشاره کرد. در این انتقال‌ها، داده‌های آماری عمداً و هدفمند از سوی کارفرمایان و مجریان دستکاری می‌شوند؛ یکی از رایج‌ترین این دستکاری‌ها، زیاد نشان دادن آورد سالانه‌ی رودخانه یا چشمه است. برای مثال، در طرح انتقال آب زرین‌گل آورد سالانه نود میلیون مترمکعب در نظر گرفته شده بود که مربوط می‌شد به سال‌های پربابی دهه‌ی هفتاد. اما سال‌های گرم و خشک پیش رو عمداً نادیده گرفته شد و حال که آورد آن چشمه‌ها به یک‌سوم دهه‌ی هفتاد رسیده، منطقه‌ی علی‌آباد کنول در استان گلستان به شدت درگیر کم‌آبی شده است. در مورد چشمه روزیه که در اوایل دهه‌ی هفتاد می‌گفتند قرار است ۱۲ میلیون مترمکعب از آب آن منتقل شود، امروزه از آن حدود ۲۰ میلیون مترمکعب انتقال داده می‌شود. دستکاری‌های دیگر در موضوع داده‌ها مربوط می‌شود به نادیده گرفتن عمدی اثرات جانبی این انتقال‌ها؛ برای مثال در مورد سد کالیپوش به کم شدن آب ورودی به استان گلستان که سخت درگیر کم‌آبی است اشاره نشده و به‌علاوه (مانند همه‌ی طرح‌های سدسازی دیگر) در این طرح هم به موضوع جابجایی اهالی روستاهایی که غرق می‌شوند، یا به اثرات سد بر روستاهای پایین‌دست، توجه لازم صورت نگرفت. چنین بود که در مهر ماه سال ۹۸ بیش از سیصد خانه و ساختمان‌های دیگر مانند مدرسه در روستای حسین‌آباد در پایین‌دست سد، بر اثر رانش زمین ناشی از نشت آب از دریاچه‌ی سد، تخریب شد. سازمان زمین‌شناسی از سال‌ها پیش اعلام کرده بود که زمین‌های منطقه رانشی است، اما پیمانکار سد کالیپوش بی‌توجه به این امر و بی‌هیچ پیش‌بینی درباره‌ی تأثیر احتمالی آبگیری سد، کار خود را پیش برده بود. شور شدن آب رودخانه‌ی تالار و برهم خوردن کل نظام زیست‌بومی آن از دیگر اثرات منفی انتقال آب از شمال به جنوب رشته‌کوه البرز است.

انتقال آب از استان‌های شمالی به جنوب

رشته‌کوه البرز، همیشه هم پر سروصدا و خیلی آشکار نبوده، بلکه موزیانه و غیرمستقیم، اما در حجم بسیار بالا نیز صورت گرفته است. از جمله‌ی این طرح‌ها می‌توان به انتقال آب از سد لار به سد لتیان برای انتقال به تهران که موجب کم شدن آورد رودخانه‌ی هراز و کم‌آبی آبخوان دشت آمل شد؛ و ساخت ده‌ها سد بی‌مطالعه بر رودخانه‌ی قزل‌اوزن (سفیدرود) در بالادست سد سفیدرود در استان‌های قزوین، البرز، کردستان، همدان، زنجان، اردبیل و آذربایجان شرقی که موجب کم شدن آب ورودی به استان گیلان شده، اشاره کرد. مدیران ارشد کشور، با تأثیرپذیری از محفل‌های ساخت‌وسازگرا و بی‌اعتنا به خطراتی که افزایش شدید جمعیت و گسترش وحشتناک شهر تهران دارد، برای رساندن آب به این شهر بی‌در و دروازه در فکر انتقال آب از رودخانه‌های دوهزار و سه‌هزار در غرب مازندران هم هستند که در صورت عملیاتی شدن این فکر مخرب، بخش‌های ارزشمندی از جنگل‌ها و آبخیزهای البرز نابود و به‌ویژه شهرستان تنکابن با معضل کم‌آبی درگیر خواهد شد. همچنین گویا یک هدف ساخت هراز در نزدیکی آمل، انتقال آب به تهران است.

آنچه که استان‌های دو سوی رشته‌کوه البرز برای توسعه و اشتغال‌زایی نیاز دارند، سدسازی که بزرگ‌ترین سرمایه‌ی شمال یعنی جنگل‌های هیرکانی را تخریب می‌کند یا برنامه‌های انتقال آب که سبب تغییر شرایط زیستی هر دو منطقه‌ی شمال و جنوب البرز، نفوذ آب شور دریا به سفره‌های آب زیرزمینی در شمال، و بروز تنش‌های اجتماعی و اختلاف‌های بین‌استانی می‌شود، نیست. بلکه سرمایه‌گذاری برای بازچرخانی آب و اصلاح شیوه‌های آبیاری و کم کردن نشتی لوله‌های آب شهری؛ سرمایه‌گذاری در بخش‌هایی مانند تفکیک و بازیافت زباله که کوه و دشت و ساحل دریا و رودخانه‌ها را بدریخت و آلوده کرده است؛ یا سرمایه‌گذاری در زمینه‌ی نرم‌افزار و دیگر رشته‌های دانش‌بنیان؛ سرمایه‌گذاری برای پاک‌سازی ساحل دریای کاسپین و ترویج تفریحات ورزش‌های آبی به شیوه‌ی سازگار با محیط زیست؛ سرمایه‌گذاری برای احیای بافت تاریخی روستاها یا

دوباره‌سازی این بافت‌ها و توسعه‌ی بوم‌گردشگری غیرتهاجمی... و مانند این‌ها است.

سدهای ساخته‌شده در محدوده‌ی استان‌های شمالی که آب تنظیم‌شده‌شان وارد همین استان‌ها می‌شود نیز برای این خطه خطرناک و آسیب‌رسان بوده‌اند. اگر هزینه‌ی ساخت سدهایی مانند سلیمان‌تنگه، پل‌رود، هراز، لفور، و شفارود که هر کدام صدها هکتار جنگل بی‌مانند هیرکانی را مستقیماً نابود کرده و هزاران هکتار را با برهم زدن نظام رودخانه‌ها دچار اختلال ساخته‌اند، صرف سرمایه‌گذاری‌های یادشده در بالا می‌شد، برای ساکنان سه استان شمالی و برای کل ایران بسیار بهتر بود. بگذریم که تولیدهای کشاورزی که در ایران تقریباً انحصاری سه استان شمالی است، مانند برنج و چای و بادام زمینی و زراعت چوب و کیوی و آووکادو یا انواعی از ماهی و خاویار، و صدها گونه گیاه دارویی هم می‌تواند، در صورت اندک حمایت دولت، شرایط زندگی با استاندارد بالا را برای این سه استان تأمین کند. حتی اگر استان‌های هیرکانی را فقط با یک نگاه حداقلی، تفرجگاه هشتاد میلیون ایرانی بدانیم، نباید با دستکاری در سامانه‌های طبیعی آن‌ها چهره‌ی سرسبزشان را بیش از این مخدوش کنیم. گردش اقتصادی حاصل از ورود چند ده میلیون گردشگر در هر سال، توانسته (و بهتر از این هم می‌تواند) رفاه و اشتغال مناسب را برای ساکنان استان‌های گیلان، مازندران و گلستان فراهم سازد. نزدیک به هزار کیلومتر ساحل، آب‌وهوای معتدل، کوه‌های جنگل‌پوش، جاذبه‌های بسیار متنوع برای هر کسی که به گردشگری کوهستان و کوه‌نوردی علاقمند است، کشتزارهای همیشه سبز، تالاب‌ها، میلیون‌ها پرندۀ مهاجر و بومی، مردمانی مهمان‌پذیر با فرهنگی سطح بالا با موسیقی و معماری و آیین‌های دلنشین، و تنوع کم‌مانند در خوراک‌های محلی هم می‌تواند و تاکنون نیز توانسته اشتغال و درآمد خوبی را برای این منطقه فراهم کند. همه‌ی این استعدادهای سه استان گیلان، مازندران و گلستان، با برنامه‌های انتقال آب، به‌شکل نقطه‌ای یا در مقیاس‌های کلان در منطقه آسیب خواهند دید.



تبعات محیط زیستی انتقال آب های سطحی در استان البرز



ناهیدر ششتچی
دکترای مهندسی محیط زیست

تابستان هستیم که تبعات این قطعی باعث شده که آبخوان های شرق کرج، فردیس و دشت شهریار و ملارد به شدت کاهش یابد و شاهد این قضیه افزایش عمق چاههای تامین آب شرب تا ۳۷۰ متر در منطقه فوق هستیم و تامین آب فردیس با توجه به جمعیت حدود ۸۰۰ هزار نفری در آینده در ابهام قرار گرفته و مضافا دشت شهریار محتملا خشک و باغات آن در آستانه تخریب قرار خواهد گرفت.

آلودگی رودخانه در پایین دست: مطابق تصمیم هیئت وزیران رهاسازی سالیانه ۱۸۳ میلیون متر مکعب آب جهت حفظ کیفیت و شرایط محیط زیستی رودخانه کرج در پایین دست کرج و توزیع آن مطابق نیازهای ماهانه که موجب تنش آبی رودخانه نشود برداشت آب برای مصارف شرب تهران کماکان از بند بیلقان صورت پذیرد که رودخانه زنده بماند. در تخصیص ابلاغ شده از وزارت نیرو تخصیص آبدی حوزه میانی سد کرج تا بند بیلقان و همچنین سرریز آب از سد کرج برای تامین نیاز محیط زیستی رودخانه و پایداری جریان پایین دست ذکر شده است که عملا همانگونه که در تصاویر گوگل ارث درمیان حوزه به چشم می خورد حجم بالای ویلا سازی در سرشاخه ها و نیز ذخیره آب در حوضچه هاست که عملا اجازه ورود آب به رودخانه را نخواهد داد بنابر این عملا سرریزی وجود ندارد و تا شروع آب میان حوزه ای، محدوده ای از رودخانه به طول حداقل ۱۲ کیلومتر کاملا خشک خواهد شد. همچنین به دلیل کاهش جریان آب و عدم امکان خودپالایی خصوصا در آبگیر بیلقان که محل برداشت آب شرب مناطقی از کرج میباشد، خودپالایی به شدت کاهش میابد که این یک ضایعه محیط زیستی و حتی موجب نابودی ماهی های خال قرمز که گونه بومی و در معرض خطر که زیستگاهشان رودخانه کرج است خواهد شد.

وزارت نیرو مبنی بر اجرای ملاحظات محیط زیستی، شاهد خشک شدن و کاهش آبدی بسیاری از چشمه های مسیر نظیر کندور هستیم (پیش بینی جریان آب زیرزمینی در برخورد با تونل با استفاده از ابزارهای تحلیلی و عددی به علت نادیده گرفتن پارامترهای مهم شکست خورده است) و حال قرار است این تجربه دوباره تکرار و انتقال آب از طالقان به کرج که پیش از این با لوله انجام می شد اینک قرار است به جای لوله از تونل استفاده شود.

رودخانه کرج: نیازهای محیط زیستی در سراسر رودخانه را تامین میکرده و حتی در پایین دست باغهای سرحد آباد و ساوجبلاغ و همچنین در سراسر حوضه دریاچه نمک کارکرد اکولوژیک داشته ولی در سالهای اخیر به دلیل رشد بی رویه جمعیت و مصارف در کلانشهر تهران، سهم البرز از این رودخانه بسیار کاهش یافته و مشکلات اکوسیستمی زیادی در بخشهای مختلف خصوصا در پایین دست ایجاد کرده است. پروژه تونل انتقال آب از سد امیر کبیر که فاقد پیوست محیط زیستی میباشد، موجب کاهش حقایق محیط زیستی این رودخانه و تأثیرات منفی بسیار بر کارکردهای اکوسیستمی متعدد، به دلیل برداشت از محل سد موجب خشک شدن حدود ۱۲ کیلومتر از این رودخانه زیبا خواهد شد. در حال حاضر میزان انتقال آب از این رودخانه ۵/۲ مترمکعب بر ثانیه است و چون انتقال ثقلی است و ظرفیت تونل تا ۱۵ متر مکعب بر ثانیه هم قابل افزایش است، لذا بعید نیست با توجه به توسعه شدید منطقه ۲۲ و برنامه های اخیر شهرداری تهران مبنی بر توسعه در مناطق شمال غربی تهران، به زودی میزان انتقال افزایش یابد. به نظر میرسد احداث این تونل بیشتر به جهت ساخت و ساز در مناطق شمال غربی تهران و خصوصا منطقه ۲۲ بوده است. همچنین به دلیل انتقال آب توسط تونل شاهد قطع روانابی که خصوصا در بهار و اوایل

مجموع مصارف شرب و کشاورزی و صنعت در البرز از منابع آب سطحی و زیر زمینی شامل: ۱۰۵۸ میلیون مترمکعب (۲۴۰ میلیون مترمکعب و ۸۱۸ میلیون مترمکعب از آبهای زیرزمینی) که حدود ۳۰ درصد جهت شرب و ۶۵ درصد جهت کشاورزی و صنعت حدود ۵ درصد میباشد. با توجه به اعداد بالا در استان البرز حدود ۸۰ درصد از آبهای زیرزمینی استفاده میشود و تنها ۲۰ درصد از آبهای سطحی در اختیار استان قرار دارد و قسمت عمده به تهران جهت شرب منتقل میشود. در تمامی دشتهای البرز که ممنوعه بحرانی میباشد کسری مخزن داریم و افت تراز آبخوان در این دشتهای به طور متوسط سالی ۱ متر میباشد و نرخ فرونشست حدود ۳۳ سانتیمتر که جزو بالاترین فرونشست در کشور میباشد.

طوفان های نمکی در راه است: دریاچه نمک قم با آبگیری دو سد نهب و بالاخانلو و انتقال آب رودخانه کرج به تهران و قطع کامل جریان آب به دریاچه نمک به طور کامل خشک خواهد شد و به زودی به یک کانون ۲۰۰ هزار هکتاری تولید ریزگردهای نمکی تبدیل و حدود ۲۵ درصد مردم کشور در استانهای تهران و قم و اصفهان و سمنان را تحت تاثیر قرار داده و تبدیل به یک تهدید محیط زیستی بزرگ خواهد شد و حیات زیست مندان فلات مرکزی را در این مناطق به خطر خواهد انداخت.

خشک شدن چشمه ها و شبکه مویرگی

حفر تونل ۵۱ کیلومتری جهت انتقال آب سد طالقان و ۳۰ کیلومتری تونل از محل سد تنظیمی کرج بر روی رودخانه کرج برای آبرسانی به شهر تهران در دل کوهها - احداث چنین سازه هایی تأثیرات شدیدی بر شرایط هیدروژئولوژی و زیست محیطی منطقه داشته و مهمترین نمود آن کاهش قابل توجهی در آبدی و در بیشتر موارد موجب قطع مسیر جریان آبهای زیرزمینی و چشمه ها در آبرفت و بخصوص در سازندهای سخت میگردد. سفره های آبدار بصورت لایه های تقریبا افقی در آبرفتها بر روی لایه های غیر قابل نفوذ ایجاد شده و بر اثر حفر تونل این لایه های غیر قابل نفوذ آسیب و موجب حرکت آب از سفره به مکانهای دیگر و تخلیه سفره آب زیرزمینی میگردد. همانگونه که پس از حفر تونل انتقال آب رودخانه کرج به تهران علیرغم ادعای



نقدی بر انتقال آب هلیل رود به کرمان

فرشاد سلیمانی
عضو هیات علمیدانشکده منابع طبیعی
دانشگاه جیرفت، نماینده انجمن
آبخیزداری ایران در استان کرمان



در این لحظه چندین سوال به ذهن هر فردی خطور می کند.

۱. مگر حوزه جازموریان آبی برای انتقال دارد؟
۲. چرا دشت های حوزه جازموریان ممنوعه برداشت آب هستند؟
۳. مگر از عمق آب های زیر زمینی در منطقه جازموریان مطلع نیستند؟
۴. اگر جازموریان آب دارد چرا طبق توان اکولوژیکی منطقه توسعه صنعتی ایجاد نشد؟
۵. دلیل این همه کشاکش و نزاع بابت پروژه انتقال آب هلیل رود چیست؟
۶. مگر حیات و ممت زندگی جازموریان نشینان به آب وابسته نیست پس چرا هنوز بعضی از روستا ها از نعمت آب آشامیدنی و تصفیه شده بی بهره هستند؟
۷. مگر از آمار های نسبی چاه های غیر مجاز خبر ندارند؟
۸. انتقال آب هلیل چه منفعتی برای منطقه جنوب دارد؟
۹. و، و، و، ...

جواب همه این سوالات به عدم آب و عدم مدیریت صحیح منابع آبی در این حوزه بر می گردد. اگر حوزه جازموریان آبی برای انتقال دارد پس چرا دشت های این حوزه ممنوعه برداشت هستند و یا چرا جازموریان نشینان از بی آبی در مصرف شرب و کشاورزی رنج می برند. عمق چاه در بعضی از مناطق به بیش از ۳۰۰ متر می رسد. بعضی از ساکنین این منطقه باید با طی مسافت ها راه به آب آشامیدنی دست پیدا کنند. طبق گزارشات سازمان های مرتبط میزان مصرف آب در صنعت در جنوب استان کرمان بسیار کم هست اما صحبت از انتقال آب هلیل رود برای صنایع در قسمت های دیگر استان می کنند. چرا این صنایع با هدف تمرکز زدایی و عدالت اجتماعی به جنوب استان کرمان که به قول مسئولین آب منطقه ای دارای آبی برای انتقال هست انتقال داده نشده است که الان با مشکل تامین آب

روبرو نشوند.

گفته می شود در پروژه های انتقال آب منافع آن بین مبدا و مقصد تقسیم می شود این پروژه جز بدبختی چه منفعتی برای جنوب استان کرمان دارد. وقتی بیش از ۷۰ درصد زندگی جنوب به کشاورزی و آب وابسته است چگونه می توان از انتقال آن صحبت کرد در حالی که کشاورز جنوبی در تامین و امرار معاش زندگی خود به دلیل کمبود آب دچار مشکل است. طبق مقالات بررسی شده تقریباً از ۲۵ سال پیش دشت کرمان که شهر کرمان در آن واقع شده است با افت سطح آب روبرو بوده است چگونه مسئولان با این موضوع کنار آمده و به سمت مدیریت منابع آب و روش های آبخیزداری و آبخوان داری پیش رفتند که الان مجبور باشند از انتقال آب صحبت کنند.

اکنون در شهر کرمان به دلیل مشکلات آبی چقدر به سمت هوشمند سازی مصرف آب گام برداشته ایم. وقتی بیش از ۸۰ درصد آب در زمینه کشاورزی مصرف می شود و بیشترین چاه های غیر مجاز در این منطقه واقع شده اند چرا با مدیریت ۵ تا ۱۰ درصد آب کشاورزی مشکل آب شرب را حل نمی کنند. آیا در منازل شهری آب شرب از غیر شرب جدا هست؟ آیا در آبیاری فضای سبز از آب غیر شرب استفاده می شود؟ آیا چاه های کشاورزی با کنتور هوشمند مدیریت می شوند؟ آیا قیمت واقعی آب محاسبه می شود؟ آیا از روش های استحصال آب باران برای مصارف خانگی و فلاش تانک ها استفاده می شود؟

به عبارت دیگر انتقال آب یکی از روش هایی غلطی است که در مدیریت منابع آب از آن یاد می شود.

حفر لوله و کانال برای انتقال خود به تنهایی بسیاری از مشکلات زیست محیطی به همراه دارد. هر چند که پروژه انتقال آب هلیل رود فاقد مجوز محیط زیست است و هیچگونه پیوست محیط زیستی ندارد. حق آب تالاب را چگونگی محاسبه کردند؟ آیا الان حق آب تالاب رها سازی می شود به تالاب می رسد جواب خیر است.

پروژه انتقال آب هلیل رود یک پروژه بیابان زایی است که منجر به نابود شدن جازموریان نشینان شده و پدیده های مختلف محیط زیستی از جمله گرد و غبار و پدیده های اقتصادی و اجتماعی از جمله فقر، مهاجرت، بیکاری و شغل های کاذب را به دنبال دارد. تالاب جازموریان مهمترین کانون گرد و غبار جنوب شرق کشور مطرح هست که در مواقع خشکی استان های کرمان، سیستان و بلوچستان و بندر عباس را با جمعیتی بالغ بر ۷ میلیون نفر به طور مستقیم تحت تاثیر قرار می دهد. بی احترامی به طبیعت می تواند باعث نابودی خود انسان گردد پس بیابید قبل از اینکه دچار قهر طبیعت شویم دست از تخریب برداریم. پروژه انتقال آب هلیل رود یعنی نابودی جنوب استان کرمان به قول سردار بزرگ اسلام سردار دلها که در کلیبی مشهور بیان کردند انتقال آب سرشاخه های هلیل رود یعنی نابودی هند کوچک ایران (جیرفت).





گزارش یونسکو به مناسبت سال جهانی منابع آب زیرزمینی

آب‌های زیرزمینی؛ نمایان ساختن ناپیداها

تراز سال ۲۰۱۲ (FAO, ۲۰۱۷)، ضمن کاهش ردپای زیست‌محیطی و آبی تولیدات کشاورزی، افزایش بهره‌وری کشاورزی از طریق تشدید پایدار برداشت از آب‌های زیرزمینی اهمیت حیاتی دارد (FAO, ۲۰۲۱).

آب‌های زیرزمینی منبعی حیاتی برای کشاورزی آبی، دامپروری و سایر فعالیت‌های کشاورزی از جمله فرآوری مواد غذایی محسوب می‌شوند.

مطالعات صورت گرفته در آفریقا، آسیا و آمریکای لاتین نشان می‌دهد که وقتی کشاورزان فقیر تلاش می‌کنند تا معیشت خود را از طریق کشاورزی خرده‌مالک یا دامپروری بهبود بخشند، به طور معمول آب‌های زیرزمینی و پمپ‌های کوچک به کمک آنها می‌آید که این امر به‌ویژه برای زنان سودمند است (Villholth, ۲۰۱۳a; Shah et al., ۲۰۰۷; Van Koppen, ۱۹۹۸).

از دهه ۱۹۶۰، مساحت زمین‌های تجهیز شده برای آبیاری در سطح جهان بیش از دو برابر شده است (Aquastat, n.d.; Faostat, n.d.). تخمین زده می‌شود که نیاز ۳۸ درصد از زمین‌های تجهیز شده برای آبیاری از طریق آب‌های زیرزمینی تأمین شود (Siebert et

می‌تواند بسیار دشوار و پرهزینه باشد. به واسطه‌ی مزایای اجتماعی، اقتصادی و زیست‌محیطی، از جمله مشارکت‌های بالقوه در سازگاری با تغییرات اقلیمی و دستیابی به اهداف توسعه پایدار (SDGs)، آب‌های زیرزمینی فرصت‌های فوق‌العاده‌ای را برای جوامع فراهم می‌کنند. بنابراین، سهم آنها در برآوردن نیازهای آبی قابل توجه است.

اگرچه بیشتر آب‌های زیرزمینی موجود در عمق چند صد متری زیر سطح زمین شیرین هستند، اما بیش از نیمی از منابع آبی زیر سطح زمین شور هستند و بنابراین برای بسیاری از انواع مصرفی آب نامناسب هستند.

کشاورزی

کشاورزی آبی همچنان ۷۰ درصد از میزان برداشت آب شیرین را به خود اختصاص می‌دهد (FAO, ۲۰۲۰). موضوع قابل توجه این است که حدود پنج درصد از این آب در سطح جهان برای فرآوری مواد غذایی مصرف می‌شود (Boretti, and Rosa, ۲۰۱۹).

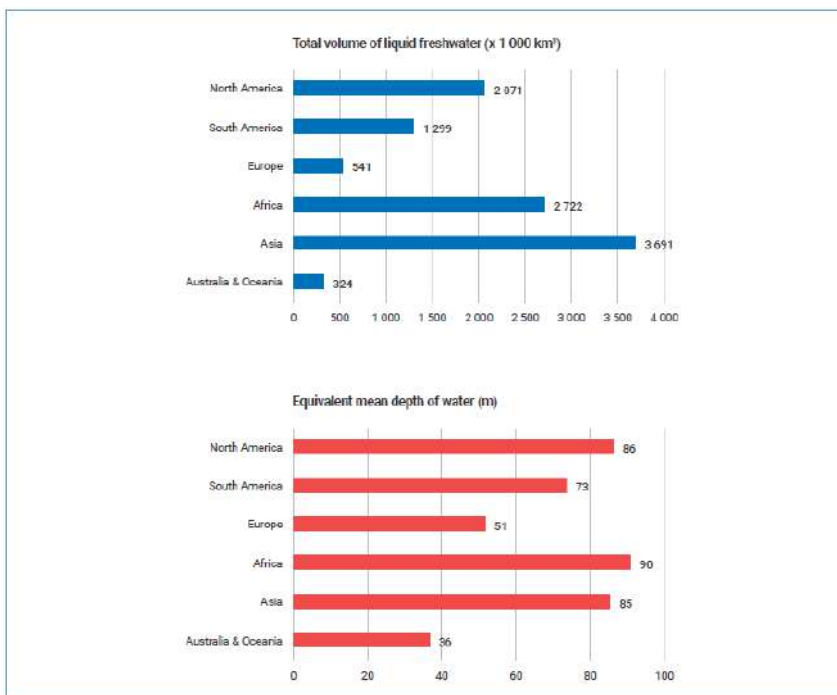
برای برآوردن نیازهای جهانی آب و کشاورزی تا سال ۲۰۵۰، از جمله برآورد افزایش ۵۰ درصدی مواد غذایی، خوراک و سوخت زیستی نسبت به

حجم کل آب شیرین مایع در جهان (کمتر از ۱ درصد از کل آب روی زمین به صورت مایع، منجمد یا بخار است) ۱۰,۶ میلیون کیلومتر مکعب تخمین زده شده است (شکل ۱). تقریباً ۹۹٪ از این میزان را آب‌های زیرزمینی تشکیل می‌دهند (Shiklomanov and Rodda, ۲۰۰۳).

برداشت آب شیرین از نهرها، دریاچه‌ها، سفره‌های زیرزمینی و مخازن ساخت دست بشر در طول قرن گذشته به شدت افزایش یافته است و همچنان در بیشتر نقاط جهان در حال افزایش است. در طول سال‌های ۱۹۵۰-۱۹۸۰ نرخ افزایش به طور ویژه‌ای بالا بود (حدود ۳٪ در سال)، که بخشی از آن به دلیل نرخ بالای رشد جمعیت، و بخشی دیگر به دلیل توسعه سریع آب‌های زیرزمینی، به ویژه برای آبیاری بوده است. امروزه نرخ افزایش تقریباً ۱٪ در سال است که با نرخ رشد فعلی جمعیت هماهنگ است. آب‌های زیرزمینی تقریباً ۲۵ درصد از کل آب شیرین استخراج شده روی زمین را تأمین می‌کنند، اما به همان نسبتی که مزایای کلی ارائه می‌دهند سهم آنها در استفاده از آب مصرفی به مراتب بالاتر است. کل برداشت جهانی آب‌های زیرزمینی در طول سال ۲۰۱۷ حدود ۹۵۹ کیلومتر مکعب برآورد شده است. نرخ برداشت آب‌های زیرزمینی در ایالات متحده آمریکا، اکثر کشورهای اروپایی و چین کم و بیش تثبیت شده است.

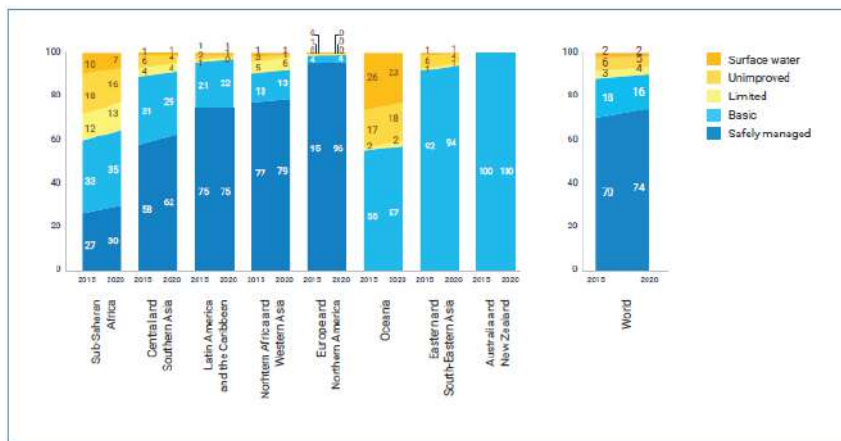
آسیا بیشترین سهم را در برداشت آب شیرین در سطح جهان دارد (۶۴,۵٪). در رتبه‌ی بعدی، آمریکای شمالی (۱۵,۵٪)، اروپا (۷,۱٪)، آفریقا (۵,۷٪)، آمریکای جنوبی (۵,۴٪) و استرالیا و اقیانوسیه (۰,۷٪) قرار دارند. تجزیه و تحلیل‌های صورت گرفته از برداشت آب‌های زیرزمینی از سوی بخش مصرف آب نشان می‌دهد که ۶۹٪ از حجم کل برای استفاده در بخش کشاورزی، ۲۲٪ برای مصارف خانگی و ۹٪ برای مصارف صنعتی برداشت می‌شوند. این درصدها در هر قاره متفاوت است.

با توجه به حجم عظیم آب‌های زیرزمینی، آبخوان‌ها می‌توانند در مواقع کمبود آب به منزله‌ی حائل عمل کنند، در نتیجه مردم را قادر می‌سازند که حتی در خشک‌ترین اقلیم‌ها نیز زنده بمانند. آبخوان‌ها بسته به عمق و موقعیت زمین‌شناسی، در برابر رخدادهای آلودگی در سطح نسبتاً به خوبی محافظت می‌شوند. با این حال، هنگامی که آب‌های زیرزمینی آلوده می‌شوند، جبران آن



شکل ۱- حجم تخمینی آب شیرین مایع موجود در قاره‌های مختلف

منبع: شیکلومانو و رودا (۲۰۰۳)، بر اساس داده‌های کورزون (۱۹۷۴).



شکل ۲- گزارش آب آشامیدنی منطقه‌ای و جهانی، ۲۰۱۵-۲۰۲۰ (%)

توجه: پنج منطقه SDG برآوردهایی برای خدمات آب آشامیدنی با مدیریت ایمن در سال ۲۰۲۰ داشتند.

منبع: برگرفته از WHO/UNICEF ، (2021، fig. 2 and 3، p. 8).

(WHO/UNICEF، ۲۰۲۱). امکانات اخیر از زمان شیوع پاندمی کووید-۱۹ اهمیت پیدا کرده‌اند، زیرا شستشوی دست‌ها برای کاهش انتقال ویروس‌ها به شدت توصیه شده است (Brauer et al، ۲۰۲۰).

پروژه‌ی نظارت مشترک تعیین کننده‌ی سهم آب زیرزمینی در خدمات آب، اصول بهداشتی و سلامتی (WASH) و پیشرفت آنها نیست، اما قطعاً قابل توجه است.

صنعت و انرژی

آمارهای مربوط به برداشت و استفاده از آب در صنعت به طور قابل توجهی زیاد در دسترس نیستند. صنعت و انرژی ۱۹ درصد از برداشت جهانی آب شیرین را تشکیل می‌دهند (Aquastat، n.d). این عدد به آب‌های خود-تأمین (که شامل آب‌های زیرزمینی می‌شود) اشاره دارد. این داده‌ها همچنین به تفاوت‌های جغرافیایی بزرگ اشاره می‌کنند که با توجه به برداشت صنعتی از ۵ درصد در آفریقا تا ۵۷ درصد در اروپا متفاوت است.

در سال ۲۰۲۰، از میان ۱۳۷۵ شرکت تولیدی در سراسر جهان که به CDP (پروژه افشای کربن سابق) افشاگری کردند، بیش از نیمی از آنها (۵۴٪) آب‌های زیرزمینی را از منابع تجدیدناپذیر گرفته تا تجدیدپذیر، به منزله‌ی عواملی مرتبط با عملیات مستقیم خود گزارش کردند. از این تعداد، ۴۶ درصد برداشت خود را از آب زیرزمینی کاهش داده‌اند، ۳۲ درصد برداشت خود را حفظ کرده‌اند، و ۲۱ درصد برداشت خود از آب‌های زیرزمینی را نسبت به سال ۲۰۱۹ افزایش داده‌اند (CDP، unpublished).

فرآیندهای صنعتی مختلف در جایی که آب‌های سطحی از نظر کمیت محدود است و همچنین کیفیت آن از اهمیت برخوردار است، از منابع آب‌های زیرزمینی استفاده می‌کنند.

مواجه هستند. این مشکلات در حال حاضر بیش از ۲۰ درصد از کل مناطق آبی جهان را تحت تأثیر قرار می‌دهند (Singh، ۲۰۲۱).

سکونتگاه‌های انسانی

به گمان برخی افراد، نیاز حدود ۵۰٪ از جمعیت شهری جهان امروز از منابع آب زیرزمینی تأمین می‌شود (Foster et al، ۲۰۲۰a). در مورد اتحادیه اروپا و ایالات متحده آمریکا، آب‌های زیرزمینی تأمین کننده آب عمومی برای به ترتیب ۳۱۰ و ۱۰۵ میلیون نفر است.

آب‌های زیرزمینی با امکان دادن به صنایع آبی برای توسعه‌ی منابع با هزینه بسیار کمتر و هزینه‌های اتصالی کمتر، به‌طور غیرمستقیم به کاهش فقر شهری کمک می‌کنند. در مناطق ساحلی، بهره‌برداری بیش از حد از منابع آب زیرزمینی به طور جدی سفره‌های زیرزمینی را در مقیاسی بزرگ در معرض نفوذ آب شور قرار می‌دهند، پدیده‌ای که با افزایش سطح آب دریاها ناشی از تغییرات اقلیمی، تشدید خواهد شد.

سلامتی

میزان جمعیتی که در جهان از خدمات آب آشامیدنی با مدیریت ایمن استفاده می‌کنند از ۷۰ درصد به ۷۴ درصد افزایش یافته است، اما تفاوت موجود بین مناطق و همچنین در داخل مناطق قابل توجه است (شکل ۲). در زمینه‌ی خدمات بهداشتی آمارهای مشابهی در دسترس است: جمعیت مصرف کننده خدمات بهداشتی با مدیریت ایمن در جهان طی سال‌های ۲۰۱۵ تا ۲۰۲۰ از ۴۷٪ به ۵۳٪ افزایش یافته است. علاوه بر این، پروژه نظارت مشترک (JMP) گزارش می‌دهد که تا سال ۲۰۲۰، ۷۱ درصد از جمعیت جهان از امکانات اولیه شست و شوی دست با آب و صابون در خانه برخوردار بوده‌اند

(al، ۲۰۱۳). مناطقی که برای آبیاری به شدت به آب‌های زیرزمینی متکی هستند شامل آمریکای شمالی و آسیای جنوبی می‌شوند. این مناطق تجهیز شده به ترتیب ۵۹ و ۵۷ درصد از آب‌های زیرزمینی را مورد بهره‌برداری قرار می‌دهند، در حالی که این میزان در شمال آفریقا ۳۵ درصد و در جنوب صحرائ آفریقا تنها ۵ درصد است. بر اساس برآوردها، سالانه ۲۶۴ کیلومتر مکعب از آب‌های سطحی و زیرزمینی در سطح جهان برای تولید علفه‌ی دام استفاده می‌شود که معادل حدود یک پنجم کل آب مصرفی در کشاورزی و کمتر از یک سوم آب مصرفی در محصولات غذایی است (Heinke et al، ۲۰۲۰).

سهم اقتصادی آب‌های زیرزمینی در کشاورزی در سطح جهانی در حدود ۲۱۰ تا ۲۳۰ میلیارد دلار آمریکا در سال برآورد شده است (Shah et al، ۲۰۰۷). بهره‌وری آب، از نظر بازدهی محصول در هر واحد آب مصرفی، به طور کلی برای آب‌های زیرزمینی، با میزانی معادل ضریب دو، بیشتر از آب‌های سطحی است (Bierkens et al، ۲۰۱۹؛ Smilovic et al، ۲۰۱۵؛ Shah، ۲۰۰۷).

بر اساس برآوردها، حدود ۱۱ درصد (یا ۲۵ کیلومتر مکعب در سال) از فرآیند کاهش آب‌های زیرزمینی در سطح جهانی در تجارت بین‌المللی محصولات زراعی جای گرفته است (Dalin et al، ۲۰۱۷) که از امنیت غذایی و رشد اقتصادی حمایت می‌کند، اما به طور قابل توجهی در کاهش مقیاس بزرگی از آبخوان‌هایی که تحت‌الشعاع زمین‌های مولد هستند، دخیل است. گندم، ذرت، برنج، نیشکر، پنبه و علفه عمده‌ترین محصولات هستند که در کاهش آب‌های زیرزمینی نقش دارند. همچنین این محصولات بسیار داد و ستد می‌شوند و این موضوع بیانگر ردپای بسیار ناپایدار آب است (Mekonnen and Gerbens-Leenes، ۲۰۲۰).

طبق ارزیابی‌ها، آلودگی کشاورزی به عنوان عامل اصلی تخریب آب‌های داخلی و ساحلی، از آلودگی سکونتگاه‌ها و صنایع پیشینی گرفته است (FAO، ۲۰۱۸a). در اتحادیه اروپا (EU)، ۳۸٪ از پهنه‌های آبی به طرز قابل توجهی تحت فشار ناشی از آلودگی کشاورزی قرار گرفته‌اند (WWAP، ۲۰۱۵)؛ در ایالات متحده، منبع اصلی آلودگی رودخانه‌ها به بخش کشاورزی برمی‌گردد؛ و در چین، کشاورزی مسئول بخش بزرگی از آلودگی آب‌های سطحی و زیرزمینی توسط نیتروژن است (FAO، ۲۰۱۳).

در ایالات متحده آمریکا، آلودگی آب‌های زیرزمینی با آفت‌کش‌ها و اتروفیکاسیون آب‌های شیرین به ترتیب ۱٫۶ تا ۲ و ۱٫۵ تا ۲٫۲ میلیارد دلار آمریکا در سال هزینه دارد (Pimentel، ۲۰۰۵؛ Dodds et al، ۲۰۰۹).

بدین ترتیب، بسیاری از مناطق آبی جهان با مشکلات دوگانه شوری خاک و غرقابی شدن



آفریقا حتی به خدمات اولیه آب هم دسترسی ندارند (WHO/UNICEF, ۲۰۲۱).

پژوهش‌های گسترده هیدروژئولوژیکی در سراسر این قاره نشان می‌دهد که آفریقا دارای منابع آب زیرزمینی بزرگی است. منابع آب زیرزمینی در آفریقا اغلب به منزله‌ی پتانسیل‌هایی برای ایجاد تحول کلی اجتماعی-اقتصادی (Foster et al, ۲۰۱۲)، غلبه بر تنوع هیدروژئولوژیکی جاری (Grey and Sadoff, ۲۰۰۷) و پاسخگویی به نیازهای آینده در نظر گرفته می‌شوند.

با توجه به تغییرات اقلیمی، انتظار می‌رود که آب‌های زیرزمینی به طور فزاینده‌ای به عنوان منبع قابل اطمینان تأمین آب در سراسر آفریقا مورد استفاده قرار گیرد (Giordano, ۲۰۰۹; MacDonald and Calow, ۲۰۰۹).

بدتر شدن کیفیت آب‌های زیرزمینی در اثر تماس بشر با طبیعت ناشی از عواملی مانند فعالیت‌های معدن‌کاوی (برای نمونه آفریقای جنوبی)، شیوه‌های ضعیف آبیاری (مانند دره نیل و حوضه رودخانه سنغال) و شهرنشینی (مانند ناپروبی، آکرا، مپوتو و غیره) در حال افزایش است (Lapworth et al, ۲۰۱۷).

بخش کشاورزی حدود ۳۰ درصد از تولید ناخالص داخلی (GDP) در جنوب صحرای آفریقا را تشکیل می‌دهد، اما حدود ۶۵ درصد از جمعیت را به کار گرفته که اکثریت آنها را زنان تشکیل می‌دهند (World Bank, ۲۰۱۸a)، و محصولات تقریباً به طور کامل تحت شرایط دیم تولید می‌شوند. با توجه به اهمیت بخش کشاورزی در آفریقا، هر گونه پیشرفت در این بخش پتانسیل تغییر شرایط زندگی مردم را دارد. در حال حاضر استفاده از آب‌های زیرزمینی برای آبیاری محدود است که این امر تا حدی به دلیل پیامدهای هزینه‌بر مرتبط با اکتشاف و ساخت و ساز آب‌های زیرزمینی و مشکلات در تأمین بودجه است.

فقدان کلی کارشناسان آب‌های زیرزمینی بر کارکنان مؤسسات و ادارات دولتی محلی و ملی در بسیاری از کشورها تأثیر می‌گذارد و مانع از بروز ابتکاراتی در جهت بررسی کنترل، برنامه‌ریزی و توسعه‌ی مؤثر آب‌های زیرزمینی می‌شود.

شکاف بودجه بین هزینه‌های جاری و آنچه برای دستیابی به SDG ۶ لازم است برای کشورهای جنوب صحرای آفریقا در بالاترین میزان است، زیرا در این منطقه دستیابی به تأمین آب در سطح جهانی به بودجه‌ای در حدود ده برابر بیشتر از سطح سرمایه‌گذاری ۱۳٫۲ میلیارد دلاری فعلی نیاز دارد (Watts et al, ۲۰۲۱). بخش بزرگی از این مبلغ برای بهره‌برداری، نگهداری و نوسازی سیستم‌های موجود مورد نیاز است، که اغلب موفق به جذب بودجه نمی‌شوند.

فقدان کلی کارشناسان آب‌های زیرزمینی بر کارکنان مؤسسات و ادارات دولتی محلی و ملی در بسیاری از کشورها تأثیر می‌گذارد و مانع از بروز ابتکاراتی در جهت بررسی کنترل، برنامه‌ریزی و توسعه‌ی مؤثر آب‌های زیرزمینی می‌شود

مداخلات مدیریت آب‌های زیرزمینی قرار دارد. اثرات کاهش حجم یخچال‌های طبیعی آلپ بر سیستم‌های آب زیرزمینی به خوبی درک نشده است. افزایش جهانی سطح آب دریا باعث نفوذ آب دریا به سفره‌های ساحلی در سراسر جهان شده است (Michael et al, ۲۰۱۳). یکی از بزرگترین مزایای آب‌های زیرزمینی انعطاف‌پذیری آن در برابر تغییرات اقلیمی است. آب‌های زیرزمینی به بارش‌های ۱ تا ۲ سال گذشته متکی نیستند، بلکه مجموع میزان بارندگی‌ها در طول سال‌ها و دهه‌ها را به حساب می‌آورند.

تعیین بودجه در جهت تاب‌آوری/پایداری
برآورد سرمایه‌گذاری‌های مورد نیاز برای دستیابی به SDG ۶ به دلیل فقدان داده‌های دقیق و قابل اعتماد متفاوت است، اما اتفاق نظر روشنی وجود دارد (Hutton and Varughese, ۲۰۱۶; WWC, ۲۰۱۸; OECD, ۲۰۱۹b) که سطح فعلی سرمایه‌گذاری برای برآورده کردن اهداف مورد توافق کافی نیست. پیش‌بینی نیازهای مالی در سطح جهان برای زیرساخت‌های آبی در جهت دستیابی به SDG ۶ از ۶٫۷ تریلیون دلار تا سال ۲۰۳۰ به ۲۲٫۶ تریلیون دلار تا سال ۲۰۵۰ متغیر است (OECD, ۲۰۱۸). برآوردها همچنین نشان می‌دهد که دولت‌ها و آژانس‌های توسعه‌ی بودجه کافی برای برآوردن این الزامات ندارند (Kolker et al, ۲۰۱۶).

کمک‌های رسمی توسعه (ODA) برای آب حدود ۱۳ میلیارد دلار در سال است که این میزان بسیار کمتر از بودجه‌ی مورد نیاز است و حدود ۸۰ درصد از کشورهایی که در مورد SDG ۶ به سازمان ملل گزارش می‌دهند اذعان دارند که بودجه کافی برای دستیابی به اهداف ملی آب ندارند (United Nations, ۲۰۱۸).

دیدگاه‌های منطقه‌ای

جنوب صحرای آفریقا

حدود ۴۰۰ میلیون نفر در جنوب صحرای

پمپاژ آب‌های زیرزمینی با برق، حدود هفت برابر بیشتر از برداشت آب‌های سطحی انرژی‌بر است. برداشت از آب‌های زیرزمینی تقریباً ۱۰۸ تراوات ساعت در سال برق مصرف می‌کند که بیانگر حدود ۵٪ از مصرف جهانی برق است. درجه اهمیت نمک‌زدایی نسبت به برداشت از آب‌های زیرزمینی تا یک مرتبه انرژی‌برتر است. یکی از فرصت‌های اصلی فراهم شده توسط انرژی گرمایشی زمین، سهم آن در کربن‌زدایی گرمایش و سرمایش خانگی، تجاری و صنعتی است که دست کم ۴۰ درصد از مصرف جهانی انرژی و انتشار CO₂ را تشکیل می‌دهد (IEA, ۲۰۱۹b).

رشد نسبی انرژی بادی و خورشیدی در سال‌های اخیر از الکتروسیته گرمایشی زمین پیشی گرفته است، که نشان‌دهنده هزینه کمتر و ریسک مشاهده‌شده‌ی گذشته و دوره‌های بازگشت کوتاه‌تر آنهاست. با این حال، نیروگاه‌های گرمایشی زمین، برخلاف نیروگاه‌های بادی و خورشیدی، برای تولید بار پایه الکتریکی مناسب هستند. پیش‌بینی می‌شود که ظرفیت کار گذاشته شده بین سال‌های ۲۰۲۰ تا ۲۰۲۵ حدود ۲۰ درصد رشد کند (Hutterer, ۲۰۲۱).

تغییرات اقلیمی

بر اساس برآوردها، چهار میلیارد نفر در مناطقی زندگی می‌کنند که دست کم یک ماه در سال از کمبود فیزیکی شدید آب رنج می‌برند (Mekonnen and Hoekstra, ۲۰۱۶). پاسخ معمول برای مناطقی که مقادیر کمبود سالانه‌ی آنها از ۱۰۰ بیشتر می‌شود انتقال آب مازاد (در صورت وجود) از همسایگی هر منطقه، یا کاهش حجم آب ذخیره‌شده دریاچه‌ها، مخازن آب سطحی، و - بیشتر از همه - از آبخوان‌هاست. تغییرات اقلیمی به طور مستقیم بر تجدید طبیعی آب‌های زیرزمینی تأثیر می‌گذارد. با این حال، در پیش‌بینی‌های جهانی تأثیرات تغییرات اقلیمی بر احیای آب‌های زیرزمینی عدم قطعیت قابل توجهی وجود دارد.

در صورت انتقال کمتر آب و حجم بارندگی بیشتر، انتظار می‌رود احیای آب‌های زیرزمینی در بسیاری از نواحی طبیعت تقویت شود.

احیای مدیریت‌شده آبخوان (MAR) مداخله‌ی فنی مؤثری است که از ظرفیت ذخیره‌سازی طبیعی موجود در زیرسطح استفاده می‌کند. آب اضافی که پیشتر از بین می‌رفت به طور موقت ذخیره می‌شود و برای استفاده مفید در زمانی دیگر در دسترس قرار می‌گیرد. استفاده از MAR طی ۶۰ سال گذشته ۱۰ برابر افزایش یافته است، اما هنوز هم فضای زیادی برای گسترش بیشتر آن وجود دارد که می‌توان از ۱۰ کیلومتر مکعب در سال جاری تا احتمالاً حدود ۱۰۰ کیلومتر مکعب در سال افزایش داد (Dillon et al, ۲۰۱۹). MAR در ردیف مؤثرترین

اروپا و آمریکای شمالی

حدود ۷۵ درصد از ساکنان اتحادیه اروپا برای تأمین آب مورد نیاز خود به آب‌های زیرزمینی وابسته هستند (European Commission, ۲۰۰۸).

در ایالات متحده آمریکا، برداشت آب زیرزمینی شیرین در سال ۲۰۱۵ بالغ بر ۳۱۱٫۵ میلیون متر مکعب در روز برآورد شد که حدود ۸ درصد بیشتر از سال ۲۰۱۰ است (Dieter et al, ۲۰۱۸)، در حالی که کل برداشت آب شیرین از سال ۲۰۰۵ روند کاهشی داشته است.

از ۳۶ کشوری که در منطقه دارای آبخوان‌های فرامری مشترک هستند، ۲۴ کشور گزارش کرده‌اند که منطقه آبخوان‌های فرامری آنها تا ۷۰ درصد یا حتی بیشتر تحت پوشش الزامات بهره‌برداری قرار دارند (UNECE/UNESCO, ۲۰۲۱).

آمریکای لاتین و دریای کارائیب

با توجه به فراوانی نسبی آب‌های سطحی و سطح محدود استفاده از آب‌های زیرزمینی، کمتر از ۳۰ درصد از آب شیرین برداشت شده از منابع آب زیرزمینی تأمین می‌شود. برای کشورهایی که به آب‌های زیرزمینی متکی هستند، تقریباً نیمی از استخراج برای مصرف در بخش آبیاری، یک سوم برای مصارف خانگی و بقیه برای مصارف صنعتی استفاده می‌شود (Aguilar-Barajas et al, ۲۰۱۵).

در کشورهایمانند کاستاریکا و مکزیک، آب‌های زیرزمینی نیاز ۷۰ درصد از خانوارهای مناطق شهری را تأمین می‌کند و عملاً به تمامی تقاضاهای بومی در مناطق روستایی پاسخ می‌گویند. همچنین ۵۰ درصد از آب مصرفی بخش صنعتی را تشکیل می‌دهند (Campuzano et al, ۲۰۱۴).

در سرتاسر منطقه کاستی‌هایی در زمینه‌ی حفاظت و پایش آب‌های زیرزمینی وجود دارد که راه را برای بهره‌برداری و/یا آلودگی شدید آن باز می‌کند و در نهایت تاب‌آوری آن را به خطر می‌اندازد (Campuzano et al, ۲۰۱۴). و همچنین دسترسی به آب را برای آسیب پذیرترین جمعیت‌هایی که برای تأمین آب آشامیدنی به این منابع آب زیرزمینی وابسته هستند مشکل می‌سازد (WWAP, ۲۰۱۹).

در سرتاسر منطقه، شایع‌ترین مشکلات کیفی آب‌های زیرزمینی به عناصر ناخواسته با منشأ طبیعی (عمدتاً آرسنیک و فلوراید)، آلاینده‌های انسانی (نیترات‌ها، آلاینده‌های مدفوع، آفت‌کش‌ها)، ترکیبات مختلف با منشأ صنعتی (فراآورده‌های جانبی معدن، حلال‌های کلر آلی، هیدروکربن‌ها، ترکیبات فنلی و غیره) و آلاینده‌های نوظهوری مانند لوازم آرایشی، آنتی بیوتیک‌ها، هورمون‌ها و مواد نانویی مربوط می‌شوند.

تغییرات و تنوع اقلیمی، به ویژه افزایش فراوانی و شدت طوفان‌ها، به دلیل موج طوفان و نفوذ آب‌چاه‌ها، تهدیدات بیشتری را برای کشورهای در حال توسعه جزایر کوچک کارائیب (SIDS) ایجاد می‌کنند

بر اساس ارزیابی‌ها، تعداد درگیری‌های مربوط به آلودگی و کاهش آب‌های زیرزمینی که بین سال‌های ۲۰۰۰ و ۲۰۱۹ آغاز شده‌اند، چهار برابر بیشتر از درگیری‌هایی بوده است که بین سال‌های ۱۹۸۰ و ۱۹۹۹ روی داده‌اند (IC-TA-UAB, n.d).

در کارائیب که آب‌های سطحی به نسبت روندی رو به کاهش دارند، آب‌های زیرزمینی حدود ۵۰ درصد از حجم برداشت شده را به خود اختصاص می‌دهند.

تغییرات و تنوع اقلیمی، به ویژه افزایش فراوانی و شدت طوفان‌ها، به دلیل موج طوفان و نفوذ آب‌چاه‌ها، تهدیدات بیشتری را برای کشورهای در حال توسعه جزایر کوچک کارائیب (SIDS) ایجاد می‌کنند.

آسیا و اقیانوسیه

آسیا و اقیانوسیه هم از نظر مساحت (۲۸ میلیون کیلومتر مربع) و هم از نظر جمعیت (۴٫۷ میلیارد نفر) بزرگترین منطقه جهان است.

این منطقه بزرگترین عامل برداشت آب‌های زیرزمینی در جهان محسوب می‌شود.

محرك حیاتی توسعه آب‌های زیرزمینی در منطقه افزایش تقاضا برای آب به دلیل رشد جمعیت، توسعه سریع اقتصادی و بهبود استانداردهای زندگی است. بهره‌برداری از منابع آب زیرزمینی مزایای بیشماری را برای آبیاری، فعالیت‌های صنعتی، مصارف خانگی، تاب‌آوری در برابر خشکسالی و افزایش معیشت به ارمغان آورده است.

این مزایای اجتماعی-اقتصادی به ویژه برای بخش کشاورزی بسیار مهم بوده است - بخشی که کلید توسعه اقتصادی در بسیاری از کشورهای در حال توسعه منطقه است و حدود ۸۲ درصد از کل برداشت آب را تشکیل می‌دهد (Aquastat, n.d).

برداشت ناپایدار از منابع آب زیرزمینی، همراه با اثرات تغییرات اقلیمی، منجر به تخلیه آبخوان‌ها و افزایش کمبود آب در برخی مناطق شده است.

علاوه بر این، کیفیت آب‌های زیرزمینی به دلیل انواع محرک‌های انسانی و ژئوتکنیک که بیشتر به تنش آبی در منطقه کمک می‌کند، در معرض تهدید است.

تغییر اقلیم بر تنوع بارندگی در منطقه تأثیر می‌گذارد و فشار را بر منابع آب زیرزمینی تشدید می‌کند. این امر به ویژه در مناطقی با آب و هوای نیمه خشک تا خشک و در اقیانوسیه SIDS رخ می‌دهد که آب‌های زیرزمینی در آنجا تنها منبع قابل اعتماد آب شیرین را تشکیل می‌دهند، هرچند با افزایش سطح دریا تهدید می‌شوند (Ashfaq et al, ۲۰۰۹; Asoka et al, ۲۰۱۷; Bouchet et al, ۲۰۱۹; Dix-on-Jain et al, ۲۰۱۴).

حوزه‌ی کشورهای عرب

حوزه‌ی کشورهای عربی یکی از کم‌آب‌ترین مناطق جهان می‌باشد.

این امر کشورها را وادار کرده است تا برای تأمین نیازهای آب شیرین خود از سایر منابع متعارف و غیر متعارف آبی استفاده کنند. آب‌های زیرزمینی یکی از قابل‌انگیزترین منابع آب در میان دست کم ۱۱ کشور از ۲۲ کشور عربی هستند و بیش از ۸۰ درصد از برداشت‌های آب شیرین در لیبی، جیبوتی، عربستان سعودی و فلسطین صورت گرفته است (Aquastat, n.d).

همه کشورهای عربی به جز کومور (مجمع‌الجزایر قمر) از یک یا چند منبع آب زیرزمینی فرامری استفاده می‌کنند، که دارای ۴۲ سیستم آبخوان فرامری است و تقریباً ۵۸ درصد از مساحت منطقه عربی را پوشش می‌دهند.

تجزیه و تحلیل صورت گرفته از سوی دفتر داده‌های بازبایی جاذبه و آزمایش اقلیمی (GRACE) نه تنها روند کاهش قابل توجه ذخیره آب‌های زیرزمینی را بین سال‌های ۲۰۰۲ و ۲۰۱۹ تأیید کرده است، بلکه تأثیر تغییرپذیری فصلی بر ذخیره‌سازی آب‌های زیرزمینی همراه با برداشت بیش از حد آب زیرزمینی در دوره خشک سال را نیز برجسته می‌کند.

علاوه بر این، برآورد شده است که کاهش آب‌های زیرزمینی در آبخوان‌ها و به‌ویژه در آنهایی که منابع آب زیرزمینی تجدیدنپذیر دارند در ۳۱۷ درصد از حجم منابع تجدیدنپذیر کشورهای عضو شورای همکاری خلیج فارس رخ می‌دهند (Al-Zubari et al, ۲۰۱۷).

یونسکو ۲۰۲۲

نام‌گذاری‌های به کار رفته و ارائه مطالب در سراسر این نشریه به معنای ابراز نظر یونسکو در مورد وضعیت حقوقی هر کشور، قلمرو، شهر یا منطقه یا مقامات آن، یا در مورد تعیین حدود یا مرزهای آن نیست. عقاید و نظرات بیان شده در این نشریه متعلق به نویسندگان است و لزوماً متعلق به یونسکو نیستند و سازمان مسئول آن‌ها نیست.



کمال اطهاری در وینار «توسعه دانش بنیان روستایی، شرط لازم حفظ محیط زیست» مطرح کرد:

زوال روستاها نتیجه فقدان سیاست اجتماعی

برداشت بیش از حد ایران از منابع طبیعی

این پژوهشگر در توضیح این مبحث با تاکید بر بهره‌برداری بیش از حد از منابع آبی گفت: ما ۸۶ درصد از منابع تجدیدپذیر آبی خود را در بخش کشاورزی مصرف می‌کنیم در حالی که حد مجاز ۴۰ درصد است که این امر منجر به افزایش ۱.۷ برابری شوری آب سفره‌های زیرزمینی در سه دهه گذشته شده و روند آن نیز رو به افزایش است. از دیگر سو، تعداد چاه‌های عمیق مجاز کشور ۴۰۰ هزار حلقه است که به گفته کشاورزان، بسیاری از مجوزها نیز با رابطه دریافت می‌شود و ۳۰۰ هزار حلقه نیز، غیرمجاز است.

اطهاری شرایط برداشت از مراتع کشور را نیز مشابه به برداشت بی‌رویه از منابع آبی و سایر منابع طبیعی کشور عنوان کرد و در این خصوص توضیح داد: در این بخش نیز ۲.۵ تا ۳ برابر بیش‌چرایی (چرای بیش از حد) وجود داشته و مراتع در حال نابودی است. دلیل آن هم فقر روستایی و فقدان برنامه‌های سنجیده است. به‌طور مثال بنیاد مسکن انقلاب اسلامی که طرح‌های هادی روستایی را سامان داده، نتوانسته است در روستاها نظام تولید جمعی در خصوص نگهداری دام و طیور ایجاد کند. روستاییان در گذشته دام و طیور را در منازل مسکونی خود نگه می‌داشتند و با جمع‌آوری آنها

به افقی درازمدت با برنامه‌های مشخص است. این اشکال تا اندازه‌ای به فعالان محیط زیست نیز وارد است.

او توضیح داد: به‌طور مثال، برای حل مقولاتی مانند ریزگردها - که بر اثر سدسازی ایجاد شده - نیاز به نظم نوین جهانی در چارچوب برنامه‌ریزی شده است؛ بر همین اساس از دهه ۱۹۶۰ برنامه‌ریزی در حوزه مدیریتانه آغاز شده و برای حل مسئله، نیاز به رابطه‌ای تعاملی و مبتنی بر بازی برد-برد با کشورهای همسایه و نظام کامل برنامه‌ریزی منطقه‌ای است. نمی‌توان آب رودخانه‌هایی که به کردستان عراق می‌ریزد را بست و توقع داشت ترکیه سد نسازد و آب را نیندازد. ترکیه به دنبال نفت ارزان است و اگر به آن دست نیابد هزینه آب را افزایش خواهد داد. بنابراین نیاز به تعامل وجود دارد و مسئله با برنامه‌های کوچک و یا محلی محیط زیست، حل نشده و باید در سطح ژئوپلیتیک منطقه و برنامه‌ریزی آمایش منطقه‌ای، به موضوع پرداخت. اینکه گفته شود ما کشاورزی ساده خود را می‌خواهیم و نیازی به صنایع بزرگ نداریم هم فرقی نمی‌کند. چرا که حتی اگر این امر ممکن باشد و مردم هم شغل‌های جدید و فعالیت‌های همه‌جانبه فرهنگی نخواهند باز هم پسماندهای تولید شده، همان مسائلی را خواهد داشت که پسماندهای کنونی به وجود آورده‌اند.

وینار «توسعه دانش روستایی، شرط لازم حفظ محیط زیست» با حضور فعالان این حوزه و علاقه‌مندان، از سوی مدرسه روزنامه‌نگاری کمپین مردمی حمایت از زاگرس مهربان و با سخنرانی کمال اطهاری، اقتصاددان و پژوهشگر توسعه برگزار شد.

کمال اطهاری در وینار «توسعه دانش روستایی، شرط لازم حفظ محیط زیست» با بیان اینکه، کمیاب‌ترین عامل توسعه، دانش است و طی چهل‌واندی سال گذشته، با شیوه‌هایی که در حاکمیت به کار برده شده، این دانش تقلیل پیدا کرده است گفت: گرایش غالب در روشنفکران جامعه مدنی این است که اقتصاد سیاسی را به تضاد کلی بین کار، سرمایه و بحث‌هایی در مورد تضادهای جامعه مدنی و حوزه سیاسی و... تقلیل می‌دهند.

او در تعریفی از اقتصاد سیاسی گفت: اقتصاد سیاسی رابطه طبقات را با هم و مسائل و تحولات طبقات را به‌خصوص در رابطه با نظام سرمایه‌داری بررسی کرده و راه‌هایی را می‌جوید، آن هم در چشم‌اندازی بلندمدت که ممکن است چند قرن طول بکشد، نه به شکل کاری آنی. اقتصاد توسعه نیز به صورت روشن‌تری به این موضوع می‌پردازد. عده‌ای نیز اقتصاد توسعه را بحث‌های مرتبط با سرمایه‌داری دانسته و می‌گویند ربطی به وضعیت ما ندارد و این غفلت، مانع پرداختن

از محل زندگی، به جای جدیدی نیاز است. به همین دلیل است که تنوع مواد غذایی روستایی از بین رفته و نرخ تورم مواد غذایی در روستا بیش از شهر شده است و این مربوط به مثلاً نئولیبرالیسم و... نیست بلکه به برنامه‌ریزی نادرست برمی‌گردد. باید این ساماندهی صورت می‌گرفت و محل مشترکی برای دام روستاییان در طرح‌های هادی پیش‌بینی می‌شد تا تنوع تولید کشاورزی حفظ شود.

کسب درآمد به بهای نابودی محیط زیست

او همچنین راهکار ازدیاد تولید کشاورزی در ایران برای برون رفت از فقر را که با گسترش سطحی صورت گرفته و پیامد آن نیز حفر تعداد قابل توجهی چاه‌های مجاز و غیرمجاز است به عنوان چالشی اساسی عنوان کرد و گفت: در کنار آنچه گفتم می‌بینیم که همه زمین‌ها به کشت خربزه و هندوانه اختصاص یافته و این محصول حتی صادر هم می‌شود و این درحالی است که دشت‌های ما از بی‌آبی در حال فروریزش است. براساس برآوردها این میزان کشت خربزه و هندوانه (حدود ۲۰۰ هزار هکتار) به اندازه ۲۵ برابر ذخیره سد کرج، آب مصرف می‌کند و این میزان مصرف آب و درآمد حاصل از آن، منجر به نابودی محیط زیست شده که در اصطلاح به آن «مبادله نابرابر زیست‌بوم» (ecological unequal exchange) می‌گویند. یعنی کسب درآمد به بهای نابودی محیط زیست و زمین‌های کشاورزی. از سوی دیگر کشت اقلامی مانند پنبه، چغندر قند و سویا و مانند آن که برای پرورش دام و طیور مصرف می‌شود به شدت کاهش پیدا کرده است و کشاورز هم از آن نوع کشت به این دلیل که هم اعتماد اجتماعی از بین رفته، هم ترویج روستایی به‌درستی صورت نمی‌گیرد؛ دست برنمی‌دارد.

این اقتصاددان در بخش دیگری از سخنانش گفت: در ابتدای انقلاب، شورای انقلاب، اعلام کرد اعضای تعاونی‌های تولیدی و شرکت‌های سهامی زراعی - یعنی دهقانان - می‌توانند تعاونی‌ها و شرکت‌ها را منحل کنند و اکثریت آنها نیز این کار را کردند. تقریباً تمام شرکت‌های سهامی زراعی و ۸۰ درصد تعاونی‌های تولیدی که پیش از انقلاب تشکیل شده بود منحل شد و کسی هم از میان روشنفکران جامعه‌مدنی واکنشی نشان نداد و بعدها نیز به جای اینگونه مسائل، معمولاً به مباحث خیلی انتزاعی‌تری پرداخته‌اند. در نتیجه، خرده‌مالکی رواج پیدا کرد به صورتی که مساحت بالغ بر ۴۵ درصد واحدهای بهره‌برداری کشاورزی کشور، کمتر از دو هکتار است اما حداقل سطح زیرکشت برای ایجاد درآمد کافی، در ایران ۵ هکتار برآورد

در ابتدای انقلاب، شورای انقلاب، اعلام کرد اعضای تعاونی‌های تولیدی و شرکت‌های سهامی زراعی - یعنی دهقانان - می‌توانند تعاونی‌ها و شرکت‌ها را منحل کنند و اکثریت آنها نیز این کار را کردند. تقریباً تمام شرکت‌های سهامی زراعی و ۸۰ درصد تعاونی‌های تولیدی که پیش از انقلاب تشکیل شده بود منحل شد و کسی هم از میان روشنفکران جامعه‌مدنی واکنشی نشان نداد

شده است. به این ترتیب آن ۴۵ درصد، فقط مالک ۶ درصد اراضی کشاورزی‌اند که بیشتر در مناطق کوهستانی واقع شده‌اند و اکنون، بیشترین میزان رها کردن زمین‌های کشاورزی در روستاهای کوهستانی به‌صورت جاکن شدن، در همین مناطق رخ می‌دهد. زیرا این حد دو هکتاری، کفاف زندگی‌شان را نمی‌دهد و این یعنی نابودی محیط زیست. در واقع دو نوع نابودی داریم: هم کسی که بهره‌برداری می‌کند در حال نابود کردن است و هم آنکه رها می‌کند. تحقیقاتی در ژاپن نشان می‌دهد که با رها شدن روستاها، محیط زیست تخریب می‌شود و به همین دلیل در این نوع روستاها به کشاورزان، تا ۱۰۰ درصد درآمد حاصل از تولید کشاورزی، یارانه داده می‌شود. امری که در ایران در حال رها شدن بوده و در حد معیشتی اندک، به نام یارانه نقدی، صدقه می‌دهند.

حذف روستاییان از سیاست اجتماعی

اطهاری معتقد است که به دلیل فقدان سیاست اجتماعی (social policy)، ۹ درصد روستائینان بیمه بازنشستگی دارند و به ناچار به زمینشان اتکا می‌کنند. او توضیح داد: تحقیقات نشان داده روستاییان مالکی که با گذر زمان پیرتر هم می‌شوند، حاضر نیستند تعاونی تشکیل داده و در برابر هرگونه مشارکتی مقاومت می‌کنند و همین مقاومت باعث می‌شود جوان‌ترها روستاها را رها کنند. به این معنا گفتمان رایج در خصوص سیاست اجتماعی به چانه‌زنی بر سر مزد حداقل تقلیل پیدا کرده و روستاییان از آن محو شده‌اند، اثر معکوس داشته و به نابودی محیط زیست انجامیده است.

او همچنین در مورد اینکه این تقلیل‌گرایی‌ها چگونه ما را از واقعیت‌های حیات اقتصادی و

اجتماعی‌مان دور می‌کند گفت: گفتمان رایج بسیاری این است که کشاورزی ما در اصلاحات ارضی نابود شد. اما این حرف‌ها بیشتر توجیه‌کننده سیستم ناکارآمد و کژکارکرد موجود است. ایالات متحد آمریکا در ابتدای قرن بیستم با جمعیتی کمتر از ۱۰۰ میلیون نفر، نزدیک به ۲۰ میلیون فعال کشاورزی داشت و در حال حاضر با جمعیت نزدیک ۳۰۰ میلیون، ۲.۹ میلیون نفر. حالا نه تنها این سه میلیون، همه جمعیت را تغذیه می‌کنند، بلکه به همه جای جهان، صادرات هم دارند. برآوردها نشان می‌دهد ایران در ابتدای قرن بیستم با جمعیتی حدود ۱۰ میلیون نفر، حدود ۳.۱ میلیون نفر کشاورز داشته و الان حدود ۳.۵ میلیون. اما فقط می‌توانیم ۶۰ درصد غذای خود را به‌صورت معمول تأمین کنیم که این رقم در خشکسالی‌ها کمتر است. در عین حال، آنها در هر محصول سه تا چهار برابر، بازده بیشتر دارند و این سه میلیون نفر بهره‌بردار کشاورزی آمریکا، ده برابر ما گندم، عسل و غیره تولید می‌کنند. پس موضوع این نیست که چرا کشاورزان مهاجرت می‌کنند. اساساً رابطه معکوسی بین ازدیاد تولید کشاورزی با شاغلان بخش کشاورزی وجود دارد. به این معنا که همان سه میلیون نفر به این میزان، تولید را در آمریکا افزایش داده‌اند و در ایران هم همین‌طور هست.

این پژوهشگر توسعه با بیان اینکه نسبت به اولین سرشماری کشاورزی در سال ۱۳۳۹، در حال حاضر تولید کشاورزی - همراه با تنوع تولید - حداقل ۵ تا ۶ برابر بیشتر شده است. بنابراین مباحثی مانند مهاجرت معکوس به روستا را - که در زمان احمدی‌نژاد مطرح شد - باید کنار گذاشت اضافه کرد: در مباحث مربوط به سکونتگاه‌های غیررسمی یا حاشیه‌نشینی، اشتباهات دولت را نسبت می‌دهند به اینکه شاه کشاورزی را نابود کرد و باعث مهاجرت روستاییان به شهر شد. اشتباه دولت را در ساماندهی شهرها و سکونتگاه‌های غیررسمی و ازدیاد اشتغال، به این مقولات نسبت می‌دهند و بعضی نیز این مسائل را به نئولیبرالیسم نسبت می‌دهند که تحلیل مبتنی بر اقتصاد سیاسی نیست.

چرا توسعه روستایی باید دانش‌بنیان شود؟

اطهاری در پاسخ به این پرسش اساسی که چرا توسعه روستایی باید دانش‌بنیان شود توضیح داد: در اقتصاد دانش، دانش، آموخته، آفریده و فراگیر شده و به کار گرفته می‌شود تا توسعه اقتصادی - اجتماعی به بار بیاید. در واقع در فرآیندی که اقتصاد دانش توسعه پیدا می‌کند - عصر پسا صنعتی - به دلیل پیشرفت‌های



ندارد. اما چسبیدن کشاورزها به زمین و رواج خرده مالکی، باعث سلب مالکیت از مالکان می‌شود. در واقع سیستم به لحاظ اقتصاد سیاسی، کشاورز را به سمت پیرامون شهرها برای حاشیه‌نشینی هل داده و نابودش می‌کند و محیط زیست را هم باز بین می‌برد. یعنی همین دفاع بسیار غلط از نوع مالکیت، باعث از دست رفتن مالکیت و محیط زیست می‌شود. از قبل هم که سفره آب زیرزمینی خشک شده و مراتع هم دیگر بار نمی‌دهد و این مجموعه علت‌هاست که او را از روستا می‌رانند.

اطهراری در قیاسی میان سرمشق کشاورزی گرا با توسعه روستایی می‌گوید: در سرمشق کشاورزی گرای، منافع کشاورزان، همان منافع روستایی است. به این ترتیب اساساً بقای روستا به بقای کشاورزی وابسته است و یا اینکه به همین ترتیب به مسکن دوم شهری تبدیل شده و از بین می‌رود. اما در توسعه روستایی، چند کارکردی بودن مناطق روستایی، حاصل تنوع درونی و ارتباطات است. بخش کشاورزی را هم به همین ترتیب با دانش بنیان کردن می‌توان رقابتی کرد و توسعه درون‌زا را سامان داد. زیرا امکان استفاده از همه منابع محلی و بیرونی فراهم است؛ در صورتی که در حالت فعلی، این بخش، اساساً برای بیرون، تولید می‌کند و تنوع حتی تنوع تولید کشاورزی‌اش - را از دست می‌دهد و به این ترتیب همانگونه که گفته شد، موجب گران‌تر شدن مواد غذایی نسبت به شهرها شده و بهره‌وری کاهش یافته و با از دست دادن نیروی کار به‌نوعی فرار مغزها از روستا بدون جایگزینی - شدت گرفته و روستاها همواره تحت قیومیت شهرها به سر می‌برد.

برپایی جامعه دانش هم دنبال شود. او جامعه دانش را اینگونه تشریح کرد: جامعه دانش (knowledge society) جامعه‌ای است که در آن انسان‌ها می‌توانند دانایی را به توانایی تبدیل کنند (توانا بود هرکه دانا بود) و به این ترتیب، هم مشارکت با دیگر انسان‌ها، هم مشارکت با محیط و حوزه سیاسی و شهر و غیره را افزایش می‌دهند و این مجموعه‌ای است که امکانات فناوری اطلاعات می‌تواند آن را ساماندهی کند.

توسعه، روستاها را چند کارکردی می‌کند

او همچنین با اشاره به پراکندگی روستاها و خالی از سکنه شدن روستاهای کوچک در کشور گفت: جنبه اصلی این تخلیه نیز، اقلیمی نیست، بلکه جنبه اصلی‌اش این است که در برنامه‌های توسعه، به‌جای توسعه روستایی، توسعه کشاورزی مد نظر بوده است. یعنی الگوی ساماندهی روستایی، بالا رفتن تولید بخش کشاورزی بوده است. جهاد کشاورزی و سایر دستگاه‌ها به دنبال ایجاد امکانات زیربنایی برای ازدیاد تولید کشاورزی بوده و اقدامات بسیاری هم انجام داده‌اند، اما این اقدامات، با خرد کردن زمین همراه بوده و به این ترتیب استفاده از امکانات تکنولوژیک جدید حتی امکان تسطیح و زهکشی اصولی - امکان‌پذیر نیست.

تحقیقات نشان می‌دهد تنها با زهکشی اصولی در مناطقی مانند کرج، تا ۶۰ درصد امکان بهره‌برداری بهتر از منابع آب، فراهم می‌شود و این اصلاً دست‌آورد کوچکی نیست و از طرفی، به تکنولوژی بسیار مدرن هم نیاز

فناوری اطلاعات و ارتباطات، امکان حاکم‌شدن دانش بر تولید فراهم می‌شود. به این معنا که دانش سهم بیشتری در تولید می‌یابد. در واقع اگر ما تولید را به چهار عنصر تفکیک کنیم: منابع‌پر (resource intensive)، کاربر (labor intensive)، سرمایه‌پر (capital intensive) و دانش‌پر (knowledge intensive)، به‌تدریج، دانش جای سرمایه را هم می‌گیرد و دانش فکری به دارایی اصلی شرکت‌ها تبدیل می‌شود. مثلاً در بورس‌های جهانی تا دهه ۱۹۷۰ دارایی‌های ملموس - فیزیکی - حدود ۷۰ درصد ارزش سهام شرکت‌ها را تشکیل می‌داد. الان این روند معکوس شده، یعنی دارایی‌های ناملموس یا فکری به ۷۰ تا ۸۰ درصد دارایی شرکت‌ها تبدیل شده است. و این کاملاً نشان می‌دهد که چقدر مقوله دانش بر مقوله سرمایه و کار - که امری فیزیکی‌ست - غلبه پیدا کرده است. به این دلیل که وقت فراغت انسان‌ها بیشتر می‌شود. این را هم بگویم که بخش‌های اصلی اقتصاد دانش، صنایع دارای فناوری متوسط به بالا و خدمات مولد است.

خدمات مولد به‌خصوص در روستاها می‌تواند سامان بگیرد. خدمات مولد مرتبط با شبکه‌سازی و ارتباطات و سیستم‌هایی که مورد نیاز جامعه بوده و به‌خصوص در روستاهایی که به شهرها نزدیکند، قابلیت جانمایی دارند. به‌طور مثال ایجاد امکان استقرار این متخصصان - که می‌توانند دورکاری کنند - و نیز امکان به‌کارگیری جوانان روستایی باید در طرح‌های هادی روستایی دنبال شود. این نوع ساماندهی‌ها امکاناتی است که اقتصاد دانش می‌تواند فراهم آورد، به این شرط که



اخبار محیط زیستی ایران

آغاز عملیات پمپاژ آب سرشاخه های کارون از طریق تونل سوم کوهرنگ

بر اساس اطلاعیه روابط عمومی آب منطقه ای استان اصفهان از تاریخ پنجم فروردین بنابر مصوبه شورای هماهنگی زاینده رود این پروژه که اکنون با چالش های متعدد محیط زیستی و اجتماعی و امنیتی در دو استان خوزستان و چهارمحال بختیاری روبروست قرار است مقدار ۴,۵ متر مکعب بر ثانیه از طریق پمپاژ به زاینده رود منتقل کند. حال آنکه نه مدت زمان پمپاژ و نه میزان آب مورد نیاز برای زیست مندان پائین دست رودخانه مشخص نشده است. گفتنی است پروژه کوهرنگ سه جهت انتقال آب از حوضه آبریز کارون بر روی رودخانه کوهرنگ واقع در بیرگان به رودخانه زاینده رود طراحی شده است. تشکیل محیط زیستی وحدت سبز فرخ شهر طی نامه ایی به دستگاه قضایی نوشت: "پروژه کوهرنگ سه فاقد مجوز محیط زیستی، مجوز میراث فرهنگی، مجوز منابع طبیعی، مجوز جهاد کشاورزی، مجوز امور عشایر و سایر مجوزات قانونی می باشد. نکته تاسف بار آن است که در هیچ گونه مطالعه ارزیابی زیست محیطی بر روی تونل سوم کوهرنگ انجام نشده و صرفاً روی جلد گزارش ارزیابی به تونل سوم اشاره شده است. به این معنی که پروژه ایی که اکنون در حال عملیات بهره برداری است فاقد هر گونه مجوز محیط زیستی است. مساله دیگری که در هنگام برنامه ریزی برای عملیات پمپاژ به آن توجه نشده است این است که در گزارش ارزیابی محیط زیستی پروژه کوهرنگ سه آمده است که هیچ شهر و روستایی پائین دست سد کوهرنگ سه وجود ندارد. حال آنکه تعداد قابل توجهی شهر و روستا در پایین دست سد وجود دارد که پمپاژ بی ضابطه آب باعث خشک شدن رودخانه و خسارت به مناطق پایین دست می شود. موضوعی که در سنوات گذشته نیز اتفاق افتاد به گونه ایی که به دلیل پمپاژ آب رودخانه کوهرنگ به زاینده رود همزمان با سفر ریاست محترم جمهوری سابق به اصفهان در اردیبهشت سال ۹۶ به خشک شدن کامل رودخانه کوهرنگ انجامید. نبود مطالعات فنی نه تنها باعث اختلال در حقوق جوامع محلی پائین دست سد می شود بلکه به علت وجود منطقه حفاظت شده قیصری حیات ده ها گونه گیاهی و جانوری مورد تهدید واقع می شود." این تشکل محیط زیستی در متن شکایت خود خطاب به دستگاه قضایی نوشت: "نکته تاسف باری که تاکنون مورد توجه قرار نگرفته است این است که نیاز زیست محیطی رودخانه ۴۶ میلیون متر مکعب در سال است. که به هیچ وجه با انجام عملیات پمپاژ محقق نمی شود. در تاریخ ۱۴۰۰/۴/۳۰ در زمان بازدید کارشناس رسمی دادگستری دبی رودخانه کوهرنگ ۲,۴۸ متر مکعب بر ثانیه اندازه گیری شده که عملاً با میزان مصوب تعریف شده ۴,۵ متر مکعب معنایی جز خشک شدن رودخانه ندارد. شایان ذکر است که آب جاری در رودخانه کوهرنگ را می توان در واقع حق آبه ناچیزی از حق آبه محیط زیستی رها سازی نشده تونل یک و دو کوهرنگ تلقی کرد که به هیچ عنوان اجازه برداشت از آن وجود ندارد"

رای دادگاه و احکام سنگین معترضین به تونل فاقد مجوز محیط زیستی انتقال آب سبزکوه در استان چهارمحال بختیاری صادر شد

شعبه ۱۰۱ دادگاه کیفری دو شهرستان بروجن (۱۰۱ جزایی سابق) به ریاست قاضی محسن جلیلی پیرانی احکام ۳۷ معترض پروژه انتقال آب سبزکوه را صادر کرد. در این رای قضائی متهمین به اتهاماتی نظیر معاونت در اختلال در نظم و آسایش عمومی از طریق تحریک و تحجیح مردم، اختلال در نظم و آسایش عمومی و شرکت در تخریب اموال دولتی و عمومی به احکام سنگین هفت سال زندان، تحمل ضربات شلاق و جزای نقدی محکوم شدند. تونل سبزکوه در سرشاخه کارون قرار دارد و متهمین به احداث تونل فاقد مجوز محیط زیستی سبزکوه معترض بودند. شاکی این پرونده قرارگاه خاتم الانبیا و آب منطقه ایی چهارمحال بختیاری می باشد. معترضان در سال ۹۴ در آئین سوگواری نمادین بختیاری با ساز چپ که مخصوص سوگواری در سنت بختیاری است بر چشمه آلوغره که در اثر حفر تونل انتقال آب سبزکوه خشک شده بود شرکت داشتند که پس از مراسم به کارگاه تونل سبزکوه توسط عوامل ناشناس حمله شد. متهمین مشارکت خود را در این اقدام تکذیب کرده اند.

فراخوان طراحی «تندیس و نشان آپوش» منتشر شد

«کمپین مردمی حمایت از زاگرس مهربان» با مشارکت تشکل های محیط زیستی سراسر کشور فراخوان طراحی «تندیس و نشان آپوش» را منتشر کرد به گزارش ایلنا، دبیرخانه این کمپین اعلام کرد: کمپین در نظر دارد با توجه به اصل پنجاهم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران و در راستای سیاست های کلان محیط زیستی، با همکاری و مشارکت سازمان های مردم نهاد، شخصیت های محیط زیستی و چند تن از مقام های رسمی، نسبت به شناسایی و معرفی عوامل و مجموعه های مؤثر در اجرای پروژه های غیرقانونی و غیراصولی که به تخریب محیط زیست منجر می شود اقدام کند و به آنان «نشان آپوش» اعطا نماید. «آپوش» در اسطوره های ایرانی «دیو خشکسالی» است که از دیرباز در میان مردمان سرزمین ایران به دشمنی با «تیشتر» ایزد باران معروف بوده است. این دیو در کشوری مانند ایران که همواره با مشکل بی آبی و تخریب منابع آب مواجه بوده، جایگاه نمادین مهمی دارد. اعطای «نشان آپوش» اقدامی نمادین در راستای نقد فرهنگ بی کیفیتی و گامی در جهت معرفی شخصیت ها یا نهادهایی است که طبیعت و منابع ارزشمند خدادادی و بین نسلی را فدای منافع اقتصادی کوتاه مدت یا ناپایدار می کنند. باشد که از این رهگذر، این شخصیت ها یا مجموعه ها در رفتار خود تجدیدنظر کنند، یا فریاد نمادین ما به برخورد قانونی لازم بیانجامد. مهلت ارسال آثار از ۱۱ اردیبهشت ماه ۱۴۰۱ تا ۲۷ خردادماه اعلام شده است. داوران این جشنواره در بخش تندیس عبارتند از: خانم ها و آقایان ندا مذهب جعفری، حمید شانس، مهدی رنگچی، حمیدرضا صادق زاده، بیژن غنچه پور، حسین داوری نژاد و عباس افتخاری و در بخش نشان عبارتند از: خانم ها و آقایان ندا مذهب جعفری، محمد کاظم فلسفی، شهاب الدین نژاد تهرانی، فرزاد ادیبی و مهدی احمدی. دبیری هنری این جشنواره را خانم بیتا حسینی بر عهده دارد.



پرونده شکایت از رئیس سازمان برنامه و بودجه به شعبه ۱۰۵۹ کیفری دو - کارکنان دولت تهران ارجاع شد

به دنبال قرار گرفتن پروژه های فاقد مجوز محیط زیستی در بودجه ۱۴۰۱، انجمن مدافعان حقوق محیط زیست و منابع طبیعی خوزستان از ریاست سازمان برنامه و بودجه شکایت کرد. این شکایت که پس از رد شدن آن توسط شعبه سه دادسرای عمومی و انقلاب ناحیه ۲۸ (جرایم کارکنان دولت) تهران با اعتراض این انجمن محیط زیستی رو برو شد به شعبه ۱۰۵۹ کیفری دو - کارکنان دولت تهران ارجاع شد. متن کامل لایحه اعتراضی انجمن مدافعان حقوق محیط زیست و منابع طبیعی خوزستان به این شرح است: "همانگونه که مستحضر هستید دولت محترم در تاریخ ۲۱ آذر ۱۴۰۰ اقدام به تقدیم لایحه بودجه ۱۴۰۱ به مجلس شورای اسلامی کرد. در بررسی لایحه بودجه مشخص شد بیش از ۴۱۱ پروژه مشمول ارزیابی زیست محیطی در ردیف های بودجه ۱۴۰۱ قرار گرفته است که فاقد مجوز قانونی است. از آنجا که بر اساس نص صریح سیاست های کلی محیط زیستی مقام معظم رهبری ابلاغی ۱۳۹۴/۸/۲۶ و مواد ۱۰۵ قانون برنامه سوم توسعه، ماده ۷۱ قانون برنامه چهارم توسعه، بند الف ماده ۱۹۲ قانون برنامه پنجم توسعه و ماده ۲ و بند الف ماده ۳۸ قانون برنامه ششم توسعه، همچنین آیین نامه ارزیابی اثرات زیست محیطی طرح ها و پروژه های بزرگ تولیدی و خدماتی و عمرانی مصوب ۱۳۹۰/۸/۲۹، دستگاه های اجرایی موظفند پیش از اجرا و در مرحله مطالعات و امکان سنجی و مکان یابی اقدام به اخذ مجوز کنند. حال آنکه دولت محترم در ادامه روند غیر قانونی دولت های گذشته و بر خلاف ماده ۲۳ قانون الحاق برخی مواد به قانون تنظیم بخشی از مقررات مالی دولت مصوب ۱۳۹۳ اقدام به پیشنهاد طرح تملک داراییهای سرمایه ایی در ردیف های بودجه می نماید و از حذف ردیف های پروژه های فاقد مجوز محیط زیستی و سایر مجوزات قانونی در بودجه ۱۴۰۱ خود داری می کند. حال آنکه دولت های گذشته موظف بودند بر طبق تبصره ۳ ماده ۳ دستورالعمل اجرایی ماده ۲۳ قانون الحاق برخی مواد به قانون تنظیم بخشی از مقررات مالی دولت مصوب ۱۳۹۳ که پیشنهاد طرح هایی با ماهیت مطالعه و اجرا به صورت همزمان را ممنوع کرده بود خود داری می کرد و یا حداقل انتظار بود در بودجه ۱۴۰۱ رویه غلط گذشته توسط دولت جدید اصلاح می شد. که از آن جمله می توان به قرار گیری پروژه هایی با عناوین همزمان مطالعه و اجرا در ردیف های بودجه نظیر پروژه های انتقال آب شرب استان های البرز و تهران از سد طالقان، انتقال آب به شهرهای شمالی استان کرمان، انتقال آب خزر به فلات مرکزی، انتقال آب به فلات مرکزی، سد ماربر، سد بلبر اشاره کرد. سازمان برنامه و بودجه بر خلاف ماده ۲ الحاقی که شرط قرار گرفتن پروژه ها در ردیف های طرح های تملک دارایی های سرمایه ایی را صرفا در چارچوب قانون اساسی، سند چشم انداز، قوانین پنج ساله توسعه که دارای مطالعات محیط زیستی، مالی، اجتماعی و ... امکان پذیر کرده است اقدام به قرار دادن ۴۱۱ پروژه در بودجه ۱۴۰۱ کرده است که بر اساس مکاتبه شماره ۳۴۱۳۹/۱۰/۱۴۰۰ مورخ ۱۴۰۰/۱۰/۷ ریاست سازمان محیط زیست خطاب به رئیس مجلس فاقد مجوز محیط زیستی و سایر مجوزات قانونی دیگر می باشد. مماشات سازمان برنامه و بودجه طی دو دهه گذشته به شکلی بوده است که هیچ اراده ایی برای حذف پروژه های فاقد مجوزهای قانونی در ردیف های بودجه وجود نداشته است و بدیهی است که استفاده از اعتبارات باید با رعایت مقررات مربوطه باشد. نکته مهم آن است که سازمان برنامه و بودجه بدون توجه به قانون اقدام به تخصیص بودجه به پروژه های فاقد مجوز قانونی می کند که بعضا برخی از آن ها دارای پیشرفت فیزیکی شده اند که لیست آن ها در پیوست مکاتبه نماینده مردم آبادان با ریاست سازمان برنامه و بودجه در پرونده موجود است. در این شرایط سازمان برنامه و بودجه نه تنها اقدام به حذف این ردیف ها در بودجه سنواتی نکرده است بلکه به بهانه پادار شدن طرح ها در بودجه سنواتی سال ۱۴۰۱ نیز تکرار کرده است. حال آنکه شرط پا دار شدن طرح ها در بودجه سنواتی و قرار گرفتن در طرح های تملک دارایی اخذ مجوزهای قانونی است نه صرفا قرار گرفتن پروژه در ردیف های بودجه. انجمن مدافعان حقوق محیط زیست و منابع طبیعی خوزستان در لایحه اعتراضی خود جرایم ارتکاب یافته توسط سازمان برنامه و بودجه می آورد: آنچه مسلم است سازمان برنامه و بودجه و شخص جناب مسعود میرکاظمی با نقض مقررات پیش گفته و برخلاف نص صریح ماده ۵۹۸ قانون مجازات اسلامی، اقدام به تصرف غیر قانونی در وجوه دولتی از طریق ارائه لایحه بودجه سال ۱۴۰۱ نموده است. بدیهی است که مقررات زیست محیطی و رعایت ضوابط مربوط به ارزیابی های زیست محیطی ارتباط وثیق و کامل با امنیت ملی داشته و به کرات نقض مقررات مربوطه منجر به برهم خوردن این امنیت در شهرهای مختلف من جمله اصفهان، خوزستان شده است. مع الوصف با عنایت به مراتب مذکور ضمن استعلام از سازمان حفاظت محیط زیست در خصوص اعلام نظر در مورد ۴۱۱ پروژه مندرج در لایحه بودجه، نقضای تعقیب مشتکی عنه به اتهام اقدام علیه امنیت ملی از طریق تخصیص بودجه به پروژه های غیرقانونی و معد برای بر هم خوردن امنیت کشور و تصرف غیرقانونی در بودجه دولتی از طریق فوق مستند به مواد ۶۴ و ۲۶۲ قانون آیین دادرسی کیفری را دارد.

رئیس شورای امنیت کشور خواهان بررسی اثرات تجمعی پروژه های انتقال آب کارون بر خوزستان شد

به دنبال انتشار نامه جلیل مختار نماینده مردم آبادان در مجلس به رئیس شورای امنیت کشور و انتقاد از استمرار رویه های غلط دولت های گذشته در خصوص انتقال آب رودخانه های خوزستان در دولت جدید، احمد وحیدی طی دستوری که رونوشت آن به معاونت امنیتی و عمرانی وزارت کشور ارسال شده است خواهان بررسی اثرات تجمعی پروژه های انتقال آب کارون بر خوزستان شد. اگر این دستور محقق شود برای اولین بار است که بررسی اثرات تجمعی پروژه های انتقال آب کارون در دستور کار دولت قرار می گیرد. نماینده آبادان در نامه خود به رئیس شورای امنیت کشور از رویه های غیر علنی و غیر قانونی استانداران و مقامات امنیتی دو استان اصفهان و چهارمحال بختیاری در توافق برای اجرای پروژه های انتقال آب کارون در پشت درهای بسته و بدون اطلاع مسئولان و نمایندگان خوزستان انتقاد کرد و تاکید کرد خوزستان ظرفیت انتقال آب ندارد. گفتنی است بر اساس مکاتبه جلیل مختار و مستندات که ارائه کرده است نشان می دهد که تجهیز کارگاه تونل بهشت آباد در چرمهین پس از توافق غیر علنی مقامات دو استان اصفهان و چهارمحال بختیاری در شورای امنیت کشور انجام شده است. توافقی که سازمان محیط زیست آن را غیر قانونی اعلام کرده است. تاکنون مقامات دو استان اصفهان و چهارمحال بختیاری در مورد محتوای این نامه اظهار نظر نکرده اند.

رفیعی: رسالت ما جلوگیری از تهدید زیستی خلیج فارس است

رئیس فراکسیون محیط زیست مجلس یازدهم در روز خلیج فارس گفت: رسالت ما جلوگیری از تهدید زیستی خلیج فارس است. تهدیدی که در چندسال اخیر با حضور ترالرها به حداکثر رسیده است. سمیه رفیعی در صفحه رسمی توئیترش نوشت: «یک روز اگر رسالت پدران ما در اخراج بیگانگان از خلیج فارس تعریف می‌شد، امروز رسالت ما جلوگیری از تهدید زیستی خلیج فارس است؛ تهدیدی که در چندسال اخیر با حضور ترالرها به حداکثر رسیده است. دریا سخاوتمند است به شرطی که بشر باقاعده رفتار کند.» گفتنی است به دلیل عدم کنترل آلودگی‌ها و عدم کنترل گونه‌های مهاجم و صید بی ضابطه گونه‌های ارزشمند جانوری مثل نهنگ‌ها، کوسه‌ها، لاک‌پشت‌های دریایی و انواع ماهیان شیلاتی و ... در معرض تهدید جدی قرار گرفته‌اند

انتقاد گسترده فعالان محیط زیست به خشک کردن هور العظیم توسط شرکت نفت

به دنبال بروز مجدد پدیده ریزگردها فعالان محیط زیست خوزستان در اعتراضی گسترده نسبت به امتداد سیاست خشک کردن هورالعظیم به منظور استحصال نفت اعتراض کردند. در این پویش مجازی آمده است: «ما فعالان محیط زیست کشور، خواستار توقف خشکاندن تالاب هورالعظیم به بهانه استخراج نفت هستیم. اگر قرار هست استخراج نفت از منابع مشترک صورت گیرد بایستی در محیط آبی و با حفظ حقایق تالاب هورالعظیم انجام شود. گردوغبار و آلودگی ناشی از تخریب‌های بی حد و حصر شرکت نفت، ادامه زندگی را برای همگان مشکل کرده است. برای پایداری کشور باید عملکرد شرکت نفت اصلاح گردد.»

در توافق مالچ‌پاشی بین ایران و عراق کارشکنی شده است

نماینده مردم تبریز در مجلس شورای اسلامی، تصریح کرد: بنظر می‌رسد اجرای این توافقنامه بین ایران و عراق دچار مشکل شده و در راستای مبارزه با پدیده ریزگردها آن اقدامی که باید، انجام نمی‌شود که باید در خصوص این کارشکنی توضیح داده شود. این عضو کمیسیون امور داخلی ادامه داد: از سوی دیگر سدسازی‌هایی که در کشور ترکیه نیز انجام شده قطعاً بر تشدید پدیده ریزگردها موثر بوده است و منجر به تقلیل سهم آبی بخش‌های مختلف شده است. باید از طریق حقوق بین الملل و مسیر دیپلماسی این موضوع را پیگیری کرد. علیرضاییگی در پایان تأکید کرد: موضوع دیگری که در مبارزه با پدیده ریزگردها باید مورد توجه قرار گیرد، بحث آب‌های مرزی است. متأسفانه ما استفاده محدودی از منابع آب‌های مرزی داریم که باید از حقوق خود در حوزه آب‌های مرزی استفاده کنیم. در سنوات گذشته هم در بودجه رقم خوبی برای بهره‌گیری از آب‌های مرزی تخصیص یافت و هم مقام معظم رهبری منابعی را از صندوق توسعه برای مهار آب‌های مرزی در اختیار دولت قرار دادند. حال باید این گزارش ارائه شود که چه میزان از این اعتبارات برای این امر استفاده شده است. گفتنی است در اقدامی دیگر ۳۹ نماینده مجلس در تذکرات کتبی خود به مسئولان اجرایی کشور خواستار تشکیل گردمایی (کنسرسیوم) همکاری کشورهای همسایه متضرر از سدسازی‌های ترکیه شدند.

حمایت تشکل‌های بین‌المللی از ۲۸ فروردین به عنوان «روز چهارمحال بختیاری» و «روز جهانی مخالفت با انتقال آب»

همزمان با نام گذاری روز ۲۸ فروردین به عنوان «روز چهارمحال بختیاری» و «روز جهانی مخالفت با انتقال آب» تشکل‌های محیط زیستی از سراسر جهان با صدور بیانیه روز ۲۸ فروردین را به فعالان محیط زیست تبریک گفتند. در این بیانیه ضمن اعلام همبستگی با فعالان محیط زیست در ایران آورده است: جنبش نجات دجله با گرامیداشت هفدهم آوریل «روز اقدام برای مقابله با انتقال آب»، همبستگی فعالان ترکیه، سوریه، عراق، و دیگر کشورهای عضو را با شما اعلام می‌کند. ما نیز معتقدیم که رودخانه‌ها باید در بستر طبیعی خود جاری باشند تا حیات همه‌ی جامعه‌های انسانی و زیست بوم‌های طبیعی که در طول تاریخ از آنها بهره‌مند بوده‌اند، پایدار بماند. امضا کنندگان این بیانیه ضمن همبستگی با فعالان محیط زیست زاگرس مهربان در مخالفت با پروژه‌های انتقال آب و سد سازی و همچنین نام گذاری ۲۸ فروردین به عنوان روز چهارمحال بختیاری یاد آور گردیده است: امید آن که پیگیری‌های شما و همکاری‌های بین‌المللی، سرزندگی پهنه‌های ارزشمند آبی کشورتان را تضمین کند. لازم به ذکر است به ابتکار فعالان محیط زیست روز ۲۸ فروردین سالروز تجمع سی هزار نفری مردم استان چهارمحال بختیاری بر علیه پروژه‌های سد سازی و انتقال آب به عنوان روز چهارمحال بختیاری و روز جهانی مخالفت با انتقال آب نام گذاری شد. در روز ۲۸ فروردین سال ۱۳۹۳ حدود سی هزار نفر از مردم این منطقه و سرچشمه زاینده رود و کارون در استان چهارمحال و بختیاری در پاسداشت زاینده‌رود و کارون و اعتراض به تونلهای گلاب و بهشت آباد که موجب نابودی زاینده رود و کارون و تخریب‌های گسترده محیط زیست استان و استان‌های پایین دست بود راهپیمایی نموده و بر علیه انتقال آب فریاد اعتراض سر دادند. گفتنی است با وجود هماهنگی‌های قبلی برای برگزاری نمایشگاه عکس مبارزات محیط زیستی مردم استان چهارمحال بختیاری با اداره کل ارشاد استان چهارمحال بختیاری از برگزاری این نمایشگاه جلوگیری شد.



کلنگ زنی و افتتاح پروژه‌های بدون مجوز ارزیابی محیط زیستی ممنوع

رئیس سازمان محیط زیست از استانداران خواست در سفرهای استانی از کلنگ زنی و افتتاح پروژه‌های بدون مجوز ارزیابی محیط زیستی جلوگیری شود. به گزارش خبرگزاری فارس، علی سلاجقه رئیس سازمان محیط زیست در نامه‌ای از استانداران خواست با توجه به فرمایشات مقام معظم رهبری که فرمودند: مسأله محیط زیست یا حفظ منابع طبیعی، برای ما مسأله‌ای تجملاتی و درجده نیست؛ یک مسأله حیاتی است. در تلاش ما برای توسعه کشور، اولویت باید در این بخش باشد و همچنین ضمن تأکید ریاست جمهوری که بیان داشتند؛ توسعه فرع بر محیط زیست است و آثار و پیامدهای زیست محیطی از فعالیت پروژه‌های بزرگ عمرانی و کلان اقتصادی کشور بدون اخذ مجوز زیست محیطی جلوگیری شود.

وی در ادامه این نامه افزود: در سنوات قبل و با فشارهای نامتعارف و بخشی‌نگری محض اجرایی شده، نه تنها منجر به تحقق آمایش سرزمین و توسعه پایدار نگردید، بلکه به دلیل آلودگی‌ها و تخریب‌های غیرقابل جبران، به پدیده ضد توسعه تبدیل و نیز اثرات زیان‌بار آن در تشدید بحران‌های زیست محیطی و نارضایتی عمومی جامعه را برانگیخته است.

سلاجقه از مصادیق این موضوعات را به اجرای پروژه‌های آزادراه‌ها، بزرگراه‌ها و راه‌آهن، سدسازی‌ها، نیروگاه‌ها، پالایشگاه‌ها و پتروشیمی‌ها، انتقال آب بین حوضه‌ای و ... اشاره کرد و گفت: متأسفانه در سنوات گذشته تحت عنوان پروژه‌های دارای پیشرفت فیزیکی، ولی بدون مجوز محیط زیستی همواره به‌عنوان یک چالش عمیق بین دستگاه‌های اجرایی و دستگاه‌های نظارتی و قضایی با این سازمان از جهت عدم رعایت قوانین، ضوابط و مقررات مطرح شده است که پرداختن به آن نمی‌گنجد. اما نظر به اینکه پروژه‌ها با اخذ مجوز غیرقانونی از برخی دستگاه‌ها من جمله سازمان برنامه و بودجه، تأمین اعتبار می‌شوند و اغلب این پروژه‌ها با همین مجوز توسط مقامات ارشد کشور و با رایزنی‌های نمایندگان مردم در مجلس شورای اسلامی، بالأخص در حوزه‌های انتخاباتی و استانداران با همین رویه ناصواب افتتاح می‌شوند و پس از آن، متأسفانه مشکلات بسیار زیادی در پیش روی حافظان محیط زیست کشور و سایر دستگاه‌های ذی‌ربط برای حل و فصل عدم تعادل‌ها از جمله تخریب جنگل‌ها و پوشش گیاهی، عدم رعایت حریم‌های کمی و کیفی منابع آب سطحی، عدم تأمین کافی نیاز آبی پروژه‌ها، تداخل با مناطق چهارگانه محیط زیست، قرارگیری در حریم شهرها و یا تداخل با شعاع‌های ممنوعه ایجاد صنعت در کلان‌شهرها و نزدیکی با شهر و روستا و نارضایتی‌های اجتماعی از جمله عدم اجرای تعهدات مجریان در قبال سایر دستگاه‌ها و مردم که نهایتاً منجر به تأخیر افتادن اجرای پروژه‌ها و یا دستور توقف قضایی در حین ساخت و ساز پروژه می‌شود که بخشی از آن نیز به‌عنوان تخلف دستگاه‌های اجرایی موجب پیگرد قانونی در دستگاه قضایی قرار می‌گیرد.

رئیس سازمان حفاظت محیط زیست در پایان این نامه خاطرنشان کرد: برای پرهیز از بروز مشکلات آتی و قطع زنجیره شروع پروژه بدون مجوزهای قانونی از جمله مجوز سازمان حفاظت محیط زیست تحت عنوان مجوز ارزیابی زیست محیطی، از کلنگ زنی و افتتاح پروژه‌ها توسط مقامات ارشد کشوری که عموماً در سفرهای استانی اتفاق می‌افتد، قویاً اجتناب شود.

گفتنی است این سازمان و واحدهای تابعه استانی برای تسهیل و تسريع در صدور مجوزها، کما فی السابق در زمانی کوتاه‌تر از زمان مقرر در قانون، نهایت همکاری را معمول خواهند داشت.

نامه مشترک نمایندگان خوزستان و چهارمحال بختیاری برای جلوگیری از انتقال آب کارون

نمایندگان دو استان چهارمحال بختیاری و خوزستان طی یک نامه مشترک به رئیس جمهور نسبت به سیاست‌های وزارت نیرو در قبال رودخانه‌های کارون و کرخه و در اعتراض کردند. در متن این نامه مهم می‌خوانیم: "احتراماً به استحضار می‌رساند با وجود تذکرات پی در پی انجام شده خطاب به وزیر محترم نیرو؛ برای دفاع از محیط زیست، حراست و حفاظت از رودخانه‌های کشور و دیگر پهنه‌های آبی کشور شاهد آن هستیم که وزارت نیرو نه تنها به وظایف قانونی خود توجهی ندارد بلکه به صورت ویژه سیاست‌های کلان محیط زیستی مقام معظم رهبری را از دستور خارج کرده است که نمونه بارز آن اجرای صدها پروژه عمرانی بدون مجوزهای قانونی است. که تبعات این رفتار باعث خشک شدن تالاب‌های خوزستان و خشک شدن چشمه‌های جوشان در چهارمحال و بختیاری و در معرض نابودی قرار گرفتن رودخانه‌های کارون و کرخه و ... و نابودی اکوسیستم استان‌های خوزستان و چهارمحال و بختیاری از طریق ناکارآمدی‌های ساختاری، مدیریتی و اجرای پروژه‌های انتقال آب شده است." در ادامه این نامه آمده است: "متأسفانه این روزها خبرهایی مبنی بر آب‌گیری از تونل گلاب بدون در نظر گرفتن تعهدات مندرج در توافق نامه محیط زیستی این پروژه هستیم. پروژه گلاب تماماً در روندی متخلفانه پیش رفته است تا جایی که تماماً مجوزهای صادره بعد از اجرا اخذ شده که خود نشان دهنده عمق تخلفات و لابی صورت گرفته برای اخذ این مجوزات است. مسأله دیگر آنکه اگر پروژه گلاب پروژه پدافند غیر عامل است، تخصیص آب برای این پروژ بر رودخانه کم‌رغم زاینده رود چه معنایی دارد؟ آیا این بارگذاری جدید بر زاینده رود نیست؟ خواهشمند است ضمن توضیح شفاف در رابطه با علت آب‌گیری این پروژه در رابطه با تخلفات صورت گرفته در نحوه اخذ مجوزها توضیح دهید". این نمایندگان تأکید کردند: متأسفانه وزارت نیرو مکاتبات انجام شده با حضرت عالی در خصوص لزوم کاهش تخصیص‌های پروژه‌های انتقال آب کوهرنگ یک و دو و ... را مطابق با نظام نامه تخصیص بی پاسخ گذاشته است لذا ضروری است مجدداً برای اجرای عملی آن دستور فرمائید. در پایان نمایندگان دو استان بر تأکید بر غیرقانونی بودن انتقال آب پروژه کوهرنگ سه تأکید کردند: "متأسفانه در رویکرد جدید وزیر نیرو این وزارت خانه حتی از همکاری با دستگاه قضائی خود داری می‌کند لذا تقاضا داریم پیگیری و اعلام نمایید مجموعه‌های زیر مجموعه وزارت نیرو به چه پشتوانه‌ای از قرار دادن اطلاعات مورد درخواست دستگاه قضائی نظیر شعبه سه بازپرسی شهرکرد در رابطه با سد کوهرنگ سه خود داری کرده است. لذا ضروری می‌دانیم اسناد مورد درخواست شعبه سه بازپرسی شهرکرد به صورت فوری و شفاف در اختیار دستگاه قضایی و نمایندگان قرار گیرد."

اخبار محیط‌زیستی ایران به زبان لری

هوالا زیستگه ای د ولات ایرون

واکار نیائن عملیات گوئارننین آو

د ری وارسنومه روابط عمومی آو راساگه ای اصفاهون د ۵ روز د نوروزما، ۴۵ میلیون متر مکعب د ثانیه، وا پامپ آو بوره سی زاینده رود، ئی داروکار دورونیا اجتماعی و امنیتی تا ایسه سی دو استان خوزستان و چارمحال بختیاری داشته. اوسه نه مدت پمپاژ آو دیاری بیه و نه میزان آوئ دیاری بیه که ساکنیا گلال و هار اتیاج دارن وش. گوئنی هی که داروکار گوئارننین آو کوهرنگ سی زاینده رود د سه جهت ری حوضه آوریز کارون وه ری گلال کوهرنگ که ها د بیرگان وطراحی بیه. تشکل وحدت سبز (یکاگیری سوز) فرخشهر نامه ای نیسنیه سی دادگاه و گوته که داروکار کوهرنگ سه مجوز زیستگه ای، میرات رهزیشتی و سرینگه یا طبیعینه ناره. د بخت گن هیچ مطالعه ارزیابی زیستگه ای ری تونل ستم انجام نگیرسه و تنیا د ری جلد لاپورت ارزیابی وه تونل ستم اشاره بیه. یه یعنی داروکاری که ها د عملیات بهره برداری هیچ مجوز زیستگه ای ناره. یکی هنی د ایرادیا لاپورت ارزیابی زیستگه ای ینه آ که دش نیسنیه هیچ شهر یا آبایی و هار سد کوهرنگ سه نئ و یه که تعداد ورتیه گیری شهر و آبادی و هار سد هی که پمپاژ بی حساو و کتاو آو نمئ هله آو برسه وشو. ئی کار د سال ۹۶ باعیس بی که گلال کوهرنگ هوشک بووه وختی که رئیس جمهور سفر کرد بی وه ئی استان. انجام نگرتن مطالعات فنی بهر آو مردم و هار سد و گونه یا گیایی و جوداربا راساگه ویرداربیه قیصری خطرئ هی. ئی تشکل نیسنیه که تا ایسه د بخت گن توجه نکرده که اتیاج زیستگه ای گلال ۴۶ میلیون متر مکعب د سال هی که هرگس و پمپاژ آو جور نموه. د تاریخ ۴ تیر ۱۴۰۰ موسم بازدید کارشناس دادگستری دبی آو ۲۰۴۶ متر مکعب د ثانیه پینشت بیه که وا ئی مصوبه ۴۰۵ متر مکعب یعنی هوشک بیین ئی گلال.

رای دادگاه و بُرین حکمیا سنگین سی معترضیا تونل بی مجوز زیستگه ای گوئارننین آو سوزکوه د چار محال بختیاری صادر بی

شعبه ۱۰۱ دادگاه کیفری بروجن (۱۰۱) جزایی زیر) و سر جرغه ای قاضی محسن جلیلی پیرانی سی ۳۷ معترض داروکار گوئارننین آو سوزکوه حکم بری. ئی ایمو متهمن وه شیونیین نظم و آسائشت و انتریک کردن مردم، درمنیین چیاا عمومی و دولتی و حکم سیشو برسه وه ۷ سال زندون و شلاق و جریمه پیلی. تونل سوزکوه ها د سرین کارون و متهمیا وه گوئارننین بی مجوز آو سوزکوه نارضا بین و د سال ۹۴ و ساز چپ رسیمائی بختیاری رتن سر چشمه الوغره که د تور ئی داروکار هوشک بیی دماش آیمون ناشناسی وه کارگاه تونل سوزکوه اوریشست بردن و متهمیا که موئن کار ایما نویه.

هیجار سی طراحی تنواره و نشون اپوش اوما وادر / نشون اپوش سی خراوکنیا زیستگه

کمپین مردمی لاداری د زاگرس ویرامهر و هومیاری تشکلیا زیستگه ای سرتاسر ولات ایرون هیجار طراحی تنواره و نشون اپوشنه آورد و دیاری. ایلنا لاپورت کرده که دبیرخونه ئی کمپین گوته که کمپین ها د ری اصل ۵۰ قانون اساسی و سیاستیا گپ زیستگه ای ولات و هومیاری تشکلیا مردم نهاد و شخصیا زیستگه ا و چن مقام دیوونی آیمون و عوامل کارگرا د اجرا داروکاربا بی قانونی که وه زیستگه نئ می درمنن دیاری بکه و نشون اپوشن وشو بیه. گوئنی هی که اپوش دیو بی بارونی و هوشکالی د ایران کهن بیه و د اوسانیا قدیم بر قدیم دیاری بیه وه دشمنی و تیشتر ایزدپای بارو. ئی دیو د اوسانیا ایرون که ولات نیمه هوشک و کم بارونی هی جا مهم نمادینی سیش بیه. دشن نشون اپوش تونه باعیس وانو کردن سیل وه زیستگه و ویرداری د زیستگه با. مهلت کل کردن اثریا د ۱۱ اردیبهشت (گلبارماه) تا ۱۷ خرداد (باروبرون) دیاری بیه. داوری ئی کار ها و خاتینیا و آپایا ندا مذهب جعفری، حمید شانس، مهدی رنکچی، حمیدرضا صادق زاده، بیژن غنچه پور، حسین داوری نژاد و عباس افتخاری و در بش نشون بنونن: خاتینیا و آپایا ندا مذهب جعفری، محمد کاظم فلسفی، شهاب الدین نژاد تهرانی، فرزاد ادیبی و مهدی احمدی. سرنیساری هنری ئی جشنواره هم ها و خاتین بیتا حسنی.

د توافق مالچ پاشنین بین ایران و عراق کار شیونکی بیه

نمونیار مردم تبریز د مجلس شورای اسلامی گوته که د اجرا توافق مالچ پاشنین بین ایران و عراق کار شیونکی بیه زوتا کارئ سی د مین وریسائن توز و گرت و خاک انجوم نموه. او هاست که دباره ئی کار شیونکی جزئیات بیشتري دیاری بووه. عضو کمیسیون کاروبار مینکی مجلس یه ن هم گوت که د او لا سدسازیا ولات ترکیه هم کارگرا بیه د وریسائن بیشتتر گرت و توز و بهر آو و هار سدیا کم یا قطع بیه که یه هم باید د حقوق جهونی و د تور دیپلماسی پیگیری بووه. علیرضا بیگلربیگی و تاکید دیاری کرد که موضوع هنی که د وریسائن گرت و توز کارگرا هی آویا مرزیه. د بخت گن ایما د آویا مرزی کم بهره من موئیم که باید د حق خومو د آویا مرزی لاداری بکیم. ۳۹ نمایانده هنی د مجلس هاستنه ولاتیا هومسائی که د سدسازیا ترکیه صدمه دینه کنسرسیومی دورس بکن سی هومشوری و هومکاری.



پرونده شکایت د سر جرغه سازمون بر نامه و بودجه رت سی شعبه ۱۰۵۹ کیفری کاروه دسیا دولتی د پائتخت

دما په که داروکاریا بی مجوز زیشتکه ای نرس د بودجه ۱۴۰۱، انجمن لادارایا حقوق زیشتکه ای خوزستان د دس سر جرغه سازمون بر نامه و بودجه شکایت کرد. ئی شکایت دما په که د شعبه ۳ دادسرای انقلاب راساگه ۲۸ رد بی رت سی شعبه ۱۰۵۹ کیفری دو د پائتخت (جرمیا کاروه دسیا دولتی)، د لایحه انجمن لادارایا اوماڼه که: "هه جورئ که دونیت دولت محترم د آذر ۱۴۰۰ لایحه بودجه ن کل کرد سی مجلس شورای اسلامی که دما بررسی لایحه بودجه دیاری بی که ۴۱۱ داروکار که هارزیابی زیشتکه ای بان سی ردیف بودجه مجوز زیشتکه ای نرن. د اوچه که د ری متن آشکارای سیاستیا کلی زیشتکه ای د لاهبر گپ انقلاب اسلامی وارسنیه د تاریخ ۱۳۹۴/۸/۲۶ و د ری ماده ۱۰۵ د قانون بر نامه سئم توسعه، ماده ۷۱ د قانون بر نامه چارم توسعه، بن الف د ماده ۱۹۲ قانون بر نامه پنجم توسعه، و روشتم نامه ارزایی اثریا زیشتکه ای طرحیا و داروکاریا تولیدی و خرمتی و آبادکاری تصویب د ۲۶/۸/۱۳۹۴، دسکاریا اجرایی وظیفه شو هئ که ورز اجراء و مطالعه امکان سنجی و مجوز زیشتکه بییرن... انتظار په بی که ئی دولت نه چی دولتیای زیترو و رویده یا زیشتکه ای غیرقانونیشو د بودجه ۱۴۰۱ کار می کرد و اشتبایا زیتربیان دورس می کرد. د کاریا اشتبا و بی قانونی بودجه ۱۴۰۱ تونیم د عنوانیا مطالعه و اجرا وارد یک!) د ردیف بودجه چی داروکاریا گوئارنیین او هردن تیرون و البرز د سسد طالقان، گوئارنیین او سسی شهریا واروئی استان کرمان، گوئارنیین او خزر وه فلات مینجایی، سد مالبر و سد بلبر نوم بوریم. سازمون بر نامه و بودجه د خلاف ماده ۲ گنجسه که مرج (شرط) داروکاریا د ردیف طرح تملک داراییین نیائه د قانون اساسی، برنامیا توسعه و ارزایی زیشتکه ای، مالی و... اوماڼه ۴۱۱ داروکارن نیائه د بودجه ۱۴۰۱ که د ری نامه شماره ۳۴۱۳۹/۱۰۰/۱۴۰۰ مجلس شورای اسلامی مجوز زیشتکه ای و مجوزیا قانونی هنین نرن و سازمون بر نامه و بودجه قبول هم نمیکه یینو د ردیف بودجه پاکسا بان.

سر جرغه ماسالگه (شورای) امنیت ولات ایرون هاست اثریا سر یکی داروکاریا گوئارنیین او خوزستان بررسی بووه

دما وه در اوماڼن نامه جلیل مختار نمونیار مردم آبادن د مجلس شورای اسلامی دباره طولونی دئن وه رویده یا غلط زیشتکه ای دولتیای زیترو د دولت نو د گوئارنیین او گلایا خوزستان، احمد وحیدی د دسوری که رینویسی دس کل بیه سی معاونت امنیتی و آبادکاری وزارت ولات ایرون هاسته که اثریا سر یکی گوئارنیین او خوزستان بررسی بووه. اگر ئی دسور بیا وه پا کار سی اولین گله که بررسی اثریا سر یکی گوئارنیین او کارون موفته سر دس دولت. نمونیار آبادان د نامه خود وه سر جرغه ماسالگه امنیت ایراد گرته وه رویده یا پنهوم و بی قانونی استناداریا و کاروه دسیا امنیتی دو استان چارمحال بختیاری و اصفاهون پشت دریا بسته و توافق سی داروکاریا گوئارنیین او خوزستان بیدون وارسنیین نمونیاریا و کاروه دسیا خوزستان. گوئن هئ که د ری نامه جلیل مختار و مستندیائ که دیاری کرده مجهز کردن کارگاه تونل بهشت آباد د چر مهین دما توافق پنهوم کاروه دسیا دو استان چارمحال بختیاری و اصفاهون د ماسالگه امنیت انجوم گیرسه؛ توافقی که سازمون زیشتکه گوته قانونی ئی. تا یسه کاروه دسیا دو استان چارمحال بختیاری و اصفاهون دباره محتوای نامه هیچ چیی دیاری نکرده.

قولنگه زنی و گوشنین داروکاریا بیدون مجوز زیشتکه ای قدغن بووه

سر جرغه سازمون ویرداری د زیشتکه د استناداریا هاست نهلن داروکاریای که مجوز ارزایی زیشتکه ای نرن قولنگه زنی بان یا بگوشیه ن. فارس لاپورت کرده که علی سلاجقه سر جرغه سازمون ویرداری د زیشتکه د استناداریا هاسته که و توجه وه هچائه رهبر گپ انقلاب که فرمائش کرده سی ایما مسئله زیشتکه یا ویرداری د زیشتکه سی ایما چی تجملاتی و درجه دوئی ئی و مسئله زنه بیه. د تقلا ایما سی توسعه ولات ایرون په باید د اولویت با و رئیس جمهور هم و تاکید دیاری کرده که توسعه ها دما زیشتکه، باید نهلیم داروکاریا گپ اقتصادی و آبادکاری کشور بیدون مجوز زیشتکه ای انجوم بییره. سلاجقه گوت د سالیای زیترو و کوت کوت سیل کردن و رویده یا بلاجی، نه تنیا آمایش وار و توسعه ولات نیوما وه دس، وه خاطر آلوده بیا و درمنیین زیشتکه بی وه چیی ضد توسعه و اثریا گنی ری زیاد کردن دورونیا زیشتکه ای و نارضایی عمومی وه جا هیشته. سلاجقه یکی د نمودیای بسخه ن د اجرا داروکاریای چی آزاداریا، سدید، پالایشگایا، نیروگایا پتروشیمییا و گوئارنیین او بین حوضه ای دونس و گوت د بخت گن د سالیای زیترو وه نوم داروکاریا هاون پیشرفت فیزیکی هشتنه داروکاریای خلاف قانون و رویده انجوم بییره که مجوز زیشتکه ای ناشته اما نظر وه په که اعتوار داروکاریا غیرقانونی د قری د دسگایا نچیکه سازمون بر نامه و بودجه جور مووه و بیشتر ئی داروکاریا هه و ئی مجوز وه دس کاروه دسیا پائه برز کشور و هومشوری نمونیاریا د مجلس شورای اسلامی و هومره بی استناداریا افتتاح مووئن و دماش مشکلیا گپ و زیادئی سی لادارایا و ویرداریا زیشتکه دورس مووه چی خراو کردن دارسونیا و گیاکویا و رعایت نکردن حریم و کم و کیف سرینگه یا آویا ری زمینی، جور نیین او کافی سی داروکاریا، تداخل و راساگه یا چارونه زیشتکه ای، ایفتانن د حریم شهریا یا شعاع قدغن راساگه یا صنعتی و نزیکی وه شهریا و آبایا و زیاد بیین نارضایا، و دما ایفتانن اجراء یا لمسشان وه دسور دادگاه و چپای هنی د ئی دس.

**انتقاد گسترده فعالان محیط زیست
به کنش‌تاریا (فعالان) زیستگاه ای فره
ایراد گر تنه وه هوشک بیین هور العظیم
وه دس شرکت نفت**

دمايه كه هني توز و خاك وريسانه، كنشتياري زيشته
اي خوزستان نارضايي خوشون د هوشك كردن هورالعظيم
وه دس شركت نفت سي وادر كشين نفت فره دياري كردنه.
د ئي كمپن ريتوري اومائه كه: ”ايما كنشتياري زيشته
اي ولات ايرون مي هاييم هورالعظيم سي وادر كشين نفت
هوشك بوه. اگر ها نفت يكشبه وار بايد د محيط آوي و وا
ويرداری د بهر آو گولم هورالعظيم انجوم بييره. وريسانن توز
و آلوده يي د تور كاري آباديرم شركت نفت زنه يينه سخت
كرده سي مردم و شركت نفت بايد ويده باشن دورس بكه.“

**رفیعی: وظیفه ایما ینه آ که نهلیم
کناو(خلیج) فارس بوفته د خطر
زیشتی**

سرجرغه فراکسیون زیستگه د روز کناو مجلس شورای اسلامی گوت: وظیفه ایما ینه آ که نهلمی کناو(خلیج) فارس بوخته د خطر زیشتی؛ خطرئ که د ئی سالیوا اوامان ترالریا رسسه وه واوروترین حد، سمیه رفیعی د بلگه رسمی توپیترش نیسنیه که اگر روزئ وظیفه باوایا ایما به پی که بیگونه بان د کناو فارس یکن وه در ایسه وظیفه ایما ینه آ که نهلمی کناو فارس بوخته د خطر زیشتی. دریا شه جوته ولی وا ئی مرج که والیم و قاعده واش رفتار بکیم، گوته هی که سی به که آوده ییا، گوته یا اوریشته یار و شکار بی رویده کنترل نموه، زنه پی گوته یا ارزشتداری چی نهنگیا، کوسه یا، کیسلیا آوی، و جوریا مانبا شیلایه گن جورئ ها د خطر.

**لادراړی تشکیلیا جهونی د نیائن نوم ۲۸ نوروز ماه (فرودین) وه روز چار محال بختیاری و روز
جهونی ناسازی و اگونار نیین او**

وارد نیائن نوم ۲۸ نوروزماه و روز چارمخال بختیاری و روز جهونی ناسازی و گوئارنیین آو، تشکیلیا جهونی زیشتگه ای و صادر کردن وارسنومه ای وه کنشتیاریا زیشتگه ای شادابی گوته سی روز ۲۸ نوروزماه. دئی وارسنومه و دیاری کردن همبستگی و کنشتیاریا زیشتگه ای ایرون اومائه که جنبش رسگار کردن دجله و برز و بالا گرتن روز ۱۷ آوریل سی روز ناسازی و گوئارنیین آو، یکاگیری و همبستگی کنشتیاریا عراق، ترکیه و سوریه و ولاتیای عضو هنین دیاری میکه وه شما. ایما هم باورمینه آ که گالایا باید د تورگه طبیعی خوشو روونه بان تا زنه یی جامع یا بشری و زیشت ورگه یا طبیعی که د قدیم بر قدیم بهره من بینه سر جا خوش موندگار بووه. امضاکنیا ئی وارسنومه و دیاری کردن همبستگی و کمپین مردمی لادراری د زاگرس مهر دکار د ناسازی و داروکاریا گوئارنیین آو و نیائن ۲۸ نوروزماه وه نوم روز چارمخال بختیاری آوردنه و اویرمو که تما داریمو که تورگیرییا شما و هومیارییا جهونی زنه منن ورگه یا آوی ولات ایرونن ضمونن بکه. گوته هی که نیائن ۲۸ نوروزماه وه نوم روز چارمخال سی سالویر گرد یک اومائن ۳۰ هزار د مردم چارمخال بختیاری سی دیاری کردن، ناراضای د داروکاریا سدسازی و گوئارنیین آو انجوم گیرسه.

نامه وایکی نمونه‌ریا خوزستان و چار محال سی گرتن مین ره دار و کاریا گوئارنین آو

نمونیاریا دو استان خوزستان و چارمحال بختیاری د مجلس شورای اسلامی د نامه ای وایکې وه رئیس جمهور نارضایی خوشون وه سیاستیا غلط وزارت آر و هیز د مورد گاللیا کارون، کرخه و دز دیاری کردن. د ئی نامه اومائه که: " او احترام می وارسنیم که او تذکریا پیتاپیت زیتری وه وزیر محترم آر و هیز دباره ویرداری د گاللیا و زیستگه هنی هم میینیم که وزارت آر و هیز نه تنیا ویر کردی وه وظیفه یا قانونی خوش نمیکه، سیاستیا رهبر گپ انقلاب دباره زیستگه ن هم دسور کار خوش کرده وه در که نمونه ش اجرا چن صد داروکار بیدون مجوزیا قانونیه. هوشک بیین گولمیا خوزستان و چشمه یا و سرینگه یا چارمحال بختیاری و د خطر د مثن ورپسائن گاللیا کرخه و کارون و اکوسیستم استانیا خوزستان و چارمحال بختیاری د تور تلایه یا ئی رفتاریا وزارت آر و هیزو داروکاریا گوئارنیین آو هی". د جائ د ئی نامه اومائه: " د بخت گن ئی روزیا ها میینیم که تونل گلاب بیدون رعایت پاگیره یا د توافق زیستگه ای ها اوگیری موهو. داروکار گلاب همه ش وا تخلف رته وا همه تا جائی که گرد مجوزیا صادریه ش دما اجرا گیرسنه که یه خوش نشو میه چنی تخلف و لابی گری انجوم گرته سی گرتن ئی مجوزیا. مسئله هنی یه که اگر داروکار گلاب سی پدافند غیرعامله بهر بریین آو سی ئی داروکار وه ری گلال نیفجون زاینده رود یعنی چی؟". ئی نمونیاریا د نامه شو وه وزیر آر و هیز وا تاکید گوته که د بخت گن وزارت آر و هیز نامه ایمان سی جنابعالی دباره کم کردن بهر برسه آو د داروکاریا گوئارنیین آو کوهرنگ یک و دون بیدون ولوم (جواو) هیشته که تقاضا میکیم سی انجوم گرتنش دسور بفرمائیت.



اخبار محیط‌زیستی ایران به زبان کردی هه‌واله ژینگه‌یه‌کانی ئێران

ده‌ستپیکردنی کاره‌کانی هه‌لدانی ئاوی لقه‌کانی کارون له رێگه‌ی تونیلی سییه‌می کووهره‌نگه‌وه

به‌پیتی راگه‌یاندنی په‌یوه‌ندییه‌ ناوچه‌یه‌یه‌کانی ئاوی پارێزگای ته‌سه‌فه‌هان، له ۲۵ی پووشپه‌ر ده‌وه، په‌پیتی ره‌زامه‌ندی ته‌نجه‌مه‌نی هه‌ماهه‌نگی زاینده‌روود، ته‌م پرۆژه‌یه‌ که له ئیستادا له پارێزگاکانی خوزستان و چوارم‌حال و به‌ختیاری رووبه‌رووی چهندین ئالنگاری ژینگه‌یی و کۆمه‌لا‌یه‌تی و ته‌منی بووه‌ته‌وه، رووبه‌ر ده‌ی ۴.۵ مه‌تر سێجایه‌ له‌ چرکه‌یه‌ کدا و گواسته‌وه‌ی بۆ زاینده‌روود به‌ شێوازی پۆمپاژ. به‌لام نه‌ کاتی هه‌لدان و نه‌ بری ئاوی پێتویست بۆ دانێشتوانی رووباره‌ که له‌ خواره‌وه‌ی رووباره‌ که دیاری نه‌کراوه. شایانی باسه‌ که پرۆژه‌ی کووهره‌نگ ۳ بۆ گواسته‌وه‌ی ئاو له‌ کۆکه‌ی کاروون له‌ سه‌ر رووباری کووهره‌نگ که ده‌که‌وتیه‌ بێرکان بۆ رووباری زاینده‌روود دارێژراوه. رێکخراوی ژینگه‌پارێزی و ده‌ده‌تی سه‌وزی فه‌روخسار له‌ نامه‌یه‌ کدا بۆ ده‌سه‌لاتی دادوه‌ری نووسیه‌تی: ”پرۆژه‌ی کووهره‌نگ ۳ مۆله‌تی ژینگه‌یی، مۆله‌تی میراتی فه‌ره‌هه‌نگی، مۆله‌تی سه‌امانه‌ سروشتیه‌یه‌کان، مۆله‌تی جیهادی کشتوکالی، مۆله‌تی کاروباری خێل و مۆله‌تی یاسایی دیکه‌ی نییه‌. خالی جێی داخ ته‌وه‌یه‌ که هیچ توێژینه‌وه‌یه‌کی هه‌له‌سه‌نگاندنی ژینگه‌یی له‌ سه‌ر تونیلی سییه‌می کووهره‌نگ نه‌ه‌نجام نه‌دراوه و ته‌نها تونیلی سییه‌م له‌ سه‌ر به‌رگی راپۆرتی هه‌له‌سه‌نگاندنه‌ کدا ئاماژه‌ی پیکراوه، واته‌ ته‌وه‌ پرۆژه‌یه‌ی که ئیستا له‌ کاردایه‌ هیچ مۆله‌تیکی ژینگه‌یی نییه‌، پرستیکی دیکه‌ که له‌ کاتی پلان‌دان بۆ کارکردنی هه‌لدان له‌ به‌رچاوه‌ نه‌گیراوه‌ ته‌وه‌یه‌ که راپۆرتی هه‌له‌سه‌نگاندنی ژینگه‌یی پرۆژه‌ی کووهره‌نگ ۳ ده‌لێت که هیچ شارۆچکه‌یه‌ک یان گوندیک له‌ خواره‌وه‌ی به‌نداوی کوهرانگ ۳ دا نییه‌.

به‌لام ژماره‌یه‌کی به‌رچاوه‌ له‌ شارۆچکه‌ و گونده‌کانی خواره‌وه‌ی به‌نداوه‌ که هه‌ن و په‌مپکردنی ئاو به‌ شێوه‌یه‌کی رێکخه‌راو رووباره‌ که وشک ده‌کاته‌وه‌ و زیان به‌ ناوچه‌کانی خواره‌وه‌ ده‌که‌یه‌تیت. ته‌م پرسه‌ له‌ سالانی پێشهودا رووباده‌، به‌جۆریک به‌هۆی په‌مپکردنی ئاوی رووباری کووهره‌نگه‌وه‌ بۆ رووباری زاینده‌روود، له‌ هه‌مان کاتدا له‌ گه‌ل سه‌مردانی سه‌رۆک کۆماری پێشوو بۆ ئیسه‌فه‌هان له‌ مانگی ئایاری ساڵی ۱۹۹۶دا، رووباری کووهره‌نگ به‌ ته‌واوی وشک بووه‌وه. ”ته‌بوونی توێژینه‌وه‌ی ته‌کنیکی نه‌ک هه‌ر پێشێلکردنی مافی پێکهاته‌ ناوچه‌یه‌کانی خواره‌وه‌ی به‌نداوه‌، به‌لکه‌ مه‌ترسی له‌ سه‌ر ژبانی ده‌یان جۆری رووه‌ک و ناژه‌لیش دروست ده‌کات. به‌هۆی بوونی ناوچه‌ی پارێزراوی قه‌سه‌ری” ”خالی جێی داخ ته‌وه‌یه‌ که تا ئیستا له‌ به‌رچاوه‌ گیراوه‌ ته‌وه‌یه‌ که پێداویستیه‌یه‌ ژینگه‌یه‌یه‌کانی رووباره‌ که ۴۶ ملیۆن مه‌تر سێجایه‌ له‌ سالیکدا” نووسیه‌تی. که به‌ هیچ شێوه‌یه‌ک به‌ ته‌نجه‌مدانی کاره‌کانی په‌مپکردن به‌ ده‌ست ناھێنریت. له ۱۴۰۰/۳/۴، له‌ کاتی سه‌مردانی پێشپۆری فه‌رمی دادپه‌روهری رووباری کوهره‌نگ به‌ ۲،۴۸ مه‌تر سێجا له‌ چرکه‌یه‌ کدا پێوانه‌ کرا، که به‌ کرده‌وه‌ هیچ مانایه‌کی نییه‌ جگه‌ له‌ وشکبوونه‌وه‌ی رووباره‌ که به‌ رێژه‌ی په‌سه‌ندرکراوی ۴.۵ مه‌تر سێجا. ”شایانی باسه‌ ته‌وه‌ ئاوی له‌ رووباری کووهره‌نگدا ده‌رژیت ده‌توانریت وه‌ک ئاویکی بچوک هه‌ژمار بکریته‌ راست له‌ مافی ئاوی ژینگه‌یی ئازادانه‌ کراوی تونێله‌کانی کوهره‌نگ یه‌ک و دووه‌وه‌، که به‌ هیچ شێوه‌یه‌ک رێکه‌ به‌ ده‌ره‌نانی لێ نادریته‌.”

برپاری دادگا و سزای قورسی بۆ سه‌ر خوێشانده‌رانی تونیلکردن به‌بێ مۆله‌تی ژینگه‌یی بۆ گواسته‌وه‌ی ئاوی سه‌بز کوه له‌ پارێزگای چوارمه‌حال و به‌ختیاری

لقی ۱۰۱ی دادگای تاوانه‌کانی دوو شاری بۆرجن (۱۰۱) تاوانباری پێشوو به‌ سه‌رۆکایه‌تی دادوه‌ر موحسین جەلیلی پیرانی برپاری دژی ۳۷ خوێشانده‌ری پرۆژه‌ی گواسته‌وه‌ی ئاوی سه‌ز کوه‌ی ده‌ر کرد. له‌م برپاری دادگادا تۆمه‌تباره‌کان به‌ تۆمه‌تی وه‌که‌هاو کاربێردن له‌ تینکدانی نه‌زمی گشتی به‌هاندانی گشتی و تینکدانی نه‌زمی گشتی و به‌شاریکردن له‌ له‌ناوبردنی مۆلک و مالی ده‌له‌ت و گشتی به‌ سزای قورسی هه‌وت ساڵ زیندان و شه‌لاق لێدان و غه‌رامه‌کردن تۆمه‌تبار کراون، سزا دراوه. تونیلی سه‌بز کوه‌ ده‌که‌وتیه‌ سه‌ر لقی کاروون و تۆمه‌تباره‌کان ناڕه‌زایه‌تیان ده‌ربهری به‌رامبه‌ر به‌ دروستکردنی تونێله‌ که به‌بێ مۆله‌تی ژینگه‌یی سه‌بز کوه‌ داواکار له‌م که‌یسه‌دا که‌مپی خاته‌م نه‌بیا و ئاوی ناوچه‌یی چوارمه‌حال و به‌ختیاریه‌. له‌ ساڵی ۹۴ ئایینی ماته‌مه‌نی هه‌تیا یه‌ بختیاری به‌ نامێرتکی چه‌پ که تایه‌ت بسو به‌ ماته‌مه‌نی له‌ نه‌ریتی به‌ختیاریدا به‌ کانیی ئالۆغه‌ره‌ که به‌ هۆی هه‌لکه‌ندنی تونیلی گواسته‌وه‌ی ئاوی سه‌بز کووهره‌وه‌ وشک بووبوو، له‌ رۆژی دهمینی ماته‌مه‌نی رۆژی به‌ختیاریدا به‌شاریاری کرد که له‌ دوا رۆژی دهممه‌ که کارگای تونیلی سه‌مز کووه‌ له‌ لایه‌ن تۆمه‌تبارانی نه‌ناسراو هه‌ترشیان کرده‌ سه‌ریان تاوانباران ده‌یان کرد ده‌ ده‌ستیان له‌ تۆمه‌تباریه‌وه‌ که‌دا هه‌بووتیه‌

بانگه‌وازی دیزاین بۆ ”په‌یکه‌ر و نیشانه‌ی ته‌پۆش” بۆلاوکرایه‌وه‌ / نیشانه‌ی خه‌لات به‌ خسرایه‌ وێرانکه‌رانی ژینگه‌

”که‌مه‌یینی گه‌ل بۆ پشستپوانی له‌ زاگروسی مه‌هره‌بان” به‌ به‌شاری رێکخراوه‌ ژینگه‌پارێزه‌کان له‌ سه‌رانسه‌ری ولات بانگه‌وازیکیان بۆ دیزاینکردنی ”په‌یکه‌ر و نیشانه‌ی ته‌پۆش” بۆلاوکرده‌وه‌. به‌ پیتی راپۆرتی ئێلنا، سه‌رتاریه‌تی که‌مه‌یینه‌که‌ راگه‌یه‌اند: ئێران و به‌گۆیه‌ر سیاسه‌ته‌ گرینه‌که‌ ژینگه‌یه‌یه‌کان، به‌ هاوکاری و به‌شاری رێکخراوه‌ ناخوێشه‌یه‌کان و که‌سایه‌تییه‌ ژینگه‌یه‌یه‌کان و چهند به‌رپرستی، بۆ ده‌ستیناشانکردن و ناساندنی ته‌وه‌کار و گروپه‌یه‌ که به‌شاردن له‌ جیه‌یه‌جێکردنی پرۆژه‌ نایاسایی و بێ بنه‌ماکان که ده‌بنه‌ هۆی تینکچوونی ژینگه‌. له‌ ته‌فسانه‌ی ئێراندا ”ئاپۆش” ”دێونی وشکه‌سالی” یه‌، که له‌ میژه‌ له‌ نێو خه‌لکی ئێراندا به‌ دۆزمینی ”تیشته‌ر”، خوداوندی باران ناسراوه‌. ته‌م دێونه‌ پێکه‌یه‌کی رهمزی کرنگی هه‌یه‌ له‌ ولاتیکی وه‌ک ئێراندا که هه‌میشه‌ رووبه‌رووی کێشه‌ی ناوچه‌ییانی و له‌ناوچوونی سه‌رچاوه‌کانی ئاو بووه‌ته‌وه‌. خه‌لاتی ”خه‌لاتی ئۆپۆس” هه‌نگاوێکی رهمزییه‌ له‌ په‌خنه‌کردن له‌ کولتوری بێ سزای و هه‌نگاوتکه‌ به‌ره‌و ناساندنی که‌سایه‌تی یان دامه‌زراوه‌ که‌لیک که‌ سروشت و سه‌رچاوه‌ی به‌ترخی خودا به‌خسراوه‌ و نێوان ته‌وه‌کان ده‌کاته‌ قوربانی به‌رژوه‌ندی ئابووری کورتخایه‌ن یان ناپایه‌دار. با ته‌م کاره‌کته‌ره‌ یان گروپه‌یه‌ سه‌ره‌له‌نۆی بێر له‌ رفته‌ره‌ کانیان بکه‌نه‌وه‌، یان هاواره‌ رهمزییه‌ کانیان بپه‌ته‌ هۆی رێشوینی یاسایی پێتویست. دوا واده‌ بۆ پێشکه‌شکردنی به‌ره‌مه‌کان له‌ ۱۱ی گۆلان ۱۴۰۱ تا ۲۷ی خوردا راگه‌یه‌ندرا. دادوه‌ره‌کانی ته‌م فێستیفااله‌ له‌ به‌شی په‌یکه‌ر بریتین له‌: به‌رێزان تیندا مه‌ده‌ب جعه‌فه‌ری، حه‌مید شانس، مه‌ه‌دی رهنجی، حه‌میدره‌زا سادغ زاده‌، بیژن غه‌نچه‌ه‌پوور، حوسین ده‌واری نه‌ژاد و عه‌باس ته‌فخاری و له‌ به‌شی نیشانه‌کان بریتین له‌: به‌رێزان تیندا مه‌ده‌ب جعه‌فه‌ری، حه‌مید مه‌ده‌ کازم فله‌سافی، شه‌هاوودین نه‌ژاد تارانی، فه‌رزاد ده‌بیی و مه‌ه‌دی ته‌حمه‌دی. سه‌رتیری هونه‌ری ته‌م فێستیفااله‌ خاتوو بیتا حه‌سه‌نه‌.

دۆسیه‌ی سکال له‌سەر سەرۆکی ریکخراوی بهرنامه و بودجه ره‌وانه‌ی لقی ۱۰۵۹ ی زیندانی ۲ - فهرمانبه‌رانی حکومتی تاران گرا

دوابه‌دوای خستنه‌رووی پرۆژهی ژینگه‌یی بۆ مۆلته له بودجه‌ی سالی ۱۴۰۱، کۆمه‌له‌ی داکوکیکارانی مافی ژینگه و سامانه سروشتیه‌کانی خوزستان سکالای له سەرۆکی ریکخراوی بهرنامه و بودجه کرد. ئەو سکالایه که له‌لایهن لقی ۳ داواکاری گشتی و شۆرش له ناحیه‌ی ۲۸ (تاوانه‌کانی فهرمانبه‌رانی حکومت) له تاران ره‌تکرایوه، له‌لایهن کۆمه‌له‌ی ژینگه‌پارێزیه‌وه ناره‌زایه‌تی ده‌ربری. ده‌قی ته‌واوی پرۆژه‌یاسا ناره‌زایه‌تییه‌که‌ی کۆمه‌له‌ی داکوکیکارانی مافی ژینگه و سامانه سروشتیه‌کانی خوزستان به‌م شێوه‌یه‌یه: ۴۱ پرۆژه‌ی تایبته به هه‌ڵسه‌نگاندنی ژینگه‌یی له هه‌ڵه‌کانی بودجه‌ی سالی ۱۴۰۱ دا جێگیرکراون، که مۆلته‌ی یاساییان نییه، چونکه به‌پێی ده‌قی روونی سیاسه‌ته ژینگه‌یه گشتیه‌کانی رێبه‌ری بالا که له ۱۵۹۴/۲۶/۸ راکه‌یه‌ندرا و ماده‌ی ۱۰۵ ی یاسای پلانی سییه‌می گه‌شه‌پێدان، ماده‌ی ۷۱ ی یاسای پلانی گه‌شه‌پێدانی چاره‌م، برکه‌ی A له ماده‌ی ۱۹۲ ی یاسای گه‌شه‌پێدانی پینچهم پلان و ماده‌ی ۲ و برکه‌ی A له ماده‌ی ۳۸ ی یاسای پلانی شه‌شمی گه‌شه‌پێدان، هه‌روه‌ها رێسا‌کانی هه‌ڵسه‌نگاندنی کاریگه‌ری ژینگه‌یی پرۆژه گه‌وره‌کانی به‌ره‌مه‌پێنان و خه‌مه‌تکوزاری و گه‌شه‌پێدان که له ۲۹/۸/۲۹ په‌سه‌ندکراون له سالی ۲۰۱۱، ده‌زاکانی جێبه‌جێکردن پتویسته بۆ وه‌رگرتنی مۆلته‌ی پێش جێبه‌جێکردن و له قۆناغی خۆپێدن و توانا و شوێن، له کاتییدا حکومت به‌رده‌وامه له پرۆسه‌ی نایاسایی حکومت‌ه‌کانی پێشوو و پێچه‌وانه‌ی ماده‌ی ۲۳ ی یاسای زیاده‌کردنی هه‌ندیک ماده بۆ یاسای ریکخستنی به‌شیک له په‌یره‌ی دارایی حکومت په‌سه‌ندکراوه له ۲۰۱۴، پلانیکی پێشنیار کرد بۆ به‌ده‌سته‌پێنانی سه‌روته و سامانی سه‌رمایه‌ریزه‌کانی بودجه و خۆبه‌دوورگرتن له سه‌ینه‌وه‌ی ریزه‌کانی پرۆژه‌کان به‌بۆ مۆلته‌ی ژینگه‌یی و مۆلته‌ی یاسایی دیکه له بودجه‌ی ۱۴۰۱. به‌لام حکومت‌ه‌کانی پێشوو ناچار بوون خۆیان به‌دوور بگرهن له پێشنیارکردنی پرۆژه‌کان به سروشتی لیکۆلینه‌وه و جێبه‌جێکردنی هاوکات به‌پێی تێبینی ۳ له ماده‌ی ۳ ی پێنمایی جێبه‌جێکردن، ماده‌ی ۲۳ ی یاسای زیاده‌کردنی هه‌ندیک ماده بۆ یاسای ریکخستنی به‌شیک له یان لانیکه‌م چاره‌پروان ده‌کرا که له بودجه‌ی ۱۴۰۱ پراکتیزه‌کردنی هه‌له‌ی رابردوو له‌لایهن حکومتی نوێه راست بکێتیه‌وه. له‌نیویاندا پرۆژه‌کان به‌ناوێشانى هاوکاتی خۆپێندنه‌وه و جێبه‌جێکردن له هه‌ڵه‌کانی بودجه‌دا وه‌ک پرۆژه‌کانی گواستنه‌وه‌ی ئاوی خواردنه‌وه له پارێزگا‌کانی شه‌لبورز و تاران له به‌نداوی تاله‌غانه‌وه، گواستنه‌وه‌ی ئاوی بۆ شاره‌کانی باکووری پارێزگای کرمان، گواستنه‌وه‌ی ئاوی خه‌زەر بۆ فه‌لاتی ناوه‌راست، گواستنه‌وه‌ی ئاوی بۆ فه‌لاتی ناوه‌ندی فه‌لاتی ناوه‌ندی، به‌نداوی ماریه‌ر، به‌نداوی بێلبار باسکراوه. به‌پێچه‌وانه‌ی ماده‌ی دووه‌می ریکخراوی په‌یوه‌ستبوون که تێیدا هاوتوه مه‌رجه‌کانی خستنه‌رووی پرۆژه‌کان له ریزه‌کانی پلانی به‌ده‌سته‌پێنانی سه‌روته و سامانی سه‌رمایه‌ ته‌نها له چاره‌چۆیه‌ ده‌ستووردايه، به‌لگه‌نامه‌ی دیدگا، یاسا‌کانی گه‌شه‌پێدانی پینچ ساله، که ژینگه‌ی ده‌گرێتیه‌وه، دارایی، کۆمه‌لایه‌تی و ... وایکردوه ۴۱ پرۆژه بخه‌یته‌ ناو بودجه‌ی ۱۴۰۱، که به‌پێی نامه ژماره ۱۴۰۱/۱۰/۳۴۱۳۹ له به‌رواری ۱۴۰۰/۱۰/۷ که ناراسته‌ی سەرۆکی په‌رله‌مان کراوه به‌بۆ مۆلته‌ی ژینگه‌یی و مۆلته‌ی یاسایی تریه‌کی تهر. نارامکردنه‌وه‌ی PBO له دوو ده‌یه‌ی رابردوودا به‌جۆریک بووه که هیچ ئیراده‌یه‌ک نه‌بووه بۆ لابردنی پرۆژه‌ی بۆ مۆلته له هه‌ڵه‌کانی بودجه، و روونه که به‌کارهێنانی پاره ده‌بێت پابه‌ند بێت به رێسا په‌یوه‌ندیده‌رکانه‌وه. خاله‌ گرنگه‌که ئه‌وه‌یه که ریکخراوی به‌رنامه و بودجه، به‌بۆ گوێدانه یاسا، پاره بۆ پرۆژه‌کان ته‌رخان ده‌کات به‌بۆ مۆلته‌ی یاسایی، که هه‌ندیکیان پێشکه‌وتنی فیزیکیان هه‌بووه، لیسته‌که‌یان هاوپیچ کراوه له‌که‌ل نامه‌نووسی نوێنه‌ری که‌لی ئابادان له‌که‌ل به‌رپررسی... ریکخراوی به‌رنامه و بودجه. بودجه له‌فایله‌دايه. له‌م دۆخه‌دا ریکخراوی به‌رنامه و بودجه نه‌ک هه‌ر ئه‌م ریزانه‌ی له بودجه‌ی سالا‌نه‌دا نه‌سه‌ریوه‌ته‌وه، به‌لگه‌ به‌بیانوی ئه‌وه‌ی که پلانه‌کان له بودجه‌ی سالا‌نه‌ی ۱۴۰۱ دا جێگیرکراون، دووباره‌ی کردوه‌ته‌وه. به‌لام مه‌رجی ئه‌وه‌ی پرۆژه‌کان بخه‌یته‌ بودجه‌ی سالا‌نه و بخه‌یته‌ ناو پرۆژه‌کانی به‌ده‌سته‌پێنانی مۆلته‌وه، وه‌رگرتنی مۆلته‌ی یاساییه، نه‌ک ته‌نها پرۆژه‌که له هه‌ڵه‌کانی بودجه‌دا جێگیر بکێت. کۆمه‌له‌ی داکوکیکارانی مافی ژینگه و سامانه سروشتیه‌کانی خوزستان له پرۆژه‌یاسای ناره‌زایه‌تی خۆیدا باس له‌و تاوانانه ده‌کات که ریکخراوی به‌رنامه و بودجه ته‌نجامی داوه هه‌ولێ داوه به‌ ناله‌بارکردنی پاره‌ی حکومت به‌ پێشکه‌شکردنی پرۆژه یاسای بودجه‌ی ۱۴۰۱. ئاشکرايه که رێسا‌کانی ژینگه و پابه‌ندبوون به‌ پێوه‌ره‌کانی په‌یوه‌ست به هه‌ڵسه‌نگاندنی ژینگه‌یی په‌یوه‌ندییه‌کی نزیک و ته‌واویان له‌که‌ل ئاسایشی نیشتمانیاندا هه‌یه و دووباره‌بوونه‌ی پێشپێلکردنی رێسا په‌یوه‌ندی‌داره‌کان بووته هۆی تێکدانی ئه‌م ئاسایشه له شاره‌ جیاجیاکان، له‌وانه ئه‌سه‌فه‌هان و خوزستان. به‌لام سه‌بارته‌ به‌وانه‌ی سه‌ره‌وه، وێرێ پرسیارکردن له ریکخراوی پاراستنی ژینگه سه‌بارته به‌ تێبینی له‌سه‌ر ئه‌و ۴۱ پرۆژه‌یه‌ی که له پرۆژه یاسای بودجه‌دا ئاماره‌یان پێکراوه، لێپێچینه‌وه‌ی هاوپیچه‌شی تۆمه‌تی مامه‌له‌کردن دژی ئاسایشی نیشتمانی به‌ ته‌رخانه‌کردنی پاره بۆ پرۆژه نایاساییه‌کان و تێکدانی به‌کتر، له‌ناوبردنی ئاسایشی نیشتمانی و ده‌سته‌به‌سه‌ردا‌کرتنی نایاسایی له بودجه‌ی حکومت له‌ ریکه‌ی ئه‌وانه‌ی سه‌ره‌وه که له ماده‌کانی ۶۴ و ۲۶۲ ی یاسای دادوه‌ریدا به‌لگه‌یان له‌سه‌ر کراوه.

سەرۆکی ئه‌نجومه‌نی ئاسایشی نیشتمانی داوای کرد لیکۆلینه‌وه له کاریگه‌رییه‌ که‌له‌که‌بووه‌کانی پرۆژه‌کانی گواستنه‌وه‌ی ئاوی کارون له‌سه‌ر خوزستان بکێت

دوابه‌دوای بلاویونه‌وه‌ی نامه‌ی جه‌لیل موختار، په‌رله‌مانتاری ئابادان بۆ سەرۆکی ئه‌نجومه‌نی ئاسایش و ره‌خنه‌گرتن له درێژه‌ی کاره هه‌له‌کانی حکومت‌ه‌کانی پێشوو سه‌بارته به گواستنه‌وه‌ی ئاوی روبروایه‌کانی خوزستان له حکومتی نوێدا، ئه‌حمده وه‌جیدی کۆپیه‌کی بۆ به‌ریاری وه‌زیری ئاسایش و ته‌ندازیاری شارستانی ئێزدراوه بۆ لیکۆلینه‌وه له کاریگه‌رییه که‌له‌که‌بووه‌کانی پرۆژه‌کانی گواستنه‌وه‌ی ئاوی کارون له‌سه‌ر خوزستان بکهن. ئه‌گه‌ر ئه‌م فهرمانه جێبه‌جێ بکێت، ئه‌وه‌یه که‌مه‌جار ده‌بێت که لیکۆلینه‌وه له کاریگه‌رییه که‌له‌که‌بووه‌کانی پرۆژه‌کانی گواستنه‌وه‌ی ئاوی کارون له کارنامه‌ی حکومت‌ه‌دا بێت، نوێنه‌ری ئابادان له نامه‌که‌یدا بۆ سەرۆکی ئه‌نجومه‌نی ئاسایشی نیشتمانی ره‌خنه‌ی له کرده‌وه‌ی ناگشتی و نایاسایی پارێزگار و به‌رپرسانی ئاسایشی پارێزگا‌کانی ئیسفه‌هان و چاره‌مه‌حال و به‌ختیاری گرت له رازیبوون به‌ جێبه‌جێکردنی پرۆژه‌کانی گواستنه‌وه‌ی ئاوی کارون له پشت ده‌رگای داخراوه‌وه و به‌بۆ ئاگاه‌کردنه‌وه‌ی خوزستان وه‌ جه‌ختی له‌وه‌ کردوه که خوزستان توانای گواستنه‌وه‌ی ئاوی نییه. شایانی باسه به‌پێی نامه‌نووسی جه‌لیل موختار و ئه‌و به‌لگه‌نامه‌ی که پێشکه‌شی کردوون، کارگای توێلی به‌هه‌شت ئاباد له چه‌رمه‌هین دوا ریکه‌وتنیکی نه‌هێنی نیوان به‌رپرسانی پارێزگا‌کانی ئیسفه‌هان و چاهه‌رمه‌حال به‌ختیاری له ئه‌نجومه‌نی ئاسایش ته‌یار کراوه. ریکه‌وتنیکی که له‌لایهن ریکخراوی ژینگه‌وه به‌ نایاسایی ناسێنراوه. تا ئێستا به‌رپرسانی ئیسفه‌هان و چه‌رمه‌حال به‌ختیاری هیچ لێدواتیکیان له‌سه‌ر ناوه‌رۆکی نامه‌که نه‌داوه.



رافعی: نهر کی نیمه پیشگرتنه له مه ترسی بایولژی که نداوی فارس

سەرۆکی فراکسیونی ژینگه پاریزی مه جلیسی یازدهمین له رۆژی بهرپو هچونی که نداوی فارس وتی: نهر کی نیمه پیکریکردنه له مه ترسی بایولژی که نداوی فارس. مه ترسییه که له سالانی رابردودا به بوونی کهشتیه ترۆله کان کهشتیه وهته لوتکه. سومهیه رافیعی له په یجی فهرمی خۆی له توتیه نووسیهیه تی: ”رۆژیک نه گهر نهر کی باوکانمان ده کردنی بیانییه کان له که نداوی فارس بو، نه مرۆ نهر کی نیمه پیشگرتنه له مه ترسی بایولژی که نداوی فارس؛ مه ترسییه که له سالانی رابردودا به بوونی ترۆله کان کهشتیه وهته لوتکه. ”دهربا به خشندهیه تا نهو کاتهی که مرۆف به پپی یاسا هه لسووه کوهت بکات. ”شایانی باسه جۆره ناژده به نهرخه کانی وه که نه ههنگ و کیسه له ده رباییه کان و ماسی جۆراوجۆری ماسیگرتن و هتد به هوی نه بوونی کۆنترۆلی پیسبوون و کۆنترۆله کردنی جۆره داگیرکه رکان و راوکردنی بئ سنوور له ژیر مه ترسییه کی گهردهان.

ره خنه ی بهر فراوان له چالاکانی ژینگه پاریزی به هوی

وشککردنی هوری گهره له لایه ن کۆمپانیای نهوته وه دوابه دوا ی سه ره لدا نه وه ی دیاردی خۆلبارین، چالاکانی ژینگه پاریزی خوزستان نارهبه زیه تیه کی بهر فراوانیان له دژی درێژکردنه وه ی سیاسه تی وشککردنه وه ی هوری گهره به مه بهستی ده رهینانی نهوت نه جامدا. ”نیمه چالاکانی ژینگه ی ولات به بیانوی ده رهینانی نهوت، داوا ی کۆتاییهینان به وشکبوونه وه ی تالای هوری گهره ده کهین. ” پیسبوونی ویرانکاری بهر فراوانی کۆمپانیای نهوت وایکردوه که بهر ده وای ژیان بۆ هه مووان قورس بیت. نهوته که ده بیت نه دای کۆمپانیایه باشتی بکرت بۆ نه وه ی ولاته که سه قامگیر بیت.

رێککهوتنی پاشینی نهوت له نیوان ئیران و عێراق تیکچوه

نوینه ی خه لکی ته بریز له مه جلیسی شۆرای ئیسلامی رایگه یاند: پیده چیت جبه جیکردنی نه م رێککهوتنه له نیوان ئیران و عێراق کیشه ی هه بیت و له پیناو بهر ههنگاربوونه وه ی دیاردی خۆل و خۆل کرد وه ی پیوست نه گیرته بهر، که پیوسته له باره یه وه روون بکرتیه وه نه م تیکدانه. نه دمه که ی کۆمسیۆنی ناو خۆ له درێژده ا وتی: له لایه کی دیکه وه دروستکردنی به نداوه کان له تورکیا به دلناییه وه کاریگهری هه بووه له چرکدرنه وه ی دیاردی خۆلبارین و بۆته هوی که مه کردنه وه ی پشکی ناو له که رته جیاوازه کاند. نه م پرسه پیوسته له رێگه ی یاسا و دیپلوماسی نپوده وه لته تیه وه به دوا داوچوونی بۆ بکرتیت. له کۆتاییدا عه لیرزا به یگی جه ختی کرد وه: پرسیتیکی دیکه که پیوسته له بهر ههنگاربوونه وه ی دیاردی تۆزی ورددا له بهرچاو بگیریت، پرسی ناوی سنوورده کانه. به داخه وه که لک وه رگرتن له سه ره چاوه کانی ناوی سنوورمان سنوورداره و ناچارین له بواری ناوی سنوورده کاند مافه کانی خۆمان به کاربه ینین. له سالانی رابردودا هه م له بودجه دا بریتیکی باشی بۆ به کارهینانی ناوی سنوورده کان ته رخان کرد و هه م رێبه ری بالا سه ره چاوه ی له سنووقی که شه پیدان بۆ کۆنترۆلکردنی ناوه سنووریه کان بۆ حکومه ت دا بین کرد. ئیستا ده بیت راپۆرت بکرتیت که جه ند له م قه رزه بۆ نه م مه بهسته به کارهاتوه. شایانی باسه له چالاکیه کی دیکه دا ۳۹ نه دما ی بهر له مان، له هۆشدار ی نووسراوی خۆیاند بۆ بهر پرسانی جبه جیکاری نهو ولاته، داوا ی پیکهینانی گردبوونه وه یه کی (کۆنسرسیۆمی) هاوکاری نیوان ولاتانی دراوستیان کرد که به هوی دروستکردنی به نداو له تورکیا زیانیان بهر که توه .

رێکخراوه نیوده وه لته تیه کان پشتگیری له ۱۷ ی نیسان وه ک ”رۆژی چوارمه حال و به ختیار ی” و ”رۆژی جیهانی دژی گواستنه وه ی ناو” ده که ن.

هاوکات له گه ل ناوانی ۱۸ نیسان به ”رۆژی چوارمه حال و به ختیار ی” و ”رۆژی جیهانی دژی گواستنه وه ی ناو”، رێکخراوه ژینگه پاریزه کان له سه رانه به ری جیهان به یاننامه یه کیان بلاوکرده وه و بیرووبایی له چالاکانی ژینگه ده که ن له ۲۸ ی نیسانی ئیران، بزووتنه وه ی زرگارکردنی دیجیله، له یادی ۱۷ ی نیسان، ”رۆژی کردار بۆ بهر ههنگاربوونه وه ی گواستنه وه ی ناو” هاوسۆزی خۆی له گه ل چالاکانی تورکیا، سووریا، عێراق و ولاتانی دیکه ی نه دما را ده که یه بیت. هه ره وه پیمان وایه که رووباره کان ده ب له چوارچیه ی سروشتی خۆیاند برژین بۆ نه وه ی ژیا نی هه موو پیکهاته مرۆیه کان و ئیکۆسیسته مه سروشتییه کان بپاریزن که له میژوودا سوودیان لێ وه رگرتوه، گواستنه وه ی ناو و دروستکردنی به نداوه کان، هه ره وه ناوانی ۱۷ ی نیسان به رۆژی ”چوارمه حال و به ختیار ی” ئاماژه ی پیکراوه: هیوادارین به دوا داچرو نه کانتان و هاوکاری نپوده وه لته تیه کان بیته هوی مسۆگه رکردنی زیندوویی ناوچه به نهرخه ناویه کانی ولاته که تان. جیی ئاماژه یه به نوێگه ری چالاکانی ژینگه یی رۆژی ۲۸ ی خا که لپوه وه ک رۆژی چوارمه حال و به ختیار ی و رۆژی جیهانی دژی گواستنه وه ی ناو ناو ده کرا. له ۱۷ ی پووشپه ری ۱۳۹۵ ی هه تاوی، نزیکه ی ۳۰ هه زار که س له م ناوچه یه و سه ره چاوه ی زاینده روو و کارون له شاری چوارمه حال و پارێزگای به ختیار ی له پاراستنی زاینده روو و کارون و نارهبه زیه تی ده برین بهر ام بهر به توتیله کانی کۆله ب و به مه شت نا باد، که بووه هوی ویرانبوونی زاینده روو و کارون و ژینگه ی بهر فراوان پارێزگاکه و پارێزگاکانی خواره وه رێپێوانیان کرد و دژی گواستنه وه ی ناو هاواریان ده بری. شایانی باسه سه ره رای هه مه ههنگی پیشو بۆ نه جامدانی پێشانگای وینه یی خه باتی ژینگه یی خه لکی پارێزگای چوارمه حال و به ختیار ی له گه ل بهرپو بهر ایه تی گشتی ئیرشادی پارێزگای چوارمه حال و به ختیار ی، رێگه ی له بهرپو هچونی نه م پێشانگایه کرا.

هه لکه نندن و کر دنه وهی پرۆژهی هه لسه نگانندی ژینگهیی بئ مۆلەت قه ده غه یه

سه رهۆکی ریکخراوی ژینگه داوای له پارێز کاران کرد له گه شته کانی پارێز کاراندا ریکری له هه لکه نندن و کر دنه وهی پرۆژه کانی هه لسه نگانندی ژینگهیی بئ مۆلەت بکرن. به پیتی راپۆرتی ئاژانسسی ههوالی فارس، عهلی سه لاجقه، بهرپرسی ریکخراوی ژینگه له نامهیه کدا داوای له قایمقامه کان کردوه، به له بهر چا و گرتنی فهرمانه کانی رێبهری مه زنی شوێشی ئیسلامی، که وتیان: پرسی ژینگه یان پاراستنی سامانه سروشتیه کان شتیکی درجه دوو نییه؛ ئەمه پرسیکی گرنگه. له هه وه لکه ناماندا بۆ گه شه پێدانی ولات، پیتویسته سه رتری له م بواره بدریت، هه ره ها وێرایی جه ختکر دنه وه له سه رهۆ کایه تی که راپانگه یاند؛ گه شه پێدانی که رتی لا وه کی له سه رهۆ کایه یه و پیتویسته ریکری له کاریگه ری و لیکه وته کانی ژینگه بکریت له چالاکي پرۆژه گه ره کانی گه شه پێدان و نابووری گه ره ی ولات به یه و درگرتنی مۆلەتی ژینگه یی.

ناماژه ی به وه شکر د: ”له سالانی رابردوودا، به گوشاره نااساییه کان، نه ک نه بووه هۆی به رتوبه ر دنی زه وی و گه شه پێدانی به ره دوام، به لکو به هۆی پیسبوون و وێرانکاری چاره سه ر نه کراوه، به وو به دیار ده یه کی دژه گه شه پێدان و کاریگه ری زیانه خشی بۆ سه ره له قهیرانه کانی ژینگه و نا په زایی گشتی وروژاندوه.

سه لاجقه ناماژه ی به جیه جیکردنی پرۆژه کانی ریکای نازاد، ریکابان و هیلێ ناسن، به نداو، وێستگه ی کاره با، پالا وگه و پترۆ کیمیایی، گواسته وه ی ناو له نێوان هه وه زه کان و هتد کرد و وتی: به داخه وه له م سالانه ی داویدا له ژیر ناو نیشانی پرۆژه کانی پێشکه وتنی فیزیایی، به لام به یه مۆلەتی ژینگه یی هه میشه ته حده ی گه ره به وو له نێوان ده سه لاتی جیه جیکردن و ده زگا کانی ریکخستن و داوه ری له گه ل نه م ریکخراوه دا بۆ پابه ندنه بوون به یاسا و ریتسا و ریتسا کان که ناتوانریت چاره سه ره بکرین و هک ریکخراوی به رنامه و بودجه ده توان پارهیان بۆ دا بین ده کریت و زۆر به یان له م پرۆژه به هه مان مۆلەت له لایه ن بهرپرسیانی بالای ولات و به نامۆژکاری نوێ نه رانی گه ل له مه جلیسی شوژای ئیسلامی به تاییه تی له باز نه ی هه لپژاردن و قایمقامه کان به هه مان ریکاری نادروست ده کریته وه بۆ چاره سه رکردنی ناها وه سنگیه کان، له وانه دارستانه یین و رووه ک، پابه ندنه بوون به سنووری چه نده یه تی و چۆنایه تی سه رچا وه کانی ناوی سه ره زه ی، دا بینته کردنی پیتویستی ناوی پرۆژه کان، ده ستیوه ردان له ناچه کان ژینگه ی چاره به شمی ژینگه، بوون له ناچه شاریه کان یان ده ستیوه ردان له تیژ وه ی قه ده غه کراوی دروستکردنی پیشه سازی له ناچه گه ره کان و نزیکی له شار و گونده کان و نا رازیبوونی کۆمه لایه تی، له وانه ش جیه جیکه کردنی نه رکه کانی جیه جیکارن به رامبه ره به ده زگا و خه لکی تر، که له کۆتاییدا ده بیته هۆی دا وه وتن له پرۆژه کان یان ده سه لاتی دا وه ری له کاتی دروستکردنی پرۆژه کدا روو ده دات، که به شتیکی له ده سه لاتی دا وه دریدا وه ک پیتیشلکردنی نامیری جیه جیکردن لیتچینه وه ی له گه ل ده کریت.

له کۆتایی نو سه را وه که دا سه رهۆکی ده زگای پاراستنی ژینگه ناماژه ی به وه کردوه، بۆ نه وه ی له داها تودا کیشه دروست نه بیته و زنجیره ده ستپیکردنی پرۆژه که به ردریت به یه م مۆلەتی یاسایی، له نێوانیدا مۆلەتی ده زگای ژینگه پاریزی وه ک مۆلەتی هه لسه نگانندی ژینگه، پرۆژه کان چا کسازیبان له سه ره ده کریت و ده کریته وه پارێزگا کان روو ده دن، به توندی دوور ده خرنه وه.

شایانی با سه نه م ریکخراوه و یه که کانی سه ره به پارێزگا کان نه وه یه ری هاو کاریان ده بیته بۆ ناسانکاری و خیرا کردنی پیدانی مۆلەت وه ک جارن و له ما وه یه کی کورتتر دا له و کاته ی یاسا دیاری کردوه.

نوسراوی هاو به شی نوێ نه رانی خوزستان و چاره مه حال و به ختیری بۆ ریکری کردن له گواسته وه ی ناوی کارون

نوێ نه رانی پارێزگا کانی چاره مه حال و به ختیری و خوزستان نامه یه کی هاو به شیان بۆ سه رهۆک کۆمار نووسی و نا په زایه تیبیان ده رپری به رامبه ره به یاسه ته کانی وه زار ته ی وزه به رانه به ره رووباره کانی کارون، که ر خه و دیز. له ده قی نه م نامه کرنگه دا ده خرنه یه وه: ”به رتزه وه وه بیڕ دینیتیه وه، سه ره رای چه ندین جار هۆشدار ی ئاراسته ی وه زیری وزه؛ بۆ به ر کریکردن له ژینگه و پاراستن و پاراستنی رووباره کانی ولات و ناچه ناویه کانی دیکه، ئیتمه شاهیدی نه وه یین نه ک هه ره وه زار ته ی وزه کرنگی به نه رکه یاساییه کانی نادات، به لام به تاییه تی سیاسه تی ژینگه یی رێبه ری بالای پشتگۆی خستوه، وه ک جیه جیکردنی سه ده ان پرۆژه ی بیناسازی به یه م مۆلەتی یاسایی له رووباره کانی کارون و که ر خه و ... و له ناو به ر دنی ئیکۆسیسته می پارێزگا کانی خوزستان و چاره مه حال و به ختیری له ریکه ی ناکاری پێکهاته یی و به رتوبه رایه تی و جیه جیکردنی پرۆژه کانی گواسته وه ی ناوه وه بووه. ”له درتیه ی نو سه را وه که دا ها توه: ”به داخه وه له م پرۆژه نا راپۆرت ده ده یین که تونیلی گولا و به یه ر چا و کردنی نه م نه رکانه ی له ریکه وتنی ژینگه یی نه م پرۆژه یه دا ها توه. پرۆژه ی گولا و به ر هه تیککی نایاساییدا ریتشه وه که قوولایی پیتیشلکاریه کان و لۆبیکردن بۆ به ده سه تیه نانی نه م مۆلەتانه در ده خات. پرسیکی دیکه نه وه یه که نه کهر پرۆژه ی گولا و پرۆژه یه کی به رگری پاسیف بیت، ته رخانکردنی ناو بۆ نه م پرۆژه یه له سه ره رووباری قوولی زه یانده مانای چیه؟ ”نا یا بۆ زاینده روود شتیکی نو ئی نییه؟ تکایه به روونی روونی بکه نه وه بۆچی پرۆژه که دروستکراوه. ”و چۆنیتی پیتیشلکردنی مۆلەته کان. ”نه م نوێ نه رانه جه ختیا ن له وه کرد وه: ”به داخه وه وه زار ته ی وزه نامه و نامه کانی بۆ پیروزی به جیه جیکه شتوه سه به رته به پیتویستی که مکر دنه وه ته رخانکردنی پرۆژه کانی گواسته وه ی ناوی کوهرانگ یه ک و دوو و هتد به پیتی به یه ری ته رخانکردن، بۆیه پیتویسته جیه جیتی بکریت. ”دووباره به کرد وه. ”تکایه داوا بکه. له کۆتاییدا نوێ نه رانی هه ردو پارێزگا جه ختیا ن له نایاسایی بوونی گواسته وه ی ناوی پرۆژه ی کوهره نگ ۳ کرد وه: ”به داخه وه له روانگی نویدا، وه زیری وزه ی نه م وه زار ته ره تیده کاته وه ته نانه ت هاو کاری ده سه لاتی دا وه ری بکات، بۆیه داوا ده که یین به دا واد اچوون بکه ن و رابیکه یه ن وه زار ته ی وزه چیه به هۆی چ پشتیوانیه ی که له پیتشه ککردنی نه م زانیار یانه ی که ده سه لاتی دا وه ری داوا ده کات، وه ک لقی ۳ لی کۆلینه وه ی شاری کورد له به یه ر دنی به به نداوی کوهرانگ ۳ خۆی بوارد وه. که وایه به پیتویستی دزانی بکه کانی دا واکراوی لقی سیی به دا واد اچوونی شاری کورد به شیوا نزیکی روون بختا به ره ده ست ده سه لاتی دا و نوێ نه رانه وه.



اخبار محیط‌زیستی ایران به زبان ترکی آذربایجانی ایران چئوره خبرلری

چهار محال و بختیاری استانیندا سبز کوه-ون سویونون چوره اجازه‌سی اولمادان انتقالینا اعتراض اندنلره محکمه رای و آغیر حکم‌لر صادر اولدو

بروجن شهرستانی نین جزا محکمه‌سی نین ۱۰۱ شعبه‌سی، قاضی محسن جلیلی پیرانی نین باشقانیلیندا، سبز کوه سویونون نقل ائتمه پروژه‌سینه قارشلی گن ۳۷ معترضین حکم‌لرینی صادر ائیلدی. بو محکمه رایینده سوچلار جماعتی تحریک اندپ قورشلایاراق عمومی نظم و آرامشی پوزماقدا یاردمچی اولماق سوچوندا، عمومی نظم و آرامشی پوزماقدا، دولتی و عمومی اموالی خرابلاماقتا اشتراک ائتمک سوچلاریندا قلمچیلتما و نقصدی جزا اؤده‌مگه محکوم اولدولار. سبز کوه تونلی کارون-ون باش قولوندا دیر و متهملر تونل تیکدیرمگین سبز کوه طرفیندن چوره مجوزی اولماسینا اعتراضچی ایدیلر. بودوسیاین شاکیسی خاتم‌الانیا قرارگاهی و چهارمحال

بختیاری نین بؤلگه‌لیک سو تشکیلاتیدیر. اعتراض ائیله‌یلر ۱۳۹۴. ایلده، سبز کوه بؤلگه‌سینه سو نقلی ندنی ایله قوروموش اولان آلوغره چشمه‌سی باشیندا چپ چالقی آلتی ایله بختیاری لری سیمبولیک یاس تۇرنلرینده (بو تۇرن بختیارلیره اؤزل یاس مراسمی‌دیر) اشتراک ائتمیش‌دیلر. بو مراسم باشا چاتاندان سونرا سبز کوه تونلی نین کار گاهینا مجهول شخصلر طرفیندن هجوم اندلمیش‌دی. سوچلور بو ایشده اشتراک ائتدیکلرینی داندیلار.

کوهرنگ'ین اوچونجو تونلیندن کارون قوللاری نین سو نمپالاما عملیاتی نین باشلا دیلماسی

اصفهان اُستانی نین بؤلگه‌لیک سو تشکیلاتی نین عمومی ایلیشکیلری نین اعلاتینا گؤره ۵ فروردیندن اعتباراً «زاینده رود» چایی نین هماهنگی شوراسی نین مصوبه‌سی اساسیندا، خوزستان و چهارمحال و بختیاری استانلاریندا سابسز چوره، سوسپال و گوئلیک چتینلیکلره قارشلی قارشیا دوران بو پروژه قرار دیر ثانیهده ۴/۵ متر مکعب پمپاژ ائیلره رک زاینده رود چایینا سو داشیسین. حالبوکی چایین آشاغی آخینی نین یاشایانلاری ایچون لازم اولان سو مقدار و پمپاژ سوره‌سی معین اولماییدیر. قئید اولونمایدیر کوهرنگ ۳ پروژه‌سینده کارون سو توپلاما آلانیندا سو یون جهتی بیر گان-دا یئرلشن کوهرنگ چایی نین اوزریندن زاینده رود چایینا ساری طراحلیق اولونوپدور. «وحدت سبز فرخشهر» چوره درنگی محکمه تشکیلاتینا بیر مکتوب یازدی: «کوهرنگ ۳ پروژه‌سی نین چوره مجوزی یوخدور، فرهنگ میراث، طبیعی قاینقلار، جهاد کشاورزی، ایلات ایشلری مجوزلری و سایر قانونی مجوزلری ده یوخدور. ان تاسف ائتمه‌لیسی ده بو که کوهرنگ ۳ اوچونجو تونلی اوزرینده هیچ بیر چوره دگرلندیمه چالیشمالاری آپار یلمامیش و ساده‌جه دگرلندیرمه راپورونون جلد اوزرینده اوچونجو تونله اشاره اولونموشدور. بو معنادا که حال حاضر دا قوللار نین عملیاتیندا اولان پروژه هیچ بیر چوره مجوزینه صاحب دگیلدیر.

پمپاژ عملیاتینی پلانلایر کن دفته آلینمایان بیر موضوع ایسه بودور که کوهرنگ ۳ پروژه‌سی نین چوره دگرلندیرمه‌سینده بئیله گلیپ که کوهرنگ ۳ سدی نین آشاغاسیندا هیچ شهر و کند یوخدور. حالبوکی سدن آشاغاسیندا چوخ ساییدا شهر و کند واردیر که سو یون دورنسیز نمپالانماسی چایین قوروماسینا سبب اولار و آشاغیدا اولان کند و شهرلره خسار تدر وورار. بو موضوع گنجمیش ایللرده ده اولموشدور بئیله که ۹۶. ایلین اریبهشت آییندا گنجمیش جمهور باشقانی نین اصفهان گلمه‌سی ایله عینی زماندا کوهرنگ چاییندن زاینده رود چایینا سو نمپالانماسی کوهرنگ چایی نین کامل قوروماسینا سبب اولموشدو. تکنیکی مطالعه‌لرین اولماسی سدن آشاغاسیندا کی یئرلی توپلوملارین حق‌لرینی پوزماقدا علاوه، قیصری قوروما بؤلگه‌نین اولدوغونا گؤره اولار جابتیگی و حیوان نولاری نین یاشاییشینی تهدید اندیر.

بو چوره درنگی محکمه‌یه وئردیگی شکایتی نین متنینده یازمیش: «بو گونه کیمی سایمازلیقدان گلن و تاسف ائتمه‌لی نکتہ بوردادیر که چایین چوره احتیاجی ایلده ۴۶ میلیون متر مکعبدیر که نمپالاما عملیاتی ایله هیچ بیر شکیلده الده اندیلیمز.

۱۴۰۰ / ۴ / ۳۰ تاریخینده دی رسمی محکمه‌سی نین اوزمانی نین گؤروشمه‌سینده کوهرنگ چایی ثانیهده ۲،۴۸ متر مکعب اولچولوپ که ۴/۵ متر مکعب تعریف اولونموش اونیالان اولچو ایل چایین قوروماسیندا باشقا معناسی یوخدور. دئمه‌لی ییک که کوهرنگ چاییندا آخان سو اصلینده کیچیک بیر سو حقیدیر که کوهرنگین بیرینجی و اکینجی تونلیندن اؤتورولمه‌میشدیر و هیچ بیر شکیلده اوندان گؤتورمگه اجازه یوخدور.»

«پوش یونتوسو و نشانی» نین طراحلیغی چاغیر یسی یایمیلاندی

ایلناین راپورونا گؤره بو کمپین دیر خانه‌سی بیلدیردی: کمپین بؤیله قرارا گلیپ، ایران اسلام جمهور یسی نین آنیاساسی نین الینجی اصلینه دقت ائدهر ک و کلان چوره سیاستر دوغرولتوسوندا، سیویل توپلوم اؤز گوتلری نین، چوره شخصیتلری نین، و بیر عده رسمی مقاملارین ایشیرلیگی و اور تاقلیغی ایل چوره‌نین تخریبی ایله سونوجلانان غیر قانونی و اصولسوز جا پروژه‌لرین اجرا یا گنجمه‌سینده تاثیرلی اولان عامللر و مجموعه‌لری تانییدیر سین و اولار «پوش نشانی» وئرسین. «پوش» ایران میفلرینده «قوراللیق دیوی» دیر که ایران خلقی آراسیندا چوخ اسکیلردن باغیش تاریسی اولان «تیشیر» ایل دشمنلیک ائتمگه معروفدور. ایران کیمی هر دائم سوسوزلوق و سو قاینقلاری نین تخریبی ایل قارشلی قارشیا دوران بیر اؤلکدهده بو دیوین مهم سیمبولیک یتری واردیر. «پوش نشانی» اعطا ائتمک، جزاسیزلیق فرهنگینه قارشلی سیمبولیک بیر ایلمدیر ایریجا طبیعتی و الله وئرگیسی اولان و بوتون نسلره عاید اولان دگرلی قاینقلاری قیسمدتلی و قالارغی اولمایان اقتصادی منفعتلره فدا ائدن شخصیتلری یا اؤز گوتلری تانییدیر ماق ایچون بیر اددیمدیر.

بلکه بو یول ایل بو شخصیتلر یا اؤز گوتلر داورانیشلارینی یئنیند گؤزدن گنجیر سینلر یا دا بیزیم سیمبولیک باغیر تیمیز گر کلی اولان قانونی ایشلملر ایله سونوجلانسین. اثرلرین گؤندر یلمه مهلتی ۱۱ اریبهشت-۲۷ خرداد ۱۴۰۱ اعلام اولونوپ. بو فستیوالین ژوریلری یونتو بؤلومونده: خانیملار و آق‌لار ندا مذهب جعفری، حمید شانس، مهدی رنگچی، حمیدرضا صادق زاده، بیژن غنچی پور، حسین داوری نژاد و عباس افتخاری-دیرلر. نشان بؤلومونده ایسه خانیملار و آق‌لار: ندا مذهب جعفری، محمد کاظم فلسفی، شهاب الدین نژاد تهرانی، فرزاد ادیبی و مهدی احمدی-دیرلر. بو فستیوالین هنری دیر لیغینی خایم بیتا حسنی اوسته‌لنیدیر.

برنامه و بودجه تشکیلاتی نین باشقانیندان شکایت دوسیاسی تهرانی دولت ایشچیلری نین شعبه ۱۰۵۹ ایکینجی جزا محکمه سینه گؤندر یلدی

چوره مجوزی اولمایان پروژه لر ۱۴۰۱ بودجه سینده یئر آلدیقان سونرا، خوزستانین چوره حقلری و طبیعی قاینقلار ساوونانلاری برنامه و بودجه تشکیلاتی نین باشقانیلیندن شکایت ائتدیلر. بو شکایت تهرانی نین ناحیه ۲۸ عمومی و انقلاب محکمه سی نین اوچونجو شعبه سینده (دولت مامورلاری سوچلاری) رد اولاندان سونرا بو چوره درنگی طرفی نین اعتراضی ایله قارشیلانلادی و شکایت دوسیاسی تهرانی دولت ایشچیلری نین شعبه ۱۰۵۹ ایکینجی جزا محکمه سینه گؤندر یلدی. خوزستانین چوره حقلری و طبیعی قاینقلار ساوونانلاری درنگی نین اعتراضی نین کامل متنی بؤیله دیر: "بیلدیگینیز کی می محترم دولت ۲۱ آذر ۱۴۰۰-۱۴۰۱ ایلی نین بودجه لایحه سینین اسلامی شورا مجلسینه تقدیم ائیلهدی. بودجه لایحه سینین اینجه لر کن بللی اولدو ۱۴۰۱ ایلی نین بودجه ردیف لرینده چوره دگرلندیرمگه شامل اولان ۴۱۱ پروژه نین قانونی مجوزی یوخدور. بؤیوک رهبرلیق مقامی نین ۱۳۹۴/۸/۲۶-ده ابلاغ اولونموش چوره قونوسوندا عمومی سیاستلری نین اچیق متنی اساسیندا، و اوچونجو گلیشیم برنامه سی قانوننون ۱۰۵. ماده سی، دؤردونجو گلیشیم برنامه سی نین ۷۱. ماده سی، بشینجی گلیشیم برنامه سی نین ۱۹۲. ماده سی نین الف بندی، آلتینجی گلیشیم برنامه سی نین ۲. ماده سی و ۳۸. ماده سی نین الف بندی، آریجا ۱۳۹۰/۸/۲۹ تاریخینده تصویب اولان بؤیوک تولید، خدمات و عمران پروژه لر و طرحلری نین چوره اثراتی نین دگرلندیرمه سی قورال قانده لر اساسیندا اجرایی تشکیلاتلار موظفلرلر اجرا ای گنجمه دن اؤنجه آراشدیرما، مکان دگرلندیرمه و یئر تاپما مر حله سینده مجوز آماغا مراجعه ائتسیلر.

حالبوکی، حرمتلی دولت، گنجمیشده کی دولتلرین غیر قانونی سورجی نین دوامیندا و ۱۳۹۳ ایلینده قبول ائدیلن ماده ۲۳-ون دولتین مالی مقرراتی نین بیر قیسیمی نین تنظیمینه بعضی مادلرین آرتیرماسینا آغیری اولاراق بودجه ردیف لرینده یاتیریملیق مال وارلیقلاری نین تملک طر حینی اؤتیریدیر و چوره مجوزی و قانونی مجوزلری اولمایان پروژه ردیف لری نین ۱۴۰۱ بودجه سینده حذف اولماسیندا چکینیر. حالبوکی گنجمیش دولتلر موظف ایدیلر ۳. ماده نین ۳. تبصره سی اساسیندا قانونون تنظیملمه حصه سینده بعضی مادلرین علاوه ائدیلمه سی حقیقده قانونون ۲۲. ماده سینده اوقون اولاراق عینی وقتده اؤگر نیلمه سی و حیانا گنجیر یلمه سی کاراکتر داشیشان تکلیفلری ممنوع ائدن لایحه لر تصویب ائتمکدن ساقینایدی گرک. یا دا ان آزی ۱۴۰۱-ین بودجه سینده گنجمیش دولتلرین یانلیش گنجیشاتی نین اصلاح اولونماسی گؤزله نیلیردی. بودجه ردیفینده عینی زماندا آراشدیرما و اجرا ایشی آلان پروژه لر دن بو عنوانلاری سیرالاماق اولار: طالقان سدنیدن البرز و تهران استانلارینا ایجه ملی سو نقلی، کرمان استانی نین قوزای شهرلرینه سو نقلی، خزر سوبونون مرکز فلاتا نقلی، مرکزی فلاتا سو نقلی، ماربر سدی، بلبر سدی، برنامه و بودجه تشکیلاتی نین الحاقین ۲. ماده سینده-که پروژه لرین یاتیریملیق مال وارلیقلارینی تملک ائتمک طر حینی آنا یاسا چر چیوه سینده صرفا گله جک پرسپکتیو سندی، چوره، مالی و سوسیال و... آراشدیرمالاری اولان ۱۵ ایلیک گلیشیم قانونلارینی ممکن قیلیمیش- آغیری اولاراق ۴۱۱ پروژه ۱۴۰۱ بودجه سینده یئرلشدیرمیش که چوره باشقانی نین مجلس رییسینه یازدیغی ۱۴۰۰/۱۰/۷ تاریخده ۳۴۱۳۹/۱۰۰/۱۴۰۰ نمره لی مکتابه اساسیندا چوره مجوزی و سایر قانونی مجوزی یوخدور. برنامه و بودجه تشکیلاتی نین ماماشاتی بؤیله اولموش که قانونی مجوزی اولمایان پروژه لرین بودجه ردیفینده حذفی ایچون هیچ بیر اراده اولمامیش و بللیدیر که اعتباراتدان یارارلانماق مربوط اولان قورالارین رعایتی ایله اولمالیدیر. مهم نکته بوردادیر کی، برنامه و بودجه تشکیلاتی قانونا دقت ائتمه دن قانونی مجوزی اولمایان پروژه لره بودجه اختصاص وئریر که بونلاردان بیر پاراسیندا فیزیکی ایملرله ده وار و لیسته سی آبادان جماعتی نین نماینده سی ایله برنامه و بودجه تشکیلاتی باشقانی نین مکتوبلاشماسیندا وار و دوسیادا موجوددور. بو دورومدا ایسه برنامه و بودجه تشکیلاتی ایلیک بودجه ده بوردیفری حذف ائتمه ییب حتی طر حلی دستکلمه بهانه سی ایله ۱۴۰۱ ایلی نین ایلیک بودجه سینده ده تکرارلاییدیر.

حالبوکی طر حلرین ایلیک بودجه ده دستکلمه سی نین و تملک دارایی طر حلرینده یئر آلماسی نین شرطی قانونی مجوز آماغا دیر نه اینکی پروژه نین صرف بودجه ردیفینده اولماسی. خوزستانین چوره و طبیعی قاینقلار حقلرینی ساوونانلار درنگ اؤز اعتراض لایحه سینده برنامه بودجه تشکیلاتی نین واسطه سیله ایشلن سوچلاری سیرالاییر: مسلم اولان بودور که برنامه و بودجه تشکیلاتی و جناب مسعود میر کاظمی شخصلری اؤنجه یازدیغیمیز قورالاری آفاق آلتینا قوباراق و اسلامی مجازاتین ۵۹۸. ماده سی نین اچیق متنینه آغیری اولاراق، ۱۴۰۱ ایلی نین بودجه لایحه سی نین سونماق آدینا دولتی و جهلری غیر قانونی صورتده تصرف ائتمگه قالدیشیپ. آیدین و آشکار دیر که چوره قورالاری و چوره دگرلندیرمه لر مربوط اولان ضوابطه اویماق ملی امنیت ایله یاخین و اکسیکسیر ارتباطی واردیر و بو قورالارین دفعه لرجه آفاق آلتیندا قوبولوپ هیچه ساییلماسی بیر چوخ شهرلرده او جمله دن اصفهان و خوزستانین بیر چوخ شهرلرینده، گونولگیگ پوزولماسینا سبب اولوپدور. بو آچیقلامالارلا یوخاریدا دییلنلر ایله ایلیگیلی، چوره تشکیلاتیندا بودجه لایحه سینده قید اولان ۴۱۱ پروژه حقیقده استعلام ائدرک، علیه نه شکایت اولان شخصین غیر قانونی پروژه لره بودجه اختصاص وئریمک و عمدی اولاراق اؤلکه امنیتینی پوزماق و دولتی بودجه ده غیر قانونی تصرف ائتمکله ملی امنیتیه قارشلی اقدام ائتمک سوچوندان، جزا محاکمه سی قانوننون ۶۴ و ۲۶ ماده لرینه استنادا، تعقیب اولونماسی ایستینلیر.

اؤلکه نین امنیت شوراسی باشقانی کارون سو نقلی پروژه لری نین خوزستان اوزرینده کی تجمعی اثرلری نین اینجه لنمه سینین ایسته دی

آبادان جماعتی نین مجلسده کی نماینده سی، جلیل مختار-ین اؤلکه امنیت شوراسی نین باشقانی یازدیغی مکتوبونون و گنجمیش دولتلرین خوزستان جایلا ریندان سو نقلی خصوصوندا یانلیش گنجیشلری نین یئنی دولته استمراریندان انتقاد ائتمه سی نین یایمیلانماسی نین آردیجا، احمد وحیدی کپیی ایچ ایشلری باخلانلیغی نین امنیت و عمران معاونتینه گؤندر یلمیش اولان بیر دستوردا کارون سو نقلی پروژه لری نین خوزستان اوزرینده کی تجمعی اثرلری نین اینجه لنمه سینین ایسته دی. اگر بو دستور گرچکلشیرسه، ایلیک دفعه اولاراق کارون سو نقلی پروژه لری نین تجمعی اثرلری نین آراشدیر یلماسی دولته گوندمه گتیر یلمیش اولاجاق.

آبادان نماینده سی اؤلکه نین امنیت شوراسی باشقانی یازدیغی مکتوبدا اصفهان و چهار محال بختیاری استانلاری نین استاندارلاری و امنیت مقاملاری نین باغلی قاپیلار آردیندا و خوزستانین مسئوللاری و نماینده لری نین بیلگیسی اولمادان کارون سو نقلی نین پروژه لری نین اجرا ای گنجمه سی آنلاشمالاری نین غیر قانونی و غیر علنی گنجیشلریندن انتقاد ائیلهدی و خوزستانین سو نقلی کاپاسیته سی اولماماسینا و ورغولادی. دئمه لیدیر که جلیل مختارین مکتوباتینا اساسلاراق و سوندوغو بلگه لره گؤره بهشت آباد تونلی نین کارگاهی نین چرمه یی-ده تجهیزی اصفهان و چهار محال بختیاری استانلاری نین مقاملاری و اؤلکه نین امنیت شوراسی ایله غیر علنی آنلاشمدان سونرا اولوپدور. بو آنلاشمانی چوره قوروما تشکیلاتی غیر قانونی اعلان ائدیپ. بو گونه کیمی اصفهان و چهار محال بختیاری استانلاری نین مقاماتی بو مکتوبون محتواسینا گؤره باخیش آچیقلاماییلار.



رفیعی: بیزیم رسالتیمیز فارس کۆر فزینی بیولوژیک تهیدیدلر دن قوروماقدیر

اون بیرینجی مجلسین چوره فراکسیونو باشقانی فارس کۆر فزینی گونونده دئدی: بیزیم رسالتیمیز فارس کۆر فزینی بیولوژیک تهیدیدلر دن قوروماقدیر؛ سون ایللرده ترالرلرین حضورو ایله ماکزیموما یئتیشن تهیدید.

سمیه رفیعی رسمی تویتتر صفحسینده یازدی: بیر گون بابالاریمیزین رسالتی اؤز گه لری فارس کۆر فزیندن قوروماق اولسایدی، بو گون رسالتیمیز فارس کۆر فزینی بیولوژیک تهیدیدلر دن قوروماقدیر. ترالرلرین حضورو ایله ماکزیموما یئتیشن بیر تهیدیدیر. دنیز سخاوتلیدیر، انسان اونونلا اصوللوجا داورانیرسا.

دئمهلیدیر بولانلیقلارین کنترل اولماسیندان دولایی و مهاجم نوعلرین کنترل اولماسی و دوزنسیز بالیقچیلیق ائتکسینده نهنگلر، کۆپک بالیقلاری، دنیز توسباغلاری، شیلات بالیقلاری و... جدی تهیدیدلر آلتیندادیرلار.

هور العظیم-ین نفت شرکتی طرفیندن قورودولماسینا چوره آکتیویستلری نین یایقین تنقیدی

یئنیدن اینجه توزلار اولگوسونون تکرارلانماسیندان سونرا خوزستان چوره آکتیویستلری یایقین بیر اعتراض ائیلیمنده نفت استحصالی هدفی ایله هورالعظیم-ین قورودولماسینا اعتراض ائتدیلر. بو سانال تارامادا گلیپ: بیز اؤلکه نین چوره آکتیویستلری هورالعظیم سولاق آلانلارینی نفت چیخارتماق ایچون قورولتماغی نین دور دورولماسینی ایستیریک. اورتاق قاینقلاردان نفت استخراج اولوناجاق ایسه گرک سو اورتامیندا و هورالعظیم سو حقی قوروناراق بو ایش گرچکلشسین. نفت شرکتی نین حدی نهایتی اولمایان تخریباتیندن قاینقلانان بولانلیق و توز تورپاقلار، حیاتی هر کس ایچون چتینلشدیریر. اؤلکه نین استقراری ایچون نفت شرکتی نین ایشلرینده رفورملار آپاریلما.

ایران ایله عراق آراسیندا مالچلما آنلاشماسیندا سابوتاژ اولدو

تبریز جماعتی نین اسلامی شورامجلسینده کی نماینده سی وورغولادی: بئله گۆرونور ایران و عراق آراسیندا کی بو آنلاشمانین اجرایی مشکله اوغرایپ و اینجه توزلار اولقوسو ایله مجادله ایچون لازم اولان ایشلر اولمورکه بو سابوتاژلار آچیقلائیپ آنلاشمالیدیر. ایچ ایشلری کمیسونونون عضوی سۆزلری نین دوامیندا دئدی: دیگر

طرفدن تورکیه ده تیکدیریلن سدلر کسینلیکله اینجه توزلار اولقوسونون شدتلمه سینده تاثیرلی اولموشدور و مختلف بۆلوکلرین سو پای نین آزالماسی ایله سونوجلانمیشدیر. بو موضوع اولوسلار آراسی حقلر و دیپلوماسی طریق ایله تعقیب ائدیلمه لی. علیرضا بیگی سۆزلری نین سونوندا وورغولادی: اینجه توزلار اولقوسو ایله مجادله ده دقت ائدیله جک باشقا بیر موضوع ایسه مرز سولاری نین بحثیدیر. تاسف ایله بیز مرزی سولاردان محدود یارالانیریق که مرز سولاری حوزه سینده گرک اؤز حقلریمیزدن استفاده ائیله یک. گئچن ایللرده ده مرز سولاریندان استفاده ائتمک ایچون یاخجی بیر رقم بودجه اختصاص وئریلدی آیرجا مرز سولارینی مهارلاماق ایچون معظم رهبرلیق مقامی دا توسعه صندوقونان بعضی قاینقلار دولتین اختیاریندا قویدولار. ایندی ایسه راپور وئریمهلیدیر که بو اعتباراتدان نه قدر بو ایش ایچون خرچلنمیشدیر. قید اولونمالیدیر که آیری بیر ائیلده ۳۹ مجلس نماینده سی اؤلکه نین اجرایی مسئوللارینا خطابا اؤز کتبی تذکرلرینده تورکیه نین سد تیکدیرمه سیندن ضررلی اولان قونشو اؤلکه لر دن اولوشان بیر کنسرسیوم قورولماسینی ایسته دیلر.

اولوسلار آراسی قورولوشلار ۲۸ فروردین گونونو «چار محال بختیاری گونو» و «دنیا سو نقلینه قارشى گونو» اولاراق دستکله دیلر

۲۸ فروردین گونونو «چار محال بختیاری گونو» و «دنیا سو نقلینه قارشى گونو» آدلانديرماق ایله عینی زماندا اولوسلار آراسی چوره قورولوشلاری دنیانین باشباشیندا بیر بیانیه صادر ائیله ییپ ۲۸ فروردین گونونو چوره آکتیویستلرینه تبریک دئدیلر. بو بیانیه ده ایران چوره آکتیویستلری ایله دایانیشما بیلدیریپ گتیرمیشلر: دجله قورتارما حرکتی ۱۷ آوریل «سو نقلینه قارشى دورما گونو» نو آناراق، تورکیه، سوریه، عراق و سایر عضو اولان اؤلکه لرین آکتیویستلری نین سیزینله یولبیر اولدوغونو اعلان ائدیر. بیز ده بونا اینانیریق کی چایلار اؤز یاتاغیندا آخمالیدیرلر که تاریخ بویونجا اونلاردان فایدالانان بوتون انسان توپلولوقلاری نین یاشاییشلاری و طبیعی یاشام یئرلری قورونوپ قالسین. بو بیانیه نین امضالایانلاری اؤز دایانیشمالارینی مهربان زاگرس اؤرگوتونون چوره آکتیویستلری ایله اعلان ائده رک سو نقلی پروژه لری و سد تیکمه لر قارشى اولمالارینی و ۲۸ فروردینی چهار محال و بختیاری گونو اولاراق اونایلا دیقلارینی بیلدیریپ خاطرلاتیمیشلار: اومود ائدیریک سیزین چابالاریز و اولوسلار آراسی ایشییرلیکلر، اؤلکه نینیزین دگرلی سو آلانلاری نین جانلیلیغینی ساغلار.

قید ائتمکه دگر چوره آکتیویستلرین ابتکاری ایله ۲۸ فروردین، چهار محال بختیاری اُستانی نین جماعتی نین سو نقلی و سد تیکمه پروژه لری نه قارشى ۳۰ مین نفرلیک اعتراضی تجمع ائتمه سی گونو، دنیا سونقلینه قارشى گونو اولاراق آدلانديریلیپ. ۲۸ فروردین ۱۳۹۳ تخمینا اوتوز مین نفر بو بۆلگه نین و چهار محال و بختیاری اُستانی نین زاینده رود چاپی ایله کارون چاپی نین قاینغیندان اولان جماعت گلاب و بهشت آباد تول لرینه اعتراض اولاراق که زاینده رود و کارون چاپلاری نین یوخ اولماسینا و استاندا و آشاغیدا اولان استانلاردا یایقین چوره تخریباتینا سبب اولوپ اعتراض یثیرییشی یولا سالدیلار و سو نقلینه قارشى اعتراض فریادلاری آتدیلار. دئمهلیدیر چهار محال بختیاری اُستانی نین خلقی نین چوره مبارزه لریندن حاضرانان رسم سرگسی استانین کل ارشاد اداره سی ایله اؤنجه دن اولان هماهنگلیقلار راغما بو سرگی نین گئچیریلمه سی نین قباغی آلتیدی.

چوره دگر لنديمه مجوزی اولمايان پروژهلرين كولونگ وورما و آچيليشی ياساقدیر

چوره تشکيلاتی نين باشقانی اُستاندانلاردان ايستهدی اؤز اُستانى سفرلرينده چوره دگرلنديرمه مجوزی اولمايان پروژهلرين آچيليشی و كولونگ وورماسی نين قاباغینی آلسينلار.

فارس خبر مرکزى نين زاپورنا گؤره چوره تشکيلاتی نين باشقانی، علی سلاجقه، بير مکتوب واسطه سيله استاندانلاردان ايستهدی معظم رهبر مقامی نين بويوروقلاری اساسيندا کی دئيميشلر: چوره مسأله سی يا طبيعى قايناقلارين قورونماسی بيزيم ايچون لوکس و ايکينجی درجه ده اولان بير مسأله دگيلدير؛ بير حياتی سوروندور. بيزيم اؤلکه ايچون چابالاريميزدا بيرينجىليک بو بؤلومده اولمايلير. آيريجا جمهور باشقانی نين تاکيدی اساسيندا که بويورموشلار؛ گليشيم چوره يه فرعدير و چوره اثرلر و نتيجه لری دگرلنديريلمه دن بؤيوک عمرانى پروژهلرين و اؤلکه نين کلان اقتصادى پروژهلرين چوره مجوزی اَلمادان قاباغی آلسين. او، بو مکتوبون آرديندا آرتيردى: گنجيمش ايللرده اجرا اولونان غير معمول باسقيلا رلا و محض بؤلوملوک باخيشلارلا، اراضی نين استفاده پلانلنديريلماسی و قاليجی گليشيمى گرچکلنمه دی و بوندان علاوه جبران اولمايان تخريبات و بولانليقلار ندنی ايله گليشيم قارشيتی اولقويا دؤنوشدو و آيريجا چوره بحرانلارینی آرتيراق توپلومدا عمومى ناراضيليقلارلا دا سبب اولدو. سلاجقه بو قونولارلا اؤرنک اولراق اوتويوللار، قارايوللار و دمير يوللاری پروژهلرين اجرا اولونماسينا، سد تیکمکلر، انرژى سانتراللاری، پالاشگاهلار و پتروشيميلر، حوضلر اراسی سو نقلينه و... اشاره اندیپ دئدی: تاسفله گنچن ايللرده فيزيکی ايلرلمه سی اولما عنوانی ايله پروژهلرين چوره مجوزی اولماسی هميشه اجرايی تشکيلاتلار و نظارتی تشکيلاتلار و محکمه و بو تشکيلاتين آراسيندا بير درين ميدان اوخوما، قانونلاری، ضوابط و قوراللاری رعايت ائتمه مکدن دولایى گوندمه گليپ کی اله آلینماغا اويقون دگيل.

انجاق بو پروژهلر برنامه و بودجه کیمی تشکيلاتلاردان اعتبار آلدیقلارينا گؤره غير قانونی مجوز آليرلار و بو پروژهلرين بير چوخو همين مجوزلرله اؤلکه نين يوکسک مقاملاری طرفيندن و جماعتين شورا مجلسينده کی نماينده لری نين مشورتی ايله، اؤز للیکله سئچکيلر و استاندانلار حوزه لرينده، همين ناصواب گنديش لرله افتتاح اولورلار و اوندان سونرا تاسفله اؤلکه نين چوره قورويوجولاری و ذيربط اورگانلارين قارشيسيندا دنگه سيزليقلاری حله سالماق ايچون بير چوخ چتینليکلر يارائير او جمله دن: اورمانلارين و بيتگی اؤرتولری نين تخريب اولماسی، سطحی سو قايناقلاری نين کمی و کیفی حريملى نين رعايت اولونماسی، پروژهلر ايچون يئترلی سو ساغلايا بيلمه مک، دؤرد چوره بؤلگه نين بير بيرينه گيرمه سی، شهرلرين حريمينده يئر آلماق و بؤيوک شهرلرده، شهرلره و کندلره باخين يا صنعت ياراتماق ايچون ممنوعه شعاعلار ايله ايچ ايچه گيرمک و اجتماعى نارضايتچيلىقلارين يارانماسی او جمله دن پروژه اجراچيلاری نين ساير اورگانلار و خلقه قارشى تعهدلرينی اجرا ائتمه مک که نهايتده پروژهلرين اجراسینی گنجيکدير و محکمه حکمی ايله تیکيلمک سیراسيندا دا يانديريلما حکمو و ثريلر که بير بؤلومده اجرايی تشکيلاتين تخلفو عنوانيندا محکمه تشکيلاتيندا قانونی ايشلملر پاريلماسينا ندن اولور. چوره قوروما تشکيلاتی نين باشقانی بو مکتوبون سونوندا خاطراتدی: گله جک مشکلاتين قاباغینی آلماق ايچون قانونی مجوزلری او جمله دن چوره دگرلنديرمه عنوانی ايله چوره قوروما تشکيلاتی نين مجوزی اولمايان پروژهلرين باشلاما زنجيرینی قيرماغا گؤره اؤلکه نين يوکسک مقاملاری نين واسطه سيله پروژه آچيليشلاريندان و كولونگ وورما مراسملريندن که عموما استانی سفرلرده گرچکلش، جدا ساقينيلمالی.

دئمه ليدير بو تشکيلات و استانا تابع اولان بيريملر مجوز صادر ائيله مگی قانوندا قيد اولان وعده دن داها قيسا بير زماندا سرعتلنديريپ آسانلاشديرماق ايچون، گنجيمشده اولدوغو کیمی سون درجه ايشبيرليگی آپاراجاقدیر.

کارون چایی نين انتقالی نين قاباغینی آلماق ايچون خوزستان و چهار محال و بختیاری نماينده لری نين اورتاق مکتوبو

چهار محال و بختیاری و خوزستان استاندانلاری نين نماينده لری جمهور باشقانی خطاباً اورتاق بير مکتوبدا انرژى باخانليغی نين کارون، کرخه و دز چایلاری نين قارشيسيندا توتدوغو سياستلره اعتراض ائتديلر. بو مکتوبون متنيده گليپ: "سايقلارلا حضورونوزا چاتديريلير که چوره ني ساوونماق ايچون، اؤلکه چایلارینی و اؤلکه نين ساير سو آلانلارینی قوروماق و محافظه ائتمک قونوسوندا انرژى باخانیا اولان آرديجيل تذکرلره رغما، گؤرولور که انرژى باخانليغی اؤز وظيفه لرينه عمل ائتمه دیکدن علاوه اؤز اولراق محترم رهبری مقامی نين ده کلان چوره سياستلرينی سیرادان چيخاردیپ که گؤرکمی نمونه لردن يوزلرجه عمرانى پروژهنين قانونی مجوزی اولمادان اجرايی گنجيپيلمه سيدير. بو طرز داورانمانين سونوجلاری خوزستانين سولاق آلانلاری نين و چهار محال و بختیاری نين جوشغون چشمه لری نين قوروماسينا سبب اولوپ و کارون و کرخه چایلاری نين يوخ اولماسینی ساغلايپ و... و خوزستان ايله چهار محال و بختیاری استاندانلاری نين اکوسيستمی ياپيلىق، مديرليک و سو نقلی پروژهلرينده باشايريسيزليقلار ندنی ايله محو اولوپدور". بو مکتوبون دواميندا گليپ: "تاسف ايله بو گونلر گلاب تونليندن سو آليمی خبرلرينه شاهد اولوروق که بو پروژهنين چوره آنلاشماسيندا قيد اولان تعهدلری نظرده آلمايلاق جرياندادير. گلاب پروژه سی تماميله تخلف دولو بير سورجده ايلرله ييپ بئله که صادر اولونان مجوزلر تماميله اجرادان سونرا آلينيپشيدير و بو دا مجوز آلماق ايچون تخلفلرين نه قدر درين اولماسینی و لابيچيلىقلاری گؤسترتمکده دير. باشقا مسئله بو که اگر گلاب پروژه سی غير عامل ساوونما پروژه سيدير، بو پروژه ايچون جانسیز زاینده رود چایی نين سويونو اختصاص وئرمگين نه آنلامی وار؟ بو، زاینده رود چایينا يئنی بير يوکلمه دگیمی؟ خواهش اولونور بو پروژهنين سو آليمی ايله ايلگیلی شفاف آچيقلامادان علاوه مجوز آلماقدا اولان تخلفلار قونوسوندا دا آچيقلاملار آپارين". بو نماينده لر وورغولاديلار: "تاسفله انرژى باخانليغی کوهنگ ۱ و ۲ و ... سو نقلی پروژهلری حقينده تخصیصين آزالماسی قونوسوندا جناييزلا اولان مکاتبه نی جوابسيز قويويدور بو اوزدن اونون عملی اجراسی ايچون بير داها دستور وئرمگينيز ضروری گؤرونور. سونوندا ايکی استانين نماينده لری کوهنگ ۳ پروژه سی نين سو نقلی نين غيرقانونی اولماسينا تاکيد ائنده رک وورغولاديلار: نه يازيق کی انرژى باخانى نين يئنی ياناشماسيندا انرژى باخانليغی محکمه تشکيلاتی ايله ايشبيرليگی آپارماقدان ساقينير. بو ندنله تقاضا ائديرک آردینی توتاراق اعلام بويورون انرژى باخانليغی نين زير مجموعه لری هانسی دستگه دا ياناراق محکمه تشکيلاتی نين ايستهدیگی بيلگيلری - او جمله دن شهر کردون اوچونجو شعبه سی نين کوهنگ ۳ ايله باغلی سورقولا ما ايستگی - وئرمکدن امتناع ائيله يير. بئآ گرکلی بيليریک شهر کردون شعبه ۳ سورقولا مانين ايستهدیگی سندلر تئزليکله و شفاف صورتده محکمه تشکيلاتی و نماينده لرين اختياريندا قويولسون."



اخبار محیط‌زیستی ایران به زبان عربی أخبار إيران البيئية

صدور حکم قضائی وأحكام قاسية بحق متظاهرين في نفق بدون تصريح بيئي لنقل مياه سبز كوه في محافظة جازمحل باختياري

أصدر الفرع ١٠١ من محكمة جنابات مدينتي بروجين (١٠١ جنائية سابقاً) برئاسة القاضي محسن جليلي بيرانى أحكاماً ضد ٣٧ متظاهراً من مشروع نقل المياه سبز كوه. فى حكم المحكمة هذا، وجهت إلى المتهمين تهم مثل المساعدة فى الإخلال بالنظام العام من خلال تحريض الناس والإخلال بالنظام العام والمشاركة فى تدمير ممتلكات الدولة والعامّة، إلى أحكام قاسية بالسجن سبع سنوات والجلد والغرامات.

يقع نفق سبز كوه عند رافد كارون، وقد احتج المتهمون على بناء النفق سبز كوه دون تصريح بيئى. المدعى فى هذه القضية هو منظمة خاتم الأنبياء و أداره مياه جازمحل وبختياري.

فى عام ٩٤، شارك المتظاهرون فى مراسم عزاء رمزية بأله موسيقية مخصصة للحداد على تقليد بختياري فى نبع ألوغره، الذى جف بسبب حفر نفق سبز كوه لنقل المياه. بعد الحفل، تعرضت ورشة نفق سبز كوه لهجوم من قبل مجهولين. ونفى المتهمون ضلوعهم فى العملية

بدء عمليات ضخ المياه لفروع كارون عبر نفق كوه رانج الثالث

وبحسب إعلان العلاقات المائية الإقليمية لمحافظة أصفهان، اعتباراً من الخامس من فروردین، وفقاً لموافقة مجلس تنسيق زاینده رود، فإن هذا المشروع، الذى يواجه حالياً العديد من التحديات البيئية والاجتماعية والأمنية فى محافظاتى خوزستان وجهرمال بختياري، يبدأ عن طريق ضخ ٤,٥ متر مكعب بالثانية إلى نهر الزاینده رود

ومع ذلك، لم يتم تحديد وقت الضخ ولا كمية المياه المطلوبة لسكان مجرى النهر. الجدير بالذكر أن مشروع كوه رانج ٣ مصمم لنقل المياه من مستجمعات المياه لكارون على نهر كوه رانج الواقع فى بيجران إلى نهر زاینده رود.

و فى رسالة إلى القضاء، كتبت منظمة وحدة فرخشهر الخضراء البيئية: "مشروع كوه رانج ٣ يفتقر إلى تصريح بيئى، تصريح تراث ثقافى، تصريح موارد طبيعية، تصريح جهاد زراعى، تصريح شؤون عشائرية وتصاريح قانونية أخرى. لسوء الحظ، لم يتم إجراء دراسة تقييم بيئى على نفق كوه رانج الثالث ولم يتم ذكر سوى النفق الثالث على غلاف تقرير التقييم.

هذا يعنى أن المشروع قيد التشغيل حالياً ليس لديه أى تصاريح بيئية. هناك مسألة أخرى لم يتم أخذها فى الاعتبار عند التخطيط لعملية الضخ وهى أن تقرير التقييم البيئى لمشروع كوه رانج ٣ ينص على عدم وجود مدن أو قرى فى اتجاه مجرى النهر فى سد كوه رانج ٣. ومع ذلك، هناك عدد كبير من البلدات والقرى الواقعة أسفل مجرى السد، والضخ غير المنظم للمياه يجفف النهر ويلحق الضرر بمناطق المصب.

حدثت هذه المشكلة فى السنوات السابقة، حتى أنه بسبب ضخ المياه من نهر كوه رانج إلى نهر زاینده رود، فى نفس الوقت مع زيارة الرئيس السابق إلى أصفهان فى اريدبهشت ٩٦، جف نهر كوه رانج تماماً. لا يؤدى عدم وجود دراسات فنية إلى تعطيل حقوق المجتمعات المحلية فى اتجاه مجرى السد فحسب، بل يهدد أيضاً حياة عشرات الأنواع النباتية والحيوانية بسبب وجود محمية القيصرى.

وكتبت المنظمة البيئية فى نص شكواها إلى القضاء: "النقطة المؤسفة التى لم يتم أخذها بالحسبان حتى الآن هى أن الحاجة البيئية للنهر ٤٦ مليون متر مكعب فى السنة.

فى ١٤٠٠/٣/٤، وقت زيارة الخبير الرسمى للسلطة القضائية، تم قياس تدفق نهر كوه رانج بمعدل ٢,٤٨ متر مكعب فى الثانية، وهو ما لا يعنيه عملياً سوى تجفيف النهر عند النهر. المعدل المعتمد ٤,٥ متر مكعب.

الجدير بالذكر أن المياه المتدفقة فى نهر كوه رانج يمكن اعتبارها حقاً مائياً صغيراً من الحق المائى البيئى غير المطلق لأنفاق كوه رانج الأول والثانى، والتى لا يُسمح بسحب المياه منه أبداً.

تم نشر دعوة تصميم لـ "التمثال والشارة أبوش" / منح شارة الجائزة لمدمري البيئة

نشرت "الحملة الشعبية لدعم زاغروس الرحيم" بمشاركة المنظمات البيئية فى جميع أنحاء البلاد دعوة لتصميم "تمثال وشعار". وفقاً لـ ايلنا، أعلنت أمانة الحملة: وفقاً للمادة ٥٠ من دستور جمهورية إيران الإسلامية وبما يتماشى مع سياسات البيئة الكلية، بتعاون ومشاركة المنظمات غير الحكومية والشخصيات البيئية والعديد من المسؤولين، تحديد وتقديم العوامل والجماعات المؤثرة فى تنفيذ المشاريع غير القانونية وغير المبدئية التى تؤدى إلى تدمير البيئة ومنحهم "جائزة أبوش".

فى الأساطير الإيرانية، "أبوش" هو "شيطان الجفاف"، الذى عرف بين شعب إيران منذ زمن طويل بأنه عدو "تيشتر"، إله المطر. هذا الشيطان له مكانة رمزية مهمة فى بلد مثل إيران، التى لطالما واجهت مشكلة الجفاف وتدمير الموارد المائية.

يعتبر منح "جائزة أبوش" خطوة رمزية فى انتقاد ثقافة الإفلات من العقاب وخطوة نحو التعريف بالشخصيات أو المؤسسات التى تضحى بالطبيعة والموارد القيمة التى وهبها الله والأجيال من أجل مصالح اقتصادية قصيرة الأمد أو غير مستدامة. قد تعيد هذه الشخصيات أو المجموعات النظر فى سلوكها، أو قد يؤدى احتجاجنا الرمزي إلى اتخاذ الإجراءات القانونية اللازمة. تم الإعلان عن الموعد النهائى لتقديم الأعمال من ١١ اريدبهشت ١٤٠١ إلى ٢٧ من خرداد.

. قضاء هذا المهرجان فى قسم التمثال هم: السيدات والسادة ندا مذهب جعفرى، حميد شانس، مهدى زنكجى، حميدرضا صادق زاده، بيجن غنجه پور، حسين داورى نژاد و عباس افتخارى، وفى قسم الشارات: ندا مذهب جعفرى، محمد كاظم فلسفى، شهاب الدين نجاد تهرانى، فرزاد ادبى و مهدى احمدى السكرتير الفنى لهذا المهرجان السيدة بيتا حسانى

أُحيلت الدعوى المرفوعة ضد رئيس منظمة البرنامج والميزانية إلى الفرع ١٥٥٩ الجنائي الثاني - موظفو حكومة طهران

بعد إدراج المشاريع البيئية غير المرخصة في ميزانية ١٤٠١، اشتكت جمعية خوزستان للمدافعين عن الحقوق البيئية والموارد الطبيعية من رئيس منظمة البرنامج والميزانية، الشكوى التي رفضها الفرع ٣ من مكتب المدعي العام والشورى في المنطقة ٢٨ (جرائم موظفي الحكومة) في طهران، اعترضت عليها هذه الجمعية البيئية. تمت إحالته إلى الفرع ١٥٥٩ من قانون العقوبات - موظفو حكومة طهران النص الكامل لمشروع قانون الاحتجاج لجمعية المدافعين عن الحقوق البيئية والموارد الطبيعية في خوزستان كما يلي كما تعلمون، قدمت الحكومة الموقرة مشروع قانون الموازنة ١٤٠١ لمجلس الشورى الإسلامي في ٢١ اذر ١٤٠٠. كشف فحص مشروع قانون الميزانية أن أكثر من ٤١١ مشروعاً خاضعاً للتقييم البيئي موجود في بنود ميزانية ١٤٠١، والتي ليس لديها تصريح قانوني.

لأنه وفقاً للنص الصريح للسياسات البيئية العامة للمرشد الأعلى المعلقة في ٢٥/٨/٢٠١٥ والمادة ١٠٥ من قانون خطة التنمية الثالثة، المادة ٧١ من قانون خطة التنمية الرابعة الفقرة (أ) من المادة ١٩٢ من قانون خطة التنمية الخامسة والمادة (٢) والفقرة (أ) من المادة ٣٨ من قانون خطة التنمية السادسة، وكذلك لائحة تقييم الأثر البيئي لمشاريع الإنتاج الكبيرة والخدمات والتطويرية المعتمدة بتاريخ ٢٩/٨/٢٠١١ تلتزم الجهات التنفيذية بالحصول على ترخيص قبل التنفيذ وفي مراحل الدراسة والجدوى والموقع. وفي الوقت نفسه، واستمراراً للعملية غير القانونية للحكومات السابقة، وبما يتعارض مع المادة ٢٣ من قانون إضافة بعض المواد إلى قانون تنظيم جزء من اللوائح المالية الحكومية، التي تمت الموافقة عليها في عام ١٣٩٣ تقترح الحكومة الموقرة خطة للاستحواذ على الأصول الرأسمالية في بنود الميزانية وترفض إزالة المشاريع بدون تصاريح بيئية وغيرها من التصاريح القانونية في موازنة ١٤٠١

ومع ذلك، كانت الحكومات السابقة ملزمة بالامتناع عن اقتراح مشاريع ذات طبيعة الدراسة والتنفيذ المتزامنين وفقاً للملاحظة ٣ من المادة ٣ من التعليمات التنفيذية، المادة ٢٣ من قانون إضافة مواد معينة إلى قانون تنظيم جزء من اللوائح المالية الحكومية التي تم تبنيها في عام ١٣٩٣. أو على الأقل كان من المتوقع أن يتم تصحيح الممارسات الخاطئة في الماضي في ميزانية ١٤٠١ من قبل الحكومة الجديدة من بينها مشاريع ذات عناوين متزامنة للدراسة والتنفيذ في بنود الميزانية مثل مشاريع تحويل مياه الشرب في محافظتي البرز وطهران من سد طالقان، ونقل المياه إلى المدن الشمالية في محافظة كرمان، ونقل مياه بحر قزوين إلى الهضبة الوسطى، وتحويل المياه إلى الهضبة الوسطى، سد ماربر، سد بلبار منظمة التنظيم والبرنامج، خلافاً للمادة ٢، التي تنص على أن شروط إدراج المشاريع في صفوف مشاريع حيابة الأصول الرأسمالية فقط في إطار الدستور، ووثيقة الرؤية، وقوانين التنمية الخمسية مع البيئة والمالية والدراسات الاجتماعية، و... حاولت إدراج ٤١١ مشروعاً في موازنة ١٤٠١ والتي حسب المراسلات رقم ١٣٩١٣٩/١٠/١٤٠٠/١٠/٧/١٤٠٠ موجهة إلى رئيس مجلس النواب دون التصريح البيئي والتراخيص القانونية الأخرى.

لقد كانت تحركات منظمة البرنامج والميزانية على مدى العقدين الماضيين من النوع الذي لم تكن هناك إرادة لإزالة المشاريع دون الحصول على تصاريح قانونية في بنود الميزانية، ومن الواضح أن استخدام الأموال يجب أن يتوافق مع اللوائح ذات الصلة. النقطة المهمة هي أن منظمة البرنامج والميزانية، بصرف النظر عن القانون، تخصص أموالاً لمشاريع بدون تصاريح قانونية، وبعضها قد أحرز تقدماً مادياً، وقائمة هذه المشاريع مرفقة بمراسلات ممثل عبدان في مجلس الشورى الإسلامي مع رئيس منظمة البرنامج والميزانية. وفي هذه الحالة، لم تكتف منظمة البرنامج والميزانية بحذف هذه الصفوف من الميزانية السنوية، بل كررتها أيضاً بحجة إدراج الخطط في الميزانية السنوية لعام ١٤٠١. ومع ذلك، فإن شرط إدراج المشاريع في الميزانية السنوية وإدراجها في مشاريع حيابة الممتلكات هو الحصول على تصاريح قانونية، وليس فقط إدراج المشروع في بنود الميزانية. تجمع رابطة المدافعين عن الحقوق البيئية والموارد الطبيعية في خوزستان في مشروع قانونها الاحتجاجي، الجرائم التي ارتكبتها منظمة البرنامج والميزانية ومنها: المؤكد أن منظمة البرنامج والميزانية وشخص السيد مسعود مير كاظمي، في انتهاك للأنظمة المذكورة أعلاه وخلافاً للنص الصريح للمادة ٥٩٨ من قانون العقوبات الإسلامي، قد خصصوا أموالاً حكومية بشكل غير قانوني من خلال تقديم موازنة ١٤٠١.

من الواضح أن اللوائح البيئية والامتثال للمعايير المتعلقة بالتقييمات البيئية لها علاقة وثيقة وكاملة بالأمن القومي، وقد أدت الانتهاكات المتكررة للوائح ذات الصلة إلى تعطيل هذا الأمن في مدن مختلفة، بما في ذلك أصفهان وخوزستان. وفي هذا الصدد، طلبت منظمة حماية البيئة التعليق على ٤١١ مشروعاً في مشروع قانون الموازنة والمطالبة بملاحقة المشتكى عنه بتهمة العمل ضد الأمن القومي من خلال تخصيص أموال لمشاريع غير مشروعة ومحاوله زعزعة أمن الدولة والاستيلاء غير المشروع على الميزانية من خلال المادتين ٦٤ و ٢٦٢ المؤقتتين أعلاه من قانون الإجراءات الجنائية

دعار رئيس مجلس الأمن القومي إلى إجراء تحقيق في الآثار التراكمية لمشاريع تحويل المياه على خوزستان. دعار رئيس مجلس الأمن القومي إلى إجراء تحقيق في الآثار التراكمية لمشاريع تحويل مياه كارون على خوزستان

بعد نشر خطاب جليل مختار، نائب عبادان، إلى رئيس مجلس الأمن وانتقاد استمرار الممارسات الخاطئة للحكومات السابقة فيما يتعلق بنقل المياه من أنهار خوزستان في الحكومة الجديدة، كتب أحمد وحيدى نسخته إلى نائب وزير الدولة في الهندسة والأمن، حيث طالب إرسال خبرا للتحقيق في الآثار التراكمية لمشاريع تحويل مياه كارون على خوزستان. إذا تم تنفيذ هذا الأمر، فستكون هذه هي المرة الأولى التي تكون فيها دراسة الآثار التراكمية لمشاريع تحويل مياه كارون على جدول أعمال الحكومة. انتقد ممثل عبدان في رسالته إلى رئيس مجلس الأمن القومي التصرفات غير العلنية وغير القانونية لحكام ومسؤولي الأمن في محافظتي أصفهان و بختياري بالموافقة على تنفيذ مشاريع نقل مياه كارون خلف الأبواب المغلقة دون إبلاغ مسؤولون ونواب خوزستان. وأكدوا أن خوزستان لا تملك القدرة على نقل المياه. بعد نشر خطاب جليل مختار، نائب عبادان، إلى رئيس مجلس الأمن وانتقاد استمرار الممارسات الخاطئة للحكومات السابقة فيما يتعلق بنقل المياه من أنهار خوزستان في الحكومة الجديدة، كتب أحمد وحيدى نسخته إلى نائب وزير الأمن والهندسة المدنية، حيث تم إرسال خبراء الدولة للتحقيق في الآثار التراكمية لمشاريع تحويل مياه كارون على خوزستان.

إذا تم تنفيذ هذا الأمر، فستكون هذه هي المرة الأولى التي تكون فيها دراسة الآثار التراكمية لمشاريع تحويل مياه كارون على جدول أعمال الحكومة. جدير بالذكر أنه بحسب مراسلات جليل مختار والوثائق التي قدمها، تم تجهيز ورشة نقف بهشت آباد في شرمهين بعد اتفاق سرى بين مسؤولي محافظتي أصفهان و بختياري في مجلس الأمن. اتفاقية أعلنت منظمة البيئة أنها غير قانونية



رفیعی: مهمتنا هي منع التهديد البيولوجي للخليج الفارسي

قال رئيس الفصيل البيئي في البرلمان الحادي عشر في يوم الخليج الفارسي: "مهمتنا هي منع التهديد البيولوجي للخليج الفارسي". تهديد بلغ ذروته في السنوات الأخيرة مع وجود سفن الصيد كتبت سمية رفيعي على صفحتها الرسمية على تويتر: "في يوم من الأيام، إذا كانت مهمة أبائنا هي طرد الأجانب من الخليج الفارسي، فإن مهمتنا اليوم هي منع التهديد البيولوجي للخليج الفارسي؛ تهديد بلغ ذروته في السنوات الأخيرة مع وجود سفن الصيد. البحر كريم ما دام البشر منضبطين وتجدر الإشارة إلى أن الأنواع الحيوانية القيمة مثل الحيتان وأسماك القرش والسلاحف البحرية وجميع أنواع الأسماك، تعرضت لتهديد خطير بسبب الافتقار إلى السيطرة على التلوث وعدم السيطرة على الأنواع الغازية والصيد غير المنظم.

انتقادات واسعة النطاق لنشطاء بيئيين في خوزستان لتجفيف هور العظيم من قبل شركة النفط

انتقاد واسع النطاق للناشطين البيئيين لتجفيف هور العظيم من قبل شركة النفط بعد عودة عواصف الغبار و التراب، نظم نشطاء البيئة في خوزستان احتجاجاً كبيراً على تمديد سياسة تجفيف هور العظيم لاستخراج النفط. في هذا التجمع الاحتجاجي اجتمع المشاركون على ما يلي: "نحن نشطاء البيئة في البلاد نطالب بوقف تجفيف هور العظيم بحجة استخراج النفط. إذا كان سيتم استخراج النفط من مصادر مشتركة، فيجب أن يتم ذلك في بيئة مائية والحفاظ على حقوق المياه في أراضي هور العظيم. تسبب الغبار والتلوث الناجم عن الدمار الهائل لشركة النفط في جعل الحياة صعبة على الجميع. من أجل استقرار البلاد، يجب تحسين أداء شركة النفط

تم تخريب اتفاقية تغطية مصادر الغبار بالنفط، بين إيران والعراق

وقال ممثل أهالي تبريز في مجلس الشورى الإسلامي: يبدو أن تنفيذ هذه الاتفاقية بين إيران والعراق تواجه بعض المشاكل، ولمكافحة ظاهرة الغبار لم يتم اتخاذ الإجراءات اللازمة، والتي يجب شرحها. وتابع عضو لجنة الشؤون الداخلية: "من ناحية أخرى، كان لبناء السدود في تركيا بالتأكيد أثر في تكثيف ظاهرة الغبار وأدى إلى تقليص الحصص المائية لمختلف القطاعات". يجب متابعة هذه القضية من خلال القانون الدولي وطريق الدبلوماسية. وفي الختام أكد على رضا بيحي: هناك قضية أخرى يجب أخذها في الاعتبار في مكافحة ظاهرة الغبار الناعم وهي قضية المياه الحدودية. للأسف، لدينا استخدام محدود لموارد المياه الحدودية وعلينا ممارسة حقوقنا في مجال المياه الحدودية. في السنوات الأخيرة، خصصت الميزانية مبلغاً جيداً لاستخدام المياه الحدودية وقدم المرشد الأعلى موارد للحكومة من صندوق التنمية للسيطرة على المياه الحدودية. يجب الآن الإبلاغ عن مقدار هذا المبالغ الذي تم استخدامه لهذا الغرض. جدير بالذكر أنه في إجراء آخر، دعا ٣٩ عضواً في البرلمان في تحذيراتهم الخطية للمسؤولين التنفيذيين في البلاد، إلى تشكيل منتدى (كونسورتيوم) للتعاون بين دول الجوار المتضررة من بناء السدود في تركيا.

تدعم المنظمات الدولية يوم ٢٨ فروردين "يوم شهر محال بختياري" و "اليوم العالمي لمناهضة نقل المياه"

بالتزامن مع تسمية ٢٨ فروردين "يوم شهر محال بختياري" و "اليوم العالمي لمناهضة نقل المياه" أصدرت منظمات بيئية من جميع أنحاء العالم بياناً تهنيئاً فيه الناشطين البيئيين في ٢٨ فروردين. و أكدوا في هذا البيان تضامنهم مع نشطاء البيئة في إيران و قالوا: تعلن حركة إنقاذ دجلة و نشطاء في تركيا وسوريا والعراق ودول أعضاء أخرى، تكريماً ليوم ١٧ أبريل "و يوم العمل لمكافحة نقل المياه" تضامناً معكم. نعتقد أيضاً أن الأنهار يجب أن تتدفق في سياقها الطبيعي من أجل الحفاظ على حياة جميع المجتمعات البشرية والنظم البيئية الطبيعية التي استفادت منها تاريخياً. الموقعون على هذا البيان، في الوقت الذي يعبرون فيه عن تضامنهم مع النشطاء البيئيين في زاغروس مهربان في معارضة مشاريع نقل المياه وبناء السدود، وكذلك تسمية ٢٨ فروردين بيوم شارمحال بختياري، نأمل أن تضمن مساعيكم وتعاونكم الدولي، حيوية مناطق المياه القيمة في بلدكم تجدر الإشارة إلى أنه بمبادرة من نشطاء البيئة، تم تسمية يوم ٢٨ فروردين، الذكرى السنوية لتجمع ٣٠ ألف شخص في محافظة شارمحال بختياري ضد مشاريع بناء السدود وتحويل المياه، بيوم شهر محال بختياري واليوم العالمي لمناهضة نقل المياه. في ٢٨ فروردين ٩٣، خرج حوالي ٣٠,٠٠٠ شخص من هذه المنطقة ومنبع زاینده رود و كارون في مقاطعة شارمحال بختياري، في حماية زاینده رود و كارون واحتجاجاً على أنفاق جلاب و بهشت آباد، والتي تسببت في تدمير زاینده رود و كارون و مناطق بيئية واسعة. وخرجت المحافظات ومحافظات المصب في مسيرة ورددوا احتجاجات ضد نقل المياه جدير بالذكر أنه بالرغم من التنسيق السابق لإقامة معرض صور للنضالات البيئية لأهالي محافظة شهر محال بختياري مع المديرية العامة للإرشاد بمحافظة شارمهال بختياري، فقد تم منع إقامة هذا المعرض.

وبحسب وكالة أنباء فارس ، فقد طلب رئيس هيئة البيئة علي السلاجة في رسالة من المحافظين ، معتبرين أوامر المرشد الأعلى ، الذي قال : إن قضية البيئة أو الحفاظ على الموارد الطبيعية ليست رفاهية و ثنائية - بل هي قضية حيوية بالنسبة لنا .

في جهودنا لتطوير البلد ، يجب إعطاء الأولوية في هذا المجال ، وكذلك قال علي ان رئيس الجمهورية أكد على ان البيئة جز من التطور للبلاد ؛ ويجب منع مشاريع التنمية الكبيرة للبلد دون الحصول على تصريح بيئي.

وأضاف: "في السنوات السابقة ، مع ضغوط غير عادية وتحزب خالص و الاصرار على مشاريع مخالفه للبيئة ، لم تؤد هذا المشاريع إلى إدارة الأراضي والتنمية المستدامة ، ولكن أيضا بسبب التلوث والدمار الذي لا يمكن إصلاحه ، فقد أصبح ظاهرة معارضة للتنمية وأثارها سبب استياء الجمهور و الناس وذكر سيلاحقه أمثلة على هذه القضايا مثل تنفيذ مشاريع الطرق السريع و السكك الحديدية و السدود ومحطات الطاقة والمصافي والبتروكيماويات ونقل المياه بين الأحواض وما إلى ذلك.

وقال: "لسوء الحظ ، في السنوات الماضية ، تحت عنوان المشاريع ذات التقدم المادي ، ولكن بدون تصاريح بيئية ، جعل دائما فجوه عميقه بين الهيئات التنفيذية والإشرافية والقضائية مع هذه المنظمة لعدم الامتثال القوانين والقواعد واللوائح ومع ذلك ، بالنظر إلى أن المشاريع يتم تمويلها من خلال الحصول على تراخيص غير شرعية من بعض الجهات ، بما في ذلك هيئة البرنامج والميزانية ، ومعظم هذه المشاريع مرخصة من قبل كبار المسؤولين بالدولة وبمشورة ممثلي الشعب في مجلس الشورى الإسلامي ، خاصة في الدوائر الانتخابية والمحافظين ، يتم افتتاح هذا المشاريع الغير مرخصة وبعد ذلك ، للأسف ، هناك العديد من المشكلات التي تواجه دعاء حماية البيئة والجهات الأخرى ذات الصلة لحل الاختلالات مثل إزالة الغابات والغطاء النباتي ، وعدم الامتثال للحدود الكمية والتنوع لموارد المياه السطحية ، وعدم كفاية إمدادات المياه للمشاريع ، والتدخل في المناطق البيئية و التواجد في حدود المدن و المناطق الحضرية والقرب من المدن الكبيره والقرى ، مما يسبب عدم الرضى الاجتماعي ، بالتالي يسبب عدم الوفاء بالتزامات المنفذين تجاه الوكالات والأشخاص الآخرين ، مما يؤدي في النهاية إلى تأخير المشاريع أو أوامر التعليق القضائي

و مما يؤدي باعتباره مخالفه للجهاز التنفيذي ، إلى الملاحقة القانونية في القضاء

في نهاية الخطاب ، أشار رئيس وكالة حماية البيئة إلى أنه من أجل تجنب المشاكل المستقبلية وقطع سلسلة بدء المشاريع دون تصاريح قانونية ، بما في ذلك تصريح وكالة حماية البيئة باعتباره تصريح تقييم بيئي ، يكون من الواجب إصلاح المشاريع و تجنب افتتاحها من قبل كبار المسؤولين خاصة في الرحلات المحلية

وتجدر الإشارة إلى أن هذه المنظمة والوحدات الإقليمية التابعة لها سيكون لها أقصى درجات التعاون لتسهيل وتسريع إصدار التراخيص كما في السابق في وقت أقصر من الوقت المنصوص عليه في القانون.

رسالة مشتركة من ممثلي خوزستان وشهر محل بختياري لمنع نقل مياه كارون

احتج ممثلو محافظتي شاهرéal بختياري وخوزستان في رسالة مشتركة موجهة إلى الرئيس الجمهورية على سياسات وزارة الطاقة تجاه نهري كارون وكرخه ودر.

. ونقرأ في نص هذه الرسالة الهامة ما يلي: "نذكركم بكل احترام أنه على الرغم من التحذيرات المتكررة لوزير الطاقة ، من أجل الدفاع عن البيئة وحماية الأنهار والمناطق المائية الأخرى بالدولة والمحافظة عليها، لا تكفي وزارة الطاقة بالاهتمام بواجباتها القانونية ، ولكنها تجاهلت على وجه التحديد سياسات المرشد الأعلى للبيئة الكلية ، مثل تنفيذ مئات المشاريع التنموية دون تصاريح قانونية.

عواقب هذا السلوك هي جفاف أراضي خوزستان الرطبة و الاهوار وتجفيف الينابيع المغلية في شاهرéal وبختياري وتدمير نهري كارون والكرخه و ... وتدمير النظام البيئي لمحافظة خوزستان وشهر محل وبختياري من خلال عدم الكفاءة في الإدارة وتنفيذ مشاريع نقل المياه

"لسوء الحظ ، نبلغ هذه الأيام أن نفق جلاب سيفتتح دون النظر إلى الالتزامات المنصوص عليها في الاتفاقية البيئية لهذا المشروع. وقد مر مشروع جلاب بعملية انتهاك لدرجة أن تبين لاحقاً ان جميع التصاريح الصادرة هي باطله مما يدل على عمق الانتهاكات والضغط للحصول على هذه التصاريح

سؤال آخر هو أنه إذا كان مشروع جلاب هو مشروع دفاعي ، فماذا يعني تخصيص المياه لهذا المشروع على نهر زاینده رود المنخفض؟ أليس هذا عبثا جديدا على زاینده رود ؟ يرجى التوضيح بوضوح سبب ارتباط استهلاك هذا المشروع بالمخالفات التي ارتكبت في طريقة الحصول على التصاريح.

وأكد هؤلاء الممثلون: "للأسف ، تركت وزارة الطاقة المراسلات مع سماحتكم بشأن ضرورة تقليص مخصصات مشاريع كوهرينج لنقل المياه الأول والثاني، وفقاً لأنظمة التخصيص بدون رد. لذلك ، من فضلك من الضروري أن تأمر مرة أخرى تنفيذ العمل

وفي النهاية أكد ممثلو المحافظتين عدم شرعية نقل المياه لمشروع كوهراج ٣: "للأسف ، في النهج الجديد ، يرفض وزير الطاقة بهذه الوزارة حتى التعاون مع القضاء.

لذلك ، نطلب منكم المتابعة والإعلان عن سبب وزارة الطاقة لرفض تقديم المعلومات التي يطلبها القضاء ، مثل الفرع ٣ ل محكمة شهرکرد ، فيما يتعلق بسد كوهراج ٣. لذلك ، نعتبر أنه من الضروري تقديم المستندات المطلوبة من قبل الفرع ٣ لمحكمة شهرکرد إلى القضاء والممثلين على الفور وبشفافية.



IRAN ENVIRONMENTAL NEWS

Court verdict and heavy sentences were issued for the environmental activists in Ch & B due to protest against Sabzkuh water transfer tunnel

Branch 101 of the Criminal Court of the two cities of Borujen (former criminal branch 101) headed by Judge Mohsen Jalili Pirani issued verdicts against 37 protesters of the Sabzkuh water transfer project. In this court verdict, the defendants were condemned to heavy sentences of seven years in prison, flogging and fines for charges such as assisting in disturbing public order by inciting the public and participating in the destruction of state and public property. The Sabzkuh tunnel is located at the Karun tributary, and the defendants protested against the construction of the Sabzkuh tunnel because it has not the environmental permit. The plaintiffs in this case are Khatam-al-Anbia Construction Headquarters and Chaharmahal & Bakhtiari Regional Water. In 2015, protesters took part in a symbolic ceremony for the Aloghareh spring, which had dried up due to the digging of the Sabzkuh water transfer tunnel, and held a Bakhtiari mourning ceremony, in which they played a Chap instrument dedicated to mourning in the Bakhtiari tradition. After the ceremony, unknown men attacked the Sabzkuh tunnel workshop. The defendants have denied involvement in the operation.

Commencement of water pumping operations of Karun tributaries through the third Koohrang tunnel

According to the announcement of Isfahan Regional Water public relations, based on the approval of Zayandehrud Coordination Council, from April 25, this project, which now faces numerous environmental, social and security challenges in the two provinces of Khuzestan and Chaharmahal & Bakhtiari, is supposed to transfer 4.5 cubic meters per second of water to Zayandehrud by pumping. However, neither the pumping time nor the amount of water required for the inhabitants of the river downstream has been determined. It is worth mentioning that the Koohrang 3 project is designed to transfer water from the Karun catchment area located in Biregan to the Zayandehrud. In a letter to the judiciary, the Vahdat-e Sabz environmental organization in Farrokhshahr wrote:

"The Koohrang 3 project does not have any permission from Environmental Organization, Cultural Heritage Organization, Natural Resources Organization, Agricultural Organization, Department of Tribal Affairs and other legal authorities. It is unfortunate that no environmental assessment study have been carried out on the third Koohrang tunnel and it has been mentioned only on the cover of the assessment report. This means that the project currently in operation does not have any environmental permits. Another issue that was not taken into account when planning the pumping operation is that the environmental assessment report of the Koohrang 3 project states that there are no towns or villages downstream of the Koohrang 3 dam. Whereas, there are a significant number of towns and villages downstream of the dam, and the unregulated pumping of water dries up the river and damages the downstream areas. This issue has happened in previous years, so that due to the pumping of water from the Koohrang River to the Zayandehrud, at the same time with the visit of the former President to Isfahan in May 2017, the Koohrang River dried up completely. Lack of technical studies not only disrupts the rights of local communities downstream of the dam, but also threatens the lives of dozens of plant and animal species due to the existence of the Caesarea Protected Area".

"The unfortunate thing that has not been taken into account so far is that the river's environmental needs are 46 million cubic meters per year, which is not achieved in any way by perform pumping operations. On 2021/7/21, at the time of the visit of the official court expert, the discharge of Koohrang River is measured at 2.48 cubic meters per second, which practically means nothing more than the drying of the river with the approved rate of 4.5 cubic meters. It is worth mentioning that the water flowing in the Koohrang River can be considered as a small water right from the unreleased environmental water right of the Koohrang tunnels 1 and 2, from which it is not allowed to be extracted at all."

Call for the design of "statue and badge of Aposh": Granting the Aposh Award to environmental destroyers

People's Campaign to Support the Kind Zagros with the participation of environmental organizations across the country published a call for the design of a "statue and badge of Aposh". According to ILNA, the secretariat of the campaign announced: »The campaign intends in accordance with article 50 of the Constitution of the Islamic Republic of Iran and in line with macro environmental policies, with the cooperation and participation of non-governmental organizations, environmental figures and several officials, to identify and introduce effective factors and groups in the implementation of illegal and unprincipled projects that lead to the destruction of the environment and granting them the Aposh Award. «

In Iranian mythology, "Aposh" is the "demon of drought", which has long been known among the people of Iran as an enemy of "Tishtar", the god of rain. This demon has an important symbolic position in a country like Iran, which has always faced the problem of water deficit and destruction of water resources. The "Aposh Award" is a symbolic step in criticizing the culture of impunity and a step towards introducing characters or institutions that sacrifice nature and valuable God-given and intergenerational resources for short-term or unsustainable economic interests. May these characters or groups reconsider their behavior, or may our symbolic outcry lead to the necessary legal action. The deadline for submitting works has been announced from 1th of May 2022 to 17th of June. The judges of this festival in the statue section are: Neda Mazdhab Jafari, Hamid Shans, Mehdi Rangchi, Hamidreza Sadeghzadeh, Bijan Ghonchehpour, Hossein Davari Nejad and Abbas Eftekhari. And in the badge section are: Neda Mazdhab Jafari, Mohammad Kazem Falsafi, Shahab-Aldin Nejad Tehrani, Farzad Adibi and Mehdi Ahmadi. The Artistic Secretary of this festival is Ms. Bita Hassani



The complaint case against the head of the planning and Budget Organization was referred to Branch ۱۰۵۹ of the ۲nd Penitentiary - State Employees of Tehran

Following the inclusion of unlicensed environmental projects in the 1401 budget, the Khuzestan Association of Defenders of Environmental Rights and Natural Resources complained to the head of the planning and Budget Organization. The complaint, which was rejected by Public and Revolutionary court (Branch 1059 of the 2nd Penitentiary - State Employees of Tehran), was protested by the Environmental Association. The full text of the protest bill of this association is as follows:

»As you are aware, the esteemed government submitted the 2022 budget bill to the Islamic Consultative Assembly on 12 December 2021. Examination of the budget bill revealed that more than 411 projects subject to environmental assessment are in the 2022 budget lines, which do not have a legal permit. According to the explicit text of the general environmental policies of the Supreme Leader announced on 2015/11/17 and Articles 105 of the Third Development Plan Law, Article 71 of the Fourth Development Plan Law, paragraph A of Article 192 of the Fifth Development Plan Law and Article 2 and paragraph A Article 38 of the Sixth Development Plan Law, as well as the regulation of environmental impact assessment of large production, service and construction projects approved on 2011/11/19, executive bodies are required to obtain a license before implementation and in the study, feasibility and location stages.

Meanwhile, in continuation of the illegal process of previous governments and contrary to Article 23 of the Law on Adding Certain Articles to the Law on Regulating Part of the Government Financial Regulations adopted in 2014, the government proposes a plan to acquire capital assets in the budget lines and refuses to remove the lines of unlicensed environmental projects and other legal permits in the 1401 budget. Whereas the previous governments were obliged to refrain from proposing plans with the nature of study and implementation in the budget at the same time, or at least it was expected that in the 2022 budget, the previous misconduct would be corrected by the new government. Among them we can mention the projects with titles of study and implementation in budget lines at the same time, such as drinking water transfer projects in Alborz and Tehran provinces from Taleghan dam, water transfer to northern cities of Kerman province, Caspian water transfer to the central plateau, Water transfer to the Central Plateau, Marber Dam, Belbar Dam. Contrary to Article 2 of the Accession Law, which stipulates that projects must be included in the ranks of capital asset acquisition plans only within the framework of the Constitution, the vision document, the five-year development laws, it must have environmental, financial, social studies and etc., Program and Budget Organization has included 411 projects in the 2022 budget, which according to the correspondence No. 1400/100/34139 dated 2021/12/28 addressed to the Speaker of the Parliament, do not have environmental license and other legal permits.

The appeasement of the PBO over the past two decades has been such that there has been no will to remove projects without legal permits in the budget lines, and it is clear that the use of funds must comply with the relevant regulations. The important point is that the Planning and Budget Organization, regardless of the law, allocates funds to unlicensed projects, some of which have had physical progress. The list of the projects is attached to the correspondence of the Abadan MP to the Head of the PBO in this file. In this situation, the PBO not only did not eliminate these rows in the annual budget, but also on the pretext that the plans were included in the budget of previous years, it has been repeated in the annual budget of 2022. However, the condition for the projects to be included in the annual budget and to be included in the property acquisition projects is to obtain legal permits, and not just to include the project in the budget lines.

The Association of Defenders of Environmental Rights and Natural Resources of Khuzestan brings in its protest statement about the crimes committed by the PBO: »What is certain is that the Planning and Budget Organization and Mr. Massoud Mirkazemi personally, in violation of the proposed regulations and contrary to the explicit text of Article 598 of the Islamic Penal Code, have illegally appropriated government funds by presenting the 1401 budget bill. It is obvious that environmental regulations and compliance with the criteria related to environmental assessments have a close and complete relationship with national security and repeated violations of the relevant regulations have led to disruption of this security in various cities, including Isfahan and Khuzestan. However, with regard to the above, while inquiring from the Environmental Protection Organization regarding the comment on the 411 projects mentioned in the budget bill, based on Articles 64 and 262 of the Code of Criminal Procedure, we request that you prosecute the head of the PBO on charges of acting against national security by allocating funds to illegal projects and misappropriating government funds.«

The head of the National Security Council called for an investigation into the cumulative effects of Karun water transfer projects on Khuzestan

Following the publication of the letter of Jalil Mokhtar, Abadan MP, to the Chairman of the Security Council and criticism of the continuation of the wrong practices of previous governments regarding the transfer of water from Khuzestan rivers in the new government, Ahmad Vahidi, Ahmad Vahidi issued her order to investigate the cumulative effects of Karun water transfer projects on Khuzestan. A copy of this letter has been sent to the Deputy Minister of Security and Civil Engineering of the Ministry of Interior. If this order is fulfilled, it will be the first time that the study of these effects will be on the government's agenda.

Abadan MP, in his letter criticized the non-public and illegal actions of the governors and security officials of Isfahan and Chaharmahal & Bakhtiari provinces in agreeing to implement Karun water transfer projects behind closed doors without informing Khuzestan officials and representatives. He emphasized that Khuzestan does not have the capacity to transfer water. It is worth mentioning that according to Jalil Mokhtar's correspondences and the documents he presented, the Beheshtabad tunnel workshop in Charmahin was equipped after a secret agreement between the officials of Isfahan and Chaharmahal & Bakhtiari provinces in the Security Council. The environmental organization has declared the agreement illegal. So far, officials in Isfahan and Ch & B have not remarked on the content of the letter.



Preventing the biological threat of the Persian Gulf

“On the day of the Persian Gulf”, Rafiei, the head of the environmental parliamentary party of the 11th parliament said:

»Our mission is to prevent the biological threat of the Persian Gulf, which has reached a maximum in recent years with the presence of trawlers. «

»One day, if the mission of our fathers was to expel foreigners from the Persian Gulf, today our mission is to prevent the biological threat of the Persian Gulf, which has reached a maximum in recent years with the presence of trawlers. The sea is generous as long as humans treat it properly,« Somayeh Rafiei wrote on her official Twitter page.

It is worth mentioning that valuable animal species such as whales, sharks, sea turtles and various fishery fish, etc. are under serious threat due to lack of pollution control and lack of control of invasive species and unrestrained hunting.

Widespread criticism of environmentalists for the drying up of Hur-al-Azim by the oil company

Following the resurgence of the particulates phenomenon, environmentalist in Khuzestan staged a massive protest against the extension of the Hur-al-Azim drying policy in order to extract oil. In this virtual campaign it is stated that:

»We, the country’s environmentalist, call for an end to the drying up of the Hur-al-Azim Wetland under the pretext of oil extraction. If oil is to be extracted from common sources, it must be done in the water environment and with the preservation of water rights of Hur-al-Azim wetland. Dust and pollution from the oil company’s vast destruction have made life difficult for everyone. For the constancy of the country, the performance of the oil company needs to be improved.«

The mulching agreement between Iran and Iraq has been sabotaged

Alireza Beigi, Tabriz MP stated: »It seems that the implementation of this agreement between Iran and Iraq has problems and in order to face the particulates phenomenon, the necessary action is not taken. It is necessary to explain about this sabotage.«

»On the other hand, the construction of dams in Turkey has certainly been effective in intensifying the particulates phenomenon and has led to a reduction in the share of water in various sectors. This issue should be pursued through international law and the path of diplomacy,« he continued.

»Another issue that should be considered in the face against the particulates phenomenon is the issue of border waters. Unfortunately, we have limited use of border water resources and we have to exercise our rights in the field of border waters. In recent years, both the budget allocated a good amount for the use of border waters and the Supreme Leader provided resources to the government from the Development Fund to control border waters. It must now be reported how much of this credit has been used for this purpose, « Beigi emphasized.

It is worth mentioning that in another action, 39 members of parliament, in their written warnings to the executive officials of the country, called for the formation of a gathering (consortium) of cooperation between the neighboring countries affected by the construction of dams in Turkey.

Support of international organizations of April ۱۷ as “Chaharmahal & Bakhtiari Day” and “World Day Against Water Transfer Projects”

Simultaneously with naming April 17 as “Chaharmahal & Bakhtiari Day” and “World Day Against Water Transfer Projects”, environmental organizations from around the world issued a statement congratulating environmental activists on this special day. In this statement, while announcing solidarity with environmental activists in Iran, the Tigris Rescue Movement, in honor of April 17, “Action Day to Combat Water Transfer”, expressed solidarity with activists in Turkey, Syria, Iraq, and other member countries. We also believe that rivers must flow in their natural bed in order to sustain the lives of all the human communities and natural ecosystems that have benefited from them throughout history. The signatories of this statement, while expressing solidarity with environmentalists in the Kind Zagros, in opposing water transfer and dam projects, as well as naming April 17 as Ch & B Day mention: We hope that your pursuit and international cooperation will ensure the vitality of your country’s valuable water areas.

It should be noted that on the initiative of environmentalists, April 17, the anniversary of the gathering of 30,000 people in Ch & B province against dam construction and water transfer projects was named as Ch & B Day and the International Day against Water Transfer Projects. On April 2014, 17, about 30,000 people from this region and the source of Zayandehrud and Karun in Chaharmahal and Bakhtiari province in the protection of these rivers and protest against the Golab and Beheshtabad tunnels, which caused the destruction of these two rivers and extensive environmental damage in the province and downstream provinces, they marched and shouted against the transfer of water.

It is necessary to mention that, despite previous coordination for holding a photo exhibition of environmental struggles of the people of Ch & B province with the Department of Culture and Islamic Guidance of Ch & B, the holding of this exhibition was prevented.



Groundbreaking and opening of unlicensed environmental assessment projects is prohibited

The head of the Environment Organization called on the governors to prevent groundbreaking and opening of unlicensed environmental assessment projects during provincial trips.

According to Fars News Agency, Ali Selajegheh, the head of the Environment Organization, in a letter asked the governors, considering the orders of the Supreme Leader, who said: »The issue of environment or preservation of natural resources is not a luxury and second-rate issue for us; this is a vital issue. In our efforts to develop the country, and also, while emphasizing the president that development is a secondary issue to the environment and the effects and consequences of the environment should be prevented from the activities of major development and macroeconomic projects in the country without obtaining an environmental permit, priority should be given in this area. «

»In previous years, with unusual pressures and pure partisanship, not only did not lead to land preparation and sustainable development, but also due to irreparable pollution and destruction, it became an anti-development phenomenon and its harmful effects on the escalation of environmental crises has provoked public dissatisfaction, « he added.

Selajegheh pointed to the implementation of projects such as freeways, highways and railways, dams, power plants, refineries and petrochemicals, inter-basin water transfer, etc., and said: »Unfortunately, unfortunately, these projects have been proposed in recent years as projects with physical progress but without an environmental permit, and due to non-compliance with laws, rules and regulations, they are always presented as a deep challenge between the executive and supervisory and judicial bodies with this organization. Unfortunately, considering that most of the projects are financed by obtaining illegal licenses from some agencies, including the Program and Budget Organization, and most of these projects were inaugurated with the same license by the senior officials and in consultation with the people's representatives in the Islamic Consultative Assembly, they cause a lot of problems for environmentalists.

Other relevant bodies also follow up these cases in the judiciary to resolve the imbalances, part of which is also considered as a violation of the executive bodies. These imbalances include deforestation and vegetation destruction, lack of observance of quantitative and qualitative boundaries of surface water resources, insufficient supply of water needs of projects, interference with the four environmental zones, location within cities or interference with prohibited realm, establishment of industry in metropolitan areas and proximity with the city and the village and social dissatisfaction, including non-fulfillment of the obligations of the executors towards other agencies and people, which eventually leads to delays in the implementation of projects or judicial suspension orders during the construction of the project«.

At the end of the letter, Salajegheh noted that in order to avoid future problems and cut the chain of unlicensed project, including the Environmental Protection Agency's permit as an environmental assessment permit, strongly avoid groundbreaking and inauguration of projects by senior officials, which usually happens during provincial trips.

It is worth mentioning that this organization and the provincial affiliated units will have the utmost cooperation to facilitate and expedite the issuance of licenses, as in the past, in a shorter time than the time prescribed by law.

Joint letter of the MPs of Khuzestan and Ch & B to prevent the transfer of Karun water

Representatives of the Ch & B and Khuzestan provinces wrote a joint letter to the president protesting the Ministry of Energy's policies toward the Karun, Karkheh and Dez rivers. In the text of this important letter, we read:

»Respectfully recalls, despite repeated warnings addressed to the Minister of Energy; to defend the environment, protect the country's rivers and other water areas, we see that the Ministry of Energy not only does not pay attention to its legal duties, but in particular has disregarded the Supreme Leader's macro-environmental policies, as exemplified by the implementation of hundreds of development projects without legal permits. The consequences of this behavior are the drying up of Khuzestan wetlands and the drying up of springs in Ch & B, and the exposure of the Karun and Karkheh rivers, etc., and the destruction of the ecosystems of Khuzestan and Ch & B through structural inefficiencies, management and implementation of water transfer projects. «

» Unfortunately, these days, there are rumors that the Golab tunnel will be flooded, but does not take into account the obligations contained in the environmental agreement of this project. The process of Golab project has proceeded in a completely abusive manner, in that all the licenses issued have been obtained after the implementation, and this shows the depth of the violations and the lobbying for obtaining these licenses. Another question is that if the Golab project is a passive defense project, what does it mean to allocate water for this project on the low-lying Zayandehrud? Is not this a new load on Zayandehrud? Please clearly explain the reason for the water intake of this project and the violations committed in obtaining permits, « the letter continued.

These representatives emphasized: »Unfortunately, the Ministry of Energy has left unanswered the correspondence with you regarding the need to reduce the allocations for Koohrang 2 , 1, etc. water transfer projects in accordance with the allocation regulations, therefore, it is necessary to order again for its practical implementation. Therefore, we request you to follow up and announce that with what support the subdivisions of the Ministry of Energy have refused to provide the information requested by the judiciary, such as Branch 3 of the Shahrekord Investigation, in relation to the Koohrang 3 Dam. «

آپوش

دیو خشکی و خشکسالی

فراخوان طراحی نشانه و تندیس
آپوش (دیو خشکی و خشکسالی)
«کمیته مردمی حمایت از زاگرس مهربان»
با مشارکت تشکلهای محیط زیستی از
سراسر کشور برگزار می کند :

«کمیته مردمی حمایت از زاگرس مهربان» با مشارکت تشکلهای محیط زیستی از سراسر کشور در نظر دارد با توجه به اصل پنجاهم قانون اساسی جمهوری اسلامی و در راستای سیاستهای کلان محیط زیستی، با همکاری و مشارکت سازمانهای مردم نهاد، شخصیتهای محیط زیستی، و چند تن از مقامهای رسمی، نسبت به شناسایی و معرفی عوامل و مجموعههایی مؤثر در اجرای پروژههای غیرقانونی و غیراصولی که به تخریب محیط زیست منجر می شود اقدام و به آنان «نشان آپوش» اعطا کند. آپوش در اسطورههای ایرانی دیو خشکسالی است و اخطای این نشان، اقدامی نمادین در راستای نقد فرهنگ برکوفری و گامی در جهت معرفی شخصیتهایی است که طوبخت و منابع ارزشمند خدادادی و بین نسلی را فدای منافع اقتصادی کوتاهمدت یا ناپایدار می کنند. باید که از این رهگذر، این شخصیتها با مجموعهها در رفتار خود تجدیدنظر کنند یا در صورت لزوم با ایشان برخورد قانونی لازم صورت گیرد.

هیات داوران بخش تندیس آپوش

لدا ملحدب جعفری - حمید شائین - مهدی رنگچی - حمیدرضا مانی زاده - بیژن قلیچ پور - حسین داوری لژاف - عباس افشاری

هیات داوران بخش طراحی نشانه آپوش

لدا ملحدب جعفری - حمیدرضا مانی زاده - شهاب الدین لژاف - مهدی احمدی

دبیر هنری : بی ۵ حسینی

آثار باید در دو حیطه ی تندیس و طراحی نشانه باشند.

قوانین و مقررات:

- آثار می بایست با ایده های نو و به دور از هرگونه کپی برداری طراحی شوند.
- هر هنرمند مجاز است در بخش تندیس و نشانه ۴ اثر (تو اثر در هر موضوع) به دبیرخانه مجازی ارسال نماید.
- طراحی نشانه ها باید با رزولوشن حداقل ۷۲ dpi در فرمت JPEG ارسال شود.
- آثار در قالب فایل پی دی اف همراه رزومه مختصر و عکس هنرمند ارسال شود.
- عکس های ارسالی از تندیس ها باید از زوایای مختلف تندیس باشد و نیز آثار طراحی سه بعدی تندیس ها نیز از زوایای مختلف طرح تندیس باشد.
- توجه : بزرگترین اندازه ی ضلع تندیس نباید بیشتر از ۵۰ سانتی متر باشد.
- امتیاز آثار ارسال شده به (کمیته مردمی حمایت از زاگرس مهربان) تعلق دارد و ده اثر برتر در هر دو بخش (تندیس ده اثر و طراحی نشانه ده اثر) در نمایشگاهی ارائه خواهند شد.

بخش تندیس به اثر برگزیده مبلغ ۳۰/۰۰۰/۰۰۰ ریال تعلق می گیرد.
بخش نشانه به اثر برگزیده مبلغ ۲۰/۰۰۰/۰۰۰ ریال تعلق می گیرد.

